



مرکز تحقیقات اسلامی

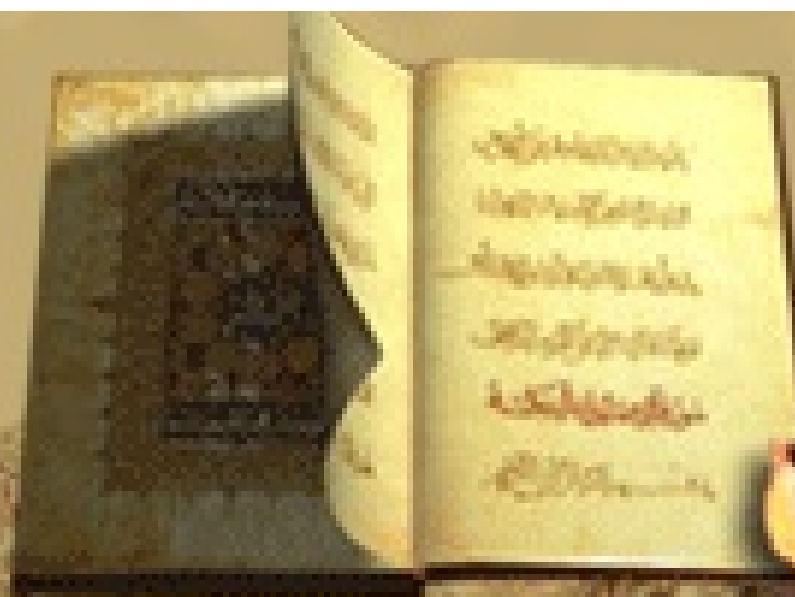
اصفهان

گامی



الرحمن  
علیهما صلوات

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



# الاطلاق

قرآن مجید

به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر

به زبان های زنده دنیا

**آشنایی . اعراب آیات . آوانگاری قرآن**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# قرآن مجید - ۲۸ ترجمه - ۶ تفسیر

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	۶۵. سوره الطلاق
۷	مشخصات کتاب
۷	سوره الطلاق
۸	آشنایی با سوره
۸	شان نزول
۱۰	اعراب آیات
۲۳	آوانگاری قرآن
۲۴	ترجمه سوره
۲۴	ترجمه فارسی استاد فولادوند
۲۶	ترجمه فارسی آیت الله مکارم شیرازی
۲۹	ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین انصاریان
۳۲	ترجمه فارسی استاد الهی قمشه ای
۳۴	ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی
۳۷	ترجمه فارسی استاد مجتبیوی
۴۰	ترجمه فارسی استاد آیتی
۴۲	ترجمه فارسی استاد خرمشاهی
۴۴	ترجمه فارسی استاد معزی
۴۶	ترجمه انگلیسی قرائتی
۴۸	ترجمه انگلیسی شاکر
۵۰	ترجمه انگلیسی ایروینگ
۵۲	ترجمه انگلیسی آربری
۵۴	ترجمه انگلیسی پیکتال
۵۶	ترجمه انگلیسی یوسفعلی

۵۹	ترجمه فرانسوی
۶۱	ترجمه اسپانیایی
۶۳	ترجمه آلمانی
۶۵	ترجمه ایتالیایی
۶۷	ترجمه روسی
۶۹	ترجمه ترکی استانبولی
۷۰	ترجمه آذربایجانی
۷۲	ترجمه اردو
۷۵	ترجمه پشتو
۷۶	ترجمه کردی
۷۶	ترجمه اندونزی
۷۹	ترجمه مالزیایی
۸۱	ترجمه سواحیلی
۸۴	تفسیر سوره
۸۴	تفسیر المیزان
۱۲۶	تفسیر نمونه
۱۶۸	تفسیر مجمع البیان
۲۱۵	تفسیر اطیب البیان
۲۲۵	تفسیر نور
۲۴۶	تفسیر انگلیسی
۲۵۲	درباره مرکز

سرشناسه: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۸۸ عنوان و نام پدیدآور: قرآن مجید به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر/ مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان مشخصات نشر دیجیتالی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع: معارف قرآنی

### سوره الطلاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا (۱)

فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا (۲)

وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (۳)

وَاللَّائِي يَنْسَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا (۴)

ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا (۵)

أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَاتَّمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَسْتُرْضِعْ لَهُ أُخْرَى (۶)

لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ

اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا (۷)

وَ كَأَيُّنْ مِنْ قَوْمِهِ عَتَّتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَ رُسُلِهِ فَحَاسِبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَ عَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُكْرًا (۸)

فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَ كَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا (۹)

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا (۱۰)

رَسُولًا- يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ مَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَ يَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا (۱۱)

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَنْزِلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ أَنَّ اللَّهَ قَدَّ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا (۱۲)

## آشنایی با سوره

۶۵- طلاق [رها ساختن و طلاق دادن زن]

در این سوره، احکام و مسائلی کلی در مورد طلاق و عده زنان مطلقه و مسائل، و احکام خانواده و ... بیان می شود. به همین جهت، این سوره نام دیگری هم دارد و آن نساء (زنان) است. در کنار مسائل فوق، موعظه ها و اندرزهایی و بشارتهایی هم داده شده است. و یادی از هلاکت اقوامی به جهت سر پیچی از فرمان خداوند. این سوره در حدود سالهای ۷ - ۹ هجرت در مدینه نازل شده و ۱۲ آیه دارد.

## شان نزول

تقوا، راه فرار از تنگ دستی

شان نزول آیه های ۲ و ۳ سوره طلاق

«عوف بن مالک»، مردی فقیر و تهی دست بود و از مال دنیا چیزی نداشت. او تنها یک پسر داشت که مشرکان او را اسیر کرده بودند. «عوف» نگران و گرسنه نزد رسول خدا آمد و از درد اندوه خود به سبب اسارت فرزند و فقر و بی چیزی نالید. پیامبر او را تسکین داد و به او فرمود: امشب در خانه ما جز مقدار کمی غذا یافت نمی شود. سپس پیامبر ادامه داد: ای عوف! صبر پیشه کن و پرهیزگار باش و کلمه لا-حول و لا-قوه الا-بالله را بسیار بر زبان جاری ساز. عوف، به خانه بازگشت و به خانواده خویش گفت: رسول الله ما را به تقوا و صبر و نیز تکرار لا حول و لا قوه الا بالله دستور داده است. خانواده اش گفتند: این دارو، بهترین مرهمی است که پیامبر به ما بخشیده است. این خانواده به دستور رسول خدا عمل کردند. چیزی نگذشت که پسر عوف، با گله ای از گوسفندان و شتران بازگشت و به پدرش



گفت: کسی را که مرا اسیر کرده بود، غافل گیر کردم و در حال غفلت، گوسفندان و شتران او را به غنیمت گرفتم. عوف نزد پیامبر رفت و پرسید که آیا این گوسفندان بر او حلال است یا نه. پیامبر فرمود: بلی، بر شما حلال است. سپس قسمتی از آیه ۲ و همه آیه ۳ سوره نازل شد:

... و هر کس از خدا پروا کند (خدا) برای او راه بیرون شدنی قرار می دهد (۱) و از جایی که حسابش را نمی کند، به او روزی می رساند و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است. خدا فرمانش را به انجام رسانده است. به راستی، خدا برای هر چیزی اندازه ای مقّر کرده است. (۱)

پاورقی:

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۰۶.

تقوا، راه فرار از تنگ دستی

شان نزول آیه های ۲ و ۳ سوره طلاق

«عوف بن مالک»، مردی فقیر و تهی دست بود و از مال دنیا چیزی نداشت. او تنها یک پسر داشت که مشرکان او را اسیر کرده بودند. «عوف» نگران و گرسنه نزد رسول خدا آمد و از درد اندوه خود به سبب اسارت فرزند و فقر و بی چیزی نالید. پیامبر او را تسکین داد و به او فرمود: امشب در خانه ما جز مقدار کمی غذا یافت نمی شود. سپس پیامبر ادامه داد: ای عوف! صبر پیشه کن و پرهیزگار باش و کلمه لا-حول و لا-قوه الا-بالله را بسیار بر زبان جاری ساز. عوف، به خانه بازگشت و به خانواده خویش گفت: رسول الله ما را به تقوا و صبر و نیز تکرار لا حول و لا قوه الا بالله دستور داده است. خانواده اش گفتند: این

دارو، بهترین مرهمی است که پیامبر به ما بخشیده است. این خانواده به دستور رسول خدا عمل کردند. چیزی نگذشت که پسر عوف، با گله ای از گوسفندان و شتران بازگشت و به پدرش گفت: کسی را که مرا اسیر کرده بود، غافل گیر کردم و در حال غفلت، گوسفندان و شتران او را به غنیمت گرفتم. عوف نزد پیامبر رفت و پرسید که آیا این گوسفندان بر او حلال است یا نه. پیامبر فرمود: بلی، بر شما حلال است. سپس قسمتی از آیه ۲ و همه آیه ۳ سوره نازل شد:

... و هر کس از خدا پروا کند (خدا) برای او راه بیرون شدنی قرار می دهد (۱) و از جایی که حسابش را نمی کند، به او روزی می رساند و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است. خدا فرمانش را به انجام رسانده است. به راستی، خدا برای هر چیزی اندازه ای مقّر کرده است. (۱)

پاورقی:

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۰۶.

## اعراب آیات

{بِسْمِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {اللَّهِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر / فعل مقدر یا محذوف / فاعل محذوف  
{الرَّحْمَنِ} نعت تابع {الرَّحِيمِ} نعت تابع

{یا} {یا} حرف ندا {أَيُّهَا} منادا، منصوب یا در محل نصب / (ها) حرف تنبیه {النَّبِيِّ} نعت تابع {إِذَا} ظرف یا مفعول فیه، منصوب یا در محل نصب {طَلَّقْتُمْ} فعل ماضی، مبنی بر سکون / (ت) ضمیر متصل، در محل رفع و فاعل {النِّسَاءِ} مفعول به، منصوب یا در محل نصب {فَطَلَّقُوهُنَّ} (ف) رابط جواب برای شرط / فعل امر، مبنی بر حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و

فاعل / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به {لَعَلَّاهُنَّ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / (ه) ضمیر متصل در محل  
 جر، مضاف الیه {وَأَخْضُوا} (و) حرف عطف / فعل امر، مبنی بر حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {الْعِدَّةُ}  
 مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {وَاتَّقُوا} (و) حرف عطف / فعل امر، مبنی بر حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع  
 و فاعل {اللَّهِ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {رَبِّكُمْ} نعت تابع / (ک) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {لَا}  
 حرف جزم {تُخْرِجُوهُنَّ} فعل مضارع مجزوم به حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل / (ه) ضمیر متصل در محل  
 نصب، مفعولٌ به {مِنْ} حرف جر {بُيُوتِهِنَّ} اسم مجرور یا در محل جر / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {وَلَا} (و)  
 حرف عطف / حرف جزم {يَخْرُجْنَ} فعل مضارع، مبنی بر سکون / (ن) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {إِلَّا} حرف استثنا  
 {أَنَّ} حرف نصب {يَأْتِينَ} فعل مضارع، مبنی بر سکون / (ن) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {بِفَاحِشِهِ} حرف جر و اسم  
 بعد از آن مجرور {مُبَيَّنَةٍ} نعت تابع {وَتَلَمَّكَ} (و) حرف استیناف / مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {حُدُودٌ} خبر، مرفوع یا در  
 محل رفع {اللَّهِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {وَمَنْ} (و) حرف عطف / اسم شرط جازم در محل رفع و مبتدا {يَتَعَدَّ}  
 فعل مضارع مجزوم به حذف حرف عله (ی) / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر / خبر

در تقدیر یا محذوف یا در محل {حُدُودٌ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {اللَّهِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {فَقَدْ} (ف) رابط جواب برای شرط / حرف تحقیق {ظَلَمَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {نَفْسَهُ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {لا} حرف نفی غیر عامل {تَدْرِی} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (انت) در تقدیر {لَعَلَّ} حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ {اللَّهِ} اسم لعل، منصوب یا در محل نصب {يُخْرِدُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر / خبر لعل محذوف {بَعْدَ} ظرف یا مفعولٌ فیهِ، منصوب یا در محل نصب {ذَلِكَ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {أَمْرًا} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب

{فَإِذَا} (ف) حرف استیناف / ظرف یا مفعولٌ فیهِ، منصوب یا در محل نصب {بَلَّغَنَ} فعل ماضی، مبنی بر سکون / (ن) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {أَجَلَهُنَّ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {فَأَمْسَتْ كُوهُنَّ} (ف) رابط جواب برای شرط / فعل امر، مبنی بر حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به {بِمَعْرُوفٍ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {أَوْ} حرف عطف {فَارِقُوهُنَّ} فعل امر، مبنی بر حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل / (ه) ضمیر

متصل در محل نصب، مفعولٌ به {بِمَعْرُوفٍ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {وَأَشْهَدُوا} (و) حرف عطف / فعل امر، مبنی بر حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {ذَوَى} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {عَدَلٍ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {مِنْكُمْ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {وَأَقِيمُوا} (و) حرف عطف / فعل امر، مبنی بر حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {الشَّهَادَةَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {لِلَّهِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {ذَلِكُمْ} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {يُوعَظُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری {بِهِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {مَنْ} نائب فاعل، مرفوع یا در محل رفع / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل {كَانَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / اسم کان، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {يُؤْمِنُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر / خبر کان، محذوف یا در تقدیر {بِاللَّهِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {وَالْيَوْمِ} (و) حرف عطف / معطوف تابع {الْآخِرِ} نعت تابع {وَمَنْ} (و) حرف استیناف / اسم شرط جازم در محل رفع و مبتدا {يَتَّقِ} فعل مضارع مجزوم به حذف حرف عله (ی) / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل {اللَّهِ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {يَجْعَلُ} فعل مضارع، مجزوم به سکون / فاعل، ضمیر مستتر (هو)

در تقدیر {لَهُ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {مَخْرَجًا} مفعول به، منصوب یا در محل نصب

{وَيَرْزُقُهُ} (و) حرف عطف / فعل مضارع، مجزوم به سکون / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعول به / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {مِنْ} حرف جر {حَيْثُ} اسم مجرور یا در محل جر {لَا} حرف نفی غیر عامل {يَحْتَسِبُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {وَمَنْ} (و) حرف عطف / اسم شرط جازم در محل رفع و مبتدا {يَتَوَكَّلُ} فعل مضارع، مجزوم به سکون / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل {عَلَى} حرف جر {اللَّهِ} اسم مجرور یا در محل جر {فَهُوَ} (ف) رابط جواب برای شرط / مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {حَسْبُهُ} خبر، مرفوع یا در محل رفع / ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {إِنَّ} حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ {اللَّهِ} اسم إنّ، منصوب یا در محل نصب {بِالْعِ} خبر إنّ، مرفوع یا در محل رفع {أَمْرِهِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {قَدْ} حرف تحقیق {جَعَلَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری {اللَّهُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {لِكُلِّ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {شَيْءٍ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {قَدْرًا} مفعول به، منصوب یا در محل نصب

{وَاللَّائِي} (و) حرف استیناف / مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {يَيْشُنَ} فعل مضارع، مبنی بر سکون / (ن) ضمیر متصل در

محل رفع و فاعل {مِنْ} حرف جر {الْمَحِيضِ} اسم مجرور یا در محل جر {مِنْ} حرف جر {نِسَائِكُمْ} اسم مجرور یا در محل جر / (ك) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {إِنْ} حرف شرط جازم {ارْتَبْتُمْ} فعل ماضی، مبنی بر سکون / (ت) ضمیر متصل، در محل رفع و فاعل {فَعِدَّتُهُنَّ} (ف) رابط جواب برای شرط / مبتدا، مرفوع یا در محل رفع / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {ثَلَاثَةَ} خبر، مرفوع یا در محل رفع {أَشْهُرٍ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر / خبر (اللّائِي) {وَاللّائِي} (و) حرف عطف / معطوف تابع {لَمْ} حرف جزم {يَحِضْنَ} فعل مضارع، مبنی بر سکون / (ن) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {وَأُولَاتُ} (و) حرف استیناف / مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {الْأَحْمَالِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {أَجْلُهُنَّ} مبتدا ثان (دوم) / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {أَنْ} حرف نصب {يَضَعْنَ} فعل مضارع، مبنی بر سکون / (ن) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل / خبر ثان (دوم)، محذوف / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل {حَمَلُهُنَّ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {وَمَنْ} (و) حرف استیناف / اسم شرط جازم در محل رفع و مبتدا {يَتَّقِ} فعل مضارع مجزوم به حذف حرف عله (ی) / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل {اللّه} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {يَجْعَلُ} فعل مضارع، مجزوم به سکون / فاعل، ضمیر مستتر (هو)

در تقدیر {لَهُ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {مِنْ} حرف جر {أَمْرِهِ} اسم مجرور یا در محل جر / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {يُسْرًا} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب

{ذَلِكَ} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {أَمْرٌ} خبر، مرفوع یا در محل رفع {اللَّهِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {أَنْزَلَهُ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {إِلَيْكُمْ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {وَمَنْ} (و) حرف عطف / اسم شرط جازم در محل رفع و مبتدا {يَتَّقِ} فعل مضارع مجزوم به حذف حرف عله (ی) / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل {اللَّهِ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {يَكْفُرُ} فعل مضارع، مجزوم به سکون / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {عَنْهُ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {سَيِّئَاتِهِ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {وَيُعْظِمُ} (و) حرف عطف / فعل مضارع، مجزوم به سکون / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {لَهُ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {أَجْرًا} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب

{أَشْيَئِكُنْهُنَّ} فعل امر، مبنی بر حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به {مِنْ} حرف جر {حَيْثُ} اسم مجرور یا در محل جر {سَكَنْتُمْ} فعل ماضی، مبنی بر سکون / (ت) ضمیر



متصل، در محل رفع و فاعل {مِنْ} حرف جر {وُجِدَ كُمْ} اسم مجرور یا در محل جر / (ك) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {وَلَا} (و) حرف عطف / حرف جزم {تُضَاوِرُوهُنَّ} فعل مضارع مجزوم به حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به {لَتَضَعِيْقُوا} (ل) حرف نصب / فعل مضارع، منصوب به حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {عَلَيْهِنَّ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {وَإِنْ} (و) حرف استیناف / حرف شرط جازم {كُنَّ} فعل ماضی، مبنی بر سکون / (ن) ضمیر متصل در محل رفع، اسم کان {أُولَاتِ} خبر کان، منصوب یا در محل نصب {حَمَلٍ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {فَأَنْفِقُوا} (ف) رابط جواب برای شرط / فعل امر، مبنی بر حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {عَلَيْهِنَّ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {حَتَّى} حرف نصب {يَضَعْنَ} فعل مضارع، مبنی بر سکون / (ن) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {حَمَلَهُنَّ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب / مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {فَإِنْ} (ف) حرف استیناف / حرف شرط جازم {أَرْضَعْنَ} فعل ماضی، مبنی بر سکون / (ن) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {لَكُمْ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {فَاتُوهُنَّ} (ف) رابط جواب برای شرط / فعل امر، مبنی بر حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به {أُجْوَرُهُنَّ} مفعولٌ

به ثان (دوم)، منصوب یا در محل نصب / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {وَأَتَمَّرُوا} (و) حرف عطف / فعل امر، مبنی بر حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {بَيْنَكُمْ} ظرف یا مفعولٌ فیهِ، منصوب یا در محل نصب / (ک) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {بِمَعْرُوفٍ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {وَأِنْ} (و) حرف استیناف / حرف شرط جازم {تَعَايَرْتُمْ} فعل ماضی، مبنی بر سکون / (ت) ضمیر متصل، در محل رفع و فاعل {فَسَتْرَضِعُ} (ف) رابط جواب برای شرط / (س) حرف استقبال / فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری {لَهُ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {أُخْرَى} فاعل، مرفوع یا در محل رفع

{لِيُنْفِقُ} (ل) امر / فعل مضارع، مجزوم به سکون {ذُو} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {سَعَهُ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {مِنْ} حرف جر {سَاعَتِهِ} اسم مجرور یا در محل جر / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {وَمَنْ} (و) حرف استیناف / اسم شرط جازم در محل رفع و مبتدا {قَدِرَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری {عَلَيْهِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {رَزَقَهُ} نائب فاعل، مرفوع یا در محل رفع / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل {فَلْيُنْفِقْ} (ف) رابط جواب برای شرط / (ل) امر / فعل مضارع، مجزوم به سکون / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {مِمَّا} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {آتَاهُ} فعل

ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به {اللَّهُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {لا} حرف نفی غیر عامل {يُكَلِّفُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری {اللَّهُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {نَفْسًا} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {إِلَّا} حرف استثنا {مَا} مفعولٌ به ثان (دوم)، منصوب یا در محل نصب {آتاها} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {سَيَجْعَلُ} (س) حرف استقبال / فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری {اللَّهُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {بَعِيدًا} ظرف یا مفعولٌ فيه، منصوب یا در محل نصب {عُسْرًا} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {يُسْرًا} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب

{وَكَايِنٌ} (و) حرف استیناف / مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {مِنْ} حرف جر زائد {قَرْيَةٍ} تمیز، منصوب {عَتَتْ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تانیث / فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل {عَنْ} حرف جر {أَمْرٍ} اسم مجرور یا در محل جر {رَبِّهَا} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {وَرُسُلِهِ} (و) حرف عطف / معطوف تابع / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {فَحَاسِبِينَهَا} (ف) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر سکون / (نا) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به {حِسَابًا} مفعول مطلق

یا نائب مفعول، منصوب {شَدِيداً} نعت تابع {وَعَذَّبْنَاهَا} (و) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر سکون / (نا) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به {عَذَاباً} مفعول مطلق یا نائب مفعول، منصوب {تُكَرَّأ} نعت تابع

{فَذَاقَتْ} (ف) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تانیث / فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر {وَبَالَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {أَمْرَهَا} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {وَوَكَانَ} (و) حرف استیناف / فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری {عَاقِبَهُ} اسم کان، مرفوع یا در محل رفع {أَمْرَهَا} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {خُسَيْرًا} خبر کان، منصوب یا در محل نصب

{أَعْيَدَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری {اللَّهُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {لَهُمْ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {عَذَاباً} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {شَدِيداً} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {فَاتَّقُوا} (ف) رابط جواب برای شرط / فعل امر، مبنی بر حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {اللَّهُ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {یا} (یا) حرف ندا {أُولَى} منادا، منصوب یا در محل نصب {الْأَلْبَابِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {الَّذِينَ} بدل تابع {آمَنُوا} فعل ماضی، مبنی بر ضمه / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {قَدْ} حرف تحقیق {أَنْزَلَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا

تقدیری {اللَّهُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {إِلَيْكُمْ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {ذِكْرًا} مفعول به، منصوب یا در محل نصب

{رَسُولًا} فعل مقدر یا محذوف / فاعل محذوف / مفعول به، منصوب یا در محل نصب {يَتْلُوا} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {عَلَيْكُمْ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {آيَاتٍ} مفعول به، منصوب یا در محل نصب {اللَّهُ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {مُبَيِّنَاتٍ} حال، منصوب {لِيُخْرِجَ} (ل) حرف نصب / فعل مضارع، منصوب به فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {الَّذِينَ} مفعول به، منصوب یا در محل نصب {آمَنُوا} فعل ماضی، مبنی بر ضمه / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {وَعَمِلُوا} (و) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر ضمه / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {الصَّالِحَاتِ} مفعول به، منصوب یا در محل نصب {مِنْ} حرف جر {الظُّلُمَاتِ} اسم مجرور یا در محل جر {إِلَى} حرف جر {النُّورِ} اسم مجرور یا در محل جر {وَمَنْ} (و) حرف استیناف / اسم شرط جازم در محل رفع و مبتدا {يُؤْمِنُ} فعل مضارع، مجزوم به سکون / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل {بِاللَّهِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {وَيَعْمَلُ} (و) حرف عطف / فعل مضارع، مجزوم به سکون / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {صَالِحًا} مفعول به، منصوب یا در محل نصب {يُدْخِلُهُ} فعل مضارع، مجزوم به سکون / (ه) ضمیر متصل در محل

نصب، مفعولٌ به / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {جَنَاتٍ} مفعولٌ به ثان (دوم)، منصوب یا در محل نصب {تَجْرِي} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری {مِنْ} حرف جر {تَحْتِهَا} اسم مجرور یا در محل جر / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {الْأَنْهَارُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {خَالِدِينَ} حال، منصوب {فِيهَا} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {أَيَّدًا} ظرف یا مفعولٌ فیه، منصوب یا در محل نصب {قَدْ} حرف تحقیق {أَحْسَنَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری {اللَّهُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {لَهُ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {رَزَقًا} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب

{اللَّهُ} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {الَّذِي} خبر، مرفوع یا در محل رفع {خَلَقَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {سَبَّعَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {سَمَاوَاتٍ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {وَمِنْ} {و} حرف عطف / حرف جر {الْأَرْضِ} اسم مجرور یا در محل جر {مِثْلَهُنَّ} معطوف تابع / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {يَتَنَزَّلُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری {الْأَمْزُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {بَيْنَهُنَّ} ظرف یا مفعولٌ فیه، منصوب یا در محل نصب / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {لِتَعَلَّمُوا} حرف نصب / فعل مضارع، منصوب به حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {أَنَّ} حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ {اللَّهُ} اسم أن، منصوب یا در محل نصب

{عَلَى} حرف جر {كُلُّ} اسم مجرور یا در محل جر {شَيْءٍ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {قَدِيرٌ} خبر إنَّ، مرفوع یا در محل رفع {وَأَنَّ} (و) حرف عطف / حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ {اللَّهِ} اسم أن، منصوب یا در محل نصب {قَدْ} حرف تحقيق {أَحَاطَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر / خبر أن محذوف {بِكُلِّ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {شَيْءٍ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {عِلْمًا} تمییز، منصوب

## آوانگاری قرآن

.Bismi Allahi alrrahmani alrraheemi

Ya ayyuha alnnabiyyu itha tallaqtumu alnnisaa fatalliqoohunna liAAiddatihinna.۱  
waahsoo alAAiddata waittaqoo Allaha rabbakum la tukhrijoohunna min buyootihinna  
wala yakhrujna illa an ya/teena bifahishatin mubayyinatin watilka hudoodu Allahi  
waman yataAAadda hudooda Allahi faqad thalama nafsahu la tadree laAAalla Allaha  
yuhdithu baAAada thalika amran

Fa-itha balaghna ajalahunna faamsikoohunna bimaAAroofin aw fariqoohunna.۲  
bimaAAroofin waashhidoo thaway AAadlin minkum waaqeemoo alshshahadata lillahi  
thalikum yooAAathu bihi man kana yu/mino biAllahi waalyawmi al-akhiri waman  
yattaqi Allaha yajAAal lahu makhrajan

Wayarzuqhu min haythu la yahtasibu waman yatawakkal AAala Allahi fahuwa.۳  
hasbuhu inna Allaha balighu amrihi qad jaAAala Allahu likulli shay-in qadran

Waalla-ee ya-isna mina almaheedi min nisa-ikum ini irtabtum faAAiddatuhunna.۴  
thalathatu ashhurin waalla-ee lam yahidna waolatu al-ahmali ajalahunna an  
yadaAAna hamlahunna waman yattaqi Allaha yajAAal lahu min amrihi yusran

Thalika amru Allahi anzalahu ilaykum waman yattaqi Allaha yukaffir AAanhu sayyi-.۵  
atihi wayuAAathim lahu ajran

Askinoohunna min haythu sakantum min wujdikum wala tudarroohunna.۶  
litudayyiqoo AAalayhinna wa-in kunna olati hamlin faanfiqoo AAalayhinna hatta  
yadaAAna hamlahunna fa-in ardaAAna lakum faatoohunna ooorahunna wa/tamiroo  
baynakum bimaAAroofin

wa-in taAAasartum fasaturdiAAu lahu okhra

Liyunfiq thoo saAAatin min saAAatihi waman qudira AAalayhi rizquhu falyunfiq.v  
mimma atahu Allahu la yukallifu Allahu nafsan illa ma ataha sayajAAalu Allahu baAAda  
AAusrin yusran

Wakaayyin min qaryatin AAatat AAan amri rabbiha warusulihi fahasabnaha hisaban.٨  
shadeedan waAAaththabnaha AAathaban nukran

Fathaqat wabala amriha wakana AAaqibatu amriha khusran .٩

aAAadda Allahu lahum AAathaban shadeedan faittaqoo Allaha ya olee al-albabi.١٠  
allatheena amanoo qad anzala Allahu ilaykum thikran

Rasoolan yatloo AAalaykum ayati Allahi mubayyinatin liyukhrija allatheena amanoo.١١  
waAAamiloo alssalihati mina alththulumati ila alnnoori waman yu/min biAllahi  
wayaAAamal salihan yudkhilhu jannatin tajree min tahtiha al-anharu khalideena feeha  
abadan qad ahsana Allahu lahu rizqan

Allahu allathee khalaqa sabAAa samawatin wamina al-ardi mithlahunna.١٢  
yatanazzalu al-amru baynahunna litaAAalamoo anna Allaha AAala kulli shay-in  
qadeerun waanna Allaha qad ahata bikulli shay-in AAilman

**ترجمه سوره**

**ترجمه فارسی استاد فولادوند**

به نام خداوند رحمتگر مهربان

ای پیامبر، چون زنان را طلاق گویند، در [زمان بندی عده آنان طلاقشان گویند و حساب آن عده را نگه دارید، و از خدا، پروردگارتان بترسید. آنان را از خانه هایشان بیرون نکنید، و بیرون نروند مگر آنکه مرتکب کار زشت آشکاری شده باشند. این است احکام الهی. و هر کس از مقررات خدا [پای فراتر نهد، قطعاً به خودش ستم کرده است. نمی دانی، شاید خدا پس از این، پیشامدی پدید آورد. (۱)]

پس چون عده آنان به سر رسید، [یا] به شایستگی نگاهشان دارید، یا به شایستگی از آنان جدا شوید، و دو تن [مرد] عادل را از میان خود گواه گیرید، و گواهی را برای خدا به پا دارید. این است اندرزی که به آن کس که به خدا و



روز بازپسین ایمان دارد، داده می شود، و هر کس از خدا پروا کند، [خدا] برای او راه بیرون شدنی قرار می دهد. (۲)

و از جایی که حسابش را نمی کند، به او روزی می رساند، و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است. خدا فرمانش را به انجام رساننده است. به راستی خدا برای هر چیزی اندازه ای مقرر کرده است. (۳)

و آن زنان شما که از خون دیدن [ماهانه نومیدند، اگر شک دارید [که خون می بینند یا نه؟] عدّه آنان سه ماه است، و [دخترانی که [هنوز] خون ندیده اند [نیز عدّه شان سه ماه است، و زنان آبستن مدّتشان این است که وضع حمل کنند، و هر کس از خدا پروا دارد [خدا] برای او در کارش تسهیلی فراهم سازد. (۴)

این است فرمان خدا که آن را به سوی شما فرستاده است؛ و هر کس از خدا پروا کند، بدیهایش را از او بزدايد و پاداشش را بزرگ گرداند. (۵)

همانجا که [خود] سکونت دارید، به قدر استطاعت خویش آنان را جای دهید و به آنها آسیب [و زیان مرسانید تا عرصه را بر آنان تنگ کنید. و اگر باردارند خرجشان را بدهید تا وضع حمل کنند. و اگر برای شما [بچه شیر می دهند مزدشان را به ایشان بدهید و به شایستگی میان خود به مشورت پردازید، و اگر کارتان [در این مورد] با هم به دشواری کشید [زن دیگری [بچه را] شیر دهد. (۶)

بر توانگر است که از دارایی خود هزینه کند، و هر که روزی او تنگ باشد باید از آنچه خدا به او داده خرج

کند. خدا هیچ کس را جز [به قدر] آنچه به او داده است تکلیف نمی کند. خدا به زودی پس از دشواری آسانی فراهم می کند. (۷)

و چه بسیار شهرها که از فرمان پروردگار خود و پیامبرانش سر پیچیدند و از آنها حسابی سخت کشیدیم و آنان را به عذابی [بس زشت عذاب کردیم. (۸)

تا کیفر زشت عمل خود را چشیدند، و پایان کارشان زیان بود. (۹)

خدا برای آنان عذابی سخت آماده کرده است. پس ای خردمندانی که ایمان آورده اید، از خدا بترسید. راستی که خدا سوی شما تذکارتی فرو فرستاده است: (۱۰)

پیامبری که آیات روشنگر خدا را بر شما تلاوت می کند، تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون برد، و هر کس به خدا بگردد و کار شایسته کند او را در باغهایی که از زیر [درختان آن جویبارها روان است، درمی آورد، جاودانه در آن می مانند. قطعاً خدا روزی را برای او خوش کرده است. (۱۱)

خدا همان کسی است که هفت آسمان و همانند آنها هفت زمین آفرید. فرمان [خدا] در میان آنها فرود می آید، تا بدانید که خدا بر هر چیزی تواناست، و به راستی دانش وی هر چیزی را در بر گرفته است. (۱۲)

### ترجمه فارسی آیت الله مکارم شیرازی

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر.

«۱» ای پیامبر! هر زمان خواستید زنان را طلاق دهید، در زمان عدّه، آنها را طلاق گوئید [= زمانی که از عادت ماهانه پاک شده و با همسرشان نزدیکی نکرده باشند]، و حساب عدّه را نگه دارید؛ و از خدایی که پروردگار شماست بپرهیزید؛ نه شما آنها را از

خانه هایشان بیرون کنید و نه آنها [در دوران عده] بیرون روند، مگر آنکه کار زشت آشکاری انجام دهند؛ این حدود خداست، و هر کس از حدود الهی تجاوز کند به خویشتن ستم کرده؛ تو نمی دانی شاید خداوند بعد از این، وضع تازه [و وسیله اصلاحی] فراهم کند!

«۲» و چون عده آنها سرآمد، آنها را بطرز شایسته ای نگه دارید یا بطرز شایسته ای از آنان جدا شوید؛ و دو مرد عادل از خودتان را گواه بگیرید؛ و شهادت را برای خدا برپا دارید؛ این چیزی است که مؤمنان به خدا و روز قیامت به آن اندرز داده می شوند! و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند،

«۳» و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد؛ و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می رساند؛ و خدا برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است!

«۴» و از زنان، آنان که از عادت ماهانه مأیوسند، اگر در وضع آنها [از نظر بارداری] شک کنید، عده آنان سه ماه است، و همچنین آنها که عادت ماهانه ندیده اند؛ و عده زنان باردار این است که بار خود را بر زمین بگذارند؛ و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند کار را بر او آسان می سازد!

«۵» این فرمان خداست که بر شما نازل کرده؛ و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند گناهانش را می بخشد و پاداش او را بزرگ می دارد!

«۶» آنها [= زنان مطلقه] را هر جا خودتان سکونت دارید و در توانایی شماست سکونت دهید؛ و به آنها زیان نرسانید

تا کار را بر آنان تنگ کنید [و مجبور به ترک منزل شوند]؛ و اگر باردار باشند، نفقه آنها را بپردازید تا وضع حمل کنند؛ و اگر برای شما [فرزند را] شیر می دهند، پاداش آنها را بپردازید؛ و [درباره فرزندان، کار را] با مشاوره شایسته انجام دهید؛ و اگر به توافق نرسیدید، آن دیگری شیردادن آن بچه را بر عهده می گیرد.

«۷» آنان که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آنها که تنگدستند، از آنچه که خدا به آنها داده انفاق نمایند؛ خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانایی که به او داده تکلیف نمی کند؛ خداوند بزودی بعد از سختیها آسانی قرار می دهد!

«۸» چه بسیار شهرها و آبادیها که اهل آن از فرمان خدا و رسولانش سرپیچی کردند و ما بشدت به حسابشان رسیدیم و به مجازات کم نظیری گرفتار ساختیم!

«۹» آنها آثار سوء کار خود را چشیدند؛ و عاقبت کارشان خسران بود!

«۱۰» خداوند عذاب سختی برای آنها فراهم ساخته؛ پس از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید ای خردمندانی که ایمان آورده اید! [زیرا] خداوند چیزی که مایه تذکر است بر شما نازل کرده؛

«۱۱» رسولی به سوی شما فرستاده که آیات روشن خدا را بر شما تلاوت می کند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، از تاریکیها بسوی نور خارج سازد؛ و هر کس به خدا ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهد، او را در باغهایی از بهشت وارد سازد که از زیر [درختانش] نهرها جاری است، جاودانه در آن می مانند، و خداوند روزی نیکویی برای او قرار داده است!

«۱۲» خداوند همان

کسی است که هفت آسمان را آفرید، و از زمین نیز همانند آنها را؛ فرمان او در میان آنها پیوسته فرود می آید تا بدانید خداوند بر هر چیز تواناست و اینکه علم او به همه چیز احاطه دارد!

### ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین انصاریان

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

ای پیامبر! زمانی که خواستید زنان را طلاق دهید، آنان را در زمان عدّه [آن زمانی که از عادت پاک شده و با همسر آمیزش نکرده باشند] طلاق دهید و حساب عدّه را نگه دارید، و از خدا پروردگارتان پروا کنید، و آنان را [در مدتی که عدّه خود را می گذرانند] از خانه هایشان بیرون مکنید، و آنان هم [در مدت عدّه] بیرون نروند مگر اینکه مرتکب عمل زشت آشکاری شوند [که در آن صورت بیرون کردنشان از خانه بی مانع است]. این حدود خداست؛ و هر که از حدود تجاوز کند، یقیناً به خودش ستم ورزیده است. تو نمی دانی شاید خدا پس از این [در عده طلاق]، کاری پدید آورد [تا وسیله صلح و سازشی میان آنان شود]. (۱)

و چون به پایان زمان [عدّه] نزدیک شدند، آنان را [با رجوع به زوجیت] به صورتی شایسته [که رعایت همه حقوق همسررداری است] نگه دارید یا از آنان به طرزی شایسته [که پرداخت همه حقوق شرعیه اوست] جدا شوید، و [هنگام جدایی]، دو عادل از خودتان را گواه [طلاق] گیرید. [و شما ای گواهان!] گواهی را برای خدا اقامه کنید. به وسیله این [حقایق] به کسی که همواره به خدا و روز قیامت ایمان دارد، اندرز داده می شود و هر که از خدا پروا کند، خدا برای او راه

بیرون شدن [از مشکلات و تنگناها را] قرار می دهد. (۲)

و او را از جایی که گمان نمی برد روزی می دهد، و کسی که بر خدا توکل کند، خدا برایش کافی است، [و] خدا فرمان و خواسته اش را [به هر کس که بخواهد] می رساند؛ یقیناً برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است. (۳)

و از زنان شما آنانی که از عادت ماهیانه ناامیدند، اگر شک دارید [که به سبب رسیدن به سن یائسگی یا عاملی دیگر است] عدّه آنان [پس از طلاق] سه ماه است. و [هم چنین عدّه] زنانی که [با وجود سن معمولی] عادت نشده اند [سه ماه است] و [پایان] عدّه زنان باردار، روزی است که وضع حمل می کنند. و هر که از خدا پروا کند برای او در کارش آسانی قرار می دهد. (۴)

این حقایق بیان شده احکام خداست که آنها را به سوی شما نازل کرده است؛ و هر کس از خدا پروا کند، گناهانش را از او محو می کند و پاداش او را بزرگ می دارد. (۵)

زنان طلاق داده را [تا پایان عدّه] به اندازه توانگری خود آنجا سکونت دهید که خود سکونت دارید و به آنان [در نفقه و مسکن] آسیب و زیان نرسانید تا زندگی را بر آنان سخت و دشوار کنید [و آنان مجبور به ترک خانه شوند]، و اگر باردار باشند، هزینه آنان را تا زمانی که وضع حمل کنند، پردازید و اگر [پس از جدایی]، کودک شما را شیر دادند، اجرتشان را بدهید، و در میان خود [درباره فرزند] به نیکی و شایستگی مشورت کنید [تا به توافقی عادلانه برسید و در نتیجه به حقّ زن

و شوهر و فرزند زبانی نرسد] و اگر [کارتان در این زمینه] با یکدیگر به سختی کشید [و نهایتاً به توافق نرسیدید]، زنی دیگر کودک را [با هزینه پدر] شیر دهد. (۶)

بر توانگر است که از توانگری اش [همسر بچه دارش را در ایام عده] هزینه دهد، و هر که رزق و روزی اش تنگ باشد از همان که خدا به او عطا کرده هزینه دهد. خدا هیچ کس را جز به اندازه رزقی که به او عطا کرده است، تکلیف نمی کند. خدا به زودی پس از سختی و تنگنا، فراخی و گشایش قرار می دهد. (۷)

چه بسیار آبادی ها که [اهلش] از فرمان پروردگارشان و فرستادگانش روی برگردانند، پس ما آنان را به حساب سختی محاسبه کردیم و به عذاب بسیار شدیدی عذاب نمودیم؛ (۸)

و آنان کیفر سنگین کفر و کبرشان را چشیدند و سرانجام کارشان خسارت بود. (۹)

خدا برای آنان [در آخرت] عذابی سخت آماده کرده است، پس ای خردمندان مؤمن! از خدا پروا کنید. به راستی خدا به سوی شما وسیله تذکر نازل کرده است. (۱۰)

[و آن] پیامبری [است] که آیات روشن خدا را بر شما می خواند، تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند از تاریکی ها به سوی نور بیرون آورد. و هر کس به خدا ایمان بیاورد و کار شایسته انجام دهد، او را در بهشت هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، درآورد، در حالی که در آنها جاودانه اند. همانا رزق و روزی را برای او نیکو قرار داده است. (۱۱)

خداست که هفت آسمان و نیز مثل آنها هفت زمین را آفرید. همواره

فرمان او در میان آنها نازل می شود تا بدانید که خدا بر هر کاری تواناست و اینکه یقیناً علم خدا به همه چیز احاطه دارد. (۱۲)

## ترجمه فارسی استاد الهی قمشه ای

بنام خداوند بخشنده مهربان

الا- ای پیغمبر گرامی امت را بگو هر گاه آنان را طلاق دهید به وقت عده آنها یعنی در زمان پاکی از خون حیض که در آن پاکی هم نزدیکی به آنها نکرده اید طلاق دهید و زمان عده را مدت سه پاکی بشمارید و از خدا که آفریننده شماسست بترسید و آن زنان را تا در عده اند از خانه بیرون نکنید مگر آن که کار زشتی آشکار مرتکب شوند این احکام حدود شرع خداست و هر کس از حدود الهی تجاوز کند به خویشتن ستم کرده است. تو ندانی شاید خدا پس از طلاق کاری از نو پدید آرد یعنی میلرجوع در شما حادث گرداند (۱)

آنگاه که مدت عده را به پایان رسانند باز یا به نکوئی نگاهشان دارید یا به خوشرفتاری رهشان کنید و نیز بر طلاق آنها دو مرد مسلمان عادل گواه کنید. بدین وعظ الهی آن کس که به خدا و روز قیامت ایمان آورد متعظ و بهره مند خواهد شد و هر کس خداترس و پرهیزکار شود خدا راه بیرون شدن از عهده گناهان و بلا و حوادث سخت عالم را بر او میگذشاید (۲)

و از جایی که گمان نبرد به او روزی عطا کند و هر که در هر امر بر خدا توکل کند خدا او را کفایت خواهد کرد که خدا امرش بر همه عالم نافذ و روانست و بر هر چیز قدر و اندازه ای مقرر داشته



است و به هیچ تدبیری سر از تقدیرش نتوان پیچید (۳)

و از زنان شما آنان که از حیض و فرزند به ظاهر نومیدند اگر باز شک در تحققسن یسشان دارید عده طلاق آنان سه ماهست و نیز آنانی که حیض ندیده لیکن در سن حیض باشند آنها هم سه ماه عده نگه دارند. و آنان حامله مدت عده شان تا وقت زائیدنست. و هر که متقی و خداترس باشد خدا مشکلات کار او را در دو عالم آسان می گرداند (۴)

این احکام فرمان خداست که بر شما نازل کرد و هر که از خدا بترسد خدا گناهانش بپوشد و او را پاداش بزرگ بهشت ابد عطا کند (۵)

زنانی که طلاق رجعی دهید تا در عده اند باز آنها را در همان منزل خویش که میسر شماست بنشانید و به ایشان در نفقه و سکنی آزار و زیان نرسانید تا آنان رادر مضیقه و رنج درافکنید که به ناچار از حق خود بگذرند و به آنان مطلقه اگر حامله باشند تا وقت وضع حمل نفقه دهید آنگاه اگر فرزند شما را شیر دهند اجرتشان با قرارداد متعارف بین خود پردازید و اگر با هم سخت گیری کنید مادر صرف نظر کند تا دیگری را برای شیر دادن طلبید (۶)

تا مرد دارا به وسعت و فراوانی، نفقه آن شیرده دهد و آن که نادار و تنگ معیشت هم از آنچه خدا به او داده انفاق کند که خدا هیچکس را جز به مقدار آنچه توانائی داده تکلیف نمیکند. و خدا بزودی بعد هر سختی آسانی قرار دهد (۷)

و چه بسیار مردم دیاری را که از

امر خدا و رسولانش سرپیچیدند و کافر شدند ما هم آنان را به حساب سخت مواخذه کردیم و به عذاب بسیار شدید معذب ساختیم (۸)

تا به کیفر کردار خود رسیدند و عاقبت کارشان زیانکاری و حسرت گردید (۹)

و خدا بر آنان عذاب سخت جهنم مهیا ساخت پس شما ای خردمندانی که ایمان آورده اید از خدا بترسید و راه طاعت پیش گیرید که خدا برای هدایت شما قرآن نازل کرد (۱۰)

و رسول بزرگواری را که برای شما آیات روشن بیان خدا را تلاوت کند فرستاد تا آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند از ظلمات جهل به سوی معرفت و ایمان بازآرد و بدانید هر کس به خدا ایمان آورده و نیکوکار شود در باغهای بهشتی درآید که نهرها زیر درختانش جاریست و همیشه در آن بهشت ابد متنعم است که خدادر آنجا رزق بسیار نیکو بر او مهیا ساخته است (۱۱)

خدا آن کسی است که هفت آسمان را آفرید و مانند آن آسمانها از هفت طبقه زمینخلق فرمود و امر نافذ خود را در بین هفت آسمان و زمین نازل و نافذ کند تا بدانید که خدا بر هر چیز توانا و به احاطه علمی بر همه امور عالم آگاهست (۱۲)

### ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.

ای پیامبر! هرگاه خواستید زنان را طلاق دهید، پس در زمان عِدّه، آنان را طلاق دهید (= زمانی که از عادت ماهانه پاک شده و هنوز با شوهر همبستر نشده اند) و حساب (ایام) عِدّه را نگه دارید و از خدایی که پروردگار شماست پروا کنید. (در ایام عِدّه، نه شما آنان را از

خانه بیرون کنید و نه آنان بیرون روند، مگر آنکه مرتکب کار زشت آشکاری شوند (که در این صورت اخراجشان مجاز است). این دستورات، حدود خداست و هر کس از حدود الهی تجاوز کند، به خویش ستم کرده است. تو نمی دانی، شاید خداوند بعد از این، امر تازه ای پدید آورد. (۱)

پس چون به پایان مدّت عدّه نزدیک شدند، یا (با رجوع به آنان) به طرز شایسته و پسندیده ای نگاهشان دارید و یا (با پرداخت مهریه و سایر حقوق) به طرز شایسته ای از آنان جدا شوید و (هنگام طلاق) دو شاهد عادل از میان خود به گواه گیرید و گواهی را برای خدا به پا دارید. هر کس که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، این گونه پند داده می شود و هر کس که از خدا پروا کند، خداوند برای او راه بیرون شدن و رهایی (از هر گونه مشکل) را قرار می دهد. (۲)

و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد و هر کس بر خدا توکل کند، او برایش کافی است. همانا خداوند کار خود را محقق می سازد. همانا خداوند برای هر چیز اندازه ای قرار داده است. (۳)

و زنانی که از عادت ماهانه مأیوسند، (و قصد دارید آنان را طلاق دهید)، اگر در وضع آنان شک کنید (که این عدم عادت به خاطر سن است یا بیماری و یا بارداری)، پس عدّه آنان سه ماه است و هم چنین است حکم زنانی که حیض ندیده اند (با آن که در سنّ حیض هستند) و پایان عدّه زنان باردار، وضع حمل آنان است و هر کس از خدا پروا کند، خداوند

برای او در کارش آسانی پدید می آورد. (۴)

این فرمان خداوند است که آن را به سوی شما نازل کرده است و هر کس از خدا پروا کند خداوند بدی هایش را می زداید و اجرش را بزرگ می گرداند. (۵)

(تا پایان زمان عدّه)، زنان را در همانجا که خود سکونت دارید و در توانایی شماست، سکونت دهید و به آنان (از جهت مسکن و نفقه) آسیب نرسانید، تا کار بر آنان تنگ نمایید (و مجبور به ترک منزل شوند) و اگر باردار باشند، تا زمانی که وضع حمل کنند نفقه آنان را بدهید. پس اگر نوزادان شما را شیر دادند مزدشان را بدهید و (درباره نوزاد) میان خود به نیکی مشورت و توافق کنید و اگر توافق به دشواری کشید، زن دیگری او را شیر دهد (و مرد برای نوزاد دایه بگیرد). (۶)

هر کس که دارای وسعت (مالی) است، باید طبق وسعت خود نفقه دهد و کسی که روزی بر او تنگ شده، باید از آنچه خداوند به او داده (به اندازه توان خود) انفاق کند. زیرا خداوند هیچ کس را مگر به اندازه آنچه به او داده است، تکلیف نمی کند. به زودی خداوند پس از سختی، آسانی و فراخی پدید می آورد. (۷)

و چه بسیار مناطق مسکونی که از فرمان پروردگار خود و فرستادگانش سر باز زدند، پس ما سخت به حساب آنان رسیدیم و به عذابی ناشناخته عذابشان کردیم. (۸)

پس آنان ثمره تلخ کار خود را چشیدند و سرانجام کارشان خسارت بود. (۹)

خداوند برای آنان عذابی سخت مهیا کرده است، پس ای خردمندان که ایمان آورده اید! از خدا پروا کنید. همانا

خداوند وسیله تذکر برای شما فرستاده است. (۱۰)

(آن وسیله تذکر، پیامبری است که آیات روشنگر الهی را بر شما تلاوت می کند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، از تاریکی ها به سوی نور بیرون آورد و کسانی که به خدا ایمان آورده و عمل شایسته انجام دهند، خداوند آنان را به باغ هایی که نهرها از زیر آن ها جاری است وارد می کند و برای همیشه در آنجا جاودانه هستند. حقا که خداوند روزی آنان را نیکو ساخته است. (۱۱)

خدا است آن که هفت آسمان را آفرید و از زمین نیز همانند آن ها (را بیافرید). فرمان الهی میان آن ها نازل می شود تا بدانید که خداوند بر هر چیزی توانا است و علم او بر همه چیز احاطه دارد. (۱۲)

### ترجمه فارسی استاد مجتبی

به نام خدای بخشاینده مهربان

ای پیامبر، چون خواهی زنان را طلاق دهید پس آنان را به هنگام عده ایشان طلاق دهید و شمار عده را نگاه دارید، و از خدای، پروردگارتان، پروا کنید، و آنان را از خانه هاشان بیرون نکنید و [آنها هم] بیرون نروند مگر آنکه کار زشت آشکاری کرده باشند. و این مرزهای - احکام - خداست و هر که از مرزهای خدا درگذرد برآستی به خود ستم کرده است. تو - ای طلاقدهنده - چه دانی، شاید خداوند پس از این کاری پدید آرد. (۱)

پس چون به سرآمد خویش نزدیک شدند، یا به شیوه ای نیکو و پسندیده نگاهشان دارید یا از آنان بخوبی جدا شوید، و دو تن عادل از خودتان را گواه گیرید، و گواهی را برای خدا برپا دارید - ادا کنید -، این است

که به آن پند داده می شود هر که به خدا و روز بازپسین ایمان دارد، و هر که از خدا پروا کند برای او راه بیرون شدن [از هر دشواری و اندوهی] پدید آرد (۲)

و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد. و هر که بر خدا توکل کند خدا او را بسنده است. همانا خدا کار خود را رساننده است [به آنجا که خواهد]. براستی که خداوند برای هر چیزی اندازه ای نهاده است. (۳)

و آن زنانی از شما که از حیض - قاعدگی - ناامید شده باشند، اگر شک داشتید - علت آن ندانستید - پس عده [طلاق] ایشان سه ماه است و نیز زنانی که حیض ندیده اند - با آنکه در سنین حیض دیدن هستند - و زنان باردار سرآمدشان این است که بار خود را بنهند. و هر که از خدای پروا کند - به طاعت او - او را در کارش آسانی پدید آرد. (۴)

این فرمان خداست که آن را به سوی شما فرو فرستاد، و هر که از خدای پروا کند بدی هایش را از او بزدايد و مزدش را بزرگ سازد. (۵)

آنان - زنان طلاق داده - را [تا سرآمد عده شان] آنجا سکونت دهید که خود سکونت می کنید از همان توانایی که دارید و به ایشان گزند مرسائید - در نفقه و مسکن - تا بر آنها تنگ گیرید - که از آنجا بیرون روند - و اگر بار دارند بر آنها هزینه کنید تا بار خویش بنهند. پس اگر کودکان شما را شیر دادند، مزدشان را بدهید، و با یکدیگر به شایستگی و

خوبی مشورت و سازش کنید - در شیر دادن مادر و پرداخت اجرت از سوی پدر - و اگر دشواری کنید - به توافق نرسیدید - زنی دیگر باید او را شیر دهد - پدر دایه بگیرد - (۶)

فراخدست از فراخدستی خود هزینه کند، و هر که روزی اش بر او تنگ شده باشد از آنچه خداوند به او داده است هزینه کند - یعنی به اندازه توان خود -، خدا هیچکس را تکلیف نمی کند مگر [به اندازه] آنچه به او داده است. خداوند پس از سختی و دشواری آسانی و فراخی پدید خواهد آورد. (۷)

و بسا [مردم] دیه و شهر که از فرمان پروردگارشان و فرستادگان او سر باز زدند پس سخت به حساب آنها رسیدیم و عذابشان کردیم عذابی دشوار و ناشناخته. (۸)

پس سرانجام بد کار خود را چشیدند و عاقبت کارشان زیان کاری بود. (۹)

خداوند برای آنان - مشرکان و کافران - عذابی سخت - عذاب دوزخ - آماده کرده است، پس ای خردمندان که ایمان آورده اید از خدای پروا کنید، همانا خدا به سوی شما یاد و پندی - قرآن - فرو فرستاده است (۱۰)

[و نیز بفرستاد] پیامبری که آیات روشن و روشنگر خدا را بر شما می خواند تا کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند از تاریکی ها به روشنایی بیرون آورد. و هر که به خدا ایمان آورد و کار شایسته کند او را به بهشتهایی درآورد که از زیر آنها جوی ها روان است، همیشه در آنجا جاودانه اند. همانا خدا روزی او را نیکو ساخته است. (۱۱)

خدای همان است که هفت آسمان و از زمین

همانند آن - هفت زمین - بیافرید، فرمان [او] میان آنها فرو می آید - جاری است - تا بدانید که خدای بر هر چیزی تواناست و دانش خدا همه چیز را فراگرفته است. (۱۲)

### ترجمه فارسی استاد آیتی

به نام خدای بخشاینده مهربان

ای پیامبر، اگر زنان را طلاق می دهید به وقت عده طلاقشان دهید. و شمار عده را نگه دارید. و از خدای یکتا پروردگارتان بترسید. و آنان را از خانه هایشان بیرون مکنید. و از خانه بیرون نروند مگر آنکه به آشکارا مرتکب کاری زشت شوند. اینها احکام خداوند است، و هر که از آن تجاوز کند به خود ستم کرده است. تو چه دانی، شاید خدا از این پس امری تازه پدید آورد. (۱)

و چون به پایان مدت رسیدند، یا به وجهی نیکو نگاهشان دارید یا به وجهی نیکو از آنها جدا شوید و دو تن عادل از خودتان را به شهادت گیرید. و برای خدا شهادت را به راستی ادا کنید. هر که را به خدا و روز قیامت ایمان دارد، اینچنین اندرز می دهند. و هر که از خدا بترسد. برای او راهی برای بیرون شدن قرار خواهد داد. (۲)

و از جایی که گمانش را ندارد روزی اش می دهد. و هر که بر خدا توکل کند، خدا او را کافی است. خدا کار خود را به اجرا می رساند و هر چیز را اندازه ای قرار داده است. (۳)

اگر در تردید هستید، از میان زنان آنهایی که از حیض مایوس شده اند و آنهایی که هنوز حیض نشده اند عده شان سه ماه است. وعده زنان آبستن همان وضع



حمل است. و هر که از خدا بترسد، خدا کارش را آسان خواهد کرد. (۴)

این فرمان خداست که بر شما نازل کرده است. و هر که از خدا بترسد، گناهانش را از او می زداید و او را پاداشی بزرگ می دهد. (۵)

هر جا که خود سکونت گزینید آنها را نیز به قدر توانایی خود مسکن دهید. و تا بر آنها تنگ گیرید میازاریدشان. و اگر آبستن بودند. نفقه شان را بدهید تا وضع حمل کنند. و اگر فرزند شما را شیر می دهند. مزدشان را بدهید و به وجهی نیکو با یکدیگر توافق کنید. و اگر به توافق نرسیدید، از زنی دیگر بخواهید که کودک را شیر دهد. (۶)

هر مالداری از مال خود نفقه دهد، و کسی که تنگدست باشد، از هر چه خدا به او داده است نفقه دهد. خدا هیچ کسی را مگر به آن اندازه که به او داده است مکلف نمی سازد، و زودا که خدا پس از سختی آسانی پیش آورد. (۷)

چه بسا مردم قریه ای که از فرمان پروردگارشان و پیامبرانش سر باز زدند. آنگاه ما سخت از آنها حساب کشیدیم و به عذابی سهمناک عذابشان کردیم. (۸)

پس عقوبت عمل خود را چشیدند. عاقبت کارشان زیانکاری بود. (۹)

خداوند برایشان عذابی سخت آماده کرد. پس ای خردمندانی که ایمان آورده اید، از خدا بترسید. خدا بر شما قرآن را نازل کرده است. (۱۰)

و پیامبری که آیات روشن خدا را برایتان می خواند تا کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند از تاریکی به روشنایی آورد. و هر که را به

خدا ایمان آورد و کار شایسته کند به بهشتهایی درآورد که در آن نهرها جاری است، همواره در آنجا بمانند و خدا روزیشان را کرامند گرداند. (۱۱)

خداست آن که هفت آسمان و همانند آنها زمین بیافرید. فرمان او میان آسمانها و زمین جاری است تا بدانید که خدا بر هر چیز قادر است و به علم بر همه چیز احاطه دارد. (۱۲)

### ترجمه فارسی استاد خرمشاهی

به نام خداوند بخشنده مهربان

ای پیامبر، چون خواهید زنان را طلاق گویند، از هنگامی که عده شان آغاز تواند شد [طهر غیر موقعه]، طلاق دهید، و حساب عده را نگه دارید، و از خداوند، پروردگارتان، پروا کنید، آنان را از خانه هایشان بیرون مکنید، و خودشان هم بیرون نروند، مگر آنکه مرتکب کار ناشایست آشکاری شوند، و این احکام الهی است و هر کس از [حد و مرز] احکام الهی تجاوز کند، به راستی در حق خود ستم روا داشته است، ندانی باشد که خداوند بعد از این کاری تازه پدید آورد (۱)

پس چون به پایان عده شان نزدیک شوند، یا به نیکویی نگاهشان دارید [و رجوع کنید]، یا با خیر و خوشی از آنان جدا شوید، و [بر این کار] دو [شاهد] عادل از میان خودتان را شاهد بگیرید، و شهادت را برای خداوند برپا دارید، این است که هر کس به خداوند و روز بازپسین ایمان دارد، بدان اندرز داده شود، و هر کس که از خداوند پروا [و پارسایی پیشه] کند، [خداوند] برای او بیرونشدهی بگذارد (۲)

و او را از جایی که گمان نمی برد، روزی رساند، و هر کس بر خداوند توکل کند، همو وی را کافی است، بی گمان خداوند

سررشته دار کار خویش است، به راستی که خداوند برای هر چیز اندازه ای نهاده است (۳)

و کسانی از زنان شما که از حیض می‌بوسند، اگر در کارشان شک دارید، بدانید که عده آنان سه ماه [سه پاکی] است، همچنین [است امر] زنانی که حیض ندیده اند، و بارداران، سرآمد عده شان این است که وضع حمل کنند، و هر کس از خداوند پروا کند، در کارش آسانی پدید آورد (۴)

این امر الهی است که به سوی شما نازلش کرده است، و هر کس از خداوند پروا کند، گناهانش را از او می‌زداید و پاداش او را بزرگ گرداند (۵)

آنان را در همانجا که خود سکنا دارید، در حد وسعتان سکنا دهید، و به آنان زیان مرسانید که عرصه را بر آنان تنگ بگیرید، و اگر [مطلقات] باردار باشند، خرجشان را بدهید تا آنکه وضع حمل کنند، و اگر برای شما [نوزاد را] شیر دادند، پس اجرتشان را پردازید، و در میان خود به نیکی ریزنی کنید، و اگر به توافق نرسیدید [زن] دیگری او را شیر دهد (۶)

تا توانگر بر وفق خود خرج کند و کسی که روزی اش تنگ شده است، در همان حد که خداوند به او بخشیده است خرج کند، خداوند بر هیچ کس جز بر وفق آنچه به او بخشیده است، تکلیف نمی‌کند، زودا که خداوند پس از تنگنا، آسایش مقرر دارد (۷)

و چه بسا شهرها که [اهالی آن] از فرمان پروردگارش و پیامبران او سرپیچید، آنگاه به سختی از آنان حساب کشیدیم، و به عذابی بی‌مانند معذبشان داشتیم (۸)

بدینسان عقوبت کار خود را چشید و عاقبت کارش زیان

خداوند برای آنان عذابى سهمگين آماده کرده است، پس ای خردمندان مومن از خداوند پروا کنید، به راستى که خداوند به سوى شما پندآموزى فرستاده است (۱۰)

پيامبرى که آیات روشننگر الهى را بر شما مى خواند، تا كسانى را که ايمان آورده اند و کارهاى شايسته کرده اند، از تاريخى ها به سوى روشنابى برآورد، و هر کس به خداوند ايمان آورد و نیکوکارى کند، او را به بوستانهاى که جويباران از فرودست آن جارى است، درآورد، و جاودانه در آنند، به راستى که خداوند روزى او را نیکو گردانده است (۱۱)

خداوند كسى است که هفت آسمان را آفريده است، و از زمين نیز همانند آن را، فرمان او از ميان آنها نازل مى گردد، تا بدانيد که خداوند بر هر کارى توانا است، و اينکه خداوند بر هر چيز احاطه علمى دارد (۱۲)

### ترجمه فارسى استاد معزى

بنام خداوند بخشاينده مهربان

ای پيمبر هر گاه طلاق گفتيد زنان را پس طلاقشان گوئيد براى عده آنان و بشمرید عده را و بترسيد خدا را پروردگار خویش برونشان نرانيد از خانه هاى خویش و برون نروند مگر آنکه بيارند فحشائى آشکار و اين است مرزهاى خدا و آنکه بگذرد از مرزهاى خدا همانا ستم کرده است خویش را ندانى شايد خدا پديد آرد پس از اين کارى را (۱)

تا گاهى که رسيدند سرآمد خویش را پس نگاهشان داريد به خوشى يا دورى گزينيد از ايشان به خوشى و گواه گيريد دو تن عدالتمند را از شما و پياى داريد گواهى را براى خدا بدین اندرز داده شود آنکو ايمان آرد به خدا و روز آخر و آنکه بترسد خدا را نهد

برایش برون شدنگاهی (۲)

و روزیش دهد از آنجا که در شمار نیارد و آنکو توکل کند بر خدا پس باشدش همانا خدا است رسنده کار او هر آینه نهاده است خدا برای هر چیزی اندازه ای (۳)

و آنان که نومید شدند از خون دیدن از زنان شما اگر شک آوردید پس عدّه ایشان سه ماه است و آنان که حیض نشدند (خون ندیدند) و زنان باردار سرآمد ایشان آن است که نهند بار خود را و آنکو بترسد خدا را قرار دهد برای او از کارش گشایشی (۴)

این است امر خدا که فرستادش بسوی شما و آنکو بترسد خدا را بستر از او گناهانش را و بزرگ کند برایش پاداش را (۵)

بنشانید زنان را آنجا که خود نشستید از دارائی خویش (یا از گشایش خویش) و نیازاریدشان که تنگ بر ایشان گیرید و اگر باشند بارداران پس هزینه کنید بر ایشان تا بنهند بار خود را و اگر شیر دادند برای شما پردازید بدیشان مزدهای ایشان را و بسازید با همدیگر به خوشی و اگر سخت باشد شما را زود است شیر دهدش دیگری (۶)

باید هزینه کند گشایشمند از گشایش خویش و آنکه تنگ شده است بر او روزی پس باید بدهد از آنچه خدایش داده است تکلیف نکند خدا کسی را جز آنچه بدادش زود است نهد خدا پس از تنگی گشایشی (۷)

و بسا شهری که سرپیچید از فرمان پروردگار خود و فرستادگانش پس رسیدیم حسابش را حسابی سخت و شکنجه کردیمش شکنجه ای زشت (۸)

پس چشید فرجام کار خویش را و شد پایان کار او زیانکاری (۹)

آماده کرد

خدا برای ایشان عذابی سخت پس بترسید خدا را ای خردمندان آنان که ایمان آوردید همانا فرستاد خدا بسوی شما ذکری (یادداشتی) (۱۰)

پیمبری که بسراید بر شما آیت‌های خدا را روشن تا برون آورد آنان را که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند از تاریکی‌ها بسوی روشنائی و آنکه ایمان آورد به خدا و بکند کاری شایسته در آردش باغهایی که روان است زیر آنها جوی‌ها جاودانان در آن همیشه به راستی نکو کرده است خدا برایش روزی را (۱۱)

خدا است آنکه آفرید هفت آسمان و از زمین مانند آنها فرود آید کار میان آنها تا بدانید که خدا بر همه چیز است توانا و آنکه خدا فراگرفته است همه چیز را به دانش (۱۲)

### ترجمه انگلیسی قرائی

.In the Name of Allah, the All-beneficent, the All-merciful

O Prophet! When you divorce women, divorce them at [the conclusion of] their term ۱ and calculate the term, and be wary of Allah, your Lord. Do not turn them out from their houses, nor shall they go out, unless they commit a gross indecency. These are Allah's bounds, and whoever transgresses the bounds of Allah certainly wrongs himself. You never know maybe Allah will bring off something new later on

Then, when they have completed their term, either retain them honourably or separate from them honourably, and take the witness of two fair men from among yourselves, and bear witness for the sake of Allah. To [comply with] this is advised whoever believes in Allah and the Last Day. And whoever is wary of Allah, He shall make

,a way out for him

and provide for him from whence he does not reckon. And whoever puts his trust in ۞ Allah, He will suffice him. Indeed Allah carries through His command. Certainly Allah .has set a measure for everything

As for those of your wives who do not hope to have menses, should you have any ۞ doubts, their term shall be three months, and for those [as well] who have not yet had menses. As for those who are pregnant, their term shall be until they deliver. And .whoever is wary of Allah, He shall grant him ease in his affairs

That is the ordinance of Allah which He has sent down to you, and whoever is wary ۞ .of Allah, He shall absolve him of his misdeeds and give him a great reward

House them where you live, in accordance with your means, and do not harass them ۞ to put them in straits, and should they be pregnant, maintain them until they deliver. Then, if they suckle [the baby] for you, give them their wages and consult together honourably; but if you make things difficult for each other, then another woman will .suckle [the baby] for him

Let the affluent man spend out of his affluence, and let he whose provision has been ۞ tightened spend out of what Allah has given him. Allah does not task any soul except .[according to] what He has given it. Allah will bring about ease after hardship

How many a town defied ۞

the command of its Lord and His apostles, then We called it to a severe account and  
.punished it with a dire punishment

So it tasted the evil consequences of its conduct, and the outcome of its conduct was ۹  
.ruin

Allah has prepared for them a severe punishment. So be wary of Allah, O you who ۱۰  
,possess intellect and have faith! Allah has already sent down to you a reminder

an apostle reciting to you the manifest signs of Allah that He may bring out those ۱۱  
who have faith and do righteous deeds from darkness into light. And whoever has  
faith in Allah and does righteous deeds, He shall admit him into gardens with streams  
running in them, to remain in them forever. Allah has certainly granted him an excel-  
.lent provision

It is Allah who has created seven heavens, and of the earth [a number] similar to ۱۲  
them. The command gradually descends through them, that you may know that Allah  
.has power over all things, and that Allah comprehends all things in knowledge

ترجمہ انگلیسی شاکر

O Prophet! when you divorce women, divorce them for~ their prescribed time, and  
calculate the number of the days prescribed, and be careful of (your duty to) Allah,  
your Lord. Do not drive them out of their houses, nor should they themselves go forth,  
(unl (۱

So when they have reached their prescribed time, then retain them with kindness or  
separate them with kindness, and call to witness two men of justice from among you,  
and give upright



(testimony for Allah. With that is admonished he who believes in Allah a ﴿

And give him sustenance from whence he thinks not; and whoever trusts in Allah, He is sufficient for him; surely Allah attains His purpose; Allah indeed has appointed a (measure for everything. ﴿

And (as for) those of your women who have despaired of menstruation, if you have a doubt, their prescribed time shall be three months, and of those too who have not had their courses; and (as for) the pregnant women, their prescribed time is that they lay (﴿

That is the command of Allah which He has revealed to you, and whoever is careful of ((his duty to) Allah, He will remove from him his evil and give him a big reward. ﴿

Lodge them where you lodge according to your means, and do not injure them in order that you may straiten them; and if they are pregnant, spend on them until they lay down their burden; then if they suckle for you, give them their recompense and (enjoin on ﴿

Let him who has abundance spend out of his abundance and whoever has his means of subsistence straitened to him, let him spend out of that which Allah has given him; Allah does not lay on any soul a burden except to the extent to which He has granted (it; ﴿

And how many a town which rebelled against the commandment of its Lord and His messengers, so We called it to account severely and We

(chastised it (with) a stern chastisement. (۸

(So it tasted the evil result of its conduct, and the end of its affair was perdition. (۹

Allah has prepared for them severe chastisement, therefore be careful of (your duty to) Allah, O men of understanding who believe! Allah has indeed revealed to you a (reminder, (۱۰

An Messenger who recites to you the clear communications of Allah so that he may bring forth those who believe and do good deeds from darkness into light; and whoever believes in Allah and does good deeds, He will cause him to enter gardens (beneath which (۱۱

Allah is He Who created seven heavens, and of the earth the like of them; the decree continues to descend among them, that you may know that Allah has power over all (things and that Allah indeed encompasses all things in (His) knowledge. (۱۲

ترجمہ انگلیسی ایروینگ

!In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful

O Prophet, whenever you [and other Muslims] divorce women, send them away (۱) according to their [legal] number and count up the amount [of months carefully], and heed God your Lord. Do not turn them out of their homes, nor should they be forced to leave except when they have committed some flagrant act of sexual misconduct. Such are God's limits, and anyone who oversteps God's limits thereby harms himself.

!You do not know whether God may let some matter happen later on

Thus whenever women reach their deadline, hold on to them in decency, or part (۲) from them

in decency. Have two impartial persons from among you act as witnesses, and set up a way to witness their testimony before God. That is what anyone who believes in God and the Last Day is instructed to do. God will grant a way out for anyone who heeds Him

and provide for him in a manner he could never anticipate. God suffices for anyone (۳) who relies on Him; God will accomplish His purpose. God has granted everything in due proportion

If you have any doubt concerning those women of yours who have finished with (۴) menstruation, then their count is three months; as it is with the ones who are still not menstruating. With those who are pregnant, their term will be whenever they give birth. God makes His matter easy for anyone who heeds Him

Such is God's command which He sends down to you (all). Anyone who heeds God (۵) will have his evil deeds remitted while He will pile up [his] earnings for him

House women wherever you reside, according to your circumstances, and do not (۶) harass them in order to make life difficult for them. If they are pregnant, then provide for them until they give birth, while if they are nursing [any babies] for you, then give them their allowances. Discuss things among yourselves in all decency, while if you [are hard on one another, then seek another wetnurse for [the father to pay

A man of means should spend out of his means, while anyone (۷)

whose income must be budgeted more carefully, should spend some of whatever God has granted him. God only holds a person responsible for something He has given him.

! God will grant ease, following hardship

How many towns have acted insolently towards both their Lord's and His (۸) messengers' command, so We summoned them to a stern accounting and punished them with unheard-of torment

They tasted the effect of their action and the outcome of their conduct was (۹) .perdition

God has prepared severe torment for them, so heed God, you prudent persons (۱۰) who believe; God has sent you down a Reminder

through a messenger reciting God's clear verses, so He may remove those who (۱۱) believe and perform honorable deeds from darkness into Light. God will show anyone who believes in Him and acts honorably into gardens through which rivers flow, to live there for ever. What a handsome provision God has granted him

God is the One Who created seven heavens, and the same [number of planets] (۱۲) which are like the earth. The Command prevails among them so you (all) may know that God is Capable of everything. God comprises everything in knowledge

ترجمہ انگلیسی آری

In the Name of God, the Merciful, the Compassionate

O Prophet, when you divorce women, divorce them when they have reached their period. Count the period, and fear God your Lord. Do not expel them from their houses, nor let them go forth, except when they commit a flagrant indecency. Those (are God's bounds (۱)

Then, when they have reached their

term, retain them honourably, or part from them honourably. And call in to witness two men of equity from among yourselves; and perform the witnessing to God Himself. By this then is admonished whosoever believes in God and the Last Day. And  
(whosoever fears God, He will appoint for him a way out, (۲

and He will provide for him from whence he never reckoned. And whosoever put his trust in God, He shall suffice him. God attains his purpose. God has appointed a  
(measure for everything. (۳

As for your women who have despaired of further menstruating, if you are in doubt, their period shall be three months, and those who have not menstruated as yet. And those who are with child, their term is when they bring forth their burden. Whoso fears  
(God, God will appoint for him, of His command, easiness. (۴

That is God's command, that He has sent down unto you. And whosoever fears God,  
(He will acquit him of his evil deeds, and He will give him a mighty wage. (۵

Lodge them where you are lodging, according to your means, and do not press them, so as to straiten their circumstances. If they are with child, expend upon them until they bring forth their burden. If they suckle for you, give them their wages, and consult together honourably. If you both make difficulties, another woman shall suckle  
(for him. (۶

Let the man of plenty expend out of his plenty. As for him whose provision is stinted to him, let him expend of what God has given him. God charges no soul save with what  
He

(has given him. God will assuredly appoint, after difficulty, easiness. ﴿٧

How many a city turned in disdain from the commandment of its Lord and His Messengers; and then We made with it a terrible reckoning and chastised it with a  
(horrible chastisement. ﴿٨

(So it tasted the mischief of its action, and the end of its affair was loss. ﴿٩

God prepared for them a terrible chastisement. So fear God, O men Possessed of  
(minds! Believers, God has sent down to you, for a remembrance, ﴿١٠

a Messenger reciting to you the signs of God, clear signs, that He may bring forth those who believe and do righteous deeds from the shadows into the light. Whosoever believes in God, and does righteousness, He will admit him to gardens underneath which rivers flow; therein they shall dwell for ever and ever. God has made for him a  
(goodly provision. ﴿١١

It is God who created seven heavens, and of earth their like, between them the Command descending, that you may know that God is powerful over everything and  
(that God encompasses everything in knowledge. ﴿١٢

ترجمہ انگلیسی پیکتال

.In the name of Allah, the Beneficent, the Merciful

O Prophet! When ye (men) put away women, put them away for their (legal) period and reckon the period, and keep your duty to Allah, your Lord. Expel them not from their houses nor let them go forth unless they commit open immorality. Such are the limits (imposed by) Allah; and whoso transgresseth Allah's limits, he verily wrongeth his soul. Thou knowest not: it may be that Allah will afterward bring some

(new thing to pass. (1)

Then, when they have reached their term, take them back in kindness or part from them in kindness, and call to witness two just men among you, and keep your testimony upright for Allah. Whoso believeth in Allah and the Last Day is exhorted to act thus. And whosoever keepeth his duty to Allah, Allah will appoint a way out for him,

((2

And will provide for him from (a quarter) whence he hath no expectation. And whosoever putteth his trust in Allah, He will suffice him. Lo! Allah bringeth His (command to pass. Allah hath set a measure for all things. (3

And for such of your women as despair of menstruation, if ye doubt, their period (of waiting) shall be three months along with those who have it not. And for those with child, their period shall be till they bring forth their burden. And whosoever keepeth his (duty to Allah, He maketh his course easy for him. (4

That is the commandment of Allah which He revealeth unto you. And whoso keepeth (his duty to Allah, He will remit from him his evil deeds and magnify reward for him. (5

Lodge them where ye dwell, according to your wealth, and harass them not so as to straiten life for them. And if they are with child, then spend for them till they bring forth their burden. Then, if they give suck for you, give them their due payment and consult together in kindness; but if ye make

difficulties for one another, then let some other woman give suck for him (the father  
(of the child). ﴿٤﴾

Let him who hath abundance spend of his abundance, and he whose provision is measured, let him spend of that which Allah hath given him. Allah asketh naught of (any soul save that which He hath given it. Allah will vouchsafe, after hardship, ease. ﴿٥﴾

And how many a community revolted against the ordinance of its Lord and His messenger, and we called it to a stern account and punished it with dire punishment,  
﴿٨﴾

So that it tasted the ill effects of its conduct, and the consequence of its conduct was  
(loss. ﴿٩﴾

Allah hath prepared for them stern punishment; so keep your duty to Allah, O men of (understanding! O ye who believe! Now Allah hath sent down unto you a reminder, ﴿١٠﴾

A messenger reciting unto you the revelations of Allah made plain, that He may bring forth those who believe and do good works from darkness unto light. And whosoever believeth in Allah and doeth right, He will bring him into Gardens underneath which (rivers flow, therein to abide for ever. Allah hath made good provision for him. ﴿١١﴾

Allah it is who hath created seven heavens, and of the earth the like thereof. The commandment cometh down among them slowly, that ye may know that Allah is Able (to do all things, and that Allah surroundeth all things in knowledge. ﴿١٢﴾

ترجمہ انگلیسی یوسفعلی

.In the name of Allah Most Gracious Most Merciful

O



Prophet! when ye do divorce women divorce them at their prescribed periods and count (accurately) their prescribed periods: and fear Allah your Lord: and turn them not out of their houses nor shall they (themselves) leave except in case they are guilty of some open lewdness. Those are limits set by Allah: and any who transgresses the limits of Allah does verily wrong his (own) soul: thou knowest not if perchance Allah will  
(bring about thereafter some new situation. (۱)

Thus when they fulfil their term appointed either take them back on equitable terms or part with them on equitable terms; and take for witness two persons from among you endued with justice and establish the evidence (as) before Allah. Such is the admonition given to him who believes in Allah and the Last Day. And for those who  
(fear Allah He (ever) prepares a way out, (۲)

And He provides for him from (sources) he never could imagine. And if anyone puts his trust in Allah sufficient is (Allah) for him. For Allah will surely accomplish His purpose:  
(verily for all things has Allah appointed a due proportion. (۳)

Such of your women as have passed the age of monthly courses for them the prescribed period if ye have any doubt is three months and for those who have no courses (it is the same): for those who carry (life within their wombs) their period is until they deliver their burdens: and for those who fear Allah He will make their path  
(easy. (۴)

That is the Command of Allah which He has sent down to you: and if anyone fears  
(Allah He will remove his ills from him and will enlarge His reward. ﴿۵﴾

Let the women live (in iddah) in the same style as ye live according to your means:  
annoy them not so as to restrict them. And if they carry (life in their wombs) then  
spend (your substance) on them until they deliver their burden: and if they suckle your  
(offspring) give them their recompense: and take mutual counsel together according  
to what is just and reasonable. And if ye find yourselves in difficulties let another  
(woman suckle (the child) on the (fathers) behalf. ﴿۶﴾

Let the man of means spend according to his means: and the man whose resources  
are restricted let him spend according to what Allah has given him. Allah puts no  
burden on any person beyond what He has given him. After a difficulty Allah will soon  
(grant relief. ﴿۷﴾

How many populations that insolently opposed the command of their Lord and of His  
apostles did We not then call to account to severe account? And We imposed on them  
(an exemplary Punishment. ﴿۸﴾

Then did they taste the evil result of their conduct and the End of their conduct was  
(Perdition. ﴿۹﴾

Allah has prepared for them a severe Punishment (in the Hereafter). Therefore fear  
Allah O ye men of understanding who have believed! for Allah hath indeed sent down  
(to you a Message ﴿۱۰﴾

An Apostle who rehearses to

you the Signs of Allah containing clear explanations that he may lead forth those who believe and do righteous deeds from the depths of Darkness into Light. And those who believe in Allah and work righteousness He will admit to Gardens beneath which rivers flow to dwell therein forever: Allah has indeed granted for them a most  
(excellent provision. (۱۱)

Allah is He Who created seven Firmaments and of the earth a similar number. Through the midst of them (all) descends His Command: that ye may know that Allah has power over all things and that Allah comprehends all things in (His) Knowledge.  
(۱۲)

### ترجمہ فرانسوی

.Au nom d'Allah, le Tout Miséricordieux, le Très Miséricordieux

۱. Prophète! Quand vous répudiez les femmes, répudiez-les conformément à leur ش période d'attente prescrite; et comptez la période; et craignez Allah votre Seigneur. Ne les faites pas sortir de leurs maisons, et qu'elles n'en sortent pas, à moins qu'elles n'aient commis une turpitude prouvée. Telles sont les lois d'Allah. Quiconque cependant transgresse les lois d'Allah, se fait du tort à lui-même. Tu ne sais pas si d'ici !à Allah ne suscitera pas quelque chose de nouveau

۲. Puis quand elles atteignent le terme prescrit, retenez-les de façon convenable, ou séparez-vous d'elles de façon convenable; et prenez deux hommes intègres parmi vous comme témoins. Et acquittez-vous du témoignage envers Allah. Voilà ce à quoi est exhorté celui qui croit en Allah et au Jour dernier. Et quiconque craint Allah, il lui ,donnera une issue favorable

۳. et lui accordera Ses dons par

des moyens] sur lesquels il ne comptait pas. Et quiconque place sa confiance en Allah,] Il [Allah] lui suffit. Allah atteint ce qu'Il Se propose, et Allah a assigné une mesure à .chaque chose

Si vous avez des doutes à propos (de la période d'attente) de vos femmes qui .۴ n'espèrent plus avoir de règles, leur délai est de trois mois. De même pour celles qui n'ont pas encore de règles. Et quant à celles qui sont enceintes, leur période d'attente se terminera à leur accouchement. Quiconque craint Allah cependant, Il lui facilite les .choses

Tel est le commandement d'Allah qu'Il a fait descendre vers vous. Quiconque craint .۵ Allah cependant, il lui efface ses fautes et lui accorde une grosse récompense

Et faites que ces femmes habitent où vous habitez, et suivant vos moyens. Et ne .۶ cherchez pas à leur nuire en les contraignant à vivre à l'étroit. Et si elle sont enceintes, pourvoyez à leurs besoins jusqu'à ce qu'elles aient accouché. Puis, si elles allaitent [l'enfant né] de vous, donnez-leur leurs salaires. Et concertez-vous [à ce sujet] de façon convenable. Et si vous rencontrez des difficultés réciproques, alors, une autre .allaitera pour lui

Que celui qui est aisé dépense de sa fortune; et que celui dont les biens sont .۷ restreints dépense selon ce qu'Allah lui a accordé. Allah n'impose à personne que .selon ce qu'Il lui a donné, et Allah fera succéder l'aisance à la gêne

Que de cités ont refusé avec insolence le commandement de leur Seigneur et de ۸

Ses messagers! Nous leur en demandâmes compte avec sévérité, et les châtiâmes  
d'un châtiment inouï

Elles goûtèrent donc la conséquence de leur comportement. Et le résultat final de  
leurs actions fut [leur] perdition

Allah a préparé pour eux un dur châtiment. Craignez Allah donc, vous qui êtes  
doués d'intelligence, vous qui avez la foi. certes, Allah a fait descendre vers vous un  
rappel

un Messenger qui vous récite les versets d'Allah comme preuves claires, afin de  
faire sortir ceux qui croient et accomplissent les bonnes oeuvres des ténèbres à la  
lumière. Et quiconque croit en Allah et fait le bien, Il le fait entrer aux Jardins sous  
lesquels coulent les ruisseaux, pour y demeurer éternellement. Allah lui a fait une  
belle attribution

Allah qui a créé sept cieux et autant de terres. Entre eux [Son] commandement  
descend, afin que vous sachiez qu'Allah est en vérité Omnipotent et qu'Allah a  
embrassé toute chose de [Son] savoir

### ترجمہ اسپانیایی

Profeta! Cuando repudiáis a las mujeres, ihacedlo al terminar su período dei  
espera! ¡Contad bien los días de ese período y temed a Alá, vuestro Señor! ¡No las  
expulséis de sus casas ni ellas salgan, a menos que sean culpables de deshonestidad  
manifies

Cuando lleguen a su término, retenedlas decorosamente o separaos de ellas.  
decorosamente. Y requerid el testimonio de dos personas justas de los vuestros y  
atestiguad ante Alá. A esto se exhorta a quien cree en Alá y en el último Día. A quien  
teme a Alá

y le provee

de un modo insospechado por él. A quien confía en Alá, Él le basta. Alá consigue lo que  
.se propone. Alá ha establecido una medida para cada cosa

Para aquéllas de vuestras mujeres que ya no esperan tener la menstruación, si .۴  
tenéis dudas, su período de espera será de tres meses; lo mismo para las impúberes.  
Para las embarazadas, su período de espera terminará cuando den a luz. A quien  
,teme a Alá

Ésta es la orden que Alá os ha revelado. Alá borra las malas obras de quien Le teme .۵  
.y le da una magnífica recompensa

Alojadlas, según vuestros medios, en vuestra misma vivienda! ¡No les hagáis daño! .۶  
con ánimo de molestarlas! Si están embarazadas, proveedles de lo necesario hasta  
que den a luz. Si la criatura que crían es vuestra, retribuidles como es debido y llegad

Que el acomodado gaste según sus medios! Quien disponga de medios limitadosi .۷  
ique gaste según lo que Alá le haya dado! Alá no pide a nadie sino lo que le ha dado.  
.Alá hará que a la adversidad suceda la felicidad

A cuántas ciudades, que desdeñaron la orden de su Señor y de Sus enviados,i .۸  
!pedimos cuenta rigurosa e infligimos un castigo horroroso

.Gustaron la gravedad de su conducta, que acabó por perderles .۹

Alá ha preparado para ellos un castigo severo. ¡Temed, pues, a Alá, creyentes .۱۰  
,dotados de intelecto! Alá os ha enviado de lo alto una Amonestación

un Enviado que os recita aleyas aclaratorias de Alá, para sacar .۱۱

de las tinieblas a la luz a quienes creen y obran bien. A quien cree en Alá y obra bien, Él le introducirá en jardines por cuyos bajos fluyen arroyos, en los que estarán eternamente, para

Alá es Quien ha creado siete cielos y otras tantas tierras. La orden desciende . ۱۲ gradualmente entre ellos para que sepáis, que Alá es omnipotente y que Alá todo lo .abarca en Su ciencia

ترجمہ آلمانی

.digen, des Barmherzigen ۞ Im Namen Allahs, des Gn

O Prophet! wenn ihr euch von Frauen trennt, so trennt euch von ihnen für ihre . ۱ vorgeschriebene Frist, und berechnet die Frist; und fürchtet Allah, euren Herrn. usern, noch sollen sie (selbst) fortgehen, es sei denn, ۞ Vertreibt sie nicht aus ihren H sie begehen offenkundige Unsittlichkeit. Das sind die Schranken Allahs; und wer t nicht, vielleicht ۞ Allahs Schranken übertritt, der sündigt wider sich selbst. Du wei .terhin etwas Neues geschehen lassen ۞ wird Allah sp

Dann, wenn ihre Frist um ist, nehmt sie in Güte zurück oder trennt euch in Güte von . ۲ t es ein ۞ ihnen und rufet zwei rechtliche Leute aus eurer Mitte zu Zeugen; und la wahrhaftiges Zeugnis vor Allah sein. Das ist eine Mahnung für den, der an Allah und an ,den Jüngsten Tag glaubt. Und dem, der Allah fürchtet, wird Er einen Ausweg bereiten

Und wird ihn versorgen, von wannen er es nicht erwartet. Und für den, der auf Allah . ۳ vertraut, ist Er Genüge. Wahrlich, Allah wird Seine Absicht durchführen. Für alles hat .bestimmt ۞ Allah ein Ma

,Wenn ihr im Zweifel seid (über) jene eurer Frauen . ۴

ihre Frist drei (die keine monatliche Reinigung mehr erhoffen, (dann wisset, da Monate ist, und (das gleiche gilt für) die, die noch keine Reinigung hatten. Und für die hren, bis sie sich ihrer Bürde entledigt haben. Schwangeren soll ihre Frist so lange w Und dem, der Allah fürchtet, wird Er Erleichterung verschaffen in seinen .Angelegenheiten

Das ist Allahs Gebot, das Er euch herabgesandt hat. Und wer Allah fürchtet – Er wird . seine bel von ihm nehmen und ihm seinen Lohn erweitern

usern wohnen, in denen ihr wohnt, gemährend der Frist) in den H Lasset sie (w euren Mitteln; und tut ihnen nichts zuleide in der Absicht, es ihnen schwer zu machen. Und wenn sie schwanger sind, so bestreitet ihren Unterhalt, bis sie sich ihrer Bürde ugen, gebt ihnen ihren Lohn und entledigt haben. Und wenn sie (das Kind) für euch s berated euch freundlich miteinander; wenn ihr aber (damit) Verlegenheit für einander .ugen schafft, dann soll eine andere (das Kind) für den (Vater) s

Jener, der Fülle hat, soll aus seiner Fülle aufwenden; Und der, dessen Mittel . dem, was ihm Allah gegeben hat. Allah nkt sind, soll aufwenden gem beschr fordert von keiner Seele über das hinaus, was Er ihr gegeben hat. Allah wird nach .ngnis bald Erleichterung schaffen Bedr

Wie so manche Stadt widersetzte sich dem Befehl ihres Herrn und Seiner . Gesandten, und Wir zogen sie streng zur Rechenschaft und strafte sie mit harter !Strafe

So kostete sie die bsen Folgen ihres Betragens, und das Ende ihres Betragens war . .Untergang

Allah hat für sie .



eine strenge Strafe bereitet; so fürchtet Allah, o ihr Leute von Verstand, die ihr glaubt.

- Allah hat euch fürwahr eine Ermahnung herniedergesandt

er jene, <sup>ن</sup> auf da <sup>ن</sup> Einen Gesandten, der euch die deutlichen Zeichen Allahs vortr <sup>ك</sup> . ۱۱  
die glauben und gute Werke tun, aus den Finsternissen ans Licht führe. Und wer an  
en, <sup>ك</sup> rten führen, durch die Strme flie <sup>ن</sup> Allah glaubt und recht handelt, den wird Er in G  
.hrt <sup>ن</sup> darin zu weilen auf immer. Allah hat ihm fürwahr eine treffliche Versorgung gew

Allah ist es, Der sieben Himmel erschuf und von der Erde eine gleiche Zahl. Der <sup>ك</sup> . ۱۲  
Allah alle Dinge <sup>ك</sup> ihr erfahret, da <sup>ك</sup> (gttliche) Befehl steigt nieder in ihre Mitte, auf da  
.t <sup>ك</sup> Allah alle Dinge mit Wissen umfa <sup>ك</sup> zu tun vermag und da

ترجمہ ایتالیایی

In nome di Allah, il Compassionevole, il Misericordioso

O Profeta, quando ripudiate le vostre donne, ripudiatele allo scadere del termine <sup>ك</sup> . ۱  
prescritto e contate bene il termine. Temete Allah vostro Signore e non scacciatele  
dalle loro case, ed esse non se ne vadano, a meno che non abbiano commesso una  
provata indecenza . Ecco i termini di Allah. Chi oltrepassa i termini di Allah, danneggia  
.se stesso. Tu non sai: forse in questo periodo Allah farà succedere qualcosa

Quando poi siano giunte al loro termine, trattenetele convenientemente o <sup>ك</sup> . ۲  
separatevi da esse convenientemente. Richiedete la testimonianza di due dei vostri  
uomini retti, che testimonino davanti ad Allah. Ecco a che cosa è esortato chi crede in  
,Allah e nell'Ultimo Giorno. A chi teme Allah, Egli apre una via d'uscita

e gli concede <sup>ك</sup> . ۳

provvidenze da dove non ne attendeva. Allah basta a chi confida in Lui. In verità Allah  
.realizza i Suoi intenti. Allah ha stabilito una misura per ogni cosa

Se avete qualche dubbio a proposito di quelle delle vostre donne che non sperano .۴  
più nel mestruo, il loro termine sia di tre lunazioni. Lo stesso valga per quelle che non  
hanno ancora il mestruo. Quelle che sono incinte avranno per termine il parto stesso.

A chi teme Allah, Egli facilita i suoi intenti

Questo è l'Ordine che Allah ha fatto scendere su di voi. A chi teme Allah, Egli cancella .۵  
.i peccati e aumenta la sua ricompensa

Fatele abitare dove voi stessi abitate, secondo i vostri mezzi. Non tormentatele .۶  
mettendole in ristrettezze. Se sono incinte, provvedete al loro mantenimento fino a  
che non abbiano partorito. Se allatteranno per voi, date loro un compenso e  
accordatevi tra voi convenientemente. Se andrete incontro a difficoltà , sia un'altra ad  
.allattare per voi

L'agiato spenda della sua agiatezza, colui che ha scarse risorse spenda di quello che .۷  
Allah gli ha concesso. Allah non impone a nessuno se non in misura di ciò che Egli ha  
.concesso. Allah farà seguire il benessere al disagio

Quante città si mostrarono orgogliose di fronte all'ordine del loro Signore e dei Suoi .۸  
messaggeri! Le costringemmo ad un rendiconto rigoroso, e le castigammo di un  
.orribile castigo

Gustarono le conseguenze della loro condotta e l'esito della loro condotta fu la .۹  
.dannazione

.Allah ha preparato loro un severo castigo .۱۰

Temete dunque Allah, o dotati d'intelletto, voi che avete la fede. Invero Allah ha fatto  
scendere su di voi un Monito

un Messaggero che vi recita i versetti espliciti di Allah, per trarre dalle tenebre alla .۱۱  
luce coloro che credono e compiono il bene. Chi crede in Allah e compie il bene, Egli lo  
farà entrare nei Giardini in cui scorrono i ruscelli, dove rimarrà in perpetuo. A costui  
Allah ha concesso buona provvidenza

Allah è Colui che ha creato sette cieli e altrettante terre. Scende il Suo Ordine tra di .۱۲  
loro, affinché sappiate che in verità Allah è onnipotente e che Allah abbraccia nella  
Sua Scienza ogni cosa

ترجمہ روسی

Во имя Аллаха Милостивого, Милосердного

О пророк, когда вы даете развод женам, то разводитесь с ними в . ۱  
установленный для них срок, и отсчитывайте срок, и бойтесь Аллаха, Господа  
вашего! Не удаляйте их из помещений, и пусть они не выходят, разве только  
совершат явную мерзость. Таковы границы Аллаха; кто переходит границы  
Аллаха, тот обидел самого себя. Ты не знаешь, может быть, Аллах произведет  
после этого какое-нибудь дело

А когда они дойдут до своего предела, то удерживайте их с достоинством или .۲  
разлучайтесь с ними с достоинством. И возьмите свидетельство двух  
справедливых среди вас и установите свидетельство пред Аллахом. Этим  
увещается тот, кто верует в Аллаха и в последний день. А кто боится Аллаха,  
тому устроит Он исход

и даст ему пропитание, откуда он и не рассчитывает. А кто полагается на .۳  
Аллаха, для того Он достаточен. Ведь Аллах совершает Свое дело; установил  
Аллах для

.каждой вещи меру

А те из ваших жен, которые уже отчаялись в месячных – если вы . ۴ сомневаетесь, то их срок – три месяца, как и для тех, у которых еще не было месячных; а у которых ноша – их срок, чтобы они сложили свою ношу. Кто боится Аллаха, тому Он устроит в Своем деле легкость

Это – повеление Аллаха; Он низвел его вам. А кто боится Аллаха, тому Он . ۵ загладит дурные деяния и увеличит ему награду

Поселяйте их там, где вы сами поселились по вашему достатку: не делайте им . ۶ неприятного, чтобы утеснить их. А если они с ношей, то расходуйте на них, пока они не сложат своей ноши. А если они выкармливают вам, то давайте им их плату и сговаривайтесь между собой с достоинством. А если вы затруднитесь, то пусть кормит его другая

Пусть расходует состоятельный из своего достатка; а у кого доля его . ۷ размерена, пусть расходует из того, что дал ему Аллах. Аллах не возлагает на душу ничего, кроме того, что Он дал ей. Аллах устроит после тяготы облегчение

Сколько поселений возгордилось над приказом их Господа и Его . ۸ посланников; и Мы рассчитались с ними сильным расчетом и наказали их тягостным наказанием

.И вкусили они вред своих дел, и последствия их дел оказались убытком . ۹

Уготовал им Аллах наказание сильное. Бойтесь же Аллаха, обладающие . ۱۰ – умом, – которые уверовали! Аллах низвел вам напоминание

пророка, который читает вам знамения Аллаха разъясненными, чтобы . ۱۱ вывести тех, которые уверовали и творили благие дела, из мрака к свету. Кто верует в Аллаха и делает

благое, того Он введет в сады, где внизу текут реки, – вечно пребывающими там. Аллах прекрасно дал ему удел

Аллах – тот, кто сотворил семь небес и из земли столько же. Нисходит. ۱۲ повеление между ними, чтобы вы знали, что Аллах над всем мощен и что Аллах все объемлет знанием

ترجمہ ترکی استانبولی

.Rahman ve rahîm Allah adıyla

Ey Peygamber, kadınlar bo ayacañz zaman temiz olduklar vakit bo ayn ve – ۱ müddetlerini sayn ve çekinin Rabbiniz Allah'tan; çkarmayn onlar evlerinden ve onlar da çkmasnlar, ancak apaçk bir çirkin harekette bulunurlarsa o ba ka ve i te bunlardır Allah'n snrlar ve kim Allah'n snrlarn a arsa gerçekten de kendisine zulmeder; bilmezsin, belki de Allah, bundan sonra bir i çkarverir

Müddetlerini tamamlayınca da onlar güzellekle aln, yahut da güzellekle ayrln onlardan –۲ ve sizden iki tâne adâlet sâhibi tan bulundurun da tanklık etsinler ve tankı da Allah için dođru yapn; i te Allah'a ve âhîret gününe inanana bylece üt verilmededir; ve kim, çekinirse Allah'tan, ona skntdan bir kurtulu vesîlesi yaratır

Ve onu, hesaplamad yerdn rzklandır ve kim Allah'a dayanırsa o, yeter ona; üphe –۳ yok ki Allah, yapaca i i yerine getirir, gerçekten de Allah, her eye bir lçü, bir miktar tâyîn etmi tir

Kadnlarnzdan âdetten kesilmi lerin, kesilip kesilmedikleri hakkında üpheye dü – ۴ erseniz müddetleri, üç aydır ve âdet grmeyenlerin de byle ve gebe olanların müddeti, çocukların dođruncaya dek ve kim çekinirse Allah'tan, onun i ine bir kolaylık verir o

Budur Allah'n emri ki size indirmi tir onu ve kim, çekinirse Allah'tan, onun ktülüklerini –۵ rter ve mükâfâtn büyültür

Onlar, gücünüz yeterse oturduunuz yerin bir ksmnda oturtun ve onlar sk trarak –۶

zararlandrmayn ve gebeysele douruncaya dek doyurun onlar ve çocuklarz emziriyorlarsa da artk ücretlerini verin ve kar-koca; güzelce dan p grü erek yapn bu i .leri ve bir güçlük çkarsa çocuú ba ka bir kadm emzirir artk

Vakti-hâli yerinde ve eli geni olan, vaktine-hâline gre nafaka versin ve rzk dar olana -v gelince, Allah, kendisine ne verirse onun bir ksmn nafaka olarak versin; Allah, hiç kimseye, kendi verdiî miktardan daha fazla bir ey teklif etmez; Allah, güçlükten sonra .bir kolaylk verecektir

Nice ehirlər var ki halk, Rablərinin ve onun peyğambərlərinin emirlərinə qar gelmi tir -۸ .de onlar, çetin bir sûrette hesâba çekmi izdir ve onlar helâk edərək azaplandırm zdr

.Derken yaptkların vebâlini tatm lardr da i lerinin sonu, ziyan olup gitmi tir -۹

Allah onlara çetin bir azap da hazırlam tr, artk çekinin Allah'tan ey akl ba nda - ۱۰ .olanlar; ey îmân edenler, andolsun ki Allah, size bir üt olan Kur'ân' indirmi tir

Peyğambəri de gndermi tir ki size Allah'n apaçk âyetlərini okumadadı inananlar ve -۱۱ iyi i lerde bulunanlar karanlıklardan aydınlâ çkarmak için ve kim, Allah'a inanır ve iyi i lerde bulunursa onu, ebedî kalmak üzere, kylarından rmaklar akan cennetlərə koyar, .gerçekten de Allah, ona en güzel bir rzk verir

Bir Allah'tr ki yaratm tr yedi gü ve yeryüzünü de onun misli olaraq yedi kat halketmi -۱۲ tir; bunların arasında, emri, inip durmadadı Allah'n, üphesiz, her eye gücü yettiini bilmeniz ve üphe yok ki Allah'n bilgisinin, gerçekten de her eyi kavradı, ku attı .anlamanz için

ترجمه آذربایجانی

!Mərhamətli, rəhmli Allahın adı ilə

Ya Peyğəmbər!) ?vrətləri boşadığınız zaman onları gözləmə müddətlərində ) .۱ (heyzdən pak olduqdan sonra) boşayın. Gözləmə müddətini (iddəti) sayın. Rəbbiniz - olan Allahdan qorxun. Onları

açıq-aşkar bir pis iş (zina) etməyə qədər – (gözləmə müddəti qurtarmamış) yaşadıkları evlərdən çıxartmayın və onlar özləri də çıxmasınlar. Bu, Allahın hədləridir (hökmləridir). Allah müəyyən etdiyi hədləri aşan kimsə özünə zülm etmiş olar. Nə bilirsən, ola bilsin ki, Allah bundan sonra bir iş icad etsin (ərin ürəyinə yenidən .zövcəsinin məhəbbətini salsın və onlar barışsınlar

Bunların (bu qadınların) gözləmə müddəti başa çatdıqda (barışmaq istəsəniz) onları .ı yaxşıqla (məhrlərini verib) yola salın. (Sonradan aranızda ixtilaf olmasın deyə) içərinizdən iki ədalətli şahid tutun. (Siz də ey şahidlər!) Allah üçün (doğru) şahidlik edin! Bununla Allaha və axirət gününə iman gətirənlərə öyüd-nəsihət verilir. Kim Allahdan .qorxsa, Allah ona (hər çətinlikdən) bir çıxış yolu əta edər

Və ona gözləmədiyi yerdən ruzi verər. Kim Allaha təvəkkül etsə, (Allah) ona kifayət .ı edər. Allah ?z əmrini yerinə yetirəndir. Allah hər şey üçün bir ölçü (hədd, müddət) tə'yin .etmişdir

Yaşa dolmaqla) heyzdən kəsilmiş qadınlarınız (onların gözləmə müddəti) barədə) .ı şübhə etsəniz, (bilin ki) onların və həmçinin (yaşları müsaid olmadığı üçün) hələ heyz görməmiş olanların (heyz görməmiş gənc övrətlərinizin) gözləmə müddəti üç aydır (bu müddət başa çatdıqdan sonra başqası ilə evlənə bilərlər). Hamilə qadınların gözləmə müddəti isə onlar bari-həmlini yerə qoyduqda başa çatır. Kim Allahdan qorxsa, Allah .onun işini (dünya və axirətdə) asan edər

Bu, Allahın sizə nazil etdiyi buyuruğudur. Kim Allahdan qorxsa, Allah onun .ı (günahlarının) üstünü örtər və (axirətdə) mükafatını artırar

Onları (boşadığınız, lakin gözləmə müddətləri sona yetməmiş qadınları) imkanınız .ı çatdığı qədər öz yaşadığınız yerdə sakin edin. (Bu qadınları) sıxışdırmaq (evdən çıxıb getməyə məcbur etmək) məqsədilə onlara zərər (əziyyət) verməyə cəhd .göstərməyin

Əgər onlar hamilədirlərsə, bari-həmləni yerə qoyana qədər xərclərini verin. (Həmin qadınlar gözləmə müddətləri qurtarandan sonra) sizin üçün uşaq əmizdirirlərsə, onların (süd) haqqını verin (çünki onlar artıq sizin uşaqlarınıza süd verməyə borclu deyillər). ?z aranızda yaxşılıqla (şəriətə müvafiq şəkildə) sazişə gəlin. Əgər (bu məsələdə) çətinliyə düşsəniz (bir-birinizlə razılığa gələ bilməsəniz), onu (uşağı) başqa .bir qadın əmizdirə bilər

Varlı-karlı olan öz varına görə (süd haqqı) versin. İmkanı az olan isə Allahın ona .v verdiyindən versin. Allah heç kəsi ?zünün ona verdiyindən artıq xərcləməyə məcbur .etməz. Allah hər bir çətinlikdən sonra asanlıq (yoxsulluqdan sonra dövlət) əta edər

Neçə-neçə məmləkət (əhli) öz Rəbbinin və Onun peyğəmbərinin əmrindən çıxdı. Biz .A .də onlara şiddətli cəza verib görünməmiş müdhiş əzaba düçar etdik

.Onlar əməllərinin cəzasını aldılar və axırda işləri ziyana uğramaq oldu .A

Allah onlar üçün şiddətli əzab hazırladı. Ey iman gətirmiş ağıl sahibləri, Allahdan .10 ,qorxun! Allah sizin üçün Qur'an nazil etmiş

Və iman gətirib yaxşı işlər görənləri zülmətdən nura (küfrdən imana) çıxartmaq .11 üçün Allahın açıq-aşkar (halal-haramı bəyan edən) ayələrini sizə oxuyan bir peyğəmbər göndərmişdir. Kim Allaha iman gətirib yaxşı iş görsə, (Allah) onu (mö'minlərin) əbədi qalacaqları, (ağacları) altından çaylar axan cənnətlərə daxil edər. !Həqiqətən, Allah ona gözəl ruzi əta etmişdir

Yeddi (qat) göyü və bir o qədər də yeri yaradan Allahdır. Allahın hər şeyə qadir .12 olduğunu, Allahın hər şeyi elm (?z əzəli elmi) ilə ehtiva etdiyini biləsiniz deyər, (Allahın) .əmrini onların arasında (mövcud olan bütün məxluqata) nazil olar

ترجمه اردو

شروع خدا کا نام لے کر جو بے ایمانوں کو ایمان دینا اور رحمت والا ہے

1. پیغمبر (مسلمانوں کے ساتھ)



دو کے) جب تم عورتوں کو طلاق دینے لگو تو عدت کے شروع میں طلاق دو اور عدت کا شمار رکھو اور خدا سے جو تمہارا پروردگار ہے (نہ تو تم ہی) ان کو (ایام عدت میں) ان کے گھر سے نکالو اور نہ وہ (خود ہی) نکلیں۔ اگر وہ صریح بیحیائی کریں (تو نکال دینا چاہیے) اور یہ خدا کی حد ہے جو خدا کی حدود سے تجاوز کرے گا وہ اپنے آپ پر ظلم کرے گا (ا طلاق دینے والے) تجھے کیا معلوم شاید خدا اس کے بعد کوئی (رجعت کی) سبیل پیدا کرے۔

۲. پھر جب وہ اپنی میعاد (یعنی انقضائے عدت) کے قریب پہنچ جائیں تو یا تو ان کو اچھی طرح (زوجیت میں) رہنے دو یا اچھی طرح سے علیحدہ کر دو اور اپنے میں سے دو منصف مردوں کو گواہ کر لو اور (گواہوں!) خدا کے لئے درست گواہی دینا ان باتوں سے اس شخص کو نصیحت کی جاتی ہے جو خدا پر اور روز آخرت پر ایمان رکھتا ہے اور جو کوئی خدا سے لڑے گا وہ اس کے لئے (رنج و محن سے) مخلصی (کی صورت) پیدا کرے گا۔

۳. اور اس کو ایسی جگہ سے رزق دے گا جس سے وہ (وہم و) گمان بلی نہ ہو اور جو خدا پر بھروسہ رکھے گا تو وہ اس کو کفایت کرے گا۔ خدا اپنے کام کو (جو وہ کرنا چاہتا ہے) پورا کر دیتا ہے خدا نے ہر چیز کا انداز مقرر کر رکھا ہے۔

۴. اور تمہاری (مطلقہ) عورتیں جو حیض سے ناامید ہو چکی ہیں اگر تم کو

(ان کی عدت کے بارے میں) شبہ ہو تو ان کی عدت تین مہینوں اور جن کو ابلی حیض نہ لگے آنے لگا (ان کی عدت بلی بلی کے اور حمل والی عورتوں کی عدت وضع حمل (یعنی بچہ جننے) تک کے اور جو خدا سے رے گا خدا اس کے کام میں سولت پیدا کر دے گا

۵. یہ خدا کے حکم ہے جو خدا نے تم پر نازل کئے ہیں اور جو خدا سے رے گا وہ اس سے اس کے گناہ دور کر دے گا اور اسے اجر عظیم بخشے گا

۶. (مطلقہ) عورتوں کو (ایام عدت میں) اپنے مقدر کے مطابق وہیں رکھو جو خود رہتے ہو اور ان کو تنگ کرنے کے لئے تکلیف نہ دو اور اگر حمل سے ہو تو بچہ جننے تک ان کا خرچ دیتے رہو پھر اگر وہ بچہ کو تمہارے گناہ سے دودھ پلائے تو ان کو ان کی اجرت دو اور (بچہ کے بارے میں) پسندیدہ طریق سے موافقت رکھو اور اگر باہم ضد (اور نااتفاقی) کرو گے تو (بچہ کو) اس کے (باپ کے) گناہ سے کوئی اور عورت دودھ پلائے گی

۷. صاحب وسعت کو اپنی وسعت کے مطابق خرچ کرنا چاہیے اور جس کے رزق میں تنگی ہو وہ جتنا خدا نے اس کو دیا ہے اس کے موافق خرچ کرے خدا کسی کو تکلیف نہیں دیتا مگر اسی کے مطابق جو اس کو دیا ہے اور خدا عنقریب تنگی کے بعد کشائش بخشے گا

۸. اور بہت سی بستیوں (کے رہنے والوں) نے اپنے پروردگار اور اس کے پیغمبروں کے احکام

سہ سرکشی کی تو ہم نے ان کو سخت حساب میں پکڑ لیا اور ان پر (ایسا) عذاب نازل کیا جو نہ دیکھا تھا نہ سنا

۹. سو ان لوگوں نے اپنے کاموں کی سزا کا مزہ چکھ لیا اور ان کا انجام نقصان ہی تو تھا

۱۰. خدا نے ان کو لٹے سخت عذاب تیار کر رکھا تھا تو ارباب دانش جو ایمان لائے وہ خدا سے روئے خدا نہ تمہارے پاس نصیحت (کی کتاب) بھیجی ہے

۱۱. (اور اپنے) پیغمبر (بہی بھیجے ہیں) جو تمہارے سامنے خدا کی واضح المطالب آیتیں پڑھتے ہیں تاکہ جو لوگ ایمان لائے اور عمل نیک کرتے رہیں ان کو اندہ میں سے نکال کر روشنی میں لے آئیں اور جو شخص ایمان لائے گا اور عمل نیک کرے گا ان کو باغ لائے بشت میں داخل کرے گا جن کو نیچے ندریں ہرے رہیں ابداً آباد ان میں رہیں گے خدا نے ان کو خوب رزق دیا ہے

۱۲. خدا ہی تو ہے جس نے سات آسمان پیدا کئے اور ایسی ہی زمینیں ان میں (خدا کے) حکم اُترتے رہتے ہیں تاکہ تم لوگ جان لو کہ خدا چیز پر قادر ہے اور یہ کہ خدا اپنے علم سے ہر چیز پر احاطہ کئے ہوئے ہے

### ترجمہ پشتو

(۱) \$

(۲) \$

(۳) \$

(۴) \$

(۵) \$

(۶) \$

(۷) \$

(۸) \$

(۹) \$

(۱۰) \$

(۱۱) \$

(۱۲) \$

### ترجمه کردی

(۱) \$

(۲) \$

(۳) \$

(۴) \$

(۵) \$

(۶) \$

(۷) \$

(۸) \$

(۹) \$

(۱۰) \$

(۱۱) \$

(۱۲) \$

### ترجمه اندونزی

Maka mereka merasakan akibat yang buruk dari perbuatannya, dan adalah akibat (perbuatan mereka kerugian yang besar). (۹

Allah menyediakan bagi mereka azab yang keras, maka bertakwalah kepada Allah hai orang- orang yang mempunyai akal, (yaitu) orang- orang yang beriman.

(Sesungguhnya Allah telah menurunkan peringatan kepadamu, (۱۰

Dan mengutus) seorang Rasul yang membacakan kepadamu ayat- ayat Allah yang ) menerangkan (bermacam- macam hukum) supaya Dia mengeluarkan orang- orang

yang beriman dan mengerjakan amal- amal yang saleh dari kegelapan kepada cahaya. Dan barang siapa beriman kepada Allah dan mengerjakan amal yang saleh niscaya Allah akan memasukkannya ke dalam surga- surga yang mengalir di bawahnya sungai- sungai; mereka kekal di dalamnya selama- lamanya.

(Sesungguhnya Allah memberikan rezeki yang baik kepadanya.(11) ﴿۲

Allah- lah yang menciptakan tujuh langit dan seperti itu pula bumi. Perintah Allah berlaku padanya, agar kamu mengetahui bahwasanya Allah Maha Kuasa atas segala sesuatu, dan sesungguhnya Allah, ilmu- Nya benar- benar meliputi segala sesuatu.(12)

﴿۳

(Dengan menyebut nama Allah Yang Maha Pemurah lagi Maha Penyayang. ﴿۴

Hai Nabi, mengapa kamu mengharamkan apa yang Allah menghalalkannya bagimu; kamu mencari kesenangan hati istri- istrimu Dan Allah Maha Pengampun lagi Maha

(Penyayang.(1) ﴿۵

Sesungguhnya Allah telah mewajibkan kepada kamu sekalian membebaskan diri dari sumpahmu; dan Allah adalah Pelindungmu dan Dia Maha Mengetahui lagi Maha

(Bijaksana.(2) ﴿۶

Dan ingatlah ketika Nabi membicarakan secara rahasia kepada salah seorang dari istri- istrinya (Hafshah) suatu peristiwa. Maka tatkala (Hafshah) menceritakan peristiwa itu (kepada

Aisyah) dan Allah memberitahukan hal itu (semua pembicaraan antara Hafshah dengan Aisyah) kepada Muhammad lalu Muhammad memberitahukan sebagian (yang diberitakan Allah kepadanya) dan menyembunyikan sebagian yang lain (kepada Hafshah). Maka tatkala (Muhammad) memberitahukan pembicaraan (antara Hafshah dan Aisyah) lalu Hafshah bertanya:" Siapakah yang telah memberitahukan hal ini kepadamu" Nabi menjawab:" Telah diberitakan kepadaku oleh Allah Yang (Maha Mengetahui lagi Maha Mengenal)".(۳) (۷

Jika kamu berdua bertobat kepada Allah, maka sesungguhnya hati kamu berdua telah condong (untuk menerima kebaikan); dan jika kamu berdua bantu- membantu menyusahkan Nabi, maka sesungguhnya Allah adalah Pelindungnya dan (begitu pula) Jibril dan orang- orang mukmin yang baik; dan selain dari itu malaikat- malaikat (adalah penolongnya pula).(۴) (۸

Jika Nabi menceraikan kamu, boleh jadi Tuhannya akan memberi ganti kepadanya dengan istri- istri yang lebih baik daripada kamu, yang patuh, yang beriman, yang taat, yang bertobat, yang mengerjakan ibadah, yang berpuasa, yang janda dan yang (perawan).(۵) (۹

Hai orang- orang yang beriman, peliharalah dirimu dan keluargamu dari api neraka yang bahan bakarnya adalah manusia dan batu; penjaganya malaikat- malaikat yang kasar, yang keras, yang tidak mendurhakai Allah terhadap apa yang diperintahkan- (Nya kepada mereka dan selalu mengerjakan apa yang diperintahkan).(۶) (۱۰

Hai orang- orang kafir, janganlah kamu mengemukakan uzur pada hari ini. (Sesungguhnya kamu hanya diberi balasan menurut apa yang kamu kerjakan).(۷) (۱۱

Hai orang- orang yang beriman, bertobatlah kepada Allah dengan tobat yang semurni- murninya, mudah- mudahan Tuhan kamu akan menghapus kesalahan- kesalahanmu dan memasukkan kamu ke dalam surga yang mengalir di bawahnya -sungai- sungai, pada hari ketika Allah tidak menghinakan Nabi dan orang

orang yang beriman bersama dengan dia; sedang cahaya mereka memancar di hadapan dan di sebelah kanan mereka, sambil mereka mengatakan:" Ya Tuhan kami, sempurnakanlah bagi kami cahaya kami dan ampunilah kami; sesungguhnya Engkau (Maha Kuasa atas segala sesuatu".(۸) (۱۲

ترجمہ مالیزیایی

Dengan nama Allah, Yang Maha Pemurah, lagi Maha Mengasihani

Wahai Nabi! Apabila kamu – (engkau dan umatmu) – hendak menceraikan isteri-isteri (kamu), maka ceraikanlah mereka pada masa mereka dapat memulakan idahnya, dan hitunglah masa idah itu (dengan betul), serta bertaqwalah kepada Allah, Tuhan kamu. Janganlah kamu mengeluarkan mereka dari rumah-rumah kediamannya (sehingga selesai idahnya), dan janganlah pula (dibenarkan) mereka keluar (dari situ), kecuali (jika) mereka melakukan perbuatan keji yang nyata. Dan itulah aturan-aturan hukum Allah (maka janganlah kamu melanggarnya); dan sesiapa yang melanggar aturan-aturan hukum Allah maka sesungguhnya ia telah berlaku zalim kepada dirinya. (Patuhilah hukum-hukum itu, kerana) engkau tidak mengetahui boleh jadi (Allah akan mengadakan, sesudah itu, sesuatu perkara (yang lain). (۱

Kemudian, apabila mereka (hampir) habis tempoh idahnya, maka bolehlah kamu pegang mereka (rujuk) dengan cara yang baik, atau lepaskan mereka dengan cara yang baik; dan adakanlah dua orang saksi yang adil di antara kamu (semasa kamu merujuk atau melepaskannya); dan hendaklah kamu (yang menjadi saksi) menyempurnakan persaksian itu kerana Allah semata-mata. Dengan hukum-hukum yang tersebut diberi peringatan dan pengajaran kepada sesiapa yang beriman kepada Allah dan hari akhirat; dan sesiapa yang bertaqwa kepada Allah (dengan mengerjakan suruhanNya dan meninggalkan laranganNya), nescaya Allah akan (mengadakan baginya jalan keluar (dari segala perkara yang menyusahkannya), (۲

.Serta memberinya rezeki dari jalan yang tidak terlintas di hatinya

Dan (ingatlah), sesiapa berserah diri bulat-bulat kepada Allah, maka Allah cukuplah baginya (untuk menolong dan menyelamatkannya). Sesungguhnya Allah tetap melakukan segala perkara yang dikehendakiNya. Allah telahpun menentukan kadar (dan masa bagi berlakunya tiap-tiap sesuatu. ﴿٣

Dan perempuan-perempuan dari kalangan kamu yang putus asa dari kedatangan haid, jika kamu menaruh syak (terhadap tempoh idah mereka) maka idahnya ialah tiga bulan; dan (demikian) juga idah perempuan-perempuan yang tidak berhaid. Dan perempuan-perempuan mengandung, tempoh idahnya ialah hingga mereka melahirkan anak yang dikandungnya. Dan (ingatlah), sesiapa yang bertaqwa kepada (Allah, nescaya Allah memudahkan baginya segala urusannya. ﴿٤

Peraturan-peraturan yang demikian adalah hukum-hukum Allah yang diturunkan dan diterangkanNya kepada kamu; dan (ingatlah), sesiapa yang bertaqwa kepada Allah, nescaya Allah menghapuskan kesalahan-kesalahannya, dan akan membesarkan (pahala balasannya. ﴿٥

Tempatkanlah isteri-isteri (yang menjalani idahnya) itu di tempat kediaman kamu sesuai dengan kemampuan kamu; dan janganlah kamu adakan sesuatu yang menyakiti mereka (di tempat tinggal itu) dengan tujuan hendak menyusahkan kedudukan mereka (supaya mereka keluar meninggalkan tempat itu). Dan jika mereka berkeadaan sedang mengandung, maka berikanlah kepada mereka nafkahnya sehingga mereka melahirkan anak yang dikandungnya; kemudian jika mereka menyusukan anak untuk kamu, maka berikanlah kepada mereka upahnya; dan berundinglah di antara kamu (dalam hal menyusunya) dengan cara yang baik. Dan (sebaliknya) jika kamu (dari kedua pihak) mengalami kesulitan, maka bolehlah (perempuan lain menyusukannya. ﴿٦

Hendaklah orang yang mampu memberi nafkah menurut kemampuannya; dan sesiapa yang di sempitkan rezekinya, maka hendaklah ia memberi nafkah dari apa yang diberikan Allah kepadanya (sekadar yang mampu); Allah tidak memberati .seseorang melainkan (sekadar kemampuan) yang diberikan Allah kepadanya



Orang-orang yang dalam kesempitan hendaklah ingat bahawa) Allah akan)  
(memberikan kesenangan sesudah berlakunya kesusahan. (۷

Dan bukan sedikit negeri-negeri yang penduduknya menderhaka terhadap perintah Tuhan mereka dan Rasul-rasulNya, maka Kami hitung amal mereka satu persatu dengan hitungan yang keras rapi, serta Kami seksakan mereka dengan azab yang  
(tidak pernah dikenal dahsyatnya. (۸

Lalu mereka merasai kesan yang buruk dari perbuatan derhakanya, dan menjadilah  
(akibat perbuatan mereka satu kerugian yang besar. (۹

Allah menyediakan bagi mereka azab seksa yang seberat-beratnya. Maka bertaqwalah kepada Allah kepada wahai orang yang berakal sempurna dari kalangan orang yang beriman. Sesungguhnya Allah telah menurunkan kepada kamu  
(peringatan - (۱۰

Dengan mengutuskan) seorang Rasul (Nabi Muhammad s.a.w) yang membacakan) kepada kamu ayat-ayat Allah yang menerangkan kebenaran, supaya Allah mengeluarkan orang-orang (yang sedia diketahuinya akan) beriman dan beramal soleh - dari gelap-gelita (kesesatan) kepada cahaya (hidayah petunjuk). Dan (ingatlah), sesiapa yang beriman kepada Allah dan beramal soleh, akan dimasukkan oleh Allah ke dalam Syurga yang mengalir di bawahnya beberapa sungai; kekalah mereka di dalamnya selama-lamanya. Sesungguhnya Allah (dengan yang demikian)  
(telah mengurniakan kepadanya sebaik-baik pemberian. (۱۱

Allah yang menciptakan tujuh petala langit dan (Ia menciptakan) bumi seperti itu; perintah Allah berlaku terus menerus di antara alam langit dan bumi. (Berlakunya yang demikian) supaya kamu mengetahui bahawa sesungguhnya Allah Maha Kuasa atas tiap-tiap sesuatu, dan bahawa sesungguhnya Allah tetap meliputi ilmuNya akan  
(tiap-tiap sesuatu. (۱۲

ترجمہ سواحیلی

Kwajina la Mwenyeezi Mungu, Mwingi wa rehema, Mwenye kurehemu

Ewe Nabii! Mnapowaacha wanawake, basi waacheni katika wakati wa eda zao, na .\n fanyeni hesabu ya (siku) za eda, na

mcheni Mwenyeezi Mungu, Mola wenu. Msiwatoe katika nyumba zao wala wasitoke wenyewe, mpaka wafanye jambo la ufasiki ulio wazi. Na hiyo ndiyo mipaka ya Mwenyeezi Mungu na anayeruka mipaka ya Mwenyeezi Mungu, basi hakika amejidhulumu nafsi yake. Hujui pengine Mwenyeezi Mungu atatokeza jambo jingine .baada ya haya

Basi wanapofikia muda wao, ndipo muwaweke kwa wema, au achaneni nao kwa .۲ wema, na mshuhudishe mashahidi wawili waadilifu miongoni mwenu, na simamisheni ushahidi kwa ajili ya Mwenyeezi Mungu. Hivyo ndivyo anavyoagizwa yule anayemwamini Mwenyeezi Mungu na siku ya Mwisho, na anayemuogopa Mwenyeezi .Mungu, (Mwenyeezi Mungu) humtengenezea njia ya kuokoka

Na humpa riziki kwa mahala asipopatazamia, na anayemtegemea Mwenyeezi .۳ Mungu basi yeye humtoshea, kwa hakika Mwenyeezi Mungu anatimiza kusudi lake, .hakika Mwenyeezi Mungu amekwisha kiwekea kila kitu kipimo

Na wale waliokoma hedhi miongoni mwa wanawake wenu, ikiwa mnayo shaka, basi .۴ muda wa eda yao ni miezi mitatu, na (pia ndiyo eda kwa wale) ambao hawajapata hedhi. Na wanawake wenye mimba eda yao ni mpaka watakapozaa, na .anayemuogopa Mwenyeezi Mungu humfanyia mambo yake kuwa mepesi

Hiyo ni amri ya Mwenyeezi Mungu aliyoiteremsha kwenu, na anayemuogopa .۵ .Mwenyeezi Mungu humfutia maovu yake na humpa malipo makubwa

Wawekeni humo humo mnamokaa nyinyi kama mpatavyo, wala msiwadhuru kwa .۶ kuwatia katika dhiki, na kama wakiwa na mimba, basi wagharamieni mpaka wajifungue. Na kama wakikunyonyesheeni, basi toeni Malipo yao na shaurianeni kwa wema, na kama mkiona udhia baina yenu, basi amnyonyeshee (mwanamke) .mwingine

Mwenye wasaa agharimu kadri ya wasaa wake, na yule ambaye amepungukiwa .۷ riziki yake, basi atoe katika kile

alichompa Mwenyeezi Mungu, Mwenyeezi Mungu hamkalif'ishi mtu yeyote ila kwa kadri alivyompa, karibuni Mwenyeezi Mungu atajaalia baada ya dhiki faraja

Na miji mingapi iliyovunja amri ya Mola wake na Mitume yake, basi tuliihesabu .۸  
.hesabu ngumu na tukaiadhibu kwa adhabu kali

.۹ Basi ikauonja ubaya wa mambo yao, na mwisho wa mambo yao ilikuwa khasara

Mwenyeezi Mungu amewaandalia adhabu kali, basi mcheni Mwenyeezi Mungu .۱۰  
.enyi wenye akili mlioamini, hakika Mwenyeezi Mungu amekuteremshieni Ukumbusho

Mtume anayekusomeeni Aya za Mwenyeezi Mungu zinazobainisha, ili kuwatoa .۱۱  
wale walioamini na wakatenda mema. katika giza kuwapeleka kwenye nuru, na anayemwamini Mwenyeezi Mungu na kutenda mema) atamwingiza katika Pepo zipitazo mito chini yake. watakaa humo milele. Bila shaka Mwenyeezi Mungu amekwishampa riziki nzuri

Mwenyeezi Mungu ni yule ambaye ameziumba mbingu saba na ardhi mfano wa .۱۲  
hizo. amri zinashuka baina yao, ili mjue kwamba Mwenyeezi Mungu ni Mwenye uwezo juu ya kila kitu, na kwamba Mwenyeezi Mungu amekizunguka kila kitu kwa elimu

تفسیر سوره

تفسیر المیزان

صفحه ی ۵۲۲

(۶۵) سوره طلاق مدنی است و دوازده آیه دارد (۱۲)

[سوره الطلاق (۶۵): آیات ۱ تا ۷] صفحه ی ۵۲۳

ترجمه آیات به نام خداوند بخشنده بخشایشگر.

ای نبی اسلام! تو و امت وقتی زنان را طلاق می دهید در زمان عده طلاق دهید (زمانی که از عادت ماهانه پاک شده و با همسرشان نزدیکی نکرده باشند) و حساب عده را نگه دارید و از خدا، پروردگارتان بترسید، آنان را از خانه هایشان بیرون مکنید خودشان هم بیرون نشوند مگر اینکه گناهی علنی مرتکب شوند که در این صورت می توانید بیرونشان کنید. و اینها همه حدود خدا است و کسی که از حدود

خدا تجاوز کند به نفس خود ستم کرده تو چه می دانی شاید خدا بعد از طلاق و قبل از سر آمدن عده حادثه ای پدید آورد و شوهر به همسرش برگردد (۱).

پس وقتی به اواخر عده رسیدند یا این است که به خوبی و خوشی آنان را نگاه می دارید و یا به خوبی و خوشی از آنان جدا می شوید و در هر حال دو نفر از مردم خود را که معروف به عدالت باشند شاهد بگیرید و شاهد هم برای خدا اقامه شهادت کند، اینها که به شما گفته شد اندرزهایی است که افرادی از آن موعظه می شوند که به خدا و روز جزا ایمان دارند و کسی که از خدا بترسد خدا برایش راه نجاتی از گرفتاریها قرار می دهد (۲).

و از مسیری که خود او هم احتمالش را ندهد رزقش می دهد و کسی که بر خدا توکل کند خدا همه کاره اش می شود که خدا دستور خود را به انجام می رساند و خدا برای هر چیزی اندازه ای قرار داده (۳).

و از زنان شما آن زنانی که حیض نمی بینند اگر به شک افتادید که از پیری است و یا به خاطر عارضه ای است که عده طلاقشان سه ماه است. و همچنین آنهایی که از اول حیض ندیدند. و اما زنان آبستن عده طلاقشان این است که فرزند خود را بزایند. و هر کس از خدا بترسد خدا امور دنیا و آخرتش را آسان می سازد (۴).

این امر خدا است که خدا آن را به سویتان نازل کرده و کسی که از خدا بترسد خدا گناهایش را تکفیر و اجرش را عظیم می کند (۵).

زنان طلاق خود را در همان

منزلی که بر حسب توانایی خود می نشینید سکنی دهید و به ایشان به منظور تنگنا نهادن ضرر نرسانید و اگر دارای حملند نفقه شان را بدهید تا حمل خود را بزایند حال اگر بچه شما را شیر دادند اجرتشان را بدهید و با یکدیگر به خوبی و خوشی مشورت کنید و اگر در باره اجرت سخت گیری کردید زنی دیگر آن کودک را شیر دهد (۶).

و باید مرد توانگر بقدر توانگریش و مرد فقیر بقدر توانایش و خلاصه هر کس از آنچه خدایش داده انفاق کند که خدا هیچ کس را تکلیف نمی کند مگر به مقدار قدرتی که به او داده و خدا بعد از هر سختی

صفحه ی ۵۲۴

---

گشایشی قرار می دهد (۷).

بیان آیات [بیان آیات راجع به حکم طلاق، عده، رجوع و ...]

این سوره مشتمل بر بیان کلیاتی از احکام طلاق است، و به دنبال آن مقداری اندرز و تهدید و بشارت، و این سوره به شهادت سیاقش در مدینه نازل شده.

" يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْضُوا الْعِدَّةَ ... "

در آغاز سوره نخست خطاب را متوجه رسول خدا (ص) می کند، چون او است که به سوی امت فرستاده شده و پیشوای امت است، پس می شود مطالب مربوط به همه امت را به شخص او خطاب کرد، و این گونه خطابها در استعمال شایع است، خطابی است مخصوص بزرگ قوم، و مقدم بر همه آنان، ولی منظور عموم پیروان و زیردستان او است، پس دیگر وجه و دلیلی ندارد که مثل بعضی از مفسرین بگوییم تقدیر آیه " یا ایها النبى قل لامتك اذا طلقتم النساء " است، یعنی ای پیامبر به امت بگو

که وقتی زنان را طلاق دادید چنین و چنان کنید.

و معنای اینکه فرموده: "و چون زنان را طلاق دادید با عده طلاق دهید" این است که چون خواستید طلاق بدهید و نزدیک شد این کار را انجام دهید چنین و چنان کنید، چون معنا ندارد که بعد از طلاق دادن دوباره طلاق دهند، پس در حقیقت این تعبیر نظیر تعبیر در آیه زیر است که می فرماید: "إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا" «۱»، یعنی چون خواستید به نماز بایستید چنین کنید.

و "عده" عبارت از این است که زن در آن مدت از ازدواج جدید، خودداری کند، تا آن مدت که شرع معین کرده تمام شود، و مراد از "طلاق دادن برای عده" طلاق دادن برای زمان عده است، به طوری که زمان عده را از روز وقوع طلاق حساب کنند، و این بدین صورت می شود که طلاق در طهری واقع شود که در آن طهر عمل جنسی انجام نشده باشد، از آن تاریخ حساب عده را نگه می دارد تا سه بار حیض دیدن و پاک شدن، که بعد از آن می تواند شوهر کند.

"وَ أَحْضُوا الْعِدَّةَ" - یعنی عدد حیض ها و پاک شدنها را که معیار عده است بشمارید و

---

(۱) و چون به نماز ایستادید دست و صورت خود را بشویید. سوره مائده، آیه ۶.

صفحه ی ۵۲۵

حسابش را داشته باشید. و منظور از این دستور نگه داری زن است، چون زن در این مدت حق نفقه و سکنی را دارد، و همسرش باید مخارجش را بدهد، و نمی تواند از خانه بیرونش کند، البته حقی هم شوهر به او دارد، و آن این است که می تواند به

طلاق خود رجوع نموده، زندگی با او را از سر گیرد.

" وَ اتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ " - ظاهر سیاق این است که جمله " بیرونشان نکنید "، بدل باشد از جمله " از خدا پروردگارتان بترسید " و خاصیت این بدل آوردن تاکید نهی در جمله " بیرونشان نکنید " است، و منظور از " من بیوتهن - از خانه هایشان " همان خانه هایی است که زنان قبل از طلاق در آن سکنی داشتند، و به همین جهت فرموده: " خانه هایشان " با اینکه خانه مال شوهر است.

و جمله " وَلَا يَخْرُجْنَ " نهی از بیرون رفتن خود زنان از خانه است، هم چنان که جمله قبلی نهی شوهران بود از بیرون کردن آنان.

" إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ " - یعنی مگر آنکه گناهی ظاهر و فاش از قبیل زنا و یا ناسزا و یا اذیت اهل خانه مرتکب شوند، هم چنان که در روایات وارده از ائمه اهل بیت (ع) وارد شده که " فاحشه " عبارت از گناهان مذکور است.

" وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ " - یعنی هر کس از احکامی که برای طلاق ذکر شده که حدود خدا است تجاوز کند، چنین و چنان می شود، آری تمامی احکام الهی حدود اعمال بندگان است، و کسی که از آن احکام تجاوز کند در حقیقت از حدود خدا تجاوز کرده و آن را رعایت ننموده، و کسی که چنین کند یعنی نافرمانی پروردگار خود کند، به خود ستم کرده است.

" لَا تَذَرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا " - یعنی تو نمی دانی، چه بسا خدای تعالی بعد از این امری پدید آورد، یعنی امری که وضع این زن و شوهر را عوض کند،



و رأی شوهر در طلاق همسرش عوض شده، به آشتی با وی متمایل گردد، چون زمام دلها به دست خداست، ممکن است محبت همسرش در دلش پیدا شود، و به زندگی قبلی خود برگردد. "فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ ... وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ" مراد از "بلوغ أجل زنان" این است که به آخر زمان عده نزدیک و مشرف شوند، نه اینکه به کلی عده شان سر آید، چون اگر عده سر بیاید دیگر جمله "فامسکوهن" معنا نخواهد داشت، زیرا منظور از این جمله همان رجوع است که بعد از عده دیگر رجوعی نیست و منظور از جمله "فارقوهن" این است که در این چند روزه آخر عده رجوع نکند، تا عده سر آید و جدایی به

صفحه ی ۵۲۶

کلی حاصل گردد.

و مراد از اینکه فرمود: "امساک و نگهداری زن به طور معروف باشد"، این است که اگر شوهر خواست برگردد، و از جدایی با زن صرف نظر کند، باید که از آن به بعد با او نیکوکاری نموده، حقوقی را که خدا برای زن بر مرد واجب کرده رعایت نماید. و مراد از "مفارقت به نحو معروف" هم این است که حقوق شرعی زن را احترام بگذارد. پس تقدیر کلام چنین می شود "فامسکوهن بمعروف من الشرع او فارقوهن بمعروف من الشرع".

"وَ أَشْهِدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِنْكُمْ" - یعنی دو نفر مرد عادل از خودتان شاهد بر طلاق بگیرید. و توضیح معنای عدالت در تفسیر سوره بقره گذشت.

"وَ أَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ" - توضیح این جمله نیز در سوره بقره بیان شد.

"ذَلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ" - کلمه "ذلك" اشاره به مطالب

قبل است، می فرماید: این امر به تقوا و پرهیز از خدا، و اقامه شهادت برای خدا، و این نهی از تعدی در باره حدود الهی که گفتیم چنین و چنان است. ممکن هم هست بگوییم اشاره است به همه مطالب گذشته، چه احکامی که بیان شد، و چه امر به تقوی و به اخلاص در شهادت و نهی از تعدی در حدود خدا، می فرماید: همه اینها مطالبی است که مؤمنین به وسیله آنها موعظه می شوند، به حق رکون نموده از باطل دل کنده می شوند، و این تعبیر در عین حال اشاره ای هم به این معنا دارد که اعراض از این احکام، و یا تغییر دادن آن خارج شدن از ایمان است.

[معنای جملات آیه شریفه «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا...» با توجه به سیاق و موضع آن

"وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ... قَدْرًا" می فرماید: "وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ" و هر کس از محرمات الهی به خاطر خدا و ترس از او بپرهیزد، و حدود او را نشکند، و حرمت شرایعش را هتک ننموده، به آن عمل کند "يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا" خدای تعالی برایش راه نجاتی از تنگنای مشکلات زندگی فراهم می کند، چون شریعت او فطری است، و خدای تعالی بشر را به وسیله آن شرایع به چیزی دعوت می کند که فطرت خود او اقتضای آن را دارد، و حاجت فطرتش را بر می آورد، و سعادت دنیایی و آخرتیش را تامین می کند، و از همسر و مال و هر چیز دیگری که مایه خوشی زندگی او و پاکی حیاتش باشد، از راهی که خود

او احتمالش را هم ندهد و توقعش را نداشته باشد روزی می فرماید، پس مؤمن این ترس را به خود راه ندهد که اگر از خدا بترسد و حدود او را محترم بشمارد و به این جهت از آن محرمات کام نگیرد، خوشی زندگیش تامین نشود، و به تنگی معیشت دچار گردد، نه، اینطور نیست، برای اینکه رزق از ناحیه خدای تعالی ضمانت شده و خدا قادر است که از عهده ضمانت خود بر آید. \_\_\_\_\_ صفحه ی ۵۲۷

" وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ " - و کسی که بر خدا توکل کند، از نفس و هواهای آن، و فرمانهایی که می دهد، خود را کنار بکشد و اراده خدای سبحان را بر اراده خود مقدم بدارد، و عملی را که خدا از او می خواهد بر عملی که خودش دوست دارد ترجیح بدهد، و به عبارتی دیگر به دین خدا متدین شود و به احکام او عمل کند.

" فَهُوَ حَسْبُهُ " - چنین کسی خدا کافی و کفیل او خواهد بود، و آن وقت آنچه را که او آرزو کند، خدای تعالی هم همان را برایش می خواهد، البته آنچه را که او به مقتضای فطرتش مایه خوشی زندگی و سعادت خود تشخیص می دهد، نه آنچه را که واهمه کاذبش سعادت و خوشی می داند.

و اینکه فرمود: خدا کافی و کفیل او است، علتش این است که خدای تعالی آخرین سبب است، که تمامی سبب ها بدو منتهی می شود، در نتیجه وقتی او چیزی را اراده کند بجا می آورد و به خواسته خود می رسد، بدون اینکه اراده اش دگرگونی پذیرد، او است که می گوید: " مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلَ لَدَيَّ " «۱»، و چیزی بین او و خواسته اش حائل

نمی‌گردد، چون او است که می‌گوید: "وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ" (۲)، و اما سایر اسباب که انسانها در رفع حوائج خود متوسل بدانها می‌شوند، سببیت خود را از ناحیه خدا مالکند، و آن مقدار را مالکند که او به آنها داده، و هر صاحب قدرتی آن مقدار قدرت دارد که به آن داده، در نتیجه در مقام فعل آن مقدار می‌تواند عمل کند که او اجازه اش داده باشد.

پس تنها خدا برای هر کس که بر او توکل کند کافی است، و هیچ سبب دیگر چنین نیست، "إِنَّ اللَّهَ بِالْعُمْرَةِ" خدا به هر چه بخواهد می‌رسد، او است که فرموده: "إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ" (۳)، و نیز فرموده: "قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا" پس هیچ چیز نیست مگر آنکه قدری معین و حدی محدود دارد، و خدای سبحان موجودی است که هیچ حدی او را تحدید نمی‌کند، و هیچ چیزی به او احاطه نمی‌یابد، و او خودش محیط به هر چیز است.

[شرح مفاد آیه کریمه فوق]

این معنای آیه بود، از نظر اینکه در بین آیات طلاق واقع شده و با مورد طلاق منطبق می‌شود، و اما اگر از سیاق و مورد صرف نظر کنیم، و اطلاق خود آیه را در نظر بگیریم، جمله "و

---

(۱) نزد من سخن دگرگونه نمی‌شود. سوره ق، آیه ۲۹.

(۲) خدای تعالی حکم می‌کند، و چیزی نمی‌تواند حکمش را عقب اندازد. سوره رعد، آیه ۴۱.

(۳) امر او هنگامی که چیزی را اراده کرده باشد تنها این است که بگوید باش و آن چیز موجود شود. سوره یس، آیه ۸۲.

اللَّهُ يَجْعَلُ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ" این مفاد را به دست می دهد که هر کس از خدا بترسد و به حقیقت معنای کلمه پروا داشته باشد- که البته چنین تقوایی حاصل نمی شود مگر با معرفت نسبت به خدا و اسما و صفات او- و سپس به خاطر رعایت جانب او از محرّمات و ترک واجبات- که لازمه آن این است که اراده نکند مگر فعل و ترکی را که او اراده کرده باشد، و لازمه این هم آن است که اراده اش در اراده خدای تعالی مستهلک شده باشد- چنین کسی هیچ عملی انجام نمی دهد مگر از اراده ای از خدا.

لازمه این نیز آن است که خود را و متعلقات خود از مشخصات و افعالش را ملک خدای تعالی بداند، آن هم ملک طلق او، و او را مالک علی الاطلاق خود بداند، مالکی که به هر نحو بخواهد می تواند در ملکش تصرف کند، و این ملکیت همان ولایت خدایی است که خدا با آن ولایت متولی امر بنده اش می باشد، پس برای بنده از ملک حقیقی چیزی باقی نمی ماند مگر آنچه که خدای سبحان تملیکش کرده باشد، تازه همان را هم که او دارد باز به ملکیت خدا باقی است، و ملک همه اش از خدای عز و جل است.

اینجاست که خدای تعالی چنین بنده ای را به حکم "يَجْعَلُ لَهُ مَخْرَجًا" از تنگنای وهم و زندان شرک نجات می دهد، دیگر به اسباب ظاهری دلبسته نیست و به حکم "وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ" از جایی که او احتمالش را هم ندهد رزق مادی و معنوی را فراهم می کند، اما رزق مادیش را بدون

پیش بینی خود او می رساند، برای اینکه او قبل از رسیدن به چنین توکلی رزق خود را حاصل دسترنج خود و اثر اسباب ظاهری می دانست، همان اسبابی که دل به آن بسته بود، و از آن اسباب هم که بسیار زیادند جز به اندکی اطلاع نداشت، و مثلش مثل کسی بود که در شبی بس ظلمانی نور بسیار ضعیفی پیش پایش را روشن کرده باشد، و از ما و رای آن فضای اندک بی خبر باشد، و لیکن خدای سبحان از همه اسباب خبر دارد، و او است که اسباب و مسببات را پشت سر هم می چیند، و هر طوری که بخواهد نظام می بخشد، و به هر یک از آن اسباب بخواهد اجازه تاثیر می دهد تاثیری که خود بنده چنان تاثیری برای آن سراغ نداشته.

و اما رزق معنویش را- که رزق حقیقی هم همانست، چون مایه حیات جان انسانی است، و رزقی است فنا ناپذیر- بدون پیش بینی خود او می رساند، دلیلش این است که انسان نه از چنین رزقی آگهی دارد و نه می داند که از چه راهی به وی می رسد.

و کوتاه سخن اینکه: خدای سبحان که ولی و عهده دار سرپرستی بنده متوکل خویش است، او را از پرتگاه هلاکت بیرون می کشد، و از طریقی که \_\_\_\_\_ه \_\_\_\_\_ود او پیش بینی آن را

صفحه ی ۵۲۹

نمی کند، روزی می دهد، و چنین بنده ای به خاطر اینکه بر خدای تعالی توکل کرده، و همه امور خود را به او واگذار نموده، هیچ چیز از کمال و از نعمت هایی را که قدرت به دست آوردن آن را در خود می بیند از دست نمی دهد، خلاصه آنچه را که امیدوار بود به وسیله سعی

و کوشش خود به دست آورد همان را خدای تعالی برایش فراهم می کند، برای اینکه او به وی توکل کرد، و کسی که بر خدا توکل کند، خدا همه کاره او می شود، و هیچ سبب از اسباب ظاهری اینطور نیست، برای اینکه هر سببی را که در نظر بگیری یک بار کارگر می افتد بار دیگر نمی افتد، ولی خدای تعالی این طور نیست، "إِنَّ اللَّهَ بِالْعُمْرَةِ" چون خدا به کار خود می رسد و تمامی امور در حیطه قدرت خدای تعالی است "فَدَجَّلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا" و وقتی حدود و اندازه هر موجودی را خدای تعالی معین می کند، بنده متوکل هم یکی از موجودات است، او نیز از تحت قدرت خدا خارج نیست، پس اندازه ها و حدود او نیز به دست خدا است.

و چنین مقامی تنها نصیب صالحین از اولیای این امت می شود، و اما افراد پایین تر یعنی افراد متوسط از اهل تقوی که درجات پایین تری از حیث معرفت و عمل دارند، از موهبت ولایت خدایی هم آن مقداری برخوردارند که با اخلاص ایمان و اعمال صالحشان مطابقت دارد، و چنان نیست که هیچ بهره ای از این موهبت نداشته باشند، چگونه محروم باشند با اینکه خدای عز و جل فرموده: "وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ" (۱) و جای دیگر به طور مطلق فرموده: "وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ" (۲).

آری همین که به دین حق متدین هستند، و این سنت حیات را پذیرفته، ورود و خروجشان در امور ناشی از اراده خدای تعالی است، خود تقوی الله و توکل بر او است، برای اینکه این گونه افراد مؤمن و متقی اراده خدای تعالی را در جای اراده خودشان

قرار داده اند، در نتیجه به همان مقدار از سعادت زندگی برخوردار می شوند، و خدای تعالی برایشان از هر ناملایمی مخرجی قرار می دهد، و از جایی که خود آنان به فکرشان نرسد روزیشان می دهد، و پروردگارشان کافی ایشان است، و او به کار خود می رسد و اراده خود را به کرسی می نشاند، و چگونه چنین نباشد با اینکه او است که برای هر چیزی قدر و مقداری معین کرده است.

و این مؤمنین از محرومیت از سعادت هم آن مقدار سهم دارند که شرک در ایمان و

---

(۱) و خداوند ولی و سرپرست مؤمنان است. سوره آل عمران، آیه ۶۸.

(۲) خداوند یار و یاور پرهیزکاران است، سوره جاثیه، آیه ۱۹.

صفحه ی ۵۳۰

---

عملشان رخنه کرده باشد، و رخنه هم می کند، چون همانطور که در بالا گفتیم غیر از صالحان از اولیای خدا، آنها که از رتبه پایین ترند از شرک خالی نیستند، هم چنان که فرمود: "وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ" (۱) و از سوی دیگر به طور مطلق فرموده: "إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ" (۲).

و نیز فرموده: "وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا" (۳)، یعنی هر کسی که از شرک توبه کند، و باز به طور مطلق فرموده: "وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ" (۴).

پس مؤمن به هیچ درجه از درجات ولایت الله بالا نمی رود مگر با توبه از شرک خفی که هر مرحله از آن پایین تر از درجه ولایت آن مرحله است.

آیه مورد بحث از آیات برجسته قرآن است، و مفسرین در باره جمله جمله آن سخنانی پراکنده دارند، که از نقلش صرفنظر می کنیم.

[مدت عده طلاق]



" وَ اللَّائِي يَأْسَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ ... "

کلمه "ارتیاب" که مصدر فعل "ارتبتم" است به معنای شک و تردید، و در خصوص آیه منظور شک در یائسه شدن است، چون ممکن است زنی حیض نبیند، ولی شک داشته باشد که حیض ندیدنش به خاطر کبر سن است، یا به خاطر عارضه ای مزاجی است. پس معنای آیه این است که آن زنانی که از حیض یائسه می شوند، اگر در علت یائسه شدنشان شک داشتید که آیا به خاطر رسیدن به حد یائسگی است، یا به خاطر عارضه مزاجی است در صورتی که طلاقشان دادید باید سه ماه عده نگه بدارند.

" وَ اللَّائِي لَمْ يَحْضَنْ " - این جمله عطف است بر جمله " وَ اللَّائِي يَأْسَنَ ... "، و معنایش این است که زنانی که در سن حیض دیدن حیض ندیدند نیز عده طلاقشان سه ماه است.

" وَ أُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ " - یعنی منتهای زمان عده زنانی که آبستن هستند و طلاق گرفته اند، روزی است که وضع حمل کرده باشند.

" وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا " - یعنی کسی که از خدا بترسد، خدای تعالی \_\_\_\_\_

(۱) بیشترشان به خدا ایمان نمی آورند، مگر آنکه در عین حال مشرکند. سوره یوسف، آیه ۱۰۶.

(۲) خدا این گناه را که به وی شرک بورزند نمی آمرزد. سوره نساء، آیه ۴۸.

(۳) و من به طور قطع آمرزنده هر کسی هستم که توبه کند، و ایمان آورده عمل صالح انجام دهد.

سوره طه، آیه ۸۲.

(۴) از خدا طلب مغفرت کنید که خدا آمرزنده مهربان است. سوره مزمل، آیه ۲۰.

مشقت هایی را که برایش پیش می آید آسان می سازد. و بعضی «۱» گفته اند: معنایش این است که امور دنیا و آخرت را برایش آسان نموده، یا فرجی دنیایی برایش می فرستد، و یا عوضی آخرتی به او می دهد.

"ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ ..."

یعنی آنچه خدای تعالی در آیات قبلی بیان کرد احکامی است که او به سوی شما نازل کرد، و در اینکه فرمود: "وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا" دلالتی هست بر اینکه پیروی اوامر خدا خود مرحله ای است از تقوی، مانند اجتناب از محرّمات که آن هم مرحله ای دیگر از تقوی است، و شاید این دلالت برای آن باشد که امتثال اوامر هم ملازم با اجتناب از حرام است، و آن حرام عبارت است از ترک امتثال.

و معنای "تکفیر سیئات" پوشاندن آن به وسیله مغفرت است، و مراد از "سیئات" گناهان صغیره است، در نتیجه تقوی تنها برای گناهان کبیره باقی می ماند، و مجموع جمله "وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا" در معنای آیه شریفه زیر می باشد که فرموده:

"إِنْ تَجْتَبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا" «۲»، و از این دو آیه شریفه بر می آید که مراد معصوم (ع) هم که در تعریف تقوی فرمود: "عبارت است از ورع از محارم خدا" همان گناهان کبیره است.

و نیز بر می آید که مخالفت با احکامی که خدای تعالی در باره طلاق و عده نازل فرموده از گناهان کبیره است چون تقوایی که در آیه شریفه ذکر شده مشتمل بر مسائل مذکور نیز می شود، و ممکن نیست که مسائل خود آیه

را شامل نگردد، پس مخالفت مذکور جزو سیئات قابل تکفیر نیست، و گرنه نظم و معنای آیه مختل می شود.

"أَسْكُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ ..."

راغب در مفردات می گوید: کلمه "من وجدکم" به معنای تمکن و مقدار توانگریتان است، چون غنی را "و جدان" و "جده" می خوانند، و بعضی قرائت کلمه "وجد" را هم به فتحه واو حکایت کرده اند هم به ضمه و هم به کسره «۳».

ضمیر "هن" به مطلقات، یعنی زنان طلاق‌ی بر می گردد، و این معنا را سیاق تایید

---

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۰۷.

(۲) اگر از گناهان بزرگ آنچه از آن نهی شده اید اجتناب بورزید، ما گناهان (کوچک) تان را تکفیر می کنیم، و در مدخلی آبرومند داخلتان می کنیم. سوره نساء، آیه ۳۱.

(۳) مفردات راغب، م\_\_\_\_\_اده "و ج\_\_\_\_\_د".

صفحه ی ۵۳۲

می کند. و معنای آیه این است که زنانی را که طلاق داده اید باید در همان مسکن که خودتان ساکنید سکنی بدهید، البته هر کس به مقدار وجدش، آن کس که توانگر است به قدر توانگریش، و آنکه فقیر است باز به مقدار تواناییش.

"و لَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ" - یعنی حق ندارید ضرری متوجه آنان کنید تا ماندن در آن سکنی برایشان دشوار شود، و از نظر لباس و نفقه در مضیقه شان قرار دهید.

[تکلیف بچه شیر خوار زن مطلقه

"وَ إِنْ كُنَّ أَوْلِيَاتٍ حَمِيلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ" - معنای این قسمت از آیه روشن است، می فرماید: اگر زنان طلاق‌ی حامله باشند، باید نفقه آنان را بدهید تا فرزند خود را بزنند.

"فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ" - یعنی اگر حاضر شدند نوزاد خود را شیر دهند، بر شما است که اجرت شیر دادنشان را

بدهید، چون اجرت رضاعت در حقیقت نفقه فرزند است، که به گردن پدر است.

" وَ أَتَمُّوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ " - " ائتمار " که فعل " ائتمروا " از آن مشتق است، وقتی در مورد چیزی استعمال می شود، معنای مشورت کردن در باره آن چیز را می دهد، به طوری که طرفهای مشورت به یکدیگر امر کنند، و در آیه مورد بحث که ائتمار به صیغه امر آمده و فرموده " ائتمار بکنید "، خطابش به زن و مرد است، می فرماید: در باره فرزند خود مشورت کنید تا به نحوی پسندیده و عادی به توافق برسید، به طوری که هیچ یک از شما و فرزندتان متضرر نشوید، نه مرد با دادن اجرت زیادتر از حد معمول متضرر شود، و نه زن با کمتر گرفتن، و نه فرزند با کمتر از دو سال شیر خوردن متضرر گردد، و همچنین ضررهای دیگری که ممکن است پیش آید به هیچ یک از شما متوجه نشود.

" وَإِنْ تَعَاَسَ رِزْتُمْ فَسَبِّحْ لَهُ الْاُخْرَى - هر چند معنای تحت اللفظی این جمله این است که اگر یکی از شما خواست به طرف دیگر ضرر برساند، و اختلافتان برطرف نگردد، به زودی زنی دیگر غیر از مادر طفل او را شیر خواهد داد، ولی منظور این است که باید به زودی و قبل از آنکه کودک گرسنه شود، زنی دیگر آن کودک را شیر دهد.

" لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ " باید صاحب سعه از سعه خود انفاق کند. و انفاق از سعه به معنای توسعه دادن در انفاق است، و امر در این جمله متوجه توانگران است، می فرماید مردان توانگر وقتی همسر بچه دار خود را طلاق می دهند، باید در ایام عده

و ایام شیرخواری کودکشان، به زندگی مطلقه و کودک خود توسعه دهند.

صفحه ی ۵۳۳

" وَ مَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ " - " قدر رزق " به معنای تنگی روزی است، و کلمه " ایتاء " به معنای عطا کردن است، می فرماید: و کسی که فقیر و در تنگنای معیشت است، و نمی تواند به زندگی همسر طلاق و کودک شیرخوارش توسعه دهد، هر قدر که می تواند از مالی که خدای تعالی به او عطا کرده به ایشان انفاق کند.

" لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا " - یعنی خدای تعالی هیچ کسی را تکلیف ما لا یطاق نمی کند، هر کسی را به قدر توانایش تکلیف می فرماید، در مساله مورد بحث هم به مرد تهی دست تکلیف توسعه نکرده است، بنا بر این، جمله مورد بحث می خواهد خرج را از تکالیف الهی که یکی از آنها انفاق همسر مطلقه است نفی کند.

" سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا " - در این جمله به اشخاص تهی دست تسلیت و دلداری داده، مژده می دهد که به زودی خدای عز و جل بعد از تنگدستی و سختی، گشایش و رفاه می دهد.

بحث روایتی [(روایاتی در ذیل آیات طلاق، راجع به احکام طلاق، عده، رجوع و ...)]

در الدر المنثور است که: ابن مردویه از ابی سعید خدری روایت کرده که گفت:

سوره نساء کوتاه، هفت سال بعد از سوره نسایی که جنب سوره بقره است نازل گردید «۱».

مؤلف: منظور از سوره نساء کوتاه، همین سوره طلاق است.

و در همان کتاب آمده که مالک، شافعی، عبد الرزاق، (در کتاب المصنف)، احمد، عبد بن حمید، بخاری، مسلم، ابو داوود، ترمذی، نسایی، ابن ماجه، ابن جریر، ابن منذر، ابو یعلی،

ابن مردویه، و بیهقی، (در کتاب سنن خود) همگی از پسر عمر روایت کرده اند که خود او گفت: همسر خود را در حال حیض طلاق دادم، و جریان را برای رسول خدا (ص) گفتم، حضرت در خشم شد و فرمود: باید برگردی و او را نگه بداری تا از حیض پاک شود، و دوباره حیض ببیند و باز پاک شود، آن وقت اگر خواستی طلاقش دهی، یعنی در حال طهارتش و قبل از آنکه با او عمل زناشویی انجام دهی طلاق بدهی، این است آن عده ای که خدای تعالی در باره اش فرمود: "فَطَلَّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ"، آن گاه رسول خدا (ص) آیه را اینطور خواند که:

---

(۱) الـدر المنثـور، ج ۶، ص ۲۳۶.

صفحه ی ۵۳۴

"یا ایها النبی اذا طلقتم النساء فطلقوهن فی قبل عدتهن" «۱».

مؤلف: اینکه آیه را "فی قبل عدتهن" نقل کرده، قرائت خود ابن عمر است، و در قرآن کریم "لعدتهن" آمده.

و در همان کتاب آمده که ابن منذر، از ابن سیرین نقل کرده که در باره جمله "لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا" گفته: این جمله در باره حفصه دختر عمر نازل شد که رسول خدا (ص) او را یک بار طلاق داد، و آیه شریفه "یا ایها النبی إذا طلقتم النساء... یُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا" نازل شد، و به رسول خدا (ص) دستور داد که به طلاق خود رجوع کند «۲».

و در کافی به سند خود از زراره از امام باقر (ع) روایت کرده که فرمود: هر طلاق که بر طبق سنت و یا بر عده نباشد اعتبار ندارد. زراره اضافه کرده که به امام باقر عرض کردم "طلاق سنت" و

طلاق عده" را برایم تفسیر کن، فرمود: اما طلاق سنت این است که مردی که می خواهد همسرش را طلاق دهد، او را زیر نظر بگیرد تا حیض شود، و سپس از حیض پاک گردد، آن گاه بدون اینکه با او جماع کرده باشد یک بار طلاق دهد، و دو نفر را هم بر طلاق دادن خود شاهد بگیرد، و سپس زیر نظرش داشته باشد تا دو بار خون حیض ببیند و پاک شود، که اگر برای بار سوم خون ببیند، عده اش تمام شده، و رابطه زوجیت بین آن دو به کلی قطع گردیده، به طوری که اگر بخواهد دوباره با او ازدواج کند، مثل سایر مردان اجنبی خواستگاری است از خواستگاران، اگر خواست می تواند با او ازدواج کند، و اگر نخواست نمی کند، و در آن مدت که او را زیر نظر داشت تا از عده در آید، نفقه و سکنایش را باید بدهد، و نیز در آن مدت اگر مرد بمیرد، زن (مطلقه در عده اش) از او ارث می برد، و اگر زن بمیرد، مرد از او ارث می برد، ولی بعد از تمام شدن عده نه دیگر نفقه ای هست، و نه ارثی.

سپس فرمود: و اما طلاق عده که خدای تعالی در باره اش فرمود: "فَطَلَّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ"، چنین است که اگر مردی از شما خواست همسرش را طلاق عده دهد، باید او را زیر نظر بگیرد تا حیض شود، و سپس از حیض در آید، آن گاه یک بار طلاقش دهد، بدون اینکه بعد از پاک شدن با او جماع کرده باشد، و دو نفر شاهد عادل هم گواه بر طلاق بگیرد، و اگر خواست

همان روز یا بعد از چند روز البته قبل از آنکه همسرش حیض ببیند، به او رجوع کند، و بر رجوع خود شاهد هم بگیرد، و با او جماع کند، و نزد خود نگه بدارد، تا حیض ببیند، و بعد

---

۱) و (۲) الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۲۹. صفحه ی ۵۳۵

---

از حیض دیدن و از حیض خارج شدن، یک بار دیگر طلاقش دهد، بدون اینکه با او جماع کرده باشد، و شاهد هم بر طلاق دادنش بگیرد، و باز هر وقت خواست البته تا قبل از حیض دیدن به او رجوع کند، و بر رجوع خود شاهد هم بگیرد، و بعد از رجوع با او جماع کند، و نزد خود نگه داری کند، تا برای بار سوم حیض ببیند، و چون از حیض خارج شد، قبل از آنکه با او جماع کرده باشد طلاقش دهد، و بر طلاق دادنش گواه هم بگیرد، در این صورت دیگر رابطه زناشویی بین او و همسرش به کلی قطع شده، و دیگر نمی تواند در عده به او رجوع کند، (و یا در خارج عده او را عقد کند)، مگر بعد از آنکه آن زن با مردی دیگر ازدواج بکند، اگر او طلاقش داد آن وقت می تواند دوباره عقدش کند.

زراره می گوید: شخصی پرسید: اگر زن از کسانی باشد که هیچ خون نمی بیند چه باید کرد؟ فرمود مثل چنین زنی را باید به طلاق سنت طلاق داد (۱).

و صاحب قرب الاسناد به سند خود از صفوان روایت کرده که گفت: من شنیدم از امام صادق (ع) که مردی به خدمتش آمد، و این مساله را پرسید که من همسر را در یک



مجلس سه بار طلاق دادم، فرمود اعتبار ندارد، آن گاه فرمود مگر کتاب خدا را نمی خوانی که می فرماید " يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ " .

آن گاه فرمود: آیا نمی بینی که می فرماید: " لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا " و سپس فرمود: هر چیزی که مخالف کتاب خدا و سنت باشد، باید به کتاب خدا و سنت برگردانده شود «۲».

و در تفسیر قمی در معنای جمله " لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ "، فرموده: این عمل برای مرد حلال نیست، که زنش را بعد از آنکه طلاق داد- و در مدتی که می تواند به او رجوع کند- از خانه خود خارج سازد، و بر خود زن نیز حلال نیست که از خانه شوهرش بیرون رود، مگر آنکه زن گناهی آشکار مرتکب شود که در آن صورت مرد می تواند او را بیرون کند.

و کلمه " فاحشه " به معنای آن است که زن نامبرده یا زناکار باشد و یا از خانه شوهر سرقت کند، و یکی هم از مصادیق فاحشه سلیطه شدن بر شوهر است، که اگر زن طلاق یکی \_\_\_\_\_

(۱) کافی، ج ۶، ص ۶۵، ح ۲.

، ص ۳۰.

(۲) قرب الاسناد \_\_\_\_\_

صفحه ی ۵۳۶

از این اعمال را مرتکب شود، مرد می تواند او را از خانه خود خارج سازد «۱».

و در کافی به سند خود از وهب بن حفص، از یکی از دو امام صادق و باقر (ع) روایت آورده که در باره زن طلاق که در عده است فرموده: عده اش را در خانه اش نگه

می دارد، و در آن ایام زینت خود را برای شوهرش ظاهر می سازد، "لَعَلَّ اللَّهَ يُخْدِتُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا" تا شاید خدای تعالی دوباره محبت وی را در دل شوهرش بیفکند، و نفرت و کینه او را از دل شوهرش بیرون سازد «۲».

[چند روایت در باره تقوی، توکل و کفایت خداوند، در ذیل آیه شریفه: "وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا..." ]

مؤلف: در این معانی و معانی جمله جمله دو آیه مورد بحث روایات دیگری از ائمه اهل بیت (ع) رسیده است.

و باز در آن کتاب به سند خود از معاویه بن وهب، از امام صادق (ع) روایت آورده که فرمود: کسی که خدای تعالی سه چیز به او داده باشد، از سه چیز دیگرش دریغ نمی دارد: کسی که توفیق دعایش داده باشند از اجابت دعایش دریغ نمی دارند، و کسی که توفیق شکرش دادند از زیادتر کردن نعمتش دریغ نمی دارند، و کسی که نعمت توکلش دادند از موهبت کفایتش مضایقه نمی کنند.

آن گاه فرمود: آیا کتاب خدای عز و جل را خوانده ای که می فرماید: "وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ" - کسی که بر خدا توکل کند او وی را کافی خواهد بود، "لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ" - به طور قطع اگر شکرگزاری کنید نعمتتان را زیاد می کنم، "وَأَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ" - بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را «۳».

و نیز در همان کتاب به سند خود از محمد بن مسلم روایت آورده که گفت: از امام صادق (ع) از کلام خدای عز و جل پرسیدم که می فرماید: "وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ"، فرمود: یعنی در دنیایش به او این

و در الدر المنثور است که: عبد بن حمید و ابن جریر و ابن ابی حاتم، از سالم بن ابی الجعد، روایت کرده اند که گفت: این آیه، یعنی آیه "وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ... " در باره مردی از قبیله اشجع نازل شد که دچار فقر و بلایی شده بود، دشمن پسرش را اسیر گرفته بود، نزد رسول خدا (ص) شد، حضرت فرمود: "اتق الله و اصبر - از خدا بترس و صبر کن" و

---

(۱) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۷۴.

(۲) کافی، ج ۶، ص ۹۱، ح ۱۰.

(۳) اصول کافی، ج ۲، ص ۵۳، ح ۶.

(۴) نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۵۵ - نقله من کتاب فی... ص ۵۳۷

---

پس از چندی پسرش که اسیر شده بود برگشت، خدای تعالی آزادش کرد، به خانواده اش ملحق شد، در بین راه به چند رأس بز دست یافته بود، آنها را هم آورده بود، و جریان را به حضور رسول خدا (ص) عرضه داشت، در همین بین خدای تعالی این آیه را نازل کرد، حضرت فرمود: آن بزها مال خودت باشد «۱».

و باز در همان کتاب است که ابو یعلی و ابو نعیم و دیلمی، از طریق عطاء بن یسار، از ابن عباس روایت کرده اند که گفت: رسول خدا (ص) در تفسیر آیه "وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا" فرمود: یعنی از شبهه های دنیا و از سکرات مرگ و از شدائد روز قیامت برایش مخرجی قرار می دهد «۲».

و نیز در همان کتاب است که حاکم (وی حدیث را صحیح دانسته)، و ابن مردویه و بیهقی، از ابو ذر روایت کرده اند که گفت: رسول خدا (ص) آیه "وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا" فرمود: یعنی از شبهه های دنیا و از سکرات مرگ و از شدائد روز قیامت برایش مخرجی قرار می دهد «۲».

مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ" را تلاوت کرد، و آن قدر تکرار کرد تا چرتش گرفت، و آن گاه فرمود: ای ابو ذر اگر تمامی مردم به این آیه تمسک می کردند، خدا همه شان را کفایت می کرد «۳».

و نیز در همان کتاب آمده که ابن ابی حاتم و طبرانی و خطیب، از عمران بن حصین، روایت کرده اند که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: کسی که امید خود را از خلق برید، و همه امیدش را به خدا بست، خدا هر مئونه از مئونه هایش را کفایت می کند، و از جایی که خود او احتمالش را هم ندهد روزی می دهد، و کسی که همه امیدش به دنیا باشد، خدا او را به همان دنیا واگذار می نماید «۴».

و نیز آمده که: ابن ابی حاتم، از ابن عباس، و او بدون واسطه از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: هر کس دوست می دارد نیرومندترین مردم باشد، بر خدا توکل کند، و هر کس میل دارد بی نیازترین مردم باشد، باید به آنچه در دست خدا دارد، اعتمادش بیشتر از آنچه در دست خود دارد بوده باشد، و کسی که میل دارد محترم ترین مردم باشد از خدا بترسد «۵».

مؤلف: در سابق در ذیل بحث پیرامون همین آیات مورد بحث معنایی برای این گونه روایات کردیم.

---

(۱ و ۲) الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۳۲.

(۳ و ۴) الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۳۳.

(۵) الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۳۴.

صفحه ی ۵۳۸

و در کافی به سند خود از حلبی، از امام صادق (ع) روایت کرده که فرمود:

عده زنی که حیض نمی بینند، و مستحاضه ای که خونش قطع

نمی شود، سه ماه است، و عده زنی که حیض می بیند، ولی حیضش منظم نیست، سه نوبت حیض دیدن و پاک شدن است.

حلبی می گوید: از آن جناب معنای جمله "إِنْ ارْتَبْتُمْ" را پرسیدم، و عرضه داشتم: منظور از این شک و ریه چیست؟ فرمود: حیضی که بیشتر از یک ماه طول بکشد ریه است، و صاحبش باید سه ماه عده نگه دارد، نه اینکه معیار را حیض دیدن قرار دهد (تا آخر حدیث) «۱».

و نیز در همان کتاب به سند خود از محمد بن قیس از امام ابی جعفر (ع) روایت آورده که فرمود: عده زن حامله ای که مطلقه شده وضع حملش است، و بر همسر او است که در این مدت نفقه او را به طور معروف و معمول بدهد تا فرزندش را بزاید «۲».

و نیز در آن کتاب به سند خود از ابی الصباح کنانی از ابی عبد الله امام صادق (ع) روایت کرده که گفت: هر گاه مردی همسرش را که آبستن است طلاق دهد، باید نفقه او را پردازد، تا فرزند به دنیا آید، همین که فرزندش را زائید مزد شیر دادنش را می دهد، و نباید به او ضرر بزند، مگر آنکه زن شیردهی پیدا شود که مزد کمتری بگیرد، اگر مادر طفل حاضر شد به آن مزد کمتر فرزندش را شیر دهد البته او مقدم بر بیگانه است، چون مادر کودک است، لذا تا روزی که بچه از شیر گرفته می شود مزد می گیرد و شیر می دهد «۳».

و صاحب کتاب فقیه به سند خود از ربیع بن عبد الله و فضیل بن یسار، از امام صادق (ع) روایت کرده که در تفسیر

جمله " وَ مَنْ قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ " فرمود:

اگر به مقداری که از گرسنگی نمیرد به او داد، و جامه اش را هم تامین کرد، که هیچ، و گرنه باید (حاکم شرع) بین شوهر و زن طلاقى اش جدایی بیندازد «۴».

مؤلف: این روایت را صاحب کافی هم به سند خود از ابی بصیر از آن جناب روایت کرده «۵».

و در تفسیر قمی در ذیل جمله " وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجْلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ " آمده که:

زن حامله اگر مطلقه شد، سرآمد عده اش همان وقتی است که بزاید، و آنچه در شکم دارد بگذارد، حتی اگر بین طلاق و زائیدنش یک روز فاصله شود، پس بعد از زائیدن و پاک شدن \_\_\_\_\_

(۱) کافی، ج ۶، ص ۱۰۰، ح ۸. (۲ و ۳) کافی، ج ۶، ص ۱۰۳، ح ۱ و ۲.

(۴) فقیه، ج ۳، ص ۲۷۹، ح ۶.

(۵) \_\_\_\_\_ افی، ج ۵، ص ۵۱۲، ح ۷.

صفحه ی ۵۳۹

می تواند شوهر کند، و همچنین به عکس، اگر بین طلاق و زائیدن نه ماه طول بکشد، عده اش نه ماه است، و نمی تواند شوهر کند، مگر بعد از وضع حمل «۱».

و در کافی به سند خود از عبد الرحمن بن حجاج از ابی الحسن (ع) روایت کرده که گفت: من از آن جناب از زن آبستنی سؤال کردم که شوهرش طلاقش داده، و او بچه اش را سقط کرده، آیا عده اش با سقط جنین تمام شده یا نه؟ و اگر سقط به صورت مضغه باشد چطور؟ فرمود: هر چه را که انداخته باشد، در صورتی که مشخص باشد که همان حمل است که انداخته، چه تمام باشد و چه ناقص، عده طلاقش همان

سقط است، و در عده طلاق لازم نیست خلقت بیجه ای که می آورد تمام شده باشد «۲».

و در الدر المنثور است که ابن منذر از مغیره روایت کرده که گفت من به شعبی گفتم نمی توانم گفتار علی بن ابی طالب را بپذیرم، که گفته است: عده زن شوهر مرده آخر دو أجل است. شعبی گفت: اتفاقاً نه تنها باید آن را بپذیری، بلکه مانند روشن ترین مطالبی که پذیرفته ای، باید بپذیری، برای اینکه همین علی بن ابی طالب بارها فرمود: آیه شریفه " وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ "، تنها مربوط به زنان مطلقه «۳» است «۴».

و نیز در الدر المنثور است که عبد الرزاق، از عیید الله بن عبد الله بن عتبه، روایت کرده که گفت: ابو عمرو بن حفص ابن مغیره با علی بن ابی طالب به سفر یمن رفت، از یمن نامه ای به همسرش فاطمه دختر قیس نوشت، که من تو را طلاق داده ام (و این سومین بار بود که او را طلاق داد) و به هشام و عباس بن ابی ربیع نوشت که نفقه او را بدهند، فاطمه آن نفقه را اندک شمرد و اعتراض کرد، نام بردگان به او گفتند: به خدا سوگند تو اصلاً نفقه نداری مگر این که حامله باشی، که نیستی، فاطمه نزد رسول خدا (ص) رفت، و مساله خود را با آن جناب در میان نهاد، رسول خدا (ص) فرمود: تو نفقه نمی بری. از آن جناب اجازه خواست تا از منزل شوهرش منتقل شود، و حضرت اجازه اش داد «۵».

---

(۱) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۷۴.

(۲) کافی، ج ۶، ص ۸۲، ح ۹.

(۳) الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۳۷.

(۴) جا

داشت شعبی اضافه کند که عده زن شوهر مرده در جای دیگر قرآن آمده، و فرموده: "وَ الَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا  
يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا" مترجم.

(۵) و این بدان جهت است که طلاق بار سوم طلاق نیست که شوهر بتواند به او رجوع کند و نفقه مخصوص طلاق رجعی  
است. مترجم. \_\_\_\_\_ صفحه ی

۵۴۰

مروان نزد فاطمه فرستاد، و جریان او را پرسش نمود، فاطمه جریان را برای مروان شرح داد، مروان گفت: من تا کنون چنین  
چیزی نشنیده ام، مگر از یک زن، و ما با این حرفها حاضر نیستیم ناموس خود را رها کنیم، این مطلبی است که هیچ یک از  
مردم حاضر به آن نیستند، و خلاصه تو باید هم چنان در خانه شوهرت بمانی، فاطمه گفت: حاکم بین من و شما کتاب  
خداست، و خدای تعالی فرموده: "وَلَا يَخْرُجَنَّ إِلَّا أَنْ يُأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ"، تا رسید به اینجا که می فرماید: "لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ  
يُخْرِدُ بَعِيدَ ذَلِكُمْ أَمْرًا"، آن گاه فاطمه گفت: این حکم برای زنانی است که ممکن است شوهرانشان در ایام عده پشیمان  
شده، دو باره به زنان خود برگشته، بخواهند با آنان زندگی کنند، و این بار سوم است که همسر من مرا طلاق داده، دیگر  
منتظری چه حادثه ای حادث شود چطور وقتی سخن از نفقه می شود می گوئید: چون حامله نیست نفقه نمی برد، و وقتی  
سخن از آزادی می شود می گوئید: نه باید در خانه حبس باشد، برای چه حبسش می کنید.

حکم خدا این است که وقتی کسی بخواهد همسر خود را طلاق دهد، او را زیر نظر بگیرد، تا حیض شود، و از حیض پاک  
گردد،



آن گاه يك بار طلاق دهد، در صورتی که حیض می بیند سه بار باید حیض ببیند، و اگر حیض نمی بیند عده اش سه ماه است، و اگر حامله باشد عده اش وضع حمل او است، و اگر شوهر در ایام عده خواست رجوع کند می تواند رجوع کند، و دو شاهد هم بر رجوع خود بگیرد، هم چنان که خدای تعالی فرمود: "وَأَشْهِدُوا ذَوَىٰ عَيْدَلٍ مِّنْكُمْ"، و این دو شاهد را هم در هنگام طلاق دادن بگیرد، و هم هنگام رجوع کردن.

حال اگر در ایام عده رجوع کرد که همسر او است، و شوهرش دو بار دیگر می تواند او را طلاق دهد، و اگر رجوع نکرد، تا عده اش سر آمد، دیگر نمی تواند رجوع کند، بلکه با همان يك طلاق رابطه اش به کلی قطع شده، و زن اختیار خود را دارد که با چه کسی ازدواج بکند، با شوهر سابقش و یا با غیر او «۱».

---

(۱) الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۳۱.

ترجمه آیات و چه بسیار قریه ها که مردمش از دستورات پروردگارشان سرپیچی کردند و فرمان پیامبران او را گردن نهادند در نتیجه ما آنها را به حساب سختی محاسبه نموده به عذابی عجیب گرفتار کردیم (۸).

آن مردم وبال سرپیچی های خود را چشیدند و عاقبت امرشان خسران شد (۹).

تازه این عذاب و خسران دنیای آنان بود و خدای تعالی برای آخرت آنان عذابی سخت تهیه دیده، پس ای خردمندان از مؤمنین از خدا بترسید، چون خداوند چیزی که مایه تذکر شما است بر شما نازل کرده (۱۰).

رسولی فرستاده تا آیات خدا را برای شما بخواند، آیاتی که روشن است، تا خدا آنهایی را که ایمان

و اعمال صالح می کنند از ظلمت ها به سوی نور بیرون کند. و کسی که به خدا ایمان می آورد و عمل صالح می کند خدا او را به بهشت هایی داخل می کند که نهرها از زیر درختانش جاری است بهشت های جاودانه که ایشان تا ابد در آن خواهند بود و خدا چه نیکو کرده است رزق چنین کسان را (۱۱).

خدایی که هفت آسمان و از زمین هم مثل آن را بیافرید و امر او در بین آنها پیوسته نازل می شود تا معلوم گردد که خدا بر هر چیزی توانا است و اینکه خدای تعالی به هر چیزی احاطه علمی دارد (۱۲).

بیان آیات [مقصود از شدت حساب در جمله " فَحَاسِبُنَّهَا حِسَاباً شَدِيداً "]

این آیات موعظه و تهدید و بشارت است، و با این اندرزها توصیه به تمسک به احکام خدا را تاکید می کند، و یکی از آن احکام همان احکام طلاق و عده است، و در قرآن کریم هیچ توصیه ای در باره هیچ حکمی به قدر احکام راجعه به زنان تاکید نشده، و این نیست مگر به خاطر اینکه دنبال این احکام و این توصیه ها خبری هست.

" وَ كَأَيِّنَ مِنْ قَوْمٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسِبُنَّهَا حِسَاباً شَدِيداً وَ عَذَّبْنَاهَا عَذَاباً نُكْرًا " راغب می گوید: مصدر "عتو" که فعل "عتت" از آن مشتق است، به معنای سر باز زدن از اطاعت است «۱». و بنا به گفته راغب کلمه "عتو" قریب المعنای با استکبار است. و نیز در باره کلمه "نکر" گفته: این کلمه به معنای زیرکی و تیزهوشی و سیاستمداری است، و نیز به معنای پیشامد بسیار دشواری است که در انظار غیر معروف و غیر معمولی باشد «۲».

و مراد از آن در خصوص آیه شریفه معنای دوم است.

و در مجمع البیان گفته: "نکر" به معنای منکر و کار بسیار زشتی است که نظیرش از کسی دیده نشده باشد «۳».

و مراد از "قریه"، اهل قریه است، که به نحو مجاز از اهل قریه به قریه تعبیر می کنند، نظیر آیه "وَ شِئْلِ الْقَرْيَةِ" «۴»، که منظور سؤال از اهل قریه است، و جمله "عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُئِيلِهِ" اشاره است به اینکه اهل قریه به خدا کفر ورزیدند و مرتکب شرک شدند، و کفر

---

(۱) مفردات راغب، ماده "عتو".

(۲) مفردات راغب، ماده "نکر".

(۳) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۰۹.

(۴) از قریه به \_\_\_\_\_ پرس. س \_\_\_\_\_وره یوسف \_\_\_\_\_ف، آی \_\_\_\_\_ه ۸۲.

\_\_\_\_\_ صفحه ی ۵۴۳

دیگری به رسولان خدا ورزیدند، و دعوت آنان را تکذیب کردند، علاوه بر این، به خدا کفر ورزیدند و شرایع او را ترک کردند، و به رسولان او کفر ورزیدند و ولایت آنان را نپذیرفتند، با اینکه مامور به ولایت آنان بودند، هم چنان که نظیر این معنا در آیه "وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ" «۱» گذشت و شدت حساب در جمله "فَحَاسِبْنَهَا حِسَابًا شَدِيدًا" عبارت است از سخت گیری در حساب، و به اصطلاح مته به خشخاش گذاشتن، به منظور پاداش یا کیفر تمام و دقیق دادن، کیفر و پاداشی که مو به مو با وضع صاحب عمل تطبیق کند. و مراد از این حساب، حساب دنیا است، نه حساب آخرت، به دلیل اینکه در جای دیگر می فرماید: "وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ" «۲»، و نیز می فرماید: "وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ

الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقُوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ " (۳).

پس آنچه مصیبت به انسان می رسد- البته آنچه که در نظر دین مصیبت است- معدل و نتیجه محاسبه اعمال آدمی است، و خدای تعالی از بسیاری از اعمال عفو نموده، مسامحه و سهل انگاری می کند، و مته به خشخاش نمی گذارد، بلکه از این سخت گیری در مورد مستکبرین صرف نظر ننموده، آنهایی که عارشان می آید امر خدا و رسولان خدا را اطاعت کنند، حسابشان را سخت می گیرد، و هیچ یک از گناهانشان را از قلم نمی اندازد، در نتیجه عذابی می کند که بی سابقه و ناشناخته باشد.

و معنای آیه این است که: چه بسیار قریه ها که اهلش از امر پروردگارشان گردنکشی نموده، از اطاعت پیامبر خود استکبار ورزیدند، و در نتیجه ما حساب شدیدی از آنها کشیدیم، و در محاسبه اعمالشان به سختی مناقشه کردیم، و در آخر به عذابی سخت مبتلاشان نمودیم، عذابی که معهود نبود و سابقه نداشت، و آن عبارت بود از انقراض نسلشان در دنیا.

و اینکه بعضی «۴» از مفسرین گفته اند: مراد عذاب آخرت است، و اگر با فعل ماضی \_\_\_\_\_

(۱) و اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر او را و اگر رویگردان شوید رسول ما جز ابلاغ آشکار وظیفه ای ندارد. سوره تغابن، آیه ۱۲.

(۲) آنچه مصیبت به شما می رسد به خاطر اعمالی است که خودتان کردید، تازه خدا بسیاری از گناهان شما را عفو می کند. سوره شوری، آیه ۳۰.

(۳) و اگر اهل قریه ها ایمان آورده و تقوی داشته باشند، برکاتی از آسمان و زمین به رویشان می گشاییم، ولی تکذیب کردند، و ما هم ایشان را

"عذبا" تعبیر کرده، از نظر تحقق و حتمیت وقوع بوده، سخن درستی نیست.

این را هم بگوییم که در جمله "فَحَاسِبُنَّهَا حِسَاباً شَدِيداً وَ عَذَابُنَّهَا" التفاتی از غیبت (عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا) به تکلم بکار رفته، در اول آیه، خدای تعالی غایب فرض شده، و در آخر خود خدا گوینده شده است، و نکته این التفات این است که بر عظمت عذاب دلالت کند.

"فَمَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَ كَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا" مراد از اینکه فرمود: "اهل قریه و بال امر خود را چشیدند"، این است که وبال همان عتو و استکبار خود را چشیدند، و معنای آیه این است که عقوبت عتو و استکبارشان به ایشان رسید، و عاقبت عتو خسارت است، پس در حقیقت اطاعت را فروخته و عتو را در عوض گرفتند، و سود این معامله شان همان خسران گردید.

"أَعْيَدَ اللَّهُ لَهُمْ عَذَاباً شَدِيداً" این جمله از کیفر آخرت آنان خبر می دهد، هم چنان که جمله "فَحَاسِبُنَّهَا حِسَاباً شَدِيداً وَ عَذَابُنَّهَا عَذَاباً نُكْرًا فَمَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا"، از کیفر دنیایی آنان خبر می داد، و اگر جمله مورد بحث را با واو عاطفه عطف به ما قبل ننموده، آن را از ما قبل جدا ساخت، برای این بود که این جمله در مقام پاسخ از سؤالی بود که ممکن است به ذهن کسی در آید، و گویا شنونده بعد از شنیدن جمله "وَ كَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا"، پرسیده منظور از خسران چیست؟ فرموده: این است که خدا برایشان عذابی سخت فراهم کرده است.

[تقوای خدا و بیم از وبال

عتو و استکبار در برابر او مقتضای عقل و نقل است

"فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا" این قسمت از آیه مورد بحث نتیجه گیری از خطاب قبلی است، به مؤمنین می فرماید:

باید بر حذر باشید و نفستان را از اینکه در مقابل امر پروردگارتان عتو و استکبار کنید، و از اطاعت او شانه خالی نمایید، جلوگیری کنید، تا وبال عتو و خسران عاقبت که به اهل آن قریه ها رسید به شما نرسد.

و در این جمله مؤمنین را اولی الالباب (خردمندان) خوانده، فرموده: "فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا" یعنی حال که وضع اهل قریه ها چنین شد، پس شما از خدا بترسید، ای خردمندانی که ایمان آورده اید. و منظور از این تعبیر این بود که از عقل مؤمنین کمک بگیرد تا تقوایی که از آنان خواسته محقق شود، چون وقتی مؤمنین بشنوند که مردمی از امر پروردگارشان استکبار ورزیدند و به حساب سختی محاسبه، و به عذاب نکری و بی سابقه ای گرفتار شدند، و وقتی بفهمند که عاقبت استکبار خسران است، بعد بشنوند که این سرنوشت مخصوص یک قوم و دو قوم نبوده، بلکه هر قومی که آن چنان بوده اند، به این چنین \_\_\_\_\_ صفحه ی

۵۴۵

سرنوشتی دچار شده اند، عقلشان حکم می کند به اینکه عتو و استکبار از امر خدا، در حقیقت به استقبال عذاب شدید خدا رفتن است، و به همین جهت ایشان را هشدار می دهد، و عقلشان را بیدارتر می سازد تا به حکم عقلشان به تقوی گرایند، مخصوصاً مؤمنینی که خدای تعالی برایشان کتابی تذکر آور فرستاده، آنچه نفعشان هست معین و آنچه به ضررشان هست تذکر داد، و به

سوی حق و طریق مستقیم هدایتشان کرده، دیگر عقل آنان به هیچ وجه اجازه نمی دهد از چنین هدایتی منحرف گشته، راه آن قوم را بروند، و به سرنوشت آنان دچار گردند.

[وجه اینکه رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) را "ذکر" نامید و از بعثت او تعبیر به انزال فرمود]

"رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُمِينَاتٍ ..."

این آیه عطف بیان است برای کلمه "ذکر"، و ممکن هم هست بدل از آن کلمه باشد. پس مراد از ذکری که خدا نازلش کرده، همان رسول است و اگر رسول را ذکر نامیده، به خاطر آن است که رسول وسیله تذکر است، خدا و آیات او و راه دعوت به سوی دین حق را یادآوری می کند، منظور از "رسول" شخص خاتم الانبیاء محمد (ص) است، و ظاهر جمله "یتلوا علیکم آیات اللّٰه مبینات"، این معنا را تایید می کند، و بنا بر این، مراد از انزال رسول، بعثت او از ناحیه عالم غیب، و ظهور او برای بشر به عنوان رسالت از ناحیه خداست، بعد از سالها که از چنین نعمتی بی بهره بودند، و احتمال رسیدن به آن را هم نمی دادند، هم چنان که در باره خلقت آهن هم این تعبیر را آورده و فرموده: "وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ" «۱»، و معلوم است که نمی خواهد بفرماید آهن را از آسمان انداختیم، بلکه می خواهد بفرماید: این نعمت از ناحیه ما است.

و این تعبیر که در آیه شریفه در باره رسول آمده، صاحب کشف را بر آن داشته که کلمه "رسولا" را به جبرئیل تفسیر کند، آن گاه منظور از جمله "یتلوا علیکم ...- تا آیات روشن خدای را به روشنی برایتان

تلاوت کند"، این می شود که جبرئیل آیات خدا را بر پیغمبر بدان جهت که رهبر و متبوع شما است تلاوت می کند «۲». ولی ظاهر جمله "يَتْلُوا عَلَيْكُمْ..." غیر این معنایی است که صاحب کشف گفته.

این احتمال هم هست که کلمه "رسولا" با فعلی تقدیری منصوب شده باشد، و تقدیر کلام "ارسل رسولا يتلوا عليكم آيات الله" باشد، و مراد از ذکرى که بر امت نازل شده قرآن \_\_\_\_\_

(۱) ما آهن را نازل کردیم. سوره حدید، آیه ۲۵.

(۲) تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۵۶۰  
\_\_\_\_\_ صفحه ی ۵۴۶

کریم، و یا احکام و معارف آن باشد.

"لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ" - تفسیر این آیه در آیات نظیر آن گذشت.

"وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا" - این قسمت از آیه کسانی را که به خدا ایمان آورده عمل صالح انجام دهند، وعده جمیل و بشارت به بهشت می دهد.

"قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا" - در این جمله احسان خدا را در آنچه به ایشان روزی کرده می ستایید، و مراد از "رزق" ایمانی است که به ایشان روزی کرده، و همچنین عمل صالحی که توفیقش را به ایشان داده، و بهشتی که در آخرت به ایشان می دهد. ولی بعضی «۱» از مفسرین گفته اند: مراد از رزق تنها بهشت است.

[مقصود از اینکه خداوند زمین را مانند آسمان ها هفت تا آفرید]

"اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ ..."

بیانی است که مضمون آیات قبل را که همانا مساله ربوبیت خدای تعالی و بعثت رسول بود تاکید می کند، می فرماید خدایی برای شما رسول



فرستاده، و ذکر نازل کرده، تا او را اطاعت کنید و به احکام ذکرش عمل کنید، و نیز خدایی شما را تهدید کرده به اینکه اگر تمرد کنید و مخالفتش نمایید، حسابی شدید از شما خواهد کشید و به عذابی الیم دچار خواهد ساخت، و باز خدایی شما را بشارت داده که اگر اطاعتش کنید، به بهشت جاودانتان خواهد برد، که هفت آسمان و هفت زمین را آفریده، خدایی است قدیر و علیم.

مطالبی که می توان در تفسیر جمله "اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ" گفت، در تفسیر سوره حم سجده گذشت.

و از ظاهر جمله "وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ" بر می آید که مراد از "مثل" مثلث عددی است، یعنی همانطور که آسمان هفت تا است، زمین هم مثل آن هفت تا است، حال باید دید منظور از هفت تا زمین چیست؟ در این باب چند احتمال هست: اول اینکه بگوییم منظور از هفت تا زمین هفت عدد از کرات آسمانی است، که ساختمانش از نوع ساختمان زمینی است که ما در آن زندگی می کنیم. دوم اینکه بگوییم منظور از آن تنها زمین خود ما است، که دارای هفت طبقه است، که (چون طبقات پیاز) رویهم قرار دارند، و به تمام کره احاطه دارند، و ساده ترین طبقاتش همین طبقه اولی است که ما روی آن قرار داریم. سوم اینکه

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۱۰.

صفحه ی ۵۴۷

بگوییم منظور از زمین های هفتگانه اقلیم ها و قسمت های هفتگانه روی زمین است، که (علمای جغرافی قدیم) بسیط زمین را به هفت قسمت (و یا قاره) تقسیم کرده اند این چند وجه و جوهی است که هر یک طرفدارانی دارد، و چه بسا

با مراجعه به مطالبی که در تفسیر سوره حم سجده گذشت، بتوان به احتمال چهارم دست یافت.

و چه بسا گفته باشند که مراد از جمله "و مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ"، این است که خدای تعالی از زمین چیزی خلق کرده، مثل آسمانهای هفتگانه، و آن عبارت است از انسان که موجودی است مرکب از ماده زمینی، و روحی آسمانی، که در آن روح نمونه هایی از ملکوت آسمانی است.

[مراد از امر و نزول آن بین آسمان ها و زمین در جمله: "يَنْزِلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ ..."]

و از ظاهر جمله "يَنْزِلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ"، بر می آید که ضمیر در آن به کلمه "سماوات" و "ارض" هر دو بر می گردد، و منظور از کلمه "امر" همان امر الهی است که آیه شریفه "إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ" (۱) تفسیرش کرده، می فرماید امر خدا همان کلمه ایجاد است، و آن وقت منظور از تنزل امر بین آسمانها و زمین، شروع کردن به نزول از مصدر امر به طرف آسمانها است که از یکی به سوی دیگری نازل می شود تا به عالم ارضی برسد، تا آنچه خدای عز و جل اراده کرده تکون یابد، چه اعیان موجودات و چه آثار و چه ارزاق و چه مرگ و زندگی و چه عزت و ذلت و چه غیر اینها، هم چنان که در جای دیگر قرآن آمده: "و أَوْحَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا" (۲)، و نیز فرموده: "يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ" (۳).

بعضی (۴) از مفسرین گفته اند: مراد از امر دستورات شرعی است، که ملائکه وحی آنها را از

آسمان به سوی رسول خدا (ص) وحی می کنند، چون رسول خدا (ص) در زمین قرار داشت، لیکن این مفسرین آیه را بدون هیچ دلیلی تخصیص زده اند و کلمه "امر" را منحصر در اوامر تشریعی نموده اند، علاوه بر این، ذیل آیه شریفه که می فرماید: "لَتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ... " با این تخصیص نمی سازد.

---

(۱) فرمان نافذ خدا (در عالم) چنین است که هر گاه اراده خلقت چیزی را بکند به محض اینکه بگوید باش، موجود می شود. سوره یس، آیه ۸۲.

(۲) در هر آسمانی امر آن آسمان را وحی کرد. سوره حم سجده، آیه ۱۲.

(۳) از آسمان تا زمین تدبیر امر می کند، آن گاه به سوی آن عروج می نماید، در روزی که مقدارش هزار سال از سالهایی است که شما می شمارید. سوره الم سجده، آیه ۵.

(۴) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۱۱.  
صفحه ی ۵۴۸

"أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا" - این قسمت از آیه یکی از نتایج مترتب بر خلقت آسمانهای هفتگانه و از زمین مثل آن را ذکر می کند، و در آن خلقت و امر به خدای تعالی نسبت داده شده و مخصوص آن جناب شده است، و همین طور هم هست، چون هیچ متفکری که در مساله خلقت غور کند، در این معنا شکی برایش باقی نمی ماند که قدرت خدای تعالی شامل هر چیز و علمش محیط به هر چیز است، پس بر چنین کسی یعنی بر همه خردمندان مؤمن واجب است که از مخالفت امر او پرهیزند، چون سنت این خدای قدیر علیم بر این جاری شده که مطیعان اوامرش را پاداش، و اهل عتو و استکبار

را مجازات فرماید، هم چنان که خودش در باره این سنت فرموده: " وَ كَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَ هِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ " (۱).

بحث روایتی [دو روایت در ذیل جمله " قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا رَسُولًا ... " و در باره خلقت سماوات و ارضین]

در تفسیر قمی در ذیل آیه شریفه " وَ كَأَيِّنُ مِنْ قَرْيَةٍ "، آمده که: منظور از قریه اهل قریه است (۲).

و در تفسیر برهان از ابن بابویه نقل شده که وی به سند خود از ریان بن صلت از حضرت رضا (ع) روایت کرده که در گفتگوش با مامون فرموده: منظور از ذکر، رسول خدا (ص)، و ما اهل آن جناب هستیم، و این معنا در کتاب خدا هم آمده، آنجا که در سوره طلاق فرموده: " فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ " که در آن منظور از ذکر را رسول خدا (ص) دانسته، پس ذکر، رسول خدا (ص) و ما اهل بیت او هستیم.

و در تفسیر قمی است که پدرم از حسین بن خالد از ابی الحسن رضا (ع) برایم حدیث کرد که وی گفت: من به آن جناب عرضه داشتم: مرا از معنای کلام خدای عز و جل آنجا که می فرماید: " وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُوبِ " خبر بده، فرمود: آسمان محبوبک به زمین \_\_\_\_\_

(۱) و این چنین است اخذ پروردگارت، وقتی که اهل قریه ای را در حال ظلم گرفتار می کند، که اخذ او دردناک و شدید است. سوره هود، آیه ۱۰۲.

ص ۳۷۵.

قمی، ج ۲،

(۲) تفسیر \_\_\_\_\_

صفحه ی ۵۴۹

است، آن گاه امام انگشتان خود را در هم

کرد و فرمود: اینطور محبوبک به زمین است، عرضه داشتیم: چطور آسمان محبوبک به زمین است، با اینکه خدای تعالی می فرماید: "رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا- خدا آسمان را بدون ستونهایی که به چشم شما بیاید بر افراشته"، (و معلوم است که از این آیه بر می آید آسمان به زمین تکیه ندارد، پس چگونه شما می گوئید آسمان و زمین به هم فرو رفته اند؟) فرمود: سبحان الله مگر این خدای سبحان نیست که می فرماید:

" بدون ستونهایی که به چشم شما بیاید؟" عرضه داشتیم: بله. فرمود: پس معلوم می شود ستونهایی هست، ولی به چشم شما نمی آید.

عرضه داشتیم: خدا مرا فدایت کند، آن ستونها چگونه است؟ حسین بن خالد می گوید: امام (ع) کف دست چپ خود را باز کرد و دست راست خود را در آن قرار داد و فرمود: این زمین دنیا است، و آسمان دنیا بر بالای زمین قبه ای است، و زمین دوم بالای آسمان دنیا، و آسمان دوم قبه ای است بر بالای آن، و زمین سوم بالای آسمان دوم قرار گرفته، و آسمان سوم قبه ای است بر بالای آن، و زمین چهارم بالای آسمان سوم است، و آسمان چهارم بر بالای آن قبه است، و زمین پنجم بالای آسمان چهارم است، و آسمان پنجم قبه ای است روی آن، و زمین ششم بر بالای آسمان پنجم است، و آسمان ششم قبه ای است روی آن، و زمین هفتم بالای آسمان ششم واقع است، و آسمان هفتم قبه ای است بالای آن، و عرش رحمان تبارک و تعالی بر بالای آسمان هفتم قرار دارد، و این کلام خدای تعالی است که می فرماید: "الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ

مِثْلَهُنَّ يَنْزِلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ".

و اما منظور از صاحب امر، رسول خدا (ص) و وصی بعد از رسول خدا (ص) است، که قائم بر وجه زمین است، که امر الهی تنها به سوی او نازل می شود، یعنی از آسمانهای هفتگانه و زمین های هفتگانه فرود می آید.

عرضه داشتیم: ما که بیش از یک زمین زیر پای خود نمی بینیم، فرمود: آری زیر پای ما تنها یک زمین است، و آن شش زمین دیگر فوق ما قرار دارند «۱».

مؤلف: و از طبرسی از عیاشی از حسین بن خالد از حضرت رضا (ع) نظیر این روایت حکایت شده «۲».

و این حدیث در باب خودش حدیثی نادر است، و با در نظر گرفتن ذیل آن که سخن از تنزل امر دارد، این معنا به ذهن نزدیکتر می رسد که امام خواسته اند از باطن عالم خبر دهند نه از ظاهر آن و خلقت مادیش، و خدا دانایتر است.

---

(۱) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۲۸.

(۲) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۱۱.

### تفسیر نمونه

سوره طلاق

مقدمه

این سوره در مدینه نازل شده و دارای ۱۲ آیه است

محتوای سوره طلاق

مهمترین مسأله که در این سوره مطرح است - چنانکه از نامش پیدا است - مسأله طلاق و احکام و خصوصیات، و پیامدهای آن است، سپس بحثهایی از مبدء و معاد و نبوت پیامبر و بشارت و انذار به دنبال آن آمده است.

از این رو می توان محتوای این سوره را به دو بخش عمده تقسیم کرد:

بخش اول هفت آیه نخستین سوره است که پیرامون طلاق و مسائل مربوط به آن سخن می گوید، و به قدری جزئیات این مسأله را در عباراتی کوتاه و پر معنی به

طور دقیق و ظریف مطرح ساخته که انسان با ملاحظه آن خود را کاملاً مستغنی می بیند.

بخش دوم که در حقیقت انگیزه اجرای بخش اول است از عظمت خداوند، و عظمت مقام رسول او، و پاداش صالحان، و مجازات بدکاران، بحث می کند، و مجموعه منسجمی را برای ضمانت اجرای این مسأله مهم اجتماعی ارائه می دهد، ضمناً این سوره نام دیگری نیز دارد و آن سوره ((نساء قصری)) (بر وزن و معنی صغری) در مقابل سوره معروف نساء است که ((نساء کبری)) می باشد.

فضیلت تلاوت سوره

در حدیثی از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است من قراء سوره الطلاق مات علی سنه رسول الله صلی الله علیه و آله: ((هر کس سوره طلاق را بخواند (و آنرا در برنامه های زندگی خود به کار بندد) بر سنت پیامبر از دنیا می رود)).

<۱>

تفسیر:

شرایط طلاق و جدائی

گفتیم مهمترین بحث این سوره همان بحث طلاق است که از نخستین آیه آن شروع می شود، روی سخن را به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به عنوان پیشوای بزرگ مسلمانان کرده سپس یک حکم عمومی را با صیغه جمع بیان می کند و می فرماید: ای پیامبر هنگامی که خواستید زنان را طلاق دهید آنها را در زمان عده طلاق دهید!) (یا ایها النبی اذا طلقتم النساء فطلقوهن لعدتهن).

این نخستین حکم از احکام پنج گانه ای است که در این آیه آمده است، و چنانکه مفسران از آن استفاده کرده اند منظور این است که صیغه

طلاق در زمانی اجرا شود که زن از عادت ماهیانه پاک شده ، و با همسرش نزدیکی نکرده باشد، زیرا طبق آیه ۲۲۸ سوره بقره عده طلاق باید به مقدار ((ثلاثة قروء)) (سه بار پاک شدن ) بوده باشد، و در اینجا تاء کید می کند که طلاق باید با آغاز عده همراه گردد، و این تنها در صورتی ممکن است که طلاق در حال پاکی بدون آمیزش تحقق یابد چه اینکه اگر طلاق در حال حیض واقع شود آغاز زمان عده از آغاز طلاق جدا می شود و شروع عده بعد از پاک شدن خواهد بود.

و همچنین اگر در حال طهارتی باشد که با همسرش نزدیکی کرده باز جدائی مسلم است زیرا چنین پاکی به خاطر آمیزش دلیلی بر نبودن نطفه در رحم نیست (دقت کنید).

به هر حال این نخستین شرط طلاق است .

در روایات متعددی از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است که ((هر گاه کسی همسرش را در عادت ماهیانه طلاق دهد باید اعتناء به آن طلاق نکند، و باز

گردد تا زن پاک شود سپس اگر می خواهد او را طلاق دهد اقدام کند)). <۲>

همین معنی در روایات اهل بیت (علیهمالسلام) نیز به طور مکرر آمده ، حتی به عنوان تفسیر آیه ذکر شده است . <۳>

سپس به دومین حکم که مسأله نگه داشتن حساب عده است پرداخته می فرماید: ((حساب عده را نگه دارید)) (و احصوا العده).

دقیقا ملاحظه کنید که سه بار زن ، ایام پاکی خود را به پایان رساند و عادت ماهیانه ببیند، هنگامی که سومین دوران



پاکی پایان یافت ، و وارد عادت ماهیانه سوم شد، ایام عده سر آمده و پایان یافته است .

اگر در این امر دقت نشود ممکن است ، دوران عده بیش از مقدار لازم محسوب گردد، و ضرر و زیانی متوجه زن شود، چرا که او را از ازدواج مجدد باز می دارد، و اگر کمتر باشد، هدف اصلی از عده که حفظ حریم ازدواج اول ، و مسأله عدم انعقاد نطفه است رعایت نشده .

((احصوا)) از ماده ((احصاء)) به معنی شمارش است و در اصل از ((حصی)) به معنی ریگ گرفته شده ، زیرا بسیاری از مردم در زمانهای قدیم که به خواندن و نوشتن آشنا نبودند، حساب موضوعات مختلف را با ریگها نگه می داشتند.

قابل توجه اینکه : مخاطب به نگه داری حساب عده ، مردان هستند، این به خاطر آن است که مسأله ((حق نفقه و مسکن)) بر عهده آنها است ، و همچنین ((حق رجوع)) نیز از آن آنان است ، و گرنه زنان نیز مؤظفید که برای روشن شدن تکلیفشان حساب عده را دقیقاً نگه دارند.

بعد از این دستور، همه مردم را به تقوی و پرهیزگاری دعوت کرده

می فرماید: ((از خدائی که پروردگار شما است به پرهیزید)) (و اتقوا الله ربکم )

او پروردگار و مربی شما است ، و دستوراتش ، ضامن سعادت شما می باشد، بنابراین فرمانهای او را به کار بندید و از عصیان و نافرمانیش به پرهیزید، مخصوصاً در امر طلاق و نگهداری حساب عده دقت به خرج دهید.

بعد به ((سومین)) و ((چهارمین)) که یکی مربوط به شوهران است و دیگری مربوط

به زنان ، می فرماید: ((شما آنها را از خانه هایشان ، خارج نسازید، و آنها نیز از خانه ها در دوران عده خارج نشوند)) (لا تخرجهن من بیوتهن و لا یخرجن).

گرچه بسیاری از بیخبران ، این حکم اسلامی را به هنگام طلاق اصلا اجرا نمی کنند، و به محض جاری شدن صیغه طلاق ، هم مرد به خود اجازه می دهد که زن را بیرون کند، و هم زن خود را آزاد می پندارد که از خانه شوهر خارج شود و به خانه بستگان باز گردد، ولی این حکم اسلامی فلسفه بسیار مهمی دارد، زیرا علاوه بر حفظ احترام زن ، غالباً زمینه را برای بازگشت شوهر از طلاق ، و تحکیم پیوند زناشویی ، فراهم می سازد.

پشت پا زدن به این حکم مهم اسلامی که در متن قرآن مجید آمده است سبب می شود که بسیاری از طلاقها به جدائی دائم منتهی شود، در حالی که اگر این حکم اجرا می شد، غالباً به آشتی و بازگشت مجدد منتهی می گشت .

ولی از آنجا که گاهی شرائطی فراهم می شود که نگهداری زن بعد از طلاق در خانه طاقت فرسا است ، به دنبال آن پنجمین حکم را به صورت استثناء اضافه کرده ، می گوید: ((مگر اینکه آنها کار زشت آشکاری را انجام دهند)) (الا ان یاتین بفاحشه مینه).

مثلاً آنقدر، ناسازگاری ، بدخلقی ، و بدزبانی با همسر و کسان او کنند که ادامه حضور او در منزل ، باعث مشکلات بیشتر گردد.

این معنی در روایات متعددی که از ائمه اهل بیت (علیهمالسلام) نقل شده است دیده می شود. <۴>

البته منظور هر مخالفت و ناسازگاری جزئی نیست ، زیرا در مفهوم کلمه ((فاحشه )) کار زشت مهم افتاده است ، بخصوص اینکه با وصف ((مبینه )) نیز توصیف شده است .

این احتمال نیز وجود دارد که منظور از فاحشه ((عمل منافی با عفت )) است و در روایتی از امام صادق (علیه السلام ) نیز نقل شده ، و منظور از خارج ساختن در این صورت بیرون بردن برای اجرای حد و سپس بازگشت به خانه است .

جمع میان هر دو معنی نیز ممکن است .

و باز به دنبال بیان این احکام به عنوان تاءکید می افزاید: ((این حدود و مرزهای الهی است ، هر کس از حدود الهی تجاوز کند به خویشتن ستم کرده )) (و تلک حدود الله و من یتعد حدود الله فقد ظلم نفسه ).

چرا که این قوانین و مقررات الهی ضامن مصالح خود مکلفین است ، و تجاوز از آن خواه از ناحیه مرد باشد یا زن لطمه به سعادت خود آنان می زند.

و در پایان آیه ضمن اشاره لطیفی به فلسفه عده ، و عدم خروج زنان از خانه و اقامتگاه اصلی ، می فرماید: ((تو نمی دانی شاید خداوند بعد از این ماجرا وضع تازه و وسیله اصلاحی فراهم سازد)) (لا تدری لعل الله یحدث بعد ذلک امرا).

با گذشتن زمان ، طوفان خشم و غضب که غالبا موجب تصمیمهای ناگهانی در امر طلاق و جدائی می شود فرو می نشیند، و حضور دائمی زن در خانه در کنار مرد در مدت عده ، و یادآوری عواقب شوم طلاق ، مخصوصا در آنجا که پای فرزندان در کار

است ، و اظهار محبت هر یک نسبت به دیگری ، زمینه ساز رجوع

می گردد، و ابرهای تیره و تار دشمنی و کدورت را غالبا از آسمان زندگی آنها دور می سازد.

جالب اینکه در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) می خوانیم : المطلقه تکتحل و تختضب و تطیب و تلبس ما شئت من الثياب ، لان الله عز و جل يقول لعل الله يحدث بعد ذلك امرا لعلها ان تقع فی نفسه فیراجعها.

((زن مطلقه در دوران عده اش می تواند آرایش کند، سرمه در چشم نماید، و موهای خود را رنگین ، و خود را معطر، و هر لباسی که مورد علاقه او است بپوشد، زیرا خداوند می فرماید: شاید خدا بعد از این ماجرا وضع تازه ای فراهم سازد، و ممکن است از همین راه زن بار دیگر قلب مرد را تسخیر کرده و مرد رجوع کند))! <۵>

همانگونه که گفتیم تصمیم بر جدائی و طلاق غالبا تحت تاءثیر هیجانهای زود گذر است که با گذشت زمان و معاشرت مستمر مرد و زن در یک مدت نسبتا طولانی (مدت عده) و اندیشه در پایان کار، صحنه به کلی دگرگون می شود، و بسیاری از جدائیها به آشتی منتهی می گردد اما به شرط اینکه دستورهای اسلامی فوق یعنی ماندن زن در مدت عده در خانه همسر سابق دقیقا اجرا شود.

به خواست خدا بعدا خواهیم گفت که همه اینها مربوط به ((طلاق رجعی)) است.

## ۱ - طلاق منفورترین حلالها

بدون شك ، قرارداد زوجیت از جمله قراردادهائی است که باید قابل جدائی باشد، چرا که گاه عللی پیش می آید که زندگی مشترک زن

با هم غیر ممکن ، یا طاقت فرسا و مملو از مفاسد می کند، و اگر اصرار داشته باشیم که این قرارداد تا ابد بماند، سرچشمه مشکلات زیادی می گردد، لذا اسلام با اصل طلاق موافقت کرده است ، و هم اکنون نتیجه ممنوع بودن کامل طلاق را در جوامع مسیحی ، ملاحظه می کنیم که چگونه زنان و مردان زیادی هستند که به حکم قانون تحریف یافته مذهب مسیح (علیه السلام ) طلاق را ممنوع می شمردند و قانونا همسر یکدیگرند، ولی در عمل جدا از یکدیگر زندگی کرده ، و حتی هر کدام برای خود همسری غیر رسمی انتخاب کرده اند!

بنابراین اصل مسأله طلاق یک ضرورت است ، اما ضرورتی که باید به حد اقل ممکن تقلیل یابد، و تا آنجا که راهی برای ادامه زوجیت است کسی سراغ آن نرود.

به همین دلیل در روایات اسلامی ، شدیداً از طلاق مذمت گردیده ، و به عنوان مبغوضترین حلالها، از آن یاد شده است ، چنانکه در روایتی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم ) می خوانیم : ما من شیء ابغض الی الله عز و جل من بیت یخرب فی الاسلام بالفرقه یعنی الطلاق : ((هیچ عمل منفورتر، نزد خداوند متعال از این نیست که اساس خانه ای در اسلام با جدائی (یعنی طلاق ) ویران گردد)). <۶>

و در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام ) می خوانیم : ما من شیء مما احله الله ابغض الیه من الطلاق : ((چیزی از امور حلال ، در پیشگاه خدا مبغوضتر از طلاق نیست)). <۷>

باز در حدیث دیگری از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است که فرمود: تزوجوا و لا تطلقوا، فان الطلاق یهتر منه العرش! ((ازدواج کنید و طلاق ندهید که طلاق عرش خدا را به لرزه درمی آورد))! <۸>

چرا چنین نباشد، در حالی که طلاق مشکلات زیادی برای خانواده ها، زنان و مردان و مخصوصا فرزندان به وجود می آورد، که آن را عمدتا در سه قسمت می توان خلاصه کرد:

۱ - مشکلات عاطفی - بدون شک مرد و زنی که سالها یا ماهها با یکدیگر زندگی کرده اند، سپس از هم جدا می شوند، و از نظر عاطفی جریحه دار خواهند شد، و در ازدواج آینده خاطره ازدواج گذشته، دائما آنها را نگران می دارد، و حتی به همسر آینده با یک نوع بدبینی و سوءظن می نگرند، آثار زیانبار این امر بر کسی مخفی نیست، و لذا بسیار دیده شده که این گونه زنان و مردان برای همیشه از ازدواج چشم می پوشند.

۲ - مشکلات اجتماعی - بسیاری از زنان بعد از طلاق شانس زیادی برای ازدواج مجدد، آن هم به طور شایسته و دلخواه، ندارند، و از این نظر گرفتار خسران شدید می شوند، و حتی مردان نیز بعد از طلاق دادن همسر خود، شانس ازدواج مطلوبشان به مراتب کمتر خواهد بود، مخصوصا اگر پای فرزندان در میان باشد، لذا غالبا ناچار می شوند، تن به ازدواجی در دهند که نظر واقع آنها را تاءمین نمی کند، و از این نظر تا پایان عمر رنج می برند.

۳ - مشکلات فرزندان که از همه

اینها مهمتر است ، کمتر دیده شده است که نامادریها همچون مادر، دلسوز و مهربان باشند، و بتوانند خلاء عاطفی فرزندان را که از آغوش پر مهر مادر بریده شده اند پر کنند، همانگونه که اگر زن سابق فرزند را با خود ببرد، در مورد ناپدری نیز این صادق است ، البته هستند زنان و مردانی که نسبت به غیر فرزندان خود، پر محبت و وفا دارند، ولی مسلماً تعداد آنها کم است ، و به همین دلیل ، فرزندان بعد از طلاق ، گرفتار بزرگترین زیان و خسران می شوند، و شاید غالب آنها، سلامت روانی خود را تا آخر عمر از دست می دهند.

و این ضایعه ای است نه تنها برای هر خانواده بلکه برای کل جامعه ، چرا که چنین کودکانی که از مهر مادر یا پدر، محروم می شوند گاه به صورت افرادی خطرناک درمی آیند، که بدون توجه تحت تأثیر روح انتقام جوئی قرار گرفته و انتقام خود را از کل جامعه می گیرند.

اگر اسلام این همه درباره طلاق سختگیری کرده ، دلیلش همین آثار زیانبار آن در ابعاد مختلف است .

و نیز به همین دلیل قرآن مجید صریحاً دستور می دهد که هرگاه اختلافی میان زن و مرد پیدا شود بستگان دو طرف در اصلاح آن دو بکوشند، و از طریق تشکیل ((محکمه صلح خانوادگی)) از کشیده شدن دو همسر به دادگاه شرع ، یا به مسأله طلاق و جدائی ، مانع شوند.

(شرح محکمه صلح را در جلد سوم صفحه ۳۷۵ به بعد ذیل آیه ۳۵ سوره نساء داده ایم).

و باز به همین دلیل آنچه به خوشبینی

زن و مرد، و تحکیم پایه های علائق خانوادگی ، کمک کند، از نظر اسلام مطلوب ، و آنچه آنرا متزلزل سازد مبغوض و منفور است .

## ۲ - انگیزه طلاق

طلاق مانند هر پدیده دیگری اجتماعی دارای ریشه های مختلفی است که بدون بررسی دقیق و مقابله با آن جلوگیری از بروز چنین حادثه ای مشکل است ، و لذا قبل از هر چیز باید به سراغ عوامل طلاق برویم و ریشه های آنرا در جامعه بخشکانیم ، این عوامل بسیار زیاد است که امور زیر از مهمترین آنها است :

الف - توقعات نامحدود زن یا مرد یکی از مهمترین عوامل جدائی است ، و اگر هر کدام دامنه توقع خویش را محدود سازند، و از عالم رؤ یاها و پندارها بیرون آیند، و طرف مقابل خود را به خوبی درک کنند، و در حدودی که ممکن است توقع داشته باشند، جلوی بسیاری از طلاقها گرفته خواهد شد.

ب - حاکم شدن روح تجمل پرستی و اسراف و تبذیر بر خانواده ها عامل مهم دیگری است که مخصوصا زنان را در یک حالت نارضائی دائم نگه می دارد، و با انواع بهانه گیریها راه طلاق و جدائی را صاف می کند.

ج - دخالتهای بیجای اقوام و بستگان و آشنایان در زندگی خصوصی دو همسر، و مخصوصا در اختلافات آنها، عامل مهم دیگری محسوب می شود.

تجربه نشان داده است که اگر هنگام بروز اختلافات در میان دو همسر آنها را به حال خود رها کنند و با جانبداری از این یا از آن دامن به آتش این اختلاف نزنند چیزی نمی گذرد که خاموش می شود، ولی دخالت



کسان دو طرف که غالبا با تعصب و محبت‌های ناروا همراه است کار را روز به روز مشکلتر و پیچیده تر می سازد.

البته این به آن معنا نیست که نزدیکان همیشه خود را از این اختلافات دور دارند، بلکه منظور این است که آنها را در اختلافات جزئی به حال خود رها کنند، ولی هرگاه اختلاف به صورت کلی و ریشه دار درآمد با توجه به مصلحت طرفین، و اجتناب و پرهیز از هر گونه موضع گیری یکجانبه و تعصب آمیز دخالت کنند، و مقدمات صلحشان را فراهم سازند.

د - بی اعتنایی زن و مرد به خواست یکدیگر، مخصوصا آنچه به مسائل عاطفی و جنسی برمی گردد، مثلا هر مردی انتظار دارد که همسرش پاکیزه و جذاب باشد، همچنین هر زن نیز چنین انتظاری از شوهرش دارد، ولی این از اموری است که غالبا حاضر به اظهار آن نیستند، اینجا است که بی اعتنایی طرف

مقابل و نرسیدن به وضع ظاهر خویش و ترک تزئین لازم، و ژولیده و کثیف بودن، همسر او را از ادامه چنین ازدواجی سیر می کند، مخصوصا اگر در محیط زندگانی آنها افرادی باشند که این امور را رعایت کنند و آنها بی اعتنا از کنار این مسأله بگذرند.

لذا در روایات اسلامی اهمیت زیادی به این معنی داده شده، چنانکه در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم: لا ینبغی للمرثه ان تعطل نفسها: ((سزاوار نیست که زن خود را بدون زینت و آرایش برای شوهرش بماند <۹> و در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) آمده است که فرمود:

و لقد خرجن نساء من العفاف الى الفجور ما اخرجهن الا قله تهيئه ازواجهن! زنانی از جاده عفت خارج شدند و علتی جز این نداشت که مردان آنها به خودشان نمی رسیدند!! <۱۰>

ه - عدم تناسب فرهنگ خانوادگی و روحیات زن و مرد با یکدیگر نیز یکی از عوامل مهم طلاق است ، و این مسأله ای است که باید قبل از اختیار همسر دقیقاً مورد توجه قرار گیرد که آن دو علاوه بر اینکه ((کفو شرعی)) یعنی مسلمان باشند، ((کفو فرعی)) نیز باشند، یعنی تنها تناسبهای لازم از جهات مختلف در میان آن دو رعایت شود، در غیر این صورت باید از بهم خوردن چنین ازدواجهایی تعجب نکرد.

۳ - فلسفه نگه داشتن عده

بدون شك ((عده)) دو فلسفه اساسی دارد که در قرآن مجید و اخبار اسلامی به آن اشاره شده است : نخست مسأله حفظ نسل و مشخص شدن وضع زن از نظر بارداری و عدم بارداری ، و دیگر وجود وسیله ای برای بازگشت به

زندگی اول ، و از بین بردن عوامل جدائی است که در آیه فوق اشاره لطیفی به آن شده بود، بخصوص اینکه اسلام روی این مسأله تاءکید می کند که زنان در دوران عده باید در خانه مرد بمانند، و طبعاً یک معاشرت دائمی چند ماهه خواهند داشت که به آنها مجال می دهد مسأله جدائی را دور از هیجانات زود گذر مجدداً مورد بررسی قرار دهند.

مخصوصاً در مورد طلاق رجعی <۱۱> که بازگشت به زوجیت نیازی به هیچگونه تشریفات ندارد، و هر کار و یا سخنی که دلیل بر تمایل مرد به بازگشت

باشد رجوع محسوب می شود، حتی اگر دست بر بدن زن یا شهوت و یا بدون شهوت بگذارد هر چند قصد رجوع هم نداشته باشد رجوع محسوب می شود.

به این ترتیب اگر این مدت با شرائطی که در بالا گفتیم بگذرد و آن دو با هم آشتی نکنند معلوم می شود به راستی آمادگی ادامه زندگی مشترک ندارند مصلحت در این است که از هم جدا شوند.

در این زمینه شرح دیگری در جلد دوم تفسیر نمونه ذیل آیه ۲۲۸ سوره بقره داده ایم. یا سازش یا جدائی خداپسندانه

در ادامه بحثهای مربوط به ((طلاق)) که در آیات پیشین آمده ، در نخستین آیه مورد بحث به چند حکم دیگر اشاره می کند، نخست می فرماید:

((هنگامی که مدت عده آنها سرآمد باید آنها را به طرز شایسته ای - از طریق رجوع - نگاهدارید، یا به طرز شایسته ای از آنها جدا شوید)).

(فاذا بلغن اجلهن فامسکوهن بمعروف او فارقوهن بمعروف).

مراد به ((بلوغ اجل)) (رسیدن به پایان مدت) این نیست که مدت عده به طور کامل پایان گیرد، بلکه منظور رسیدن به اواخر مدت است، و گرنه رجوع کردن بعد از پایان عده جایز نیست، مگر اینکه نگهداری آنها از طریق صیغه عقد جدید صورت گیرد، ولی این معنی از مفهوم آیه بسیار بعید به نظر می رسد.

به هر حال، در این آیه، یکی از مهمترین و حساب شده ترین دستورهای مربوط به زندگی زناشوئی، مطرح، و آن اینکه زن و مرد یا باید به طور شایسته با هم زندگی کنند، و یا به طور شایسته از هم

جدا شوند. همانگونه که زندگی مشترک باید روی اصول صحیح و طرز انسانی و شایسته باشد، جدائی نیز باید خالی از هرگونه جار و جنجال و دعوی و نزاع و بدگوئی و ناسزا و اجحاف و تضييع حقوق بوده باشد این مهم است که همانگونه که پیوندها با صلح و صفا انجام گیرد جدائیها نیز توأم با تفاهم باشد، چرا که ممکن است در آینده این زن و مرد بار دیگر به فکر تجدید زندگی مشترک شوند، ولی بدرفتاریهای هنگام جدائی چنان جو فکری آنها را تیره و تار ساخته که راه بازگشت را به روی آنها می بندد، و به فرض بخواهند مجدداً با هم ازدواج کنند زمینه فکری

و عاطفی مناسب ندارند، از سوی دیگر بالاخره هر دو مسلمانند و متعلق به یک جامعه، و جدائی توأم با مخاصمه و امور ناشایست نه تنها در خود آنها اثر می گذارد که در فامیل دو طرف هم اثرات زیانباری دارد، و گاه زمینه همکاریهای آنها را در آینده به کلی بر باد می دهد.

راستی چه خوب است که نه فقط در زندگی زناشویی، بلکه در هرگونه دوستی و برنامه مشترک، انسان تا آنجا که می تواند به همکاری شایسته ادامه دهد و هرگاه نتوانست به طرز شایسته جدا شود که ((جدائی شایسته)) نیز خود نوعی پیروزی و موفقیت برای طرفین است!

از آنچه که گفتیم معلوم شد که ((امساک به معروف)) و ((جدائی به معروف)) معنی وسیعی دارد که هرگونه شرائط واجب و مستحب و برنامه های اخلاقی را دربر می گیرد و مجموعه ای از آداب اسلامی و

اخلاقی را در ذهن مجسم می کند. سپس به دومین حکم اشاره کرده می افزاید: هنگام طلاق و جدائی ، دو مرد عادل از خودتان (از مسلمانان) را شاهد بگیرید (و اشهدوا ذوی عدل منکم).

تا اگر در آینده اختلافی روی دهد، هیچیک از طرفین ، نتوانند واقعیتها را انکار کنند.

بعضی از مفسران ، احتمال داده اند که شاهد گرفتن ، هم در مورد طلاق است و هم در مورد رجوع ، ولی از آنجا که شاهد گرفتن به هنگام رجوع ، بلکه به هنگام تزویج ، قطعاً واجب نیست ، بنابراین اگر فرضاً آیه فوق رجوع را هم شامل شود، در این مورد یک دستور مستحب است .

و در سومین دستور، وظیفه شهود را چنین بیان می کند: ((شهادت را برای خدا برپا دارید)) (و اقیموا الشهاده لله).

مبادا تمایل قلبی شما به یکی از دو طرف ، مانع شهادت به حق باشد، باید

جز خدا و اقامه حق انگیزه دیگری در آن راه نیابد، درست است که شهود باید عادل باشند، ولی با وجود عدالت ، نیز صدور گناه محال نیست ، به همین دلیل به آنها هشدار می دهد که مراقب خویش باشند و آگاهانه یا ناآگاهانه از مسیر حق منحرف نشوند.

ضمناً تعبیر به ((ذوی عدل منکم)) دلیل بر این است که دو شاهد باید ((مسلمان)) و ((عادل)) و ((مرد)) باشند.

و در پایان آیه به عنوان تاءکید درباره تمام احکام گذشته می افزاید: ((تنها کسانی که ایمان به خدا و روز قیامت دارند از این وعظ و اندرز نتیجه می گیرند)) (ذلکم یوعظ به من کان یؤمن بالله

و الیوم الآخر).

بعضی ذلکم را تنها اشاره به مساءله توجه به خدا و رعایت عدالت از ناحیه شهود دانسته اند، ولی ظاهر این است که این تعبیر معنی وسیعی دارد و تمام احکام گذشته را در مورد طلاق دربر می گیرد.

به هر صورت این تعبیر دلیل بر اهمیت فوق العاده این احکام است به گونه ای که اگر کسی آنها را رعایت نکند و از آن وعظ و اندرز نگیرد گوئی ایمان به خدا و روز قیامت ندارد.

و از آنجا که گاهی مسائل مربوط به معیشت و زندگی آینده و یا گرفتاریهای دیگر خانوادگی سبب می شود که دو همسر به هنگام طلاق یا رجوع ، و یا دو شاهد به هنگام شهادت دادن از جاده حق و عدالت منحرف شوند در پایان آیه می فرماید: ((هر کس از خدا پرهیزد و ترک گناه کند خداوند برای او راه نجاتی قرار می دهد و مشکلات زندگی او را حل می کند)) (و من یتق الله یجعل له مخرجا).

و او را از جائی که گمان ندارد روزی می دهد)) (و یرزقه من حیث لا یحتسب).

((و هر کس بر خداوند توکل کند و کار خود را به او واگذارد خدا کفایت امرش می کند)) (و من یتوکل علی الله فهو حسبه).

((چرا که خداوند قادر مطلق ، فرمانش در همه چیز نافذ است و هر کاری را اراده کند به انجام می رساند)) (ان الله بالغ امره).

((ولی خداوند برای هر کار و هر چیز اندازه و حسابی قرار داده است)).

(قد جعل الله لكل شیء قدرا).

به این ترتیب به زنان و مردان و شهود

هشدار می دهد که از مشکلات حق نهراسند، و مجری عدالت باشند، و گشایش کارهای بسته را از خدا بخواهند چرا که خداوند تضمین کرده که مشکل پرهیزکاران را بگشاید و آنها را از جایی که خودشان هم انتظار ندارند روزی دهد.

خداوند ضمانت کرده که هر کس توکل کند در نمی ماند، و خداوند قادر بر انجام این ضمانت است .

درست است که این آیات در مورد طلاق و احکام مربوط به آن نازل شده ، ولی محتوای گسترده ای دارد که سایر موارد را نیز شامل می شود و وعده امید بخشی است از سوی خداوند به همه پرهیزکاران و توکل کنندگان که سرانجام لطف الهی آنها را می گیرد، و از پیچ و خم مشکلات عبور می دهد، و به افق تابناک سعادت رهنمون می گردد سختی های معیشت را برطرف می سازد، و ابرهای تیره و تار مشکلات را از آسمان زندگی آنها کنار می زند.

جمله ((قد جعل الله لكل شیء قدرا)) اشاره لطیفی است به نظامی که حاکم بر تشریح و تکوین است یعنی این دستورهائی که خداوند در مورد طلاق و غیر آن صادر فرموده همه طبق حساب و اندازه گیری دقیق و حکیمانه ای است ،

همچنین مشکلاتی که در طول زندگی انسان چه در مسأله زناشویی و چه در غیر آن رخ می دهد هر کدام اندازه و حساب و مصلحت و پایانی دارد، نباید به هنگام بروز این حوادث دستپاچه شوند، و زبان به شکوه بگشایند، و یا برای حل مشکلات به بی تقوائیها توسل جویند، بلکه باید با نیروی تقوا و خویشنداری به جنگ آنها بروند و

حل نهائی را از خدا بخواهند.

## ۱ - تقوی و نجات از مشکلات

آیات فوق از امیدبخشترین آیات قرآن مجید است که تلاوت آن دل را صفا و جان را نور و ضیا می بخشد، پرده های یأس و نومیدی را می برد، شعاعهای حیاتبخش امید را به قلب می تاباند، و به تمام افراد پرهیزگار با تقوا وعده نجات و حل مشکلات می دهد.

در حدیثی از ابو ذر غفاری نقل شده که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: انی لا علم آیه لو اخذ بها الناس لکفتم: و من یتق الله یجعل له مخرجا... فما زال یقولها و یعیدها: ((من آیه ای را می شناسم که اگر تمام انسانها دست به دامن آن زنند برای حل مشکلات آنها کافی است، پس آیه ((ومن یتق الله)) را تلاوت فرمود و بارها آن را تکرار کرد)). <۱۲>

در حدیث دیگری از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که در تفسیر این آیه فرمود: من شبهات الدنیا و من غمرات الموت و شدائد یوم القیامه :

((خداوندا پرهیزکاران را از شبهات دنیا و حالات سخت مرگ و شدائد

روز قیامت رهائی می بخشد))! <۱۳>

این تعبیر دلیل بر این است که گشایش امور برای اهل تقوا منحصر به دنیا نیست، بلکه قیامت را نیز شامل می شود.

و در حدیث دیگری از همان حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است: من اکثر الاستغفار جعله الله له من کل هم فرجا و من کل ضیق مخرجا:

((هر کس بسیار استغفار کند (و لوح دل را



از زنگار گناه بشوید) خدا برای او از هر اندوهی گشایشی ، و از هر تنگنایی راه نجاتی قرار می دهد)). <۱۴>

جمعی از مفسران گفته اند: که نخستین آیه فوق ، درباره ((عوف بن مالک )) نازل شده که از یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم ) بود، دشمنان اسلام فرزندش را اسیر کردند، او به محضر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم ) آمد و از این ماجرا و فقر و تنگدستی شکایت کرد، فرمود: تقوای را پیشه کن و شکیبا باش و بسیار ذکر لا حول و لا قوه الا بالله را بگو، او این کار را انجام داد، ناگهان در حالی که در خانه اش نشسته بوده فرزندش از در، در آمد، معلوم شد که از یک لحظه غفلت دشمن استفاده کرده و فرار نموده ، و حتی شتری از دشمن را نیز با خود آورده است . (اینجا بود که آیه فوق نازل شد و از گشایش مشکل این فرد با تقوی و روزی از جایی که انتظارش را نداشت خبر داد). <۱۵>

ذکر این مطلب نیز لازم است که هرگز مفهوم آیه ، این نیست که انسان تلاش و کوشش برای زندگی را به دست فراموشی بسپارد، و بگوید در خانه

می نشینم و تقوا پیشه می کنم و ذکر ((لا حول و لا قوه الا بالله )) می گویم تا از آنجا که گمان ندارم به من روزی می رسد، نه هرگز مفهوم آیه چنین نیست ، هدف تقوی و پرهیزکاری توأم با تلاش و کوشش است ، اگر با این حال درها

به روی انسان بسته شد خداوند گشودن آنها را تضمین فرموده است .

و لذا در حدیثی می خوانیم که یکی از یاران امام صادق (علیه السلام) ((عمر بن مسلم)) مدتی خدمتش نیامد، حضرت جویای حال او شد، عرض کردند: او تجارت را ترک گفته ، و رو به عبادت آورده ، فرمود: وای بر او اما علم ان تارک الطلب لا یتجاب له : ((آیا نمی داند کسی که تلاش و طلب روزی را ترک گوید دعایش مستجاب نمی شود)).

سپس افزود: ((جمعی از یاران رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) وقتی آیه و من یتق الله يجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب)) نازل شد درها را به روی خود بستند، و رو به عبادت آوردند و گفتند: ((خداوند روزی ما را عهده دار شده))! این جریان به گوش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید، کسی را نزد آنها فرستاد که چرا چنین کرده اید؟ گفتند: ای رسول خدا! چون خداوند روزی ما را تکفل کرده و ما مشغول عبادت شدیم ، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: انه من فعل ذلک لم یتجب له ، علیکم بالطلب !: ((هر کس چنین کند دعایش مستجاب نمی شود، بر شما باد که تلاش و طلب کنید)). <۱۶>

## ۲- روح توکل

منظور از توکل بر خدا، این است که انسان تلاشگر کار خود را به او واگذارد و حل مشکلات خویش را از او بخواهد، خدائی که از تمام نیازهای او آگاه است ، خدائی که نسبت

به او، رحیم و مهربان است، و خدائی که قدرت

به حل هر مشکلی دارد.

کسی که دارای روح توکل است، هرگز یأس و نومیدی را به خود راه نمی دهد، در برابر مشکلات احساس ضعف و زبونی نمی کند، در برابر حوادث سخت، مقاوم است، و همین فرهنگ و عقیده چنان قدرت روانی به او می دهد که می تواند بر مشکلات پیروز شود، و از سوی دیگر امدادهای غیبی که به متوکلان نوید داده شده است به یاری او می آید، و او را شکست و ناتوانی رهایی می بخشد.

در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است که فرمود: از پیک وحی خدا، جبرئیل، پرسیدم: توکل چیست؟ گفت: العلم بان المخلوق لا یضر و لا ینفع، و لا یعطى و لا یمنع، و استعمال الیاس من الخلق، فاذا كان العبد كذلك لم یعمل لاحد سوى الله، و لم یرج و لم یخف سوى الله، و لم یطمع فى احد سوى الله فهذا هو التوکل .

: ((حقیقت توکل این است که انسان بداند: مخلوق، نه زیان می رساند، و نه نفع، و نه عطا می کند و نه منع، چشم امید از خلق برداشتن (و به خالق دوختن) هنگامی که چنین شود، انسان جز برای خدا کار نمی کند، به غیر او امید ندارد، از غیر او نمی ترسد، و دل به کسی جز او نمی بندد، این روح توکل است)). <۱۷>

((توکل)) با این محتوای عمیق، شخصیت

تازه ای به انسان می بخشد، و در تمام اعمال او اثر می گذارد، لذا در حدیثی می خوانیم که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در شب معراج از پیشگاه خداوند سؤال کرد: پروردگارا! ای الاعمال افضل ((چه عملی از همه اعمال برتر است)).

خداوند متعال فرمود لیس شیء عندی افضل من التوکل علی و الرضا

بما قسمت: ((چیزی در نزد من افضل و برتر از توکل بر من، و خشنودی به آنچه قسمت کرده ام نیست)). <۱۸>

بدیهی است توکل به این معنی همیشه توأم با جهاد و تلاش و کوشش است، نه تنبلی و فرار از مسئولیتها.

شرح دیگری در این زمینه در جلد دهم صفحه ۲۹۵ به بعد (ذیل آیه ۱۲ سوره ابراهیم) آورده ایم. احکام زنان مطلقه و حقوق آنها

از جمله احکامی که از آیات گذشته استفاده شد لزوم نگهداشتن عده بعد از طلاق است، و از آنجا که در آیه ۲۲۸ سوره بقره حکم زنانی که عادت ماهیانه می بینند در مسأله عده روشن شده است که باید سه بار پاکی را پشت سر گذاشته

عادت ماهانه ببینند هنگامی که برای بار سوم وارد ماهانه شدند عده آنها پایان یافته، ولی در این میان افراد دیگری هستند که به عللی عادت ماهانه نمی بینند و یا باردارند، آیات فوق حکم این افراد را روشن ساخته و بحث عده را تکمیل می کند.

نخست می فرماید: ((زنانی از شما که ماء یوس از عادت ماهانه شده اند، اگر در وضع آنها (از نظر بارداری) شک کنید عده آنان سه

ماه است)) (و اللائی یسن من المحیض من نسائکم ان ارتبتم فعدتهن ثلثه اشهر).

((و همچنین زنانی که عادت ماهانه ندیده اند آنها نیز باید سه ماه تمام عده نگهدارند)) (و اللائی لم یحضن) سپس به سومین گروه اشاره کرده می افزاید: ((عده زنان باردار این است که بار خویش را بر زمین بگذارند)) (و اولات الاحمال اجلهن ان یضعن حملهن).

به این ترتیب حکم سه گروه دیگر از زنان در آیه فوق مشخص شده است، دو گروه باید سه ماه عده نگهدارند، و گروه سوم یعنی زنان باردار با وضع حمل عده آنان پایان می گیرد، خواه یک ساعت بعد از طلاق وضع حمل کنند یا مثلاً هشت ماه.

در اینکه منظور از جمله ((ان ارتبتم)) (هرگاه شک و تردید کنید) چیست؟ سه احتمال ذکر شده است:

۱ - منظور احتمال و شک در وجود ((حمل)) است، به این معنی که اگر بعد از سن یاءس (سن پنجاه سالگی در زنان عادی و شصت سالگی در زنان قرشی) احتمال وجود حمل در زنی برود باید عده نگهدارد، این معنی هر چند کمتر اتفاق می افتد ولی گاه اتفاق افتاده است (توجه داشته باشید که واژه ((ریبه))

به معنی شک در حمل در روایات و کلمات فقهاء کرارا آمده است) <۱۹>

۲ - منظور زنانی است که به درستی نمی دانیم به سن یاءس رسیده اند یا نه؟.

۳ - منظور شک و تردید در حکم این مسأله است، بنابراین آیه می گوید اگر حکم خدا را نمی دانید، حکم خدا این است که چنین زنانی

عده نگهدارند، ولی از همه این تفسیرها مناسبتر تفسیر اول است، زیرا ظاهر جمله و اللائی یئسن... این است که این زنان به سن یاس رسیده اند، در ضمن هرگاه زنانی بر اثر بیماریها یا عوامل دیگر، عادت ماهانه آنها قطع شود، مشمول همین حکمند، یعنی باید سه ماه عده نگهدارند (این حکم را از طریق قاعده اولویت و یا مشمول لفظ آیه می توان استفاده کرد). <۲۰>

جمله و اللائی لم یحضن (زنانی که عادت ماهانه ندیده اند) ممکن است به این معنی باشد که به سن بلوغ رسیده اند اما عادت نمی بینند، در این صورت بدون شک باید سه ماه عده نگهدارند، احتمال دیگری که در تفسیر آیه داده اند این است که کلیه زنانی که عادت ندیده اند خواه به سن بلوغ رسیده باشند یا نه؟.

ولی مشهور در میان فقهای ما این است که هرگاه زن به سن بلوغ نرسیده باشد بعد از طلاق عده ندارد، ولی این مسأله نیز مخالفینی دارد که به بعضی از روایات

در این زمینه استدلال کرده اند، و ظاهر آیه فوق نیز با آنها موافق است (شرح بیشتر این مسأله را نیز در کتب فقهی باید مطالعه کرد). <۲۱>

از شاعن نزولی که برای جمله های اخیر ذکر شده نیز تفسیر فوق استفاده می شود و آن اینکه ((ابی بن کعب)) به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کرد که عده بعضی از زنان در قرآن نیامده است، از جمله زنان صغیره و زنان کبیره (یائسه) و باردار، آیه فوق نازل شد و احکام آنها

را بیان کرد. <۲۲>

در ضمن عده در صورتی است که احتمال حمل درباره او برود، زیرا در آیه فوق عطف بر زنان یائسه شده ، و مفهومی این است که حکم هر دو یکسان می باشند. <۲۳>

و بالاخره در پایان آیه مجدداً روی مسأله تقوا تکیه می کند و می فرماید: ((هر کس تقوای الهی پیشه کند خداوند کار را بر او آسان می سازد)) (و من یتق الله يجعل له من امره يسرا).

هم در این جهان و هم در جهان دیگر مشکلات او را، چه در رابطه مسأله جدائی و طلاق و احکام آن ، و چه در رابطه با مسائل دیگر به لطفش حل می کند.

در آیه بعد باز برای تاءکید بیشتر روی احکامی که در زمینه طلاق و عده در آیات قبل آمده می افزاید: ((این فرمان خدا است که آنرا بر شما نازل کرده است)) (ذلک امر الله انزله الیکم).

((و هر کس تقوای الهی پیشه کند، و از مخالفت فرمان او بپرهیزد،

خداوند گناهان او را می بخشد، و پاداش او را بزرگ می سازد)) (و من یتق الله یکفر عنه سیئاته و یعظم له اجرا).

بعضی از مفسران گفته اند که منظور از ((سیئات)) در اینجا ((گناهان صغیره)) است ، و منظور از تقوا پرهیز از ((گناهان کبیره)) است به این ترتیب پرهیز از کبائر سبب بخشودگی صغائر می شود، شبیه آنچه در آیه ۳۱ سوره نساء آمده است . و لازمه این سخن آن است که مخالفت احکام گذشته در زمینه طلاق و عده جزء گناهان کبیره محسوب می شود. <۲۴>

البته درست است

که ((سیئات)) گاهی به معنی گناهان صغیره آمده است، ولی در بسیاری از آیات قرآن مجید ((سیئات)) به عموم گناهان اعم از صغیره و کبیره اطلاق شده است، مثلاً در آیه ۶۵ سوره مائده می خوانیم: و لو ان اهل الکتاب آمنوا و اتقوا لکفرنا عنهم سیئاتهم: ((اگر اهل کتاب ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند ما تمام گناهان گذشته آنها را می بخشیم)) (این معنی در آیات دیگری نیز آمده است).

مسلم است که ایمان و قبول اسلام سبب بخشودگی همه گناهان پیشین می شود.

آیه بعد توضیح بیشتری درباره حقوق زن بعد از جدائی می دهد، هم از نظر ((مسکن)) و ((نفقه)) و هم از جهات دیگر.

نخست درباره چگونگی مسکن زنان مطلقه می فرماید: ((آنها را هر جا خودتان سکونت دارید و امکانات شما ایجاب می کند سکونت دهید)) (اسکنوهن من حیث سکنتم من وجدکم).

((وجد)) (بر وزن حکم) به معنی توانائی و تمکن است، بعضی از مفسران تفسیرهای دیگری برای آن ذکر کرده اند که در نتیجه به همین معنی باز می گردد، راغب نیز در مفردات می گوید: تعبیر به ((من وجدکم)) مفهومش این است که به مقدار توانائی و به اندازه غنای خود مسکن مناسب برای زنان مطلقه در نظر بگیرید.

طبیعی است آنجا که مسکن بر عهده شوهر است بقیه نفقات نیز بر عهده او خواهد بود دنباله آیه که درباره ((نفقه)) زنان باردار سخن می گوید نیز شاهد این مدعا است.

سپس به حکم دیگری پرداخته می گوید: ((به آنها زیان نرسانید تا کار را بر آنها



تنگ کنید و مجبور به نقل مکان و ترک نفقه شما شوند) (ولا تضاروهن لتضيقوا عليهن).

مبادا کینه توزیها و عداوت و نفرت شما را از راه حق و عدالت منحرف سازد، و آنها را از حقوق مسلم خود در مسکن و نفقه محروم کنید، و آنچنان در فشار قرار گیرند که همه چیز را رها کرده، فرار کنند!

در سومین حکم در مورد زنان باردار می گوید: ((و اگر باردار باشند مخارج آنها را تا زمانی که وضع حمل کنند بدهید)) (و ان کن اولات حمل فانفقوا عليهن حتی یضعن حملهن).

زیرا مادام که وضع حمل نکرده اند در حال عده هستند، و نفقه و مسکن بر همسر واجب است.

و در چهارمین حکم در مورد حقوق ((زنان شیرده)) می فرماید: ((اگر حاضر شدند بعد از جدائی، فرزندان را شیر دهند اجر و پاداش آنها را بپردازید)) (فان ارضعن لکم فاتوهن اجورهن).

اجرتی متناسب با مقدار و زمان شیر دادن بر حسب عرف و عادت.

و از آنجا که بسیار می شود نوزادان و کودکان مال المصالحه اختلافات دو همسر بعد از جدائی واقع می شوند در پنجمین حکم یک دستور قاطع در این زمینه صادر کرده، می فرماید: ((درباره سرنوشت فرزندان با مشاوره یکدیگر و به طور شایسته تصمیم بگیرید)) (و اءتمروا بینکم بمعروف).

مبادا اختلافات دو همسر ضربه بر منافع کودکان وارد سازد از نظر جسمی و ظاهری گرفتار خسران شوند، و یا از نظر عاطفی از محبت و شفقت لازم محروم بمانند، پدر و مادر موظفند خدا را در نظر گیرند، و منافع نوزاد بی دفاع

را فدای اختلافات و اغراض خویش نکنند.

جمله ((وَأْتَمِرُوا)) از ماده ((ایتمار)) گاه به معنی ((پذیرا شدن دستور)) و گاه به معنی مشاوره می آید، و در اینجا معنی دوم مناسبتر است و تعبیر ((بمعروف)) تعبیر جامعی است که هرگونه مشاوره ای را که خیر و صلاح در آن باشد شامل می گردد.

و از آنجا که گاهی توافق لازم میان دو همسر بعد از طلاق برای حفظ مصالح فرزند و مسأله شیر دادن حاصل نمی شود در ششمین حکم می فرماید: ((و اگر هر کدام بر دیگری سخت گرفتید و به توافق نرسیدید زن دیگری می تواند شیر دادن آن بچه را بر عهده گیرد تا کشمکشها ادامه نیابد)) (و ان تعاسرتم فسترضع له احرى).

اشاره به اینکه اگر اختلافها به طول انجامید خود را معطل نکنید، و کودک را به دیگری بسپارید، در درجه اول حق مادر بود که این فرزند را شیر دهد، اکنون که با سختگیری و کشمکش این امر امکان پذیر نیست نباید منافع کودک را به دست فراموشی سپرد، باید آن را بر عهده دایه ای گذارد.

آیه بعد، هفتمین و آخرین حکم را در این زمینه بیان کرده ، می افزاید:

((آنهایی که امکانات وسیعی دارند، از امکانات خود انفاق کنند، و آنها که تنگدستند، از آنچه خدا به آنها داده انفاق نمایند، خداوند هیچکس را جز به اندازه آنچه به او داده ، تکلیف نمی کند)) (لینفق ذو سعه من سعته و من قدر علیه رزقه فلینفق مما آتاه الله لا یکلف الله نفسا الا ما آتاها).

آیا این دستور یعنی انفاق به اندازه توانائی ، مربوط به زنانی است

که بعد از جدائی، شیر دادن کودکان را بر عهده می گیرند، و یا مربوط به ایام عده است که در آیات قبل به طور اجمال اشاره شده بود، و یا مربوط به هر دو است؟

معنی اخیر از همه مناسبتر است، هر چند جمعی از مفسران، آن را تنها مربوط به زنان شیرده دانسته اند، در حالی که در آیات گذشته در این باره تعبیر به اجر شده نه ((نفقه و انفاق)).

به هر حال آنها که توانائی کافی دارند، باید مضایقه و سختگیری نکنند، و آنها که تمکن مالی ندارند، بیش از توانائی خود مأمور نیستند، و زنان نمی توانند ایرادی به آنها داشته باشند.

به این ترتیب به آنها که دارند بخل کنند، و نه آنها که ندارند مستحق ملامتند.

و در پایان آیه، برای اینکه تنگی معیشت، سبب خارج شدن از جاده حق و عدالت نگردد، و هیچ یک زبان به شکایت نگشایند، می فرماید: ((خداوند به زودی بعد از سختیها، آسانی و راحتی قرار می دهد)) (سیجعل الله بعد عسر یسرا).

یعنی غم مخورید، بیتابی نکنید، دنیا به یک حال نمی ماند، مبادا مشکلات مقطعی و زودگذر رشته صبر و شکیبائی شما را پاره کند.

این تعبیر برای همیشه و مخصوصاً هنگام نزول این آیات که مسلمانان از نظر معیشت سخت در فشار بودند، نوید و بشارتی است از آینده امیدبخش

صابران، و اتفاقاً چیزی نگذشت که خداوند درهای رحمت و برکت خود را به روی آنها گشود.

## ۱ - احکام ((طلاق رجعی))

گفتیم ((طلاق رجعی)) آن است که شوهر مادام که عده بسر نیامده هر زمان بخواهد می

تواند بازگردد و پیوند زناشویی را برقرار سازد، بی آنکه نیاز به عقد تازه ای باشد، و جالب اینکه رجوع با کمتر سخن و عملی که نشانه بازگشت باشد حاصل می گردد.

بعضی از احکامی که در آیات فوق آمده ، مانند نفقه و مسکن ، مخصوص عده طلاق رجعی است ، و همچنین مسأله عدم خروج زن از خانه همسرش در حال عده و اما در طلاق بائن یعنی طلاقی که قابل رجوع نیست (مانند سومین طلاق ) احکام فوق وجود ندارد.

تنها در مورد زن باردار حق نفقه و مسکن تا زمان وضع حمل ثابت است .

تعبیر به لا تدری لعل الله یحدث بعد ذلک امرا: ((تو نمی دانی شاید خداوند وضع تازه ای به وجود آورد)) نیز اشاره به این است که همه یا قسمتی از احکام فوق ، مربوط به طلاق رجعی است . <۲۵>

۲ - خدا تکلیف ما لا یطاق نمی کند

نه تنها حکم عقل ، بلکه حکم شرع نیز بر این معنی گواه است که تکالیف

انسانها باید در حدود توانائی آنها باشد، جمله ((لا یكلف الله نفسا الا ما آتاها)) که در ضمن آیات فوق آمده نیز اشاره به همین معنی است .

ولی در بعضی از روایات می خوانیم که منظور از ((ما آتاها))، ((ما اعلمها)) است ، یعنی خداوند هر کس را به مقداری تکلیف می کند که به او ((اعلام)) کرده است ، و لذا به این آیه در مباحث ((اصل برائت)) در علم اصول استدلال کرده اند، که اگر انسان حکمی را نمی داند، مسئولیتی در برابر آن ندارد.

ولی از آنجا که عدم آگاهی ،

گاهی سبب عدم توانائی می شود، ممکن است ، منظور، جهلی باشد که سرچشمه عجز گردد.

بنابراین آیه می تواند مفهوم وسیعی داشته باشد، که هم عدم قدرت را شامل شود و هم جهل را که موجب عدم قدرت بر انجام کار می گردد.

### ۳ - اهمیت نظام خانواده

دقت و ظرافتی که در بیان احکام زنان مطلقه و حقوق آنها در آیات فوق به کار رفته ، و حتی بسیاری از ریزه کاریهای این مسأله ، در آیات قرآن ، که در حقیقت قانون اساسی اسلام است ، بازگو شده ، دلیل روشنی است به اهمیتی که اسلام برای نظام خانواده و حفظ حقوق زنان و فرزندان قائل است .

از طلاق تا آنجا که ممکن است جلوگیری می کند، و ریشه های آن را می خشکاند، اما هرگاه کار به بنبست کشید و چاره ای جز طلاق و جدائی نبود، اجازه نمی دهد، حقوق فرزندان و یا زنان در این کشمکش پایمال گردد، حتی طرح جدائی را طوری می ریزد که امکان بازگشت غالباً وجود داشته باشد.

دستوراتی همچون امساک به معروف و جدائی به معروف و نیز عدم زیان و ضرر و تضییق و سخت گیری نسبت به زنان ، و همچنین مشاوره شایسته برای روشن

ساختن سرنوشت کودکان ، و مانند اینها که در آیات فوق آمده است ، همگی گواه بر این معنی است .

اما متأسفانه عدم آگاهی بسیاری از مسلمانان از این امور، و یا عدم عمل به آن در عین آگاهی ، سبب شده است که در هنگام جدائی و طلاق مشکلات زیادی برای خانواده ها و مخصوصاً فرزندان ، به وجود آید،

و این نیست جز به خاطر اینکه مسلمانان از چشمه فیض بخش قرآن دور ماندند. مثلا با اینکه قرآن با صراحت می گوید: زنان مطلقه نباید در دوران عده از خانه شوهر بیرون روند و نه شوهر حق دارد آنها را بیرون بفرستد، کاری که اگر انجام شود، امید بازگشت غالب زنان به زندگی زناشویی بسیار زیاد است، اما کمتر زن و مرد مسلمانی را پیدا می کنید که بعد از جدائی و طلاق به این دستور اسلامی عمل کند، و این راستی مایه تأسف است. سرانجام دردناک سرکشان

شیوه قرآن این است که در بسیاری از مواد بعد از ذکر یک سلسله از دستورات عملی اشاره به وضع امتهای پیشین می کند، تا مسلمانان نتیجه ((اطاعت)) و ((عصیان)) را در سرگذشت آنها با چشم ببینند، و مسأله شکل حسی به خود گیرد.

لذا در این سوره نیز بعد از ذکر وظایف، مردان و کنان در موقع طلاق و جدائی به سراغ همین معنی رفته، و به عاصیای و گردنکشان هشدار می دهد.

نخست می فرماید: ((چه بسیار شهر و آبادیها که اهل آن در برابر فرمان پروردگار و رسولانش طغیان و سرپیچی کردند، و ما حساب آنها را با دقت و شدت رسیدیم و آنها را به مجازات وحشتناک و عذاب کم نظیری گرفتار ساختیم))! (و کاین من قریه عتت عن امر ربها و رسله فحاسبناها شدیداً و

عذبنها عذاباً نكراً). <۲۶>

منظور از قریه، چنانکه قبلاً نیز گفته ایم، محل اجتماع انسانها اعم از شهر و روستا است، و در اینجا منظور اهل آنها می باشد.

عتت از

ماده ((عتو)) (بر وزن غلو) به معنی سرپیچی از اطاعت است .

و ((نکر)) (بر وزن شکر) به معنی کار مشکل و بی سابقه یا کم سابقه می باشد.

((حسابا شدیداً)) یا به معنی حساب دقیق و تواءم با سختگیری است ، و یا به معنی مجازات شدید است که نتیجه حساب دقیق می باشد، و در هر حال اشاره به عذاب این اقوام سرکش در این دنیا است که گروهی با طوفان ، گروهی با زلزله های ویرانگر، گروهی با صاعقه و مانند آن ، ریشه کن شدند، و شهرها و دیار ویران شده آنها به صورت درس عبرتی برای آیندگان باقی ماند.

لذا در آیه بعد می افزاید: ((آنها وبال کفر و گناه خود را چشیدند، و عاقبت امر آنها خسران و زیان بود)) (فذاقت وبال امرها و کانت عاقبه امرها خسرا).

چه زیانی از این بدتر که سرمایه های خداداد، را از کف دادند، و در این بازار تجارت دنیا نه تنها متاعی نخریدند بلکه سرانجام با عذاب الهی نابود شدند.

بعضی ((حساب شدید)) و ((عذاب نکر)) را در اینجا اشاره به ((عذاب قیامت)) دانسته اند، و فعل ماضی را به معنی مستقبل گرفته اند، ولی هیچ موجبی برای این کار نیست ، بخصوص اینکه در مورد عذاب قیامت در آیه بعد سخن گفته خواهد شد، و این خود گواه زنده ای است بر اینکه عذاب در اینجا عذاب دنیا است .

سپس به عذاب اخروی آنها اشاره کرده ، می فرماید: ((خداوند عذاب شدیدی برای آنها آماده ساخته )) (اعد الله لهم عذابا شدیداً).

عذابی دردناک ، شدید، وحشت انگیز، خوار کننده ، رسواگر، و همیشگی در

دوزخ برای آنها از هم اکنون فراهم است .

حال که چنین است ((از مخالفت فرمان خدا پرهیزید ای صاحبان اندیشه و مغز، ای کسانی که ایمان آورده اید))! (فاتقوا الله یا اولی الالباب الذین آمنوا).

فکر و اندیشه از یکسو، ایمان و آیات الهی از سوی دیگر، به شما هشدار می دهد که سرنوشت اقوام متمرّد و طغیانگر را ببینید، و از آن عبرت بگیرید، مبادا در صف آنها واقع شوید که خداوند هم در این جهان شما را به مجازات هولناک و بی سابقه ای گرفتار می کند، و هم عذاب شدید آخرت در انتظار شما است .

سپس مؤمنان اندیشمند را مخاطب ساخته می افزاید: ((خداوند آن چیزی که مایه تذکر شما است بر شما نازل کرده است )) (قد انزل الله الیکم ذکرا)

و رسولی به سوی شما فرستاده که آیات روشن الهی را بر شما تلاوت می کند

تا کسانی را که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام داده اند از تاریکیها به سوی نور، هدایت کند)) (رسولا یتلوا علیکم آیات الله مبینات لیخرج الذین آمنوا و عملوا الصالحات من الظلمات الی النور).

در اینکه منظور از ((ذکر)) چیست ؟ و مراد از ((رسول)) کیست ؟ در میان مفسران گفتگو است .

جمعی ((ذکر)) را به معنی ((قرآن)) می دانند، در حالی که جمع دیگری به ((رسول خدا)) (صلی الله علیه و آله و سلّم) تفسیر کرده اند، چرا که مایه تذکر و یادآوری مردم است ، مطابق این تفسیر ((رسولا)) که بعد از آن آمده شخص پیامبر است (و کلام محذوفی ندارد) ولی منظور از ((نازل کردن)) در اینجا اعطای



وجود پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به امت از سوی خدا است .

اما اگر ((ذکر)) را به معنی قرآن مجید بگیریم ((رسولاً)) نمی تواند بدل از آن باشد، و در این جمله محذوفی است و در تقدیر چنین است ((انزل الله الیکم ذکرا و ارسل رسولا)): خداوند مایه تذکری برای شما نازل کرد، و رسولی فرستاد.

بعضی ((رسول)) را به معنی ((جبرئیل)) تفسیر کرده اند، و در این صورت نزول او نزول حقیقی خواهد بود، چرا که از آسمان نازل می شد، ولی این تفسیر با جمله ((یتلوا علیکم آیات الله)): ((آیات خدا را بر شما می خواند)) سازگار نیست ، زیرا جبرئیل مستقیماً آیات الهی را بر مؤمنان نمی خواند.

کوتاه سخن اینکه هر یک از این تفسیرها ((مزیت)) و ((مشکلی)) دارد، ولی رویهمرفته تفسیر اول (ذکر به معنی قرآن و رسول به معنی پیامبر اکرم) (صلی الله علیه و آله و سلم) از همه بهتر است ، زیرا در آیات بسیار زیادی از قرآن مجید کلمه ذکر بر قرآن اطلاق شده مخصوصاً آنجا که با کلمه ((انزال)) همراه باشد، به گونه ای که هرگاه ((نزول ذکر)) گفته شود تداعی قرآن می کند.

در آیه ۴۴ سوره نحل می خوانیم : و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم ((ما ذکر را بر تو نازل کردیم تا برای مردم تبیین کنی آنچه بر آنها نازل شده است)) و در آیه ۶ سوره ((حجر)) آمده است و قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر انک لمجنون : دشمنان گفتند: ((ای کسی که ذکر

بر تو نازل شده تو دیوانه ای!!

و اگر در بعضی از روایات از ائمه اهل بیت (علیهم‌السلام) آمده که منظور از ذکر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است و ((اهل الذکر)) مائیم ممکن است اشاره به بطون آیه باشد، زیرا می‌دانیم ((اهل الذکر)) که در آیه فاستلوا اهل الذکر ان کتتم لا تعلمون (از اهل ذکر سؤال کنید اگر نمی‌دانید) (نحل ۴۳) آمده به معنی خصوص اهل بیت (علیهم‌السلام) نیست بلکه شاعن نزول آن علمای اهل کتاب است ولی با توجه به اینکه ((ذکر)) معنی وسیعی دارد که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) را نیز شامل می‌شود این یکی از مصداقهای آن محسوب می‌شود. <۲۷>

به هر حال هدف نهائی از ارسال این رسول و انزال این کتاب آسمانی این است که با تلاوت آیات الهی آنها را از ظلمتهای کفر و جهل و گناه و فساد اخلاق بیرون آورده، به سوی نور ایمان، و توحید، و تقوا، رهنمون گردد، و در حقیقت تمام اهداف بعثت پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و نزول قرآن در همین یک جمله خلاصه شده، خارج کردن از ظلمتها به نور، و قابل توجه اینکه ((ظلمات)) به صیغه جمع و ((نور)) به صیغه مفرد ذکر شده، زیرا شرک و کفر و فساد، عامل پراکندگی و چندگانگی است، در حالی که ایمان و توحید و تقوا عامل وحدت و یگانگی می‌باشد.

و در پایان آیه به اجر و پاداش کسانی که ایمان و عمل

صالح دارند اشاره کرده می افزاید: ((کسی که به خدا ایمان آورد، و عمل صالح انجام دهد، و این راه را تداوم بخشد، خداوند او را در باغهایی از بهشت داخل می کند که از زیر درختانش نهرها جاری است ، جاودانه و برای همیشه در آن خواهد ماند، و خداوند روزی نیکوئی برای او قرار داده است )) (و من یؤ من بالله و بی عمل صالحا یدخله جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها اءبدا قد احسن الله له رزقا).

تعبیر به ((یؤ من)) و ((یعمل)) به صورت فعل مضارع اشاره به این است که ایمان و عمل صالح آنها محدود به زمان خاصی نیست بلکه استمرار و تداوم دارد. <۲۸>

و تعبیر به ((خالدین)) دلیل بر جاودانگی بهشت است ، بنابراین ذکر کلمه ((ابداء)) بعد از آن تاء کیدی برای ((خلود)) محسوب می شود.

تعبیر ((رزقا)) به صورت ((نکره)) اشاره به عظمت و اهمیت روزیهای نیکوئی است که خداوند برای این جمعیت فراهم می سازد، و مفهوم وسیعی دارد که هرگونه موهبت الهی را در آخرت و حتی در دنیا نیز دربر می گیرد، چرا که نتیجه ایمان و تقوا تنها مربوط به آخرت نیست ، افراد مؤ من و پرهیزگار در این دنیا نیز زندگی پاک تر و آرام تر و لذتبخش تری دارند. هدف از آفرینش عالم معرفت است

این آیه که آخرین آیه سوره طلاق است ، اشاره پرمعنی روشنی به عظمت قدرت خداوند در آفرینش آسمانها و زمین ، و نیز هدف نهائی این آفرینش دارد، و بحثهایی را که در آیات گذشته پیرامون وعده ثواب عظیم به

مؤمنان پرهیزگار، و همچنین وعده هائی که به گشودن گره مشکلات آنها داده تکمیل می کند، بدیهی است خداوندی که قدرت بر این آفرینش عظیم دارد، توانائی بر انجام آن وعده ها در این جهان و جهان دیگر نیز دارد.

نخست می فرماید: ((خداوند همان کسی است که هفت آسمان را آفرید)) (الله الذی خلق سبع سماوات).

((و از زمین نیز همانند آن)) (و من الارض مثلهن).

یعنی همانگونه که آسمانها ((هفتگانه)) اند زمینها نیز هفتگانه می باشند، و این تنها آیه ای از قرآن مجید است که اشاره به زمینهای هفتگانه می کند.

اکنون ببینیم منظور از این آسمانهای هفتگانه و زمینهای مشابه آن

چیست؟ در این زمینه در جلد اول ذیل آیه ۲۹ سوره بقره و در جلد بیستم ذیل آیه ۱۲ سوره فصلت، بحثهای مشروحی داشتیم، لذا در اینجا به اشاره فشرده ای قناعت می کنیم، و آن اینکه:

ممکن است، منظور از عدد هفت، همان کثرت باشد، زیرا این تعبیر در قرآن مجید و غیر آن گاه به معنی کثرت آمده است، مثلاً می گوئیم اگر هفت دریا را هم بیاوری کافی نیست.

بنابراین منظور از هفت آسمان و هفت زمین، تعداد عظیم و کثیر کواکب آسمانی و کراتی مشابه زمین است.

اما اگر عدد هفت را برای ((تعداد)) و شماره بدانیم، مفهوم آن وجود هفت آسمان می شود، و با توجه به آیه ۶ سوره صافات که می گوید: انا زینا السماء الدنيا بزینه الكواكب: ((ما آسمان نزدیک (آسمان اول) را با کواکب و ستارگان زینت بخشیدیم)) روشن

می شود که آنچه ما می بینیم و علم و دانش بشر به آن احاطه دارد همه مربوط به آسمان اول است ، و ماورای این ثوابت و سیارات ، شش عالم دیگر وجود دارد که از دسترس علم ما بیرون است .

این در مورد آسمانهای هفتگانه ، و اما در مورد زمینهای هفتگانه ممکن است اشاره به طبقات مختلف کره زمین باشد، زیرا امروز ثابت شده که زمین از قشرهای گوناگونی تشکیل یافته ، و یا اشاره به اقلیمهای هفتگانه روی زمین چرا که هم در گذشته و هم امروز کره زمین را به هفت ((منطقه)) تقسیم می کردند (البته طرز تقسیم در گذشته و امروز متفاوت است ، امروز زمین به دو منطقه منجمد شمالی و جنوبی و دو منطقه معتدله و دو منطقه حاره و یک منطقه استوائی تقسیم می شود، اما در گذشته اقلیمهای هفتگانه به شکل دیگری تقسیم می شد).

ولی ممکن است در اینجا نیز عدد هفت که از تعبیر ((مثلهن)) استفاده می شود نیز برای ((تکثیر)) و اشاره به زمینهای متعددی باشد که در عالم هستی وجود دارد. تا آنجا که بعضی از دانشمندان فلکی می گویند کراتی که مشابه کره زمین بر گرد خورشیدها در این عالم بزرگ گردش می کند حداقل سیصد میلیون کره است !. <۲۹>

هر چند با اطلاعات کمی که ما از ماورای منظومه شمسی داریم به دست دادن عدد در این زمینه کار مشکلی است ، ولی به هر حال دانشمندان دیگر فلکی نیز تاء کید می کنند که در کهکشانی که منظومه شمسی جزء آن است میلیونها میلیون کره وجود دارد

که در شرایطی مشابه کره زمین قرار گرفته ، و مرکز حیات و زندگی می باشد.

البته ممکن است پیشرفت علم و دانش بشر در آینده اطلاعات بیشتری درباره تفسیر اینگونه آیات در اختیار ما بگذارد.

سپس به مسأله تدبیر این عالم بزرگ به وسیله فرمان خداوند اشاره کرده می افزاید: ((امر و فرمان او در میان آنها پیوسته نازل می شود)) (یتنزل الامر بینهن).

پیدا است که منظور از ((امر)) در اینجا همان فرمان تکوینی خداوند در مورد تدبیر این عالم بزرگ و آسمانها و زمینهای هفتگانه است ، چرا که او پیوسته با فرمان مخصوص خود آنها را در مسیر منظمی هدایت و رهبری می کند در حقیقت این آیه شبیه آیه ۴ سوره سجده که می فرماید: يدبر الامر من السماء

الی الارض ((او تدبیر امور می کند از آسمان به زمین)).

به هر حال اگر تدبیر او لحظه ای از این عالم برداشته شود نظام همگی درهم می ریزد، و راه فنا پیش می گیرند.

و در پایان به هدف این آفرینش عظیم اشاره کرده ، می گوید: ((اینها همه به خاطر آن است که شما بدانید خداوند بر هر چیزی توانا است و علم و آگاهی او به همه چیز احاطه دارد)) (لتعلموا ان الله على كل شىء قدير و ان الله قد احاط بكل شىء علما).

چه تعبیر جالبی که هدف این آفرینش عظیم را آگاهی انسان از صفات خدا از علم و قدرت او می شمرد که آگاهی از این دو صفت برای تربیت انسان کافی است .

انسان باید بداند او بر تمام اسرار وجودش احاطه دارد، و از همه اعمالش

باخبر است ، و نیز بداند وعده هایش در زمینه معاد و رستاخیز، در زمینه پاداش و کیفر و در زمینه وعده پیروزی مؤمنان تخلف ناپذیر است .

آری خدائی که چنین ((علم)) و ((قدرتی)) دارد و نظام عالم هستی را اداره می کند اگر احکامی در زمینه زندگی انسانها، در رابطه با طلاق و حقوق زنان قرار داده ، همگی روی حساب دقیق و متقن است .

در زمینه ((هدف آفرینش)) بحث مشروحی ذیل آیه ۵۶ ذاریات جلد ۲۲ تفسیر نمونه داشته ایم .

قابل توجه اینکه در آیات مختلف قرآن اشاراتی به هدف آفرینش انسان یا مجموع این جهان شده که در بدو امر ممکن است مختلف به نظر برسد، ولی با دقت می بینیم همه به یک حقیقت بازمی گردند:

۱ - در آیه ۵۶ ذاریات هدف آفرینش انسان و جن را ((عبادت)) می شمرد (و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون).

۲ - و در آیه ۷ سوره هود هدف آفرینش عظیم آسمانها و زمین را آزمون بشر معرفی می کند (و هو الذی خلق السموات و الارض فی سته ایام و کان عرشه علی الماء لیلو کم ایکم احسن عملا).

۳ - در آیه ۱۱۹ هود هدف را رحمت الهی می شمرد (و لذلک خلقهم )

۴ - و بالاخره در آیه مورد بحث هدف را علم و آگاهی از صفات خدا دانسته است (لتعلموا...)

کمی دقت در این آیات نشان می دهد که بعضی مقدمه برای بعضی دیگر است ، آگاهی و معرفت مقدمه ای است برای بندگی و عبادت ، و آن نیز مقدمه ای است برای آزمون و تربیت

بشر و آن هم مقدمه ای است برای بهره گیری از رحمت خدا (دقت کنید).

خداوند! اکنون که ما را به هدف آفرینش بزرگت آشنا فرمودی، در وصول به این هدف بزرگ ما را یاری کن!

پروردگارا! علم و قدرتت بی پایان و رحمتت نیز بی انتها است، ما را از این رحمت بی انتها بهره ای عنایت فرما!

بارالها! قرآن و پیامبر را برای بیرون بردن مؤمنان از ظلمات به نور نازل کردی ما را از ظلمت گناه و هوای نفس بیرون بر، و قلب ما را به نور ایمان و تقوا روشن نما آمین یا رب العالمین.

### تفسیر مجمع البیان

آشنایی با این سوره این سوره مبارکه شصت و پنجمین سوره از شمار سوره های قرآن شریف است که در سال های ۹ - ۷ از هجرت پیامبر به تدریج بر جان نورانی آن انسان والا و برگزیده نازل شده است. به جاست که پیش از آغاز ترجمه و تفسیر آیات آن به شناسنامه اش بنگریم:

۱ - نام این سوره نام مشهور و معروف این سوره، «طلاق» - به مفهوم رها ساختن و طلاق دادن و گسستن پیوند زندگی خانوادگی میان دو همسر - است، اما در میان مفسران و محدثان به سوره «نساء قصری»، به مفهوم کوچک تر و کوتاه تر نیز آمده است، که در برابر سوره «نساء بزرگ» می باشد.

این دو نام، هر یک به تناسبی به این سوره نهاده شده است، چرا که از سویی در این سوره موضوع طلاق و مسایل و احکام مربوط به آن، نظیر عدّه طلاق مورد بحث قرار گرفته و به آن نام طلاق داده شده



است، و از دگر سو بدان دلیل که در این سوره احکام و مقررات خانوادگی به صورت کلی آمده است، به نام سوره «نساءِ قصری»، به مفهوم سوره نساء کوچک تر نیز خوانده شده است.

«ابن مسعود» در روایت مربوط به عدّه می گوید: هر کس می خواهد من حاضرم با او مباحله کنم که این سوره، پس از آیه مبارکه ۲۳۴ بقره - که بیانگر عدّه زنانی است که شوهرانشان از دنیا می روند - فرود آمده تا آن موضوع و حکم آن را با آیه ۴ این سوره کامل گرداند و روشن سازد که: اگر عدّه زنانی که همسرشان از دنیا می رود، چهار ماه و ده روز است، عدّه پاره ای از زنان سه ماه است و عدّه زنان باردار این است که فرزند خود را به دنیا آورند.

۲ - فرودگاه این سوره آیات دوازده گانه این سوره مبارکه به اتفاق نظر مفسران و محدثان در مدینه بر قلب پاک پیامبر فرود آمده است و در این مورد اختلاف نظری نیست.

۳ - شمار آیه ها و واژه ها و حروف آن از دیدگاه قاریان بصره این سوره یازده آیه دارد، اما از دیدگاه دیگران دارای دوازده آیه است.

این سوره از ۲۷۸ واژه و ۱۱۶۰ حرف پدید آمده است.

۴ - پاداش تلاوت آن از پیامبر گرامی آورده اند که فرمود:

وَمَنْ قَرَأَ سُورَةَ الطَّلَاقِ مَاتَ عَلَى سَنَةِ رَسُولِ اللَّهِ. (۴۶۹)

هر کس سوره طلاق را آگاهانه و خالصانه و برای رعایت مقررات خدا تلاوت کند، بر سبک و سنّت پیامبر جهان را بدرود خواهد گفت.

و از حضرت صادق آورده اند که فرمود:

مَنْ قَرَأَ

سوره الطلاق و التحريم في فريضة اعاده الله تعالى من ان يكون يوم القيامة ممن يخاف او يحزن، و عوفى من النار، و ادخله الله الجنة بتلاوته اياهما، و محافظته عليهما لانها للنبي (ص). (٤٧٠)

هر کس سوره «طلاق» و «تحريم» را در نمازهاي واجب خود بخواند، خدا او را از اين که در روز رستاخيز ترس و اندوهي به او برسد پناه مي دهد، و از آتش دوزخ معاف مي گردد، و خدا او را به پاداش تلاوت اين دو سوره و مراقبت بر عمل به مفاهيم و مقررات آن ها، به بهشت برطراوت و زيبا درخواهد آورد...

٥ - دورنمايي از مفاهيم اين سوره در اين سوره، همان سان که از نام و عنوان آن هويداست، پس از ياد و نام باعظمت خدا، موضوع انحلال پيوند زناشويي و مقررات آن و پيامدهايش مورد بحث قرار گرفته است، و آن گاه معارف انسان پرور و ارزشمندی چون: قانون گرايي و رعايت مرزهاي مقررات خدا،

رعايت جدی حقوق و حرمت زنان، حتی پس از گسست پيوند خانوادگی،

موضوع پروا و ره آورد زندگي ساز آن در نظام خانواده و اجتماع،

روح توکل و اعتماد به خدا در زندگي انسان،

فرجام تکانهنده و دردناک سرکشي و قانون ستيزي جامعه ها و حکومت ها،

هدفداري و هدفمندی آفرينش، و ده ها نکته ظريف و پند و اندرز دقيق و سازنده و بيدارگر ديگري که خواهد آمد، به تابلو رفته است.

١ - هان ای پیامبر! هنگامی که خواستید زنان [خود] را طلاق گوید، آنان را در زمان بندی عده آنان [که از حیض پاک شده اند و با آنان همبستر نشده اید] طلاق دهید، و [زمان عده را به شمار

آورید [و حساب نگاه دارید]، و از خدا، پروردگارتان پروا کنید. آنان را [در دوران عدّه از خانه هایشان بیرون مکنید و] خود آنان نیز [بیرون نروند، جز این که به کار زشت آشکاری دست یازند. این مرزهای [مقررات] خداست؛ و هر کس از مرزهای [مقررات خدا پا را فراتر نهد] [و بگذرد] بی تردید به خود ستم نموده است. تو نمی دانی، شاید خدا پس از آن [گسست و طلاق] پیشامدی [تازه پدید آورد].

۲ - پس آن گاه که [آن زنان به پایان عدّه خود رسیدند،] یا جوانمردانه و بر اساس قانوگرایی و اخلاق انسانی به شایستگی آنان را [به عنوان همسر و شریک زندگی نگاه دارید و یا به طور پسندیده ای از آنان جدا شوید و دو تن عادل از میان خودتان را] [بر این طلاق گواه بگیرید، و گواهی را برای خدا به پا دارید؛

این چیزی است که هر کس به خدا و روز واپسین ایمان بیاورد، به آن اندرز داده می شود؛ و هر کس از خدا پروا دارد، [خدا] راه برون شدنی برای او قرار خواهد داد.

۳ - و به او از جایی که [خودش حسابش را نمی کند روزی می رساند؛ و هر کس به خدا اعتماد کند، او برایش بسنده است. به یقین خدا فرمانش را به انجام خواهد رساند؛ بی گمان خدا برای هر چیزی اندازه ای مقرر داشته است.

۴ - و از زنان شما، آنان که از خون دیدن [ماهانه نومید شده اند، اگر تردید دارید [که خون خواهند دید یا نه؟] عدّه آنان سه ماه است. و [نیز] آنان که [هنوز] خون



باید با این شرایط طلاق دهید.

با این بیان خود پیام آور خدا از حکم آیه بیرون است؛ اما همان گونه که ترسیم شد، اجماع و اتفاق علمای اسلام بر این است که آن حضرت نیز داخل در حکم آیه است.

نظیر این آیه در قرآن فراوان است، از آن جمله این آیه که می فرماید: اذا قمتم الى الصلوه فاغسلوا وجوهكم وایدیکم الى المرافق... (۴۷۱)

هنگامی که به عزم نماز برخاستید، صورت و دست هایتان را تا آرنج بشوید...

و نیز این آیه که می فرماید: فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم (۴۷۲)

پس آن گاه که قرآن را می خوانی از شیطان رانده شده به خدا پناه بر.

آری، در همه این آیات پیامبر نیز بسان یکی از امت و به عنوان پیشوا و سرمشق آنان موظف به رعایت مرزهای مقررات خداست، و آن حضرت نیز در همه زندگی و سبک و سیره مترقی خود چنین بود.

امّا منظور از طلاق در دوران عدّه، که در آیه آمده این است که: باید طلاق در زمان پاکی زن از خون ماهانه یا حیض، که شوهر با او همبستر نشده است، واقع گردد. با این بیان باید طلاق در زمان پاکی زن از حیض و زمان همبستر نشدن شوهر با او در آن دوران پاکی، داده شود و این نخستین شرط طلاق و جدایی است.

آنچه آمد دیدگاه مذهب ما رهروان راه خاندان وحی و رسالت است که طلاق در زمان آن طهر و پاکی که آمیزشی صورت نگرفته است، داده می شود و آن زمان، از دوران عدّه به شمار می رود؛ بر این باور طلاق زن در طهری که

با او آمیزش انجام گرفته باشد باطل است. مذهب شافعی نیز همین گونه است، اما از دیدگاه «ابوحنیفه» و یاران او منظور آیه این است که طلاق باید در طهری که آمیزشی در کار نبوده و عدّه حیض است داده شود؛ و این مفهوم آیه بسان این جمله است که گفته می شود: «توضأت للصلوه»؛ برای انجام نماز وضو ساختم و یا نظیر این جمله که: «لبست السلاح للحرب»؛ برای پیکار با دشمن لباس رزم پوشیدم.

در این مورد «سعید بن مسیب» بر آن است که «لام» در «لعدتهن» برای سبب می باشد و بسان این است که گفته شود: آنان را طلاق دهید برای این که عدّه نگاه دارند.

و روشن است که این حکم برای آن زنانی است که با همسران خویش همبستر شده اند و گرنه عدّه ای نخواهند داشت، و قرآن به این نکته توجه می دهد که می فرماید:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عَدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا... (۴۷۳)

هان ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر زنان باایمان را به نکاح خویش درآوردید و آن گاه پیش از آن که با آنان همبستر گردید، طلاقشان دادید، دیگر بر عهده آنان عدّه ای که آن را به شمار آورید به سود شما نیست...

با این بیان از آیه مورد بحث چنین دریافت می گردد که اگر کسی زن خویش را در زمان عادت ماهانه حیض و یا در دوران طهر و پاکی او که همبستر شده است طلاق دهد، این طلاق درست نیست، چرا که «امر» در آیه شریفه وجوب را نشانگر است، و دیدگاه علمای شیعه نیز همین است، اما از

دیدگاه دیگر فقهای اسلامی این گونه طلاق دادن، بدون رعایت اقتضا و ظاهر آیه، طلاقی است که درست واقع می شود، گرچه بدعت است و کاری خلاف حکم و ظاهر آیه.

و نیز اگر مردی در یک نشست میان سه طلاق جمع کرد و گفت: «انتِ طالق ثلاثه»، از دیدگاه «ابوحنیفه» و یاران و همفکرانش طلاق واقع می شود، اما بدعت و گناه است، اما از دیدگاه پژوهشگران و محققان فقه شیعه در صورت فراهم بودن شرایط طلاق، یک طلاق به حساب می آید، نه بیشتر.

پدیده طلاق در شریعت اما طلاق شرعی عبارت از آن است که: مرد پیوند نکاح خویش را با همسرش بگسلد و گرهی که آن دو را به هم پیوند داده است، بگشاید و او را مخاطب ساخته و بگوید: «انتِ طالق»؛ تو از این ساعت طلاق داده شده و از قید نکاح آزاد و رها هستی. و یا با اشاره به همسرش بگوید: «هده طالق»؛ این زن رها و آزاد است و دیگر همسر من نیست. و یا بگوید: «فاطمه بنت فلان طالق»؛ «فاطمه»، دختر «حسن» طلاق داده شده و رهاست.

از دیدگاه پیروان مذهب اهل بیت، طلاق جز با این واژه واقع نمی شود و با کنایه و یا نظیر آن خواه آهنگ طلاق نماید و یا قصد طلاق نماید، طلاق واقع نمی گردد و حتی نوشته هم بسنده نیست. (۴۷۴)

به هر حال در مورد «طلاق» دیدگاه ها متفاوت است و جای بحث کتاب های فقهی است و نه تفسیری، اما گاه جدایی زن و مرد و گسستن پیوند زناشویی بدون طلاق هم واقع می گردد، نظیر: «ارتداد» و «لعان» و «خلع» از دیدگاه

بسیاری از فقهای ما اگر چه این عناوین را طلاق نمی گویند.

و نیز جدایی زن و مردی که با هم پیمان زناشویی بسته اند، به سبب فسخ شدن نکاح به وسیله عوامل فسخ، نظیر آنچه در فقه آمده است، و یا به خاطر عیبی از عیوب، که اگر در مرد بود، نکاح به هیچ شمرده می شود، ممکن است اما به اینها طلاق گفته نمی شود.

روایاتی در نکوهش طلاق «بخاری» و «مسلم» در کتاب های خویش آورده اند که: «عبدالله بن عمر» زن خود را در حال دیدن خون ماهانه طلاق گفت، اما پیامبر به او دستور داد تا همسرش را به خانه باز آورد و به او فرصت دهد تا پاک گردد و در خانه او خون ماهانه دیگری ببیند، آن گاه به او مهلت دهد تا پاک شود، سپس اگر آهنگ طلاق دارد، در حال پاکی او پیش از همبستر شدن با وی، او را طلاق دهد؛ آن گاه افزود: این عده ای است که خدا برای زنان مقرر داشته است تا این گونه طلاق داده شوند.

و نیز «بخاری» در «صحیح» خود آورده است که: پسر عمر همسرش را در حال حیض طلاق گفت، اما پیامبر به او دستور داد تا همسرش را به خانه خویش باز گرداند و هنگامی که پاک شد، اگر تصمیم دارد، او را طلاق گوید. (۴۷۵)

از علی (ع) آورده اند که پیامبر گرامی فرمود:

تزوجوا و لا تطلقوا فان الطلاق يهتر منه العرش. (۴۷۶)

ازدواج کنید و طلاق ندهید که طلاق و جدایی عرش خدا را به لرزه درمی آورد.

و نیز «ثوبان» از پیامبر آورده است که فرمود:

ایما امرأه سألت



زوجها الطلاق فی غیر ما بآس فحرام علیها رائحه الجنه. (۴۷۷)

هر زنی که بدون دلیل و جهت قانع کننده ای از شوهر خویش طلاق بخواهد، بوی خوش بهشت زیبای خدا بر او حرام می گردد.

و نیز «اشعری» از آن حضرت آورده است که فرمود:

لا تطلقوا النساء الا من ربه، فان الله لا يحب الذواقين و الذواقات. (۴۷۸)

زنان خویش را جز آن گاه که در مورد پاکدامنی و عفت آنان به راستی دستخوش تزلزل شدید، طلاق ندهید، چرا که خدا مردان طلاق دهنده و زنان طلاق گیرنده را دوست نمی دارد.

و نیز «انس» آورده است که فرمود:

ما حلف بالطلاق و لا استحلف به الا منافق. (۴۷۹)

جز نفاقگرا و تاریک اندیش کسی بدون دلیل قانع کننده سوگند به طلاق دادن و طلاق گرفتن نمی خورد.

گفتنی است که این چهار روایت از تفسیر «ثعلبی» نقل شده است.

در ادامه آیه شریفه می فرماید:

وَ أَحْصُوا الْعِدَّةَ

و زمان عدّه را به حساب آورید و بشمارید.

به باور پاره ای منظور این است که: روزهای عادت ماهانه ای که زنان به آن عادت دارند، آن روزها را بشمارید.

اما به باور پاره ای دیگر منظور این است که: زمان طلاق را بشمارید تا برای زمان عدّه طلاق گوید.

این دستور قرآن به شمارش دوران عدّه برای این است که در آن زن دارای حق نفقه و هزینه زندگی و مسکن است که شوهر باید برای او فراهم آورد و شوهر نیز در آن دوران حق دارد تا در صورت تمایل به سوی همسر خویش بازگردد، و پیوند گسسته را دگرباره به حال نخست برگرداند و او را از جدایی همیشه باز دارد.

با این بیان دستور به شمارش

عده برای آگاهی از هنگامه و فرصت رجوع شوهر، هنگامه پایان فرصت رجوع و حرمت آن زن بر آن مرد، پایان یافتن پرداخت هزینه زندگی و مسکن زن از سوی شوهر، و نیز آگاهی از زمان فوت شوهر است، تا به هر صورت، نه حقوق زن نادیده گرفته شود و نه حقوق مرد.

اقسام عده دوران «عده»، در آیه شریفه، به مفهوم نشستن و خودداری ورزیدن زن طلاق داده شده از ازدواج مجدد در آن زمان مشخص و معلوم است، تا آن دوره به پایان رسد و تکلیف هر کدام روشن شود؛ و آن بر چند قسم است:

۱ - نوعی از «عده» نگاه داشتن این گونه است که زنانی که خون ماهانه می بینند، چند طهر «عده» نگاه دارند.

۲ - نوع دیگر از «عده» آن است که ویژه دخترانی است که هنوز به سن دیدن خون ماهانه نرسیده اند، که چنین دختران نه ساله و یا کمتر از این سن و سال، «عده» ندارند. پاره ای نیز برای آنان چند ماه «عده» نگاه داشتن را در نظر گرفته اند.

و نیز زنانی که به خاطر گذشتن از مرز پنجاه سالگی و یا فراتر از آن، از دیدن خون ماهانه مأیوس شده اند؛ این گروه از زنان نیز از دیدگاه فقهای شیعه از نگاه داشتن «عده» معاف هستند، گرچه پاره ای برآنند که باید چند ماه «عده» نگاه دارند.

۳ - نوع دیگر از «عده» از آن زن شوهر مرده است که چهار ماه و ده روز باید «عده» نگاه دارد.

۴ - نوع دیگر از «عده» از آن زن باردار است، که پایان عده اش زمانی است که کودک

خویش را به دنیا آورد؛ اما زنی که همسرش در دوران بارداری او از دنیا برود باید دورترین مدت «عده» را رعایت کند؛ و در این مورد دیدگاه فقها متفاوت است.

۵- و دیگر «عده» کنیز است که دو بار پاک شدن یا یک ماه و نیم و نیز به هنگام بارداری او زایمان در نظر گرفته شده، در حالی که «عده» زنان آزاده سه بار پاک شدن پس از دیدن خون ماهانه است که حدود سه ماه می شود.

در ادامه آیه می فرماید:

وَ اتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ از خدایی که پروردگار شماست بترسید و پروا کنید و به آنچه مقرر شده است، عمل نمایید و از قانون گریزی و قانون ستیزی دوری جوئید.

لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ شما مردانی که همسرانتان را طلاق می دهید، آنان را در زمان «عده» از خانه هایشان بیرون نسازید؛

وَلَا يَخْرُجْنَ و آن زنان نیز در دوران «عده» از خانه و محل زندگی مشترک با شما بیرون نروند.

با این بیان در دوران «عده طلاق»، نه مرد حق دارد زن خود را از خانه اش بیرون کند و نه آن زن حق دارد تا پایان عده طلاق و گسست کامل پیوند زناشویی بدون دلیل و ضرورت از خانه بیرون برود که تخلف هر کدام گناه و حرام است.

إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ

مگر این که چنین زنانی به کار زشت آشکاری دست یازیده باشند.

در مورد منظور از واژه «فاحشه» در آیه دیدگاه ها متفاوت است:

۱- به باور گروهی از مفسران پیشین، نظیر «حسن»، «مجاهد» و «ثعلبی» منظور این است که: مگر این که آنان به بی عفتی

آشکاری دست یازیده باشند که آنان را ناگزیر برای کیفر کردارشان باید از خانه بیرون برند.

۲ - اما به باور «ابن عباس» منظور ناسازگاری و بدزبانی آن زن با اهل منزل است، که در آن صورت می توان چنین زنی را از خانه بیرون کرد، چرا که ادامه حضور او در خانه مشکلات را حادثر می کند. گفتنی است که این نظر از دو امام راستین حضرت باقر و صادق روایت شده است. (۴۸۰)

و از حضرت رضا آورده اند که در تفسیر آیه فرمود:

الفاحشه ان تؤذی اهل زوجها و تسبهم. (۴۸۱)

منظور از «فاحشه» عبارت از اذیت و آزار خاندان شوهر از سوی زن و فحاشی و بدزبانی به آن هاست.

۲ - از دیدگاه «قتاده» منظور سرکشی و پر خاشگری و نشوز است؛ از این رو اگر به خاطر سرکشی و نشوز او را طلاق داده اند و باز هم به آن شیوه اصرار می ورزد، باید از خانه بیرون رود.

۴ - «ابن عمر» بر آن است که: منظور از «فاحشه» بیرون آمدن زن از خانه شوهر پیش از پایان دوران عدّه است.

و از «ابن عباس» آورده اند که: هر گناه و نافرمانی خدا به صورت آشکار «فاحشه» می باشد.

و تَلَمَّكَ حُدُودُ اللَّهِ و این ها مرزهای مقررات خداست که در مورد طلاق و شرایط آن مقرر فرمود و به صورت روشنی بیان کرد که باید رعایت نمود و از آن ها عبور نکرد.

و مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ و هر کس از مرزهای مقررات خدا عبور کند در حقیقت به خویشتن ستم روا داشته است؛ چرا که با این تجاوز از مرز قوانین و

مقررات خدا به گناه و نافرمانی روی آورده و به کاری دست زده است که خود را در خور کیفر ساخته است.

لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا

تو ای پیامبر، از عالم غیب و آینده بدون آگاهی یافتن از راه وحی و رسالت خبر نداری و نمی دانی چه پیش خواهد آمد، شاید خدا پس از این طلاق و اعلام جدایی، رابطه تازه ای برای آن زن و مرد پدید آورد و وسیله ای برای اصلاح آنان پیدا شود و از جدایی منصرف شوند؛ چرا که اگر تحولی در دل و اندیشه شوهر پدید آید و محبت همسرش در دل او گُل کند و پس از این طلاق یا طلاق دوم و یا حتی میان طلاق دوم و سوم تصمیم بگیرد می تواند از فروپاشی خانواده جلوگیری نماید.

به باور «ضحاک» و «سدی» منظور این است که: شاید خدای فرزانه در دوران «عده» راه بازگشتی پدید آورد.

به باور «زجاج» اگر مردی در یک نشست همسر خود را سه بار طلاق داد، دیگر مفهومی برای بازگشت و فرصتی برای رجوع او نمی ماند، چرا که قرآن می فرماید:

لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا

شاید خدا پس از این گسست و طلاق پیشامد جدیدی برای آنان پیش آورد.

از آیه شریفه چنین دریافت می گردد که باید سه طلاق به صورت جدا جدا انجام شود و نه یکباره و در یک نشست، که این روا نیست؛ چرا که در آیه شریفه می فرماید:

فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْضُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ...

هنگامی که خواستید زنان خود را طلاق دهید، آنان را در زمان بندی عده آنان طلاق دهید، و زمان

عده را به حساب آورید و بشمارید و از خدا، که پروردگار شماست پروا کنید...

بدین وسیله قرآن شریف «فطلقوهن...» را با دستور به شمارش و به حساب آوردن «عده» مورد تأکید قرار می دهد، و از پی آن با دستور به رعایت پروا و تقوا همان واقعیت را مورد تأکیدی دیگر قرار می دهد و روشنگری می کند که از مرز مقررات او عبور نکنند؛ و بار سوم همین نکته سازنده را با بیان حقوق زن و شوهر پس از طلاق و در دوران «عده» مورد توجه قرار می دهد و می فرماید: نه شما مردانی که زنان خود را طلاق می دهید حق دارید آنان را در دوران «عده» از خانه هایشان بیرون کنید و نه زنان حق دارند بروند.

لا-تخروجوهن من بیوتهن و لا- یخرجن و روشن است که در این صورت امکان بازگشت و رجوع برای شوهر می ماند که از حقوق اوست.

و بار دیگر می فرماید: و این مرزهای مقررات خداست و کسی که از این مرزها و مقررات عبور کند و بدون رعایت دقیق این شرایط طلاق دهد، هم گناه کرده و هم طلاق او فاقد شرایط و باطل است.

و سرانجام می فرماید: لعل الله یحدث بعد ذلک امرأ؛ شاید خدا پس از این رویداد تلخ، موقعیت و رویداد تازه ای پدید آورد؛ که بدین وسیله ضمن تأکید بر همه شرایط و مرزهای مقررات خدا در طلاق و اعلام جدایی، روشنگری می کند که با طلاق اول، حق رجوع و بازگشت برای مرد پایان نیافته و می تواند از طلاق باز گردد، چرا که ممکن است این رویداد پس از طلاق، همان ایجاد مهر در دل مرد به خواست

خدا و تصمیم او به رجوع و جلوگیری از فروپاشی ارکان خانواده گردد.

با این بیان، از خود آیه شریفه چنین دریافت می گردد که سه طلاق باید جدا جدا انجام شود، چرا که:

۱ - پیش از هر چیز، طلاق را تنها در زمان پاکی از خون دیدن ماهانه قرار می دهد.

۲ - آن را به شرط همبستر نشدن با زن در آن زمان پاکی و طهر او درست می داند.

۳ - در آیه، «فطلقوهن...» را با دستور به شمارش و به حساب آوردن دقیق «عده» مورد تأکید قرار می دهد، چرا که اگر می توان سه طلاق را در یک نشست گفت و تمام کرد، دیگر شمارش دقیق «عده» چرا؟

۴ - دستور به پروای خدا پس از دستور به شمارش «عده» نیز بیانگر همین نکته است که باید سه طلاق به صورت جدا جدا انجام شود.

۵ - و همین گونه دستور به زن و مرد که در دوران «عده» باید زن از خانه بیرون نرود و مرد هم نمی تواند او را بیرون کند، چرا که حقوق هر دو در میان است و امکان رجوع در این فرصت، با گذشت زمان و فرو نشستن طوفان خشم، و حضور چند ماهه زن در خانه و در کنار شوهر در زمان «عده»، و تدبیر و تفکر در کار، و یادآوری فرجام شوم اطلاق و... همه و همه زمینه ساز بازگشت مرد و رجوع او و جلوگیری از فروپاشی کانون خانواده است.

۶ - و آن گاه این جمله تفکرانگیز که: و تلک حدود الله... و این از مرزهای مقررات خداست که باید به دقت رعایت گردد.

و سرانجام این جمله که می فرماید: لعل الله يحدث بعد ذلك امراً؛ امید که خدا پس از این طلاق نخست و این پیشامد تلخ شرایط تازه ای پدید آورد، که ممکن است یکی از این شرایط تازه همان بازگشت و رجوع مرد به زندگی زناشویی باشد.

با این بیان اگر سه طلاق را به صورت جدا جدا در نظر نگیریم، همه این نکات هفت گانه دقیق و ظریف و حکیمانه و راهگشا در آیه نادیده انگاشته می شود.

طلاق «عده» و طلاق سنت ممکن است این پرسش طرح گردد که: خدای فرزانه در این آیه به طلاق عده راهنمایی می کند و روشنگری می کند که اگر ناگزیر از طلاق دادن همسرتان شدید، این گونه و با این سبک و شرایط طلاق دهید؛ با این وصف، شما چگونه طلاق «سنت» را بر طلاق «عده» که مورد سفارش آیه است مقدم می دارید؟

پاسخ این پرسش این است که طلاق «سنت» نیز طلاق «عده» است، تنها تفاوت این است که علما و فقها، آن طلاقی را که رجوعی در کار نبود و پیوند زناشویی گسسته شد، آن را طلاق «سنت» می خوانند و طلاقی را که رجوعی پس از طلاق اول بود، آن را طلاق «عده» نام می نهند. این دیدگاه را روایات رسیده نیز تأیید می کند، چرا که از امام باقر و حضرت صادق آورده اند که: طلاق آن است که مرد اگر تصمیم به جدایی داشت، زن خود را در دوران پاک شدن از خون دیدن ماهانه، که در آن با او همبستر نشده باشد طلاق دهد و بر این طلاق دو مرد عادل نیز گواه بگیرد و آن گاه



شایسته تر است که در دوران «عده» اگر ممکن است رجوع کند. آری، این طلاق همان طلاق و جدایی است که خدا در قرآن به آن دستور داده و پیامبر نیز در سبک و سنت خویش به آن فرمان داده است؛ از این رو هر طلاق که جز بر این سبک انجام شود طلاق نیست.

«جریر» آورده است که از حضرت صادق درباره طلاق «سنت» پرسیدم که فرمود: علی طهر من غیر جماع بشاهدی عدل... (۴۸۲)

طلاق «سنت» آن طلاق است که در پاکی زن، بی آنکه در آن پاکی با او همبستر شده باشی، او را طلاق دهی و دو شاهد عادل نیز بگیری، چرا که طلاق بدون دو شاهد عادل و شمارش عده درست نیست. (۴۸۳) و این همان چیزی است که قرآن می فرماید:

فَطَلَّقُوهُنَّ لِئَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ...

...آنان را در زمان بندی «عده» آنان که از خون دیدن ماهانه پاک شده اند و با آنان همبستر نگردیده اید، طلاق دهید و زمان «عده» را به شمار آورید.

و نیز آورده اند که فرمود:

كُلِّ طَلَاقٍ لَا يَكُونُ عَلَى السَّنَةِ أَوْ طَلَاقٍ عَلَى الْعِدَّةِ فَلَيْسَ بِشَيْءٍ. (۴۸۴)

هر طلاق که بر روش «سنت» و بر اساس شمارش و در نظر گرفتن «عده» انجام نگیرد بی اساس و باطل است.

«زراره» از شاگردان آن حضرت می گوید: به آن بزرگوار گفتم: سرورم! طلاق سنت و طلاق «عده» را برای من تفسیر کنید!

فَسَّرَ لِي طَلَاقَ السَّنَةِ وَ طَلَاقَ الْعِدَّةِ. (۴۸۵)

فرمود: طلاق سنت این است که مرد هنگامی که آهنگ جدایی و طلاق همسرش را نمود، مهلت دهد تا او خون ماهانه را ببیند و پاک گردد، آن گاه که پاک شد، بی آن

که با او همبستر گردد، با حضور دو شاهد عادل او را یک بار طلاق دهد، و بعد رها کند تا سه بار پاک گردد و پس از پایان «عده» از او جدا گردد؛ و باید به یاد داشته باشد که در دوران «عده» هزینه زندگی و مسکن زن بر عهده مرد است و تا پایان «عده» از یکدیگر ارث می‌برند، و نیز پس از پایان «عده» این مرد نیز می‌تواند بسان مردهای بیگانه از او خواستگاری کند، که اگر خواست می‌پذیرد و اگر رد کرد و خواستگاری شوهر سابق را نپذیرفت، با هر کس که خواست ازدواج می‌کند.

اما طلاق «عده» این گونه است که: وقتی مرد تصمیم به جدایی با این سبک از طلاق گرفت، باید صبر کند تا همسرش خون ماهانه ببیند و پاک گردد، آن گاه بی آنکه با او همبستر گردد، او را با گرفتن دو گواه عادل، طلاق می‌دهد، و پس از آن طلاق در مدت پاکی آن مرحله، اگر خواست قبل از این که حیض شود رجوع می‌کند و بر رجوع خود گواه می‌گیرد و با او همبستر هم می‌گردد، آن گاه زن حیض می‌شود و پاک می‌گردد و دگر باره او را بدون این که همبستر گردد، با گرفتن دو گواه عادل، طلاق می‌دهد، و باز برای بار دوم پیش از آنکه حیض گردد رجوع می‌کند و با او همبستر می‌گردد و بر این کار گواه بر می‌گزینند؛ سرانجام حیض سوم زن می‌رسد و شوهر پس از پاک شدن آن، بی آن که با او همبستر گردد، با گرفتن دو گواه طلاق او را برای بار سوم می‌دهد؛

این جاست که دیگر برای همیشه زن بر او حرام می گردد و تنها هنگامی آن زن بر او حلال می شود که با مرد دیگری ازدواج کامل کند و او آن زن را طلاق دهد.

آنچه آمد تفسیر طلاق سنت و طلاق «عده» از دیدگاه امام صادق بود و روایت در این مورد فراوان است.

با این بیان در طلاق سنت مرد همسرش را طلاق می گوید و تا پایان سه بار خون ماهانه دیدن و پاک شدن او را ترک می کند و آن زن به یک طلاق جدا می شود و مرد جز با عقد و مهریه جدید نمی تواند با او ازدواج کند؛ حال اگر بار دیگر به همین سبک طلاق داد و رها کرد تا دوران عده او سپری گردید و رجوع نکرد باز هم جدایی پدید آمده است و این جدایی دوم هم با عقد سوم تبدیل به وصال می گردد، و اگر بار سوم به همین سبک طلاق داد دیگر راهی برای بازگشت نیست، مگر این که آن زن با بیگانه ای ازدواج کند و آن مرد او را پس از ازدواج کامل طلاق دهد تا شوهر سابق بتواند او را به عقد خود درآورد.

و بدین سان روشن می شود که طلاق سنت نیز با اندک تفاوت همان طلاق عده است. (۴۸۶)

زندگی تحسین برانگیز و یا جدایی خداپسندانه در دومین آیه مورد بحث در راه ترسیم این واقعیت می فرماید:

فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِي كُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ پس آن گاه که دوران «عده» سپری گردید و به پایانش نزدیک شد، یا باید همسر خود را به سبک شایسته و خداپسندانه ای نگاه دارید و تصمیم دگرباره برای ادامه زندگی

مشترک بگیریید و از پرداخت هزینه زندگی و مسکن و در پیش گرفتن رفتار و کردار و گفتار خوش و انسانی کوتاهی نکنید...

أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ و یا این که آنان را رها کنید تا از دوران «عده» خارج گردند و به گونه ای خداپسندانه از آنان جدا شوید.

روشن است که منظور آیه، نه سپری شدن دوران «عده» که منظور رو به پایان نهادن آن است، چرا که پس از سپری شدن «عده» دیگر راه بازگشت مسدود می شود و مرد، دیگر حق رجوع ندارد و زن در آن هنگام می تواند با هر کس که خواست ازدواج کند، و به یک طلاق بدون رجوع شوهر جدا شده است.

وَ أَشْهَدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِّنْكُمْ و به هنگام جدایی و طلاق، دو گواه عادل از میان خودتان بر این کار برگزینید.

به باور مفسران، قرآن به مردهایی که زنان خویشان را طلاق می دهند، دستور می دهد که به هنگام طلاق و نیز به هنگام رجوع دو گواه عادل بگیرند تا به هنگام پیش آمدن اختلاف بر سر رجوع به هنگام «عده» یا انکار طلاق از سوی مرد را گواهی کنند.

اما پاره ای نیز بر آنند که: باید آنان برای حفظ دین خودشان و پایمال نشدن حقوق یکدیگر دو گواه عادل بگیرند.

از امامان معصوم نیز روایت در تأیید دیدگاه دوم رسیده است و به نظر می رسد که این دیدگاه بهتر باشد، چرا که اگر گرفتن گواهان عادل را بر طلاق حمل کنیم، اقتضاء وجوب می کند، در حالی که گرفتن آن دو گواه از شرایط صحت طلاق است.

از دیدگاه کسانی که گواه خواستن و گواه گرفتن را برای

رجوع می گیرند، در این صورت آن را کاری مستحب می شمارند.

وَ أَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ وَ أَنْ دُوْا غَوَاهِ نِيْزِ وَظِيْفَهٗ دَارِنْدَ كِهْ بَهْ هِنْكَامِ نِيْازِ بَرَايِ خَشْنُوْدِيْ خُدَا وَ تَقْرَبْ بَهْ بَارْكَاهِ اَوْ بَرِ اَسَاسِ حَقِّ وَ عَدَالْتِ گَوَاهِيْ دِهِنْد، وَ دَرِ اِنْدِيْشَهْ جَلْبِ دُوْسْتِيْ نَابَجَايِ ظَالِمِ يَا سَتْمَكَارِ نَبَاشِنْد.

ذَلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ

اين توجه به خدا و رعايت عدالت چيزي است كه هر كس به خدا و روز واپسين ايمان بياورد، به آن اندرز داده مي شود و مي تواند از اين اندرزهاي سازنده بهره گيرد.

و بدین سان قرآن به مردم باایمان روشننگری می کند که با توجه به این نکات و رهنمودها از باطل و بیداد دوری جویند و به رعايت مقررات عادلانه و انساني روی آورند. و بدان دليل روی سخن را به مردم باایمان می کند و آنان را ویژه پندآموزی و اندرزپذیری قرآن وصف می کند که اینان به دليل ايمان به خدا و پیامبر و مقررات آسمانی باید بیشتر از هر كس دیگر از این پند و اندرزها بهره برند، و پندپذیری واقعی آن است که انسان مقررات او را بشناسد و در عرصه های زندگی به کار بندد و رعايت کند و پاداش کارش را از خدا بگیرد، و از آنچه ستم و بیداد و حق کشی و قانون شکنی است، نهی فرموده است، هشدار پذیرد و دوری جوید.

وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا

و هر كس از خدا پروا کند و از گناه و ستم و کارهای ناروا که از آن ها هشدار داده شده است، دست نگاه دارد، خدا برای او راه نجاتی قرار می دهد

و از رنج و درماندگی دنیا و تیره بختی آخرت در امانش می دارد.

از پیامبر گرامی آورده اند که به هنگام تلاوت این آیه فرمود:

من شبهات الدنيا، و من غمرات الموت، و شدائد يوم القيامة. (۴۸۷)

منظور این است که اگر کسی به راستی پروای خدا را پیشه سازد، خدا او را از شبهات زندگی دنیا و از گرفتاری ها و غمرات مرگ و از فشارها و سختی های روز رستاخیز نجات می دهد.

و نیز آورده اند که فرمود:

من اكثر الاستغفار جعل الله له من كل هم فرجاً و من كل ضيق مخرجاً. (۴۸۸)

کسی که بسیار آمرزش بخواهد و روی توبه به بارگاه خدا آورد، خدای مهربان او را از هر غم و اندوهی نجات داده و از هر تنگنا و رنجی برایش گشایش پدید می آورد.

و به باور پاره ای منظور آیه این است که: و کسی که همسرش را بر اساس طلاق سنت، طلاق دهد، خدا برای او راهی در بازگشت و رجوع قرار خواهد داد.

در آیه بعد می افزاید:

وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ و او را از جایی که فکرش را هم نکرده است، رزق و روزی می دهد.

به باور پاره ای این آیه در مورد فردی به نام «عوف اشجعی» فرود آمد، چرا که فرزند او به دست دشمن اسیر گردید و او به حضور پیامبر آمد و این خبر را با آن حضرت در میان نهاد و از فقر و محرومیت شکایت کرد؛ پیامبر گرامی فرمود:

اتق الله و اصبر و اكثر من قول لا حول و لا قوة الا بالله. (۴۸۹)

هان ای عوف! از خدا پروا کن و شکیبایی پیشه ساز

و هر چه بیشتر به او پناه بر و به او اعتماد کن و بگو: هیچ نیرو و قدرتی جز نیرو و قدرت بی کران او نیست و هیچ توانمندی جز به یاری و قدرت او نمی تواند کاری انجام دهد.

آن مرد دستور پیامبر را به جان خرید و ضمن آراسته ساختن جان به پروای خدا، راه شکیبایی را در زندگی پیش گرفت و به آن ذکر توسل جست و آن گاه چیزی نگذشته بود که پسرش به خواست خدا با غفلت اسارت گیرندگان فرار کرد و خود را به خانه رساند و شتری نیز که بر آن سوار شده بود با خود به غنیمت آورد. و این جلوه ای کوچک از پیام آیه مورد بحث است که فرمود: هر کس پروای خدا را پیشه سازد، خدا برای او برون رفتن از مشکلات و تنگناها می گشاید و روزی او را از جایی که حساب آن را هم نکرده است می سازد.

از امام صادق آورده اند که فرمود: منظور از «و یرزقه من حیث لا یحتسب» این است که: خدا به کسی که پروا پیشه سازد، به آنچه به او داده است برکت می بخشد.

بیارک له فیما اتاه. (۴۹۰)

و «ابوذر غفاری» از پیامبر آورده است که فرمود:

أئی لا علم آیه لو اخذ بها الناس لکفتمهم: و من یتق الله یجعل له مخرجاً... فما زال یقولها و یعیدها. (۴۹۱)

من آیه ای را از قرآن شریف نشان دارم که اگر همه انسان ها دست به دامان آن زنند، برای حل مشکلات و رفع تنگنهای آنان بسنده است؛ و آن گاه به تلاوت آیه مورد بحث پرداخت و بارها آن را تکرار کرد که:

و من یتق الله يجعل له مخرجاً و یرزقه من حيث لا یحسب...

در ادامه آیه می فرماید:

وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ و هر کس بر خدا اعتماد کند، همو برایش بسنده است.

آری، اگر انسانی به او ایمان داشته باشد و کار دنیا و آخرت خویش را به تدبیر و تقدیر او واگذارد، خدای فرزانه او را کفایت می کند و با او به گونه ای رفتار می کند که دنیای آباد و آزاد و بهشت پرتراوت را به دست آورد.

در روایتی آمده است که: هر کس شادمان می گردد که پرتوان ترین انسان ها گردد، باید به خدا اعتماد نماید.

من سرّه ان یكون اقوی الناس فلیتوکل علی الله. (۴۹۲)

در ادامه آیه می افزاید:

إِنَّ اللَّهَ بِالْعِزِّ أَمْرِهِ چَرا که خدا به دلیل دانش و قدرت بی کرائش، خواست و فرمان خود را به انجام می رساند، و هیچ کسی نمی تواند جلو تدبیر و تقدیر او، در پدید آوردن پدیده ها و تدبیر هستی را بگیرد.

به باور پاره ای منظور این است که: بی گمان فرمان خدا در مورد کسانی که به او توکل نمایند و یا اعتماد نکنند انجام شدنی است.

قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا

به یقین خدا برای هر چیز اندازه ای قرار داده است که آن نظام و تقدیر بی کم و کاست رعایت می گردد.

به باور پاره ای منظور این است که: خدا برای هر چیزی بر اساس مصلحت و رحمت مقرراتی در حلال و حرام و روا و ناروا و ترغیب و هشدار قرار داده است؛ درست همان گونه که در پدیده طلاق و دوران «عده» و موضوعاتی نظیر این ها مقررات و قوانین خود را



به روشنی بیان فرموده است.

اما به باور پاره ای دیگر منظور این است که: و خدا برای هر خوشی و ناخوشی و سختی و آسایش فرصت و پایانی قرار داده است که سرانجام فرا می رسد.

در چهارمین آیه مورد بحث به ترسیم تفاوت احکام و مقررات «عده» زنان طلاق داده شده، به تناسب تفاوت احوال آنان پرداخته و در بیان احکام و حقوق آنان می فرماید:

وَ اللَّائِي يَسْنَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ

زنانی که از دیدن خون ماهانه مأیوس شده اند، اگر در مورد آنان از نظر بارداری بودن یا نبودن دستخوش تردید و دودلی گردید، دوران «عده» آنان سه ماه تمام است.

منظور از این زن ها آنانی هستند که در شرایط و سن و سالی هستند که امثال آنان خون ماهانه می بینند، اگر چنین زن هایی در موردشان تردید پدید آمد که به دلیل سن و سال از دیدن خون ماهانه مأیوس شده اند و یا به خاطر رخدادی دیگر، در این صورت «عده» آنان سه ماه است. این دیدگاه از پیشوایان دین روایت شده است.

به باور پاره ای از مفسران پیشین همانند «مجاهد» و «زهری» و «ابن زید» منظور این است که: اگر در مورد چنین زنانی شک کردید و ندانستید که آیا خون آنان، حیض است و یا استحاضه، در این صورت عده آنان سه ماه است.

اما به باور پاره ای منظور این است که: اگر در مورد حکم آنان شک کردید، در این صورت «عده» آنان سه ماه است.

وَ اللَّائِي لَمْ يَحْضَنَّ وَ هَمِينَ كَوْنَهُنَّ زَنَ هَيِي كَه كَوْنِ مَاهَانَه نَدِيدَه اَنَد وَ هَنُوز كِيض نَمِي شُونَد، اَنَان نِيز

باید سه ماه تمام «عده» نگاه دارند؛ و حذف کلام به خاطر دلالتی است که بیانگر آن است.

گفتنی است که منظور از این دسته از زنان، آنانی هستند که هم سن و سال شان خون ماهانه می بینند.

وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ گروه سوم از آنان آن دسته از زنان هستند که باردار می باشند، و «عده» آنان این است که فرزند خود را به دنیا آورند، خواه یک ساعت و یا یک روز پس از طلاق، کودک خویش را به دنیا آورند یا پس از چند ماه.

«ابن عباس» می گوید: این فراز از آیه تنها در مورد زنان بارداری است که طلاق داده شده اند. در این مورد از امامان اهل بیت هم روایت رسیده است.

اما آن زنانی که شوهرشان از دنیا رفته است، اگر باردار باشند، باید بیشترین دوران را که «عده» به دنیا آوردن کودک خویش و یا «عده» وفات باشد، نگاه دارند. «عده» وفات عبارت از چهار ماه و ده روز است که اگر در این مدت کودک او به دنیا نیامد، باید تا ولادت کودک خویش «عده» نگاه دارد.

بیشتر فقها و پاره ای از مفسران پیشین بر آنند که آیه مورد بحث برای زنان شوهرمرده و همه زنان بارداری است که طلاق داده شده اند، و به همین دلیل «عده» همه آنان به دنیا آمدن کودک آنان است؛ از این رو اگر زنی به دو کودک باردار باشد، نباید پس از ولادت یکی ازدواج کند، بلکه باید در انتظار ولادت فرزند دیگرش بماند، چرا که آیه می فرماید: «ان يضعن حملهن» و عده زنان باردار آن است که کودک خویش را

به دنیا آورند و این شامل یک و یا چند کودک می گردد.

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا

و کسی که پروای خدا را در رعایت فرمان ها و هشدارهایش پیشه سازد و مقررات او را در زندگی رعایت کند، خدا در کارهای دنیا و آخرت او گشایش و آسانی برایش فراهم می آورد و یا در برابر تنگنای این جهان پاداش شکوهمندی در سرای آخرت به او ارزانی می دارد.

به باور پاره ای منظور این است که: و هر کس پروای خدا را پیشه سازد، خدا رنج فراق و جدایی را بر او آسان ساخته و اندوه را از دل او می زداید.

در آخرین آیه مورد بحث می افزاید:

ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ این است فرمان خدا که آن را به سوی شما فرو فرستاده است؛

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَكْفُرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا

و کسی که پروای خدا و مقررات او را در زندگی رعایت کند، خدا گناهان و لغزش های او را از این نماز تا نماز دیگر و یا از این جمعه تا جمعه آینده می زداید و پاداش کارهایش را بزرگ و پرشکوه می سازد.

«ربیع» می گوید: خدای فرزانه مقرر فرموده است که:

۱ - هر کس در زندگی بر او توکل و اعتماد کند، او را کفایت نماید و کارش را ردیف سازد. و من یتوکل علی الله فهو حسبه (۴۹۳)

۲ - و نیز هر کس صادقانه و خالصانه به او ایمان آورد، دل او را به سرمنزله مقصود راه نماید. و من یؤمن بالله یهد قلبه (۴۹۴)

۳ - و هر کس به او وامی نیکو دهد

و از بندگانش گره گشایی کند، به او پاداشی چندین و چند برابر بدهد. ان تفرضوا لله قرضاً حسناً يضاعفه (۴۹۵)

۴- و هر کس به رشته هدایت او و مهر و قدرت بی کرانش چنگ زند و از او یاری بخواهد، او را به راه راست راه نماید. و من يعتصم بالله فقد هدى الى صراط مستقیم (۴۹۶)

۵- و نیز کسی که دعا کند و او را بخواند، دعای خالصانه او را پاسخ دهد. و اذا سألك عبادى فأنى قريب اجيب دعوه الداع... (۴۹۷)

پرتوی از آیات در آیات انسان پرور و رهنمون بخشی که گذشت، چند نکته را باید - گرچه به صورت کوتاه و فشرده - نگریست:

۱- محبوب ترین رواها در نظام خانواده از آیات و روایات رسیده به روشنی چنین دریافت می گردد که دوست داشتنی ترین خانه ها و بناها آن خانه ای است که با ازدواج مطلوب و آگاهانه و سرشار از مهر و عشق دو انسان هدفدار و مسئولیت پذیر آباد گردد و رونق یابد و روح زندگی و نشاط و نسیم حیات و سعادت در آن وزیدن گیرد.

ما من بناءٍ فى الاسلام احبّ الى الله من التزويج. (۴۹۸)

درست از این زاویه است که قرآن شریف در ترغیب و تشویق جامعه و حکومت و خانواده ها به این موضوع می فرماید:

و انكحوا الايامى منكم والصالحين من عبادكم و امائكم... (۴۹۹)

مردان و زنان بدون همسر را، در جامعه خویش همسر بدهید و نیز غلامان و کنیزان شایسته کردار جامعه خود را؛ اگر تنگدست و نیازمند باشند، خدا آنان را از فزون بخشی خویش بی نیاز می سازد.

و پیامبر گرامی در این مورد فرمود:

يُفْتَحُ ابوابُ السماءِ فى اربعه

مواضع: عند نزول المطر، و عند نَظَرِ الوالدِ فی وجه الوالدِ، و عند فتح بابِ الكعبه، و عند النکاح. (۵۰۰)

در چهار هنگام است که درهای رحمت و مهر خدا بر روی انسان ها گشوده می شود:

۱ - هنگام فرو ریختن باران،

۲ - به هنگام نگاه سرشاز از ادب و احترام فرزند بر چهره پدر و نخستین مربی خویش،

۳ - آن گاه که درب خانه کعبه گشوده می شود،

۴ - و آن گاه که دو یار دلداده پیمان زندگی مشترک هدفدار می بندند.

و نیز فرمود:

مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي. (۵۰۱)

هر کس ازدواج کند، در حقیقت یک دوم از دین و اخلاق انسانی اش را حفظ کرده و باز یافته است و از آن پس باید در اندیشه یک دوم دیگر باشد و پروای خدا را در آن مورد پیشه سازد.

و نیز فرمود:

مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أُعْطِيَ نِصْفَ السَّعَادَةِ. (۵۰۲)

کسی که ازدواجی آگاهانه و هدفدار نماید، در حقیقت به یک دوم از سعادت و نیک بختی زندگی نایل آمده است.

این دیدگاه اسلام در ازدواج و پیوند دو انسان و آبادی و آزادی خانه با ازدواج؛ روشن است که وقتی دین و آیینی این گونه به پیوند و استحکام نظام خانواده می اندیشد، هرگز رضایت نمی دهد که این پیوند با هواها و هوس های کودکانه و یا بهانه های احمقانه و یا عوامل و عوارض ناسنجیده دیگر فرو پاشد و ویران گردد...

۲ - نارواترین رواها یا منفورترین حلال ها

درست به همین دلیل است که از جدایی و گسستن و طلاق نفرت دارد، اما به ناگزیر آن را روا و حلال شمرده

است، تا در شرایطی که زندگی به درگیری و کشمکش و آتش سوزانی تبدیل می گردد و زندگی شایسته و انسانی به بن بست رسیده است، هر کدام به راه خود بروند و به وسیله طلاق جدا شوند.

با این بیان طلاق در حقیقت یک ضرورت است که باید تا سرحد امکان از آن دوری جست و تنها در شرایط سخت و بحرانی و پس از آزمون همه راه های خردمندانه و مصلحانه و حکیمانه برای سازش و زندگی شرافتمندانه به آن روی آورد.

پیامبر گرامی فرمود:

ما من شیء ابغض الی الله من بیئت ینخرب فی الاسلام بالفرقه، یعنی الطلاق. (۵۰۳)

هیچ کاری در بارگاه خدا منفورتر از این نیست که ارکان خانه و خانواده ای به وسیله طلاق و جدایی از هم فرو پاشد و ویران گردد.

و نیز هشدار داد که:

تزوجوا و لا تطلقوا، فانّ الطلاق ینهت من العرش. (۵۰۴)

ازدواج کنید و طلاق ندهید که طلاق پدیده ای است که عرش خدا را به لرزده درمی آورد.

و از حضرت صادق آورده اند که فرمود:

ما من شیء مما احلّه الله ابغض الیه من الطلاق. (۵۰۵)

چیزی از کارهای حلال و روا در بارگاه خدا منفورتر از طلاق و جدایی نیست.

روشن است که این هشدارها و بازدارندگی های قانونی و حقوقی و اخلاقی و اجتماعی و... به خاطر عوارض ویرانگر و ره آورد شوم طلاق و جدایی زن و مرد است که در این فرصت تنها می توان به ره آورد ویرانگر عاطفی طلاق،

ره آورد اجتماعی وحشتناک آن،

و ره آورد خطرناک تربیتی آن که بر روی فرزندان آنان و حتی نسل ها بر جای می گذارد، می توان اشاره کرد.

۳ - چرا طلاق؟

می دانیم که

هیچ پدیده‌ای از پدیده‌های اجتماعی و سیاسی و خانوادگی بدون ریشه‌ها و انگیزه‌های گوناگون نمی‌تواند پدید آید و دوام یابد، و بر این اصل برای مبارزه با آن‌ها باید ریشه‌یابی کرد و با شناخت و آگاهی، آن ریشه‌ها و انگیزه‌های آن آسیب‌ها، آن‌ها را خشکانید و از میان برداشت.

و هنگامی که از دید جامعه‌شناختی به این پدیده شوم و ریشه‌های آن می‌نگریم این عوامل را مهم‌ترین عوامل طلاق و گسترش آن می‌یابیم:

۱ - فقدان تناسب و سنخیت در اندیشه و فکر و باورها و ارزشها،

۲ - انتظارات بی‌جا و نامحدود زن و مرد از یکدیگر و رفتار فراقانونی آنان در نظام خانواده،

۳ - رواج روح تجمل‌پرستی و چشم و هم‌چشمی و اسراف و تبذیر، که عامل پیدایش نارضایتی‌ها و کشمکش‌ها و سرانجام جدایی‌ها می‌گردد،

۴ - نادیده‌انگاشتن حقوق و خواسته‌های قانونی و اخلاقی یکدیگر و عدم رعایت مسایل عاطفی و هنری، انسانی و آرمانی و بهداشتی و زینتی و آرایشی.

برای نمونه امام صادق فرمود:

لا ینبغی للمرئ ان تعطل نفسها. (۵۰۶)

بر زن همسر در نظام خانواده شایسته نیست که خود را بدون آرایش و آراستگی نگاه دارد.

و به مردان همسر در نیز فرمود:

و لقد خرجن نساء من العفاف الی الفجور ما اخرجهن الا قله تهیئه ازواجهن. (۵۰۷)

زنانی از جامعه شما از راه پاکدامنی بیرون رفتند که علت این انحراف این بود که مردان آنان از نظر ظاهر و آراستگی و بهداشت و آرایش به خود نمی‌رسیدند.

۴ - این همه تدابیر و شرایط برای طلاق چرا؟

در آیاتی که گذشت قرآن شریف ضمن روا و حلال شمردن

طلاق به عنوان یک ضرورت اجتماعی در نظام خانواده، شرایط سنگین و تدابیر متنوعی برای انجام آن مقرر فرموده است که پاره ای از آن ها عبارتند از:

۱ - طلاق باید در زمان پاکی و عده صورت گیرد،

۲ - باید در آن پاکی و عده، مرد با زن خویش همبستر نشده باشد،

۳ - نگاه داشتن عده لازم است،

۴ - زن در دوران عده باید با هزینه مرد و در خانه او زندگی کند،

۵ - زن حق ندارد در دوران عده، بدون ضرورت از خانه خارج شود،

۶ - گرفتن دو گواه عادل برای طلاق،

۷ - و سرانجام چندین بار سفارش به پروا و ترس از خدا و رعایت دقیق مقررات،

۸ - اندیشیدن و مشاوره بر این واقعیت که آياسازش انسانی و زندگی شرافت مندانه ممکن است یا نه؟

۹ - سفارش به ایجاد دادگاه صلح و سازش خانوادگی، (۵۰۸)

۱۰ - هشدار از سخت گیری بر زنان و در تنگنا قرار دادن آنان،

۱۱ - دستور به مشاوره ای خداپسندانه در مورد سرنوشت کودک یا کودکان، اگر در میان باشند.

این ها اهم تدابیر و شرایط برای انجام طلاق است، راستی چرا؟ فلسفه این همه تدبیر و دقت چیست؟

آیا جز این است که طلاق ها به هنگام ضرورت و آن گاه که به راستی راه زندگی خداپسندانه و انسانی بسته است، انجام پذیرد و در نتیجه خانوادها و جامعه ها و عصرها و نسل ها از عوارض دهشتناک و ویرانگر آن در امان بمانند.

و آیا با تعمق در این تدابیر در نمی یابیم که طرح طلاق و سبک انسانی و اخلاقی و بزرگمنشانه جدایی نیز از دیدگاه



قرآن به گونه ای طراحی شده است که اگر در جامعه آموزش و تربیت شایسته قرآنی بود و رعایت می گردید، آمار جدایی ها به شدت کاهش می یافت و تا سرحد امکان، همان جدایی ها با رجوع و بازگشت و پیوند قرین می شد. ۶- هر جا که خود به میزان توانتان سکونت گزیدید، آنان را [هم] مسکن دهید؛ و در مسکن و هزینه زندگی به آنان زیان وارد نیاورید تا بر آنان تنگ بگیرید [و آنان را از خانه بیرون کنید]؛ و اگر باردار بودند، هزینه زندگی آنان را بدهید تا بار خود را [بر زمین گذارند]؛ پس اگر برای شما [به فرزندان شیر دادند، مزدشان را به آنان بدهید؛ و [درباره مدت و اجرت شیر دادن به گونه ای پسندیده با یکدیگر مشورت نمایید؛ و اگر به توافق نرسیدید،] کودک را زن دیگری برای او شیر خواهد داد.

۷- باید توانگر از توانگری خود هزینه نماید؛ و آن کس که [رزق و] روزی اش بر او تنگ شده است، باید از آنچه خدا به او داده است هزینه نماید. خدا هیچ کس را جز به [اندازه آنچه به او داده است، مکلف نمی سازد؛ به زودی خدا پس از سختی [و تنگنا]، آسانی پدید خواهد آورد.

۸- و چه بسیار از شهرهایی که [سردمداران آن ها] از فرمان پروردگار خویش و [ارشاد و رهنمود] پیامبران سر باز زدند و ما به حساب آنان سخت [و دقیق] رسیدیم و به عذابی ناشناخته آنان را عذاب کردیم.

۹- و آنان [بدین وسیله طعم تلخ پیامد کارشان را چشیدند، و سرانجام کارشان زیان بود.

۱۰ - خدا برای آنان عذابی سخت آماده ساخته است؛ پس هان ای خردمندانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا دارید؛ به راستی که خدا برای شما [مایه پند و اندرزی فرو فرستاده است.

تفسیر

دفاع از حقوق زن به هنگام جدایی و طلاق در آیات پیش، پاره ای از شرایط و تدابیری که در آیات قرآن برای پاسداشت حقوق زن و مرد به هنگام طلاق و جدایی اندیشیده شده است ترسیم گردید، و اینک در ادامه همان بحث در مورد زنان طلاق داده شده و روشن ساختن وضعیت هزینه زندگی و مسکن آنان می فرماید:

أَسِيْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَيَكُنَّ مِنْ وُجْدِكُمْ زَنَانِ طَلَقِ دَادَه شَدَه رَا هَر جَا كَه خُود سَكُونَت دَارِيد وَ بَا تَوَاتَتَانِ مِي سَازَد، سَكُونَت دَهِيد.

به باور گروهی از مفسران پیشین از جمله «حسن»، «سدی»، «جبایی» منظور از «من وجدکم» عبارت از این است که: زنان طلاق داده شده را هر جا خودتان سکونت دارید و در توان شما و ملک شماست، سکونت دهید؛ چرا که واژه «وجدکم» از «وجدان» می باشد و منظور این است که آن مسکن و خانه ای که در توان شماست و می یابید، آنان را آنجا سکونت دهید.

و پاره ای بر آنند که واژه «وجدان» که در آیه به کار رفته است، نشانگر آن است که: مردان، زنان طلاق داده شده را باید به میزان توان و امکانات خویش از نظر مسکن و هزینه زندگی تأمین نمایند؛ به همین جهت اگر از وسعت و درآمد خوبی بهره ورنند، باید آنان را نیز در همان شرایط تأمین نمایند و اگر در تنگنا هستند باز هم به میزان درآمدشان.

به

هر حال روشن است که برای زنانی که با «طلاق رجعی» طلاق داده شده اند، هزینه زندگی و مسکن تا پایان «عده» بر عهده شوهر است، اما در مورد زنانی که با طلاق «خلع» و «مبارات» جدا شدند دیدگاه‌ها متفاوت است:

۱ - به باور پاره‌ای از اهل عراق، این دو دسته از زنان طلاق داده شده نیز باید از نظر هزینه زندگی و مسکن تأمین گردند. این دیدگاه را از «عمر» و «ابن مسعود» روایت کرده اند.

۲ - از دیدگاه «شافعی» این گروه از زنان باید از نظر مسکن تأمین شوند، اما هزینه زندگی دریافت نخواهند داشت.

۳ - اما برخی مانند «حسن» و «ابو ثور» بر آنند که این زنان نه حق هزینه زندگی خواهند داشت و نه مسکن.

این دیدگاه از روایات رسیده نیز دریافت می‌گردد و به همین دلیل هم اصحاب و همفکران ما این دیدگاه را برگزیده اند. از جمله روایات مورد اشاره این روایت است که «ثعلبی» می‌گوید: در مدینه بر فاطمه، دختر «قیس» که شوهرش او را طلاق داده بود، برخوردیم و از وضعیت او پرسیدیم؛ او گفت: همسر مرا با طلاق «بائن» طلاق داد و پس از شرفیابی ام به حضور پیامبر و شکایت از او در مورد درخواست هزینه زندگی و مسکن، پیامبر چنین داوری فرمود که تأمین هزینه زندگی من در دوران عده طلاق، بر او واجب نیست و از نظر مسکن نیز به من دستور داد تا در خانه «ابن ام مکتوم» زندگی کنم.

و نیز «زهری» از عبدالله آورده است که: فاطمه، دختر «قیس»، همسر «ابوعمر مخزومی» بود، که به همراه امیرمؤمنان آن گاه که آن حضرت را

پیامبر به «یمن» فرستاد، او هم به «یمن» رفت.

نامبرده آخرین طلاق از سه طلاق همسر خود را داد و به دو تن از یارانش، به نام های «عیاش» و «حرث» دستور داد تا هزینه زندگی او را در دوران عده اش بدهند و خود رفت، اما آن دو به او هزینه زندگی ندادند و گفتند به او نمی رسد.

آن زن به حضور پیامبر رسید و شکایت کرد و پیامبر فرمود اگر باردار باشد، باید به او هزینه زندگی بدهند تا فرزندش را به دنیا آورد و گرنه هزینه زندگی از شوهر نمی تواند بخواهد؛ و در مورد مسکن هم دستور داد تا در خانه «ابن ام مکتوم» دوران عده را زندگی کند...

پس از مدتی «مروان» زنی را به سوی فاطمه فرستاد تا از این رویداد و روایت بپرسد، اما پس از پرسش و دریافت پاسخ گفت: ما این روایت را تنها از یک زن شنیده ایم، از این رو ما به همان راهی می رویم که مردم را بر آن یافته ایم.

هنگامی که گفتار «مروان» به گوش فاطمه رسید، گفت داور میان ما و شما با قرآن است که می فرماید: لاتخرجوهن من بیوتهن... لعل الله یحدث بعد ذلك امرأ

نه شما آنان را از خانه های خودشان بیرون کنید و نه آنان در دوران عده بیرون بروند... شاید خدا پس از این شرایط، احکام و مقررات تازه ای پدید آورد.

آن گاه افزود: آنچه شما می گوئید مربوط به زنانی است که با طلاق رجعی جدا شده اند و در آنجا برای شوهرانشان حق بازگشت و رجوع می باشد و به همین دلیل هم تا پایان عده باید هزینه زندگی و مسکن آنان را تأمین

کنند، اما در مورد طلاق «بائن» و «مبارات» پس از طلاق سوم - که دیگر جایی برای رجوع و بازگشت نیست - دیگر چه جای لعل الله يحدث بعد ذلك امراً پدید آمدن تازه ای خواهد بود؟

در ادامه آیه می افزاید:

وَ لَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ بِهِ زَنَانِيْ كِه طَلَاَق دَاَدِه اِيْد، فِشَار و زِيَان وَاَرْد نِيَاوَرِيْد تَا كَار رَا بَر اَنَان سَخْت گِيْرِيْد و كَارِي كْنِيْد كِه نَاگْزِيْر گَرْدَنْد اَز سَكُوْنَت دَر خَاْنِه شَمَا و يَا دَرِيَاْفْت هَزِيْنِه بگْذَرَنْد و جَان خُوْد رَا نَجَات دَهَنْد.

«ابومسلم» می گوید منظور این است که: به زنان خود که طلاق آنان را داده اید به گونه ای هزینه زندگی بدهید و از نظر مسکن آسایش آنان را تأمین نمایید که زندگی و راحتی و آرامش فکری آنان را بسنده کند و کاری نکنید که زندگی برایشان دشوار گردد.

وَ اِنْ كُنَّ اَوْلَاَتٍ حَمِيْلٍ فَاَنْفِقُوْا عَلَيْهِنَّ حَتّٰى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَاِگْر بَارْدَار بَاشَنْد هَزِيْنِه زَنْدگِيْ اَنَان رَا تَا پَايَان بِه دُنْيَا اَوْرْدَنْ فَرْزَنْدَشَان بَدِهِيْد، چْرَا كِه بَا بِه دُنْيَا اَمْدَنْ فَرْزَنْدَشَان «عَدَّه» اَنَان بِه پَايَان مِي رَسْد.

با این بیان قرآن شریف هزینه زندگی و مسکن را برای هر زن طلاق داده ای که باردار باشد واجب می سازد، خواه جدایی او با طلاق «رجعی» باشد و خواه «بائن».

فَاِنْ اَرْضَعْنَ لَكُمْ فَاَتُوْهُنَّ اُجُوْرَهُنَّ وَاِگْر اَن زَنْ هَا حَاضِر شَدْند تَا فَرْزَنْدَتَان رَا، پَس اَز جَدَايِي شِيْر دَهَنْد، مَزْد اَنَان رَا بَرَاَسَاسِ عَدَل بِه اَنَان پِرْدَازِيْد.

وَ اُتَمِرُوْا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوْفٍ و دَر مَوْرِد سَرْنُوْشْت فَرْزَنْدَتَان بَا اَنَان مَشُوْرْت كْنِيْد و بِه گُوْنِه اِيْ شَايِسْتِه بَا يَكْدِيْگَر بَرَايِ سَلَامَتِ و سَعَادَتِ اَو هَمْكَارِي نَمَايِيْد.

باور گروهی روی سخن در آیه با مرد و زنی است که درگیر طلاق و جدایی هستند، و واژه «أتمروا» که از ماده «ایتمار» برگرفته شده، به مفهوم پذیرش فرمان و دستور و قانون پذیری است؛ و بدین وسیله قرآن به زن و مردی که در کشمکش طلاق و جدایی هستند دستور می دهد که فرمان خدا را در مورد شیر دادن کودک، پرداخت اجرت در این مورد، و رعایت حرمت و حقوق متقابل را بپذیرند تا فرزندشان از این راه صدمه نخورد.

اما به باور پاره ای منظور این است که: وقتی زن و مردی از هم جدا شدند و در آن میان پای کودک شیرخواری در میان بود، هر کدام از شما که می توانید آن مادر را به شیر دادن شایسته به کودک خویش، و آن پدر را به پرداخت هزینه و اجرت عادلانه راضی سازید تا نه مرد و زن در این میان حق خویش را پایمال شده بنگرند و نه کودک از شیر خوردن و پرستاری دچار کمبود گردد.

«کسایی» می گوید: واژه «أتمار» به مفهوم مشورت نمودن است و آیه «یأتمرون بک...» نیز در سوره دیگر به مفهوم همین مشاوره و مشورت نمودن آمده است؛ به همین دلیل در آیه مورد بحث منظور این است که: شما زن و مردی که با طلاق و جدایی، پیوند خانوادگی را گسستید، اینک در مورد شیر دادن و پرستاری کودک نارس خویش با یکدیگر به مشورت و چاره اندیشی بنشینید و با خردمندی و خردورزی راهی در پیش گیرید که فرزندان از مهر مادر و محبت پدر و ظرافت های تربیتی و عاطفی محروم نگردد.

گفتنی است که واژه

«ایتمار» و ماده آن در ادبیات و شعر عرب نیز به مفهوم مشورت و چاره اندیشی به کار رفته است که یک نمونه آن این شعر است:

احار بن عمرو کائی خمر

و یصدوا علی المرء ما یأتمر

هان ای فرزند «عمرو»! گویی من خمار و غافل هستم؟ و راستی که بر انسان آنچه می اندیشد و تدبیر می کند فرود خواهد آمد...

وَ إِنْ تَعَايَرْتُمْ فَسْتَزِجْ لَهُ أُخْرَىٰ وَ إِنْ هِيَ كَدَامَ بَرِّ دِيْغَرِي سَخْتٌ كَرَفْتِيْدٌ وَ نَتَوَانَسِيْدُ فِي مَوْرِدِ شِيْرٍ دَاْدِنِ كُوْدِكِ وَ اَجْرَتِ اَنْ كَارَ بِهٖ تَوَافِقٌ بَرَسِيْدٌ، دِيْغَرِي مِي تَوَانِدُ فَرَزَنْدِ شِمَا رَا شِيْرٍ دِهْدُ تَا كَشْمَكْشِ هَا فِي اِيْنِ مَوْرِدِ پَايَانِ پَذِيْرِدُ.

به بیان روشن تر منظور این است که اگر: زن و مردی که جدا شده اند در مورد شیر دادن و پرستاری کودک خود نتوانستند به توافق عادلانه و انسانی نایل آیند، پدر می تواند کودک را برای شیرخوارگی و پرستاری به زن دیگری که دارای شرایط لازم باشد بسپارد و اجرت او را بدهد.

آن گاه در همین مورد می افزاید:

لِيُنْفِقُ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ بَايْدُ اَنْ پَدْرِي كِه دَاْرَايِ ثَرْوَتِ وَ اِمْكَانَاتِ مَالِي اِسْتِ، اَز اِمْكَانَاتِ خُوْيَشِ بَهْرَهٗ گِيْرِدُ وَ بَا تَنَاسُبِ مَنطَقِي فِي رَاهِ شِيْرٍ دَاْدِنِ وَ پَرَسْتَاْرِي كُوْدِكِ خُوْيَشِ بَهٗ مَادَرَشِ اَجْرَتِ دِهْدُ.

ممکن است منظور این باشد که: پدران ثروتمند که کودک خود را به هنگام جدایی و طلاق به مادر کودک و یا هر زن دیگری می سپارند، در خور توان و امکانات خویش بزرگمنشانه اجرت دهند،

وَ مَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللّٰهُ وَ كَسَانِي كِه تَنَگْدَسْتِ هَسْتَنْدِ وَ اِمْكَانِ مَالِي اَنْ اِن مَحْدُوْدِ اِسْتِ، اَنْ اِن

نیز در خور توانشان هزینه نمایند.

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا

خدای فرزانه هیچ کس را جز به اندازه توان و امکاناتش موظف به انجام کار نمی سازد، و هرگز از هیچ انسانی کاری فراتر از شعور و قدرت او نمی خواهد.

سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا

به زودی خدا پس از سختی و گرفتاری، آسانی و راحتی، و پس از تنگدستی و فقر، توانگری و توسعه پیش می آورد.

به نظر می رسد که فراز پایانی آیه بیانگر یک اصل کلی و در راه آرامش خاطر بخشیدن به همه مردم، به ویژه یاران پیامبر است که در آن زمان در شرایط سخت اقتصادی زندگی می کردند و از ثروت و امکانات بی بهره بودند؛ آری، به آنان روشنگری می کند که روزگار همواره یک رنگ و یک حال نخواهد بود و آنان نیز خواهند توانست در پرتو مشورت و همکاری با یکدیگر و چاره اندیشی و تدبیر شایسته کارها، تاریخ را تغییر دهند و به رفاه و آسایش برسند.

فرجام عبرت انگیز اصلاح ناپذیران و حق ستیزان پس از ترسیم پرتوی از مقررات عادلانه و انسانی برای اداره شایسته و بایسته خانه و نظام خانواده و نیز چگونگی جدایی و طلاق خداپسندان، اینک قرآن مردم حق طلب و اصلاح پذیر را به سرنوشت تکانه‌دهنده و فرجام تیره و تار اصلاح ناپذیران و سرکشان توجه می دهد و می فرماید:

وَ كَأَيُّنَ مِنْ قَوْمِهِ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَ رُسُلِهِ وَ چه بسیار از شهرهایی که سردمداران و صاحبان قدرت ها و ثروت های بادآورده و بی حساب و کتاب آن ها در برابر فرمان پروردگار خود و پیام آورانش به سرکشی و طغیان گری و حق ناپذیری برخاستند و در نافرمانی و



گناه و ستم و حق کشی و تجاوز از مرزهای مقررات او اصرار ورزیدند.

فَحَاسِبُنَّهَا حِسَابًا شَدِيدًا

و ما نیز به حساب آنان سخت رسیدیم و با دقت و خورده گیری و حق طلبی و کشیدن آنان به پای حسابرسی و بازخواست، آنان را به کیفر کردارشان رساندیم.

«مقاتل» می گوید: خدای فرزانه جامعه ها و تمدن ها و بندگان خویش را به کارهایی که در دنیا انجام می دهند، به محاسبه پذیری و حساب می کشد و آنان را به کیفر کارشان به عذاب گرفتار می سازد.

وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُّكْرًا

و آنان را به عذاب سخت و ناشناخته عذاب کردیم.

در آیه شریفه کیفر سرکشان و عذاب آنان را به محاسبه و حسابرسی از عملکرد آنان تعبیر می کند، و عذاب نابودکننده دنیا را بر آنان شایسته می نگرد؛ اما به باور پاره ای منظور از عذاب، نه سقوط و نابودی و فروپاشی آن جامعه ها و کیفر آن شهرها در دنیا، بلکه هشدار از عذاب آتش در سرای آخرت است و ماضی به مفهوم مستقبل آمده است؛ و واژه «نُکر» به مفهوم ناشناخته و بی سابقه است.

پاره ای نیز برآیند که: در آیه تقدیم و تأخیر می باشد و در حقیقت این گونه است که: ما آنان را در دنیا به وسیله گرسنگی، قحطی، جنگ ها و خشونت های هستی سوز و دیگر بلاهای اجتماعی به کیفر حق ناپذیری و سرکشی شان رساندیم و در سرای آخرت نیز از آنان سخت حساب خواهیم کشید.

منظور از حساب سخت به باور پاره ای، آن حسابرسی دقیقی است که در آن، گذشت و چشم پوشی در کار نخواهد بود.

آن گاه می افزاید:

فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا

پس آنان بدین وسیله کیفر زشت عملکرد کفرگرایانه و

اصلاح ناپذیر خود را چشیدند؛

وَ كَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا

و پایان کار آن ها زیان و زیانکاری در این جهان و سرای آخرت بود.

گفتنی است که منظور از این عذاب، عذاب دردناک سرای آخرت است که آیه بعد نیز همین نکته را نشان می دهد.

و در آخرین آیه مورد بحث می افزاید:

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا

خدا برای آن سرکشان و حق ستیزان عذابی سخت فراهم ساخته است.

فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا

پس ای خردمندان و خردورزانی که ایمان آورده اید! از خدا بترسید و به همان ستم و بیداد و حق کشی و حق ستیزی که آن خود کامگان و انحصارگران دست یازیدند و نابود شدند، دست نیازید که همان بلا و کیفر دردناک بر شما نیز فرود می آید.

در آیه شریفه، قرآن مردم توحیدگرا و کمال جو را مخاطب می سازد و آنان را وصف می کند، چرا که این مردم کمال طلب و خداجو و توحیدگرا هستند که از قرآن و مفاهیم بلند و معارف انسان پرور آن بهره می برند، نه حق ستیزان و اصلاح ناپذیران.

قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا

راستی که خدا آن چیزی را که مایه یادآوری و تذکر است به سوی شما فرو فرستاد.

به باور «حسن» منظور از «ذکر» در آیه، وجود گرانمایه پیامبر است.

این دیدگاه از امام صادق نیز روایت شده است.

۱۱ - پیامبری که آیات روشن [و روشنگر] خدا را بر شما می خواند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، از تاریکی ها به سوی روشنایی بیرون برد؛ و هر کس به خدا ایمان آورد و کاری شایسته انجام دهد، [خدا] او را به بوستان هایی [از بهشت پرطراوت

و زیبا] درمی آورد، که از زیر [درختان آن جویبارها روان است. در آنجا برای همیشه خواهند ماند. بی گمان خدا روزی را برای او [خوش و] نیکو ساخته است.

۱۲ - خدا همان کسی است که هفت آسمان را آفرید، و از زمین [نیز] همانند آن ها را؛ فرمان او [هماره در] میان آن ها فرود می آید تا بدانید که خدا بر هر چیزی تواناست، و به راستی که دانش خدا هر چیزی را در بر گرفته است.

تفسیر

پیامبر نور و آزادی در آخرین آیه ای که تفسیر آن گذشت، سخن از کتاب نور و یا پیامبر روشنایی و یا پیام آور و کتابی بود که سرمایه روشنگری و یادآوری است، اینک در نخستین آیه مورد بحث می فرماید:

رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مَبِينَاتٍ خدای فرزانه پیام آوری به سوی شما فرستاد که آیات روشن و روشنگر خدا را بر شما مردم تلاوت می کند،

اگر آن گونه که در آیه پیش گفته شد، منظور از واژه «ذکر» وجود ارجمند پیامبر گرانقدر باشد، در آیه مورد بحث، واژه «رسولاً» بدل از «ذکر» می باشد و منظور از آن پیامبر گرامی و یا فرشته وحی است؛ و ممکن است منظور از آن، صاحب شرف و عظمت رسالت باشد که در هر صورت تفسیر آیه شریفه همان است که ترسیم گردید.

لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

آری، خدا پیامبری به سوی شما فرستاد که آیات روشنگر او را بر شما تلاوت می کند، تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند از تاریکی های کفر و شرک و بیداد به سوی روشنایی ایمان و

آزادی بیرون برد.

پاره ای بر آنند که: قرآن بدان دلیل شرک و جهل را به تاریکی و ظلمت، و ایمان و آزادی را به روشنایی تشبیه می کند که نعمت ایمان و آزادی زندگی این جهان و عالم قبر و سرای آخرت را برای مردم باایمان و کمال جو روشن می سازد و آنان را به بهشت می برد، اما کفر و بیداد هم زندگی این جهان را تیره و تار و به جهنم استبداد و اختناق و خشونت تبدیل می سازد و هم قبر و قیامت را و هم کفرگرایان و ظالمان را به دوزخ می برد.

وَمَنْ يُؤْمِنِ بِاللَّهِ وَ يَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

و هر کس به خدا ایمان آورد و کاری شایسته انجام دهد، او را در بوستان هایی از بهشت پرتراوت و زیبا که از زیر درختان آنجا جویبارها روان است، درمی آورد.

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا

آنان در آنجا همواره ماندگار خواهند بود.

قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا

بی گمان خدا رزق و روزی خوش و نیکویی برای آنان قرار داده است.

در این فراز به پاداش پرشکوه خدا به مردم باایمان و شایسته کردار به صورتی می پردازد که نعمت های بهشت را وصف کند.

در آخرین آیه مورد بحث که آخرین آیه این سوره است می فرماید:

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ خِذَا هَمَانِ قَدْرَتِ وَصَفِ نَاطِقِيهِ اسْتِ كِه هَفْتِ آسْمَانِ رَا آفْرِيْدِ؛

وَ مِنْ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ وَ از زمين نيز مانند آن را پديد آورد.

منظور از همانند بودن آفرینش آسمان و زمین در شمار است و نه در چگونگی، چرا که چگونگی آسمان و زمین با هم بسیار متفاوت است.

در قرآن

شریف جز این آیه، آیه ای نیست که نشانگر همانند بودن هفت زمین، با هفت آسمان باشد.

در مورد آسمان های هفت گانه که هر کدام بر فراز دیگری پدید آمده اند، دیدگاه ها همانند است، اما در مورد زمین های هفت گانه دیدگاه ها متفاوت است:

۱ - به باور پاره ای منظور زمین های هفت گانه ای است که به صورت هفت طبقه بر فراز یکدیگر پدید آمده اند، چرا که اگر از هم جدا نباشند و به هم پیوسته باشند، هفت گانه نخواهند بود؛ در حالی که از آیات چنین دریافت می گردد که هر طبقه ای جداگانه هستند و در هر زمینی موجوداتی هستند که خدا آن ها را آفریده است.

۲ - اما پاره ای دیگر بر آنند که زمین های هفت گانه به صورت طبقه های گوناگون و بر فراز یکدیگر نیست، بلکه دریاها آن ها را از یکدیگر جدا می کند و آسمان سایبان همه آن هاست، و خدا بر این واقعیت که خود آفریده و بندگانش در مورد آنها دستخوش اختلاف هستند، داناتر است.

در روایتی از امام کاظم آورده اند که در این مورد، کف دست خویش را گشود و کف دست دیگر را بر روی آن نهاد و فرمود: این بسان زمین دنیاست که آسمان دنیا بر آن سایه افکنده است؛ و زمین دوم بر فراز آسمان دنیا، و آسمان دوم بر فراز آن سایه افکنده است و همین گونه زمین سوم بر فراز آسمان دوم و آسمان سوم بر آن سایه افکنده است...

تا عرش خدا بر فراز آسمان هفتم پدید آمده است و این تفسیر آیه شریفه است که می فرماید:

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ...

خدا آن کسی است که

هفت آسمان بلند را آفرید و از زمین نیز همانند آن را...

يَنْزِلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ فَرْمَانِ او هَمَارِه در ميان آن ها فرود مي آيد...

منظور اين است كه فرمان تكويني خدا در مورد تدبير جهان و آسمان ها و زمين هاي آن به صورت هماره مي رسد و آن ها را تدبير مي كند.

اما به باور پاره اي منظور اين است كه: اين فرمان هاي هماره خدا به پيامبر گرامي مي رسد و آن ها را فرشتگان مي آورند.

پاره اي بر آنند كه منظور از اين فرمان در ميان آسمان ها و زمين ها عبارت است از فرمان او بر زنده بودن برخي از موجودات و پايان عمر برخي ديگر؛ سلامتي پاره اي از آن ها و بيماري و هلاكت پاره اي ديگر؛ توانگري بعضي از آن ها و محروميت بعضي ديگر، و تدبير كارها بر اساس حكمت و مصلحت پديدآورنده و گرداننده هستي است.

لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا

اين كارها همه و همه به خاطر آن است كه شما بدانيد كه خدا بر هر چيزي تواناست و دانش و آگاهي او بر هر چيزي احاطه دارد.

از اين آيه دريافت مي گردد كه آفريدگار آسمان ها و زمين هم داراي علم و آگاهي وصف ناپذير و گسترده بر كران تا كران هستي و پديده هاي گوناگون آن است و هم داراي قدرت بي كران؛ چرا كه مي فرمايد: به يقين خدا بر هر چيزي احاطه دارد و دانش و قدرت بي كران او هر چيزي را فرا گرفته است.

و در آيه ديگري مي فرمايد: ... و لا يحيطون به علماً (۵۰۹)

آنچه را انسان ها در پيش دارند و پشت سر نهاده اند، همه آن ها را

ذات بی همتای خدا می داند، در حالی که آنان بدان آگاهی و دانشی ندارند.

با این بیان، او دانا و توانای مطلق است و بر هر چیزی احاطه دارد، و دانش و قدرت بی کران او هر چیزی را فرا گرفته است، اما کسی نمی تواند از ذات بی همتای او آگاهی یابد و بر او و وصف بی همانندش احاطه پیدا کند، چرا که او محدود نیست.

## تفسیر اطیب البیان

سوره طلاق، غرض سوره: بیان کلیاتی از احکام طلاق و قدری موعظه و تهدید و بشارت.

(۱) یا ایها النبی اذا طلقتم النساء فطلقوهن لعدتهن واحصوا العده و اتقوا الله ربکم لا تخرجوهن من بیوتهن و لا یخرجن الا ان یاتین بفاحشه مبینه و تلک حدود الله و من یتعد حدود الله فقد ظلم نفسه لا تدری لعل الله یحدث بعد ذلک امرًا): (ای پیامبر، تو و امت وقتی زنان را طلاق می دهید، در زمان عده طلاق دهید و حساب آن را نگه دارید و از خدا، پروردگارتان بترسید، آنان را از خانه هایشان بیرون نکنید، خودشان هم بیرون نروند، مگر اینکه گناهی علنی مرتکب شوند که در این صورت می توانید آنها را بیرون کنید، و اینها همه حدود خداست و هر کس از حدود خدا تجاوز کند، به نفس خود ستم کرده، تو چه می دانی شاید خدا بعد از طلاق امر دیگری پدید آورد) خطاب متوجه رسول خدا ص و همه امت اوست و می خواهد بفرماید وقتی که خواستید زنانتان را طلاق بدهید و نزدیک شد که این کار را انجام دهید برای مدت عده باشد. (عده) عبارتست از مدتی که زن در آن مدت باید از ازدواج جدید، خودداری کند تا آن مدتی که شرع معین

کرده تمام شود، و اینکه فرمود: طلاق دادن برای زمان عده باشد، یعنی زمان عده را از روز وقوع طلاق حساب کنند و طلاق در طهری واقع شود که در آن طهر عمل جنسی انجام نشده باشد، از آن تاریخ حساب عده را نگه دارند تا سه بار حیض دیدن و پاک شدن، و بعد از آن، زن می تواند شوهر کند و زن در این مدت عده نگه داشتن، حق نفقه و سکنی دارد و همسرش باید مخارج او را بدهد و نمی تواند او را از خانه بیرون کند، به همین جهت در ادامه می فرماید، از خدا بترسید و از نواهی او اجتناب کنید و زنان مطلقه را از خانه خود بیرون نکنید، البته در این مدت سکونت زن در خانه شوهر، شوهر حق رجوع دارد و می تواند مجدداً زندگی را با همسر سابق از سر بگیرد، در ادامه می فرماید: که خود آن زنان مطلقه هم، از خانه شوهر سابق بیرون نروند و عبارت بعدی استثناء از جمله قبلی است، می فرماید: آنها را از خانه هایشان بیرون نکنید، مگر آنکه گناهی ظاهر و فاحش از قبیل زنا و سرقت و یا ناسزا و یا اذیت اهل خانه، مرتکب شوند که در تأیید این مطلب روایاتی نیز وارد شده، در ادامه می فرماید اینها احکام و حدود الهی است که هر کس از آنها تجاوز کند در حقیقت به خود ستم کرده، چون نافرمانی پروردگار ظلم به نفس است، آنگاه به علت حکم اشاره کرده و می فرماید، اینکه گفتیم زنان در مدت عده در خانه شوهر بمانند، برای این است که



چه بسا خدای تعالی بعد از طلاق امری پدید آورد که وضع زن و شوهر را عوض کند و رأی شوهر به رجوع قرار بگیرد، چون زمام دلها بدست خداست .

(۲) فاذا بلغن اجلهن فامسكوهن بمعروف او فارقوهن بمعروف و اشهدوا ذوی عدل منكم و اقيموا الشهاده لله ذلكم يوعظ به من كان يؤمن بالله و اليوم الاخر و من يتق الله يجعل له مخرجا): (پس وقتی که به اواخر عده نزدیک شدند، یا به خوبی و نیکی آنها را نگه دارید و یا به خوبی و خوشی از ایشان جدا شوید و دو نفر عادل از میان خود به شهادت بگیرید، که آنها برای خدا اقامه شهادت کنند، اینها اندرزهایی است که افرادی که به خدا و روز جزا ایمان دارند از آن متعظ می شوند، و کسی که از خدا بترسد، خدا برایش راه نجاتی قرار می دهد) می فرماید: وقتی زنان مطلقه به اواخر زمان عده نزدیک شدند، یا به آنها رجوع کنید و با حسن معاشرت و رعایت حق و حقوق مجددا زندگی را از سر بگیرید و یا به نیکی و تفاهم و با حفظ حقوق ایشان از آنها جدا شوید و دو نفر مرد عادل از میان خودتان بر طلاق شاهد بگیرید و آنها هم برای خدا شهادت بدهند که شاهد بر همه اعمال و اقوال و نیات است، همانا این امر به تقوی و التزام به حدود و ... مطالبی است که مؤمنین به خدا و روز جزا از آنها موعظه می شوند و به جانب حق میل نموده و از باطل کنده می شوند، یعنی اعراض از این حدود یا تغییر دادن آنها خروج از ایمان محسوب می شود. در ادامه می فرماید:

هر کس از خدا بترسد و به خدا و حدودش ملتزم باشد، خداوند برایش راه نجاتی برای فرار از مشکلات زندگی فراهم می کند.

(۳) (و یرزقه من حیث لا یحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدراً): (و او را از جایی که احتمالش را هم نمی دهد، روزی می دهد و کسی که بر خدا توکل کند، خدا او را کفایت می کند، بدرستی که خدا امر خود را به انجام می رساند و خدا برای هر چیز اندازه ای قرار داده است) در ادامه فراز آخر آیه سابق می خواهد بفرماید کسی که از خدا پروا داشته باشد و ملتزم به اوامر و نواهی پروردگار باشد خداوند برای او راه نجاتی از مشکلات حیاتش فراهم می کند، چون دین و شریعت اموری فطری بشر هستند و سعادت دنیا و آخرت او را تأمین می کنند و خدا دین، شریعت، همسر، مال و هر چیز دیگری که مایه ادامه حیات و بقاء بشر باشد، از راهی که خود او احتمالش را هم نمی دهد برایش مهیا کرده و او را روزی می بخشد، یعنی مؤمن در اثر خداترسی از زندگی و نعمات آن محروم نمی شود، بلکه رزق مادی و معنوی او، از ناحیه خدای متعال ضمانت شده و خداوند آن را تأمین می کند، در ادامه می فرماید: کسی که بر خدا توکل کند، یعنی اراده خدا سبحان را براراده خود مقدم نماید و به دین و احکام الهی عمل کند، خداوند او را کفیل خواهد بود و وی را کفایت خواهد کرد، چون خداوند مسبب الاسباب است و همه

اسباب به او منتهی می شود، به همین دلیل هم امر خود را به انجام می رساند و هر چه اراده کند محقق می شود، همچنانکه فرمود، (انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون (۹۰) همانا امر او چنان است که وقتی اراده چیزی را کند، می گوید: باش ، پس موجود می شود) و خداوند برای هر چیز قدر و حد و حدودی قرار داده ، یعنی هیچ چیز نیست مگر آنکه اندازه ای معین و حدی محدود دارد، اما خدا سبحان یگانه وجودیست که به هیچ حدی محدود نمی شود و هیچ چیز بر او احاطه نمی یابد و او خود محیط بر همه چیز است .

(۴) (و اللائی یسن من المحیض من نسائکم ان ارتبتم فعدتهن ثلثه اشهر واللائئ لم یحضن و اولات الاحمال اجلهن ان یضعن حملهن و من یتق الله یجعل له من امره یسرا): (و زنانی که یائسه شده اند، اگر شک نمودید که از پیری است و یا به جهت عارضه ای ، پس آنها عده طلاقشان سه ماه است و نیز آنهایی که از ابتدا حیض ندیده اند، اما زنان حامله عده آنها تا هنگام وضع حملشان است و هر کس از خدا بترسد، خدا امور او را آسان می سازد) یعنی زنانی که حیض نبینند و شما شک دارید که حیض ندیدنشان به جهت کبر سن است یا به جهت عارضه ای مزاجی است و نیز زنانی که در سن حیض دیدن ، حیض ندیده اند، عده طلاقشان سه ماه است و زنان حامله مدت عده شان تا روزی است که وضع حمل نمایند و هر کس از خدا بترسد و حدود او را پایبند

باشد خداوند برایش در کارهای دنیا و آخرت و شدايد و مشقاتی که برایش حادث می شود، آسانی قرار می دهد.

(۵) (ذلك امر الله انزله اليكم و من يتق الله يكفر عنه سيئاته و يعظم له اجرا): (این امر خداست که بر شما نازل کرده و کسی که از خدا بترسد، خدا گناهانش را تکفیر نموده و اجر او را عظیم می سازد) یعنی این احکامی که بیان شد همگی امر و دستور الهی است که بسوی شما فرو فرستاده و هر کس به این حدود و احکام ملتزم بوده و تقوای الهی داشته باشد خداوند بامغفرت خود گناهان صغیره و بدیهای او را می پوشاند و اجر او را بزرگ و عظیم می نماید، همچنانکه می فرماید: (ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم و ندخلکم مدخلا کریم) (۹۱) اگر از گناهان بزرگی که نهی شده اید، اجتناب کنید، ما گناهان کوچکتان را می آمرزیم و شما را در مکانی کریمانه داخل می سازیم) (از این آیه استفاده می شود که مخالفت با احکام الهی من جمله احکام طلاق، از گناهان کبیره است که قابل تکفیر نیست)

(۶) (اسکنوهن من حیث سکنتم من وجدکم و لا- تضاروهن لتضیقوا علیهن و ان کن اولات حمل فانفقوا علیهن حتی یضعن حملهن فان ارضعن لکم فاتوهن اجورهن و اتمروا بینکم بمعروف و ان تعاسرتم فسترضع له اخی): (زنان مطلقه خود را در همان منزلی که به حسب و سع خود می نشینید سکنی دهید و به ایشان، به منظور تنگنا نهادن ضرر نرسانید و اگر حامله اند نفقه آنها را تا موقع وضع حمل پردازید و اگر بچه شما را شیر دادند، اجرت ایشان را بدهید و با یکدیگر

به خوبی و خوشی مشورت کنید و اگر در باره اجرت سختگیری نمودید، زنی دیگر آن کودک را شیر دهد) می فرماید: زنان مطلقه را در همان خانه هایی که به اندازه وسع خود تهیه کرده اید مسکن دهید و حق ندارید ضرری متوجه آنها کنید، تا سکونت در آنجا برایشان دشوار شود. و نباید از نظر مسکن، پوشاک و نفقه آنها را در مضیقه قرار دهید و اگر حامله بودند نفقه آنها را تا زمان وضع حمل متحمل شوید و در صورتی که حاضر شدند، نوزاد را شیر بدهند، اجرت شیردادنشان را بدهید، چون نفقه فرزند بر عهده پدر است و در هر صورت در باره امر شیردهی با یکدیگر مشورت کنید و به توافق برسید، بطوریکه نه شما و نه همسرتان و نه فرزند متضرر نشوید و اگر هر یک از طرفین خواست به دیگری ضرر برساند و بر سر مسأله شیردهی اختلاف پیش آمد، بزودی و قبل از آنکه کودک صدمه ببیند، زن دیگری را اجیر کنید تا کودک را شیر بدهد.

(۷) (لینفق ذوسعه من سعته و من قدر علیه رزقه فلینفق مما اتیه الله لا یکلف الله نفسا الا ما اتیها سیجعل الله بعد عسر یسرا): (باید توانگر بقدر توانایش و فقیر بقدر وسعش و خلاصه هر کس از آنچه خدا به او داده، انفاق کند، خدا هیچ کس را تکلیفی نمی کند، مگر به مقداری که به او اعطاء کرده و بزودی خدا بعد از هر سختی آسانی قرار می دهد) یعنی مردان توانگر وقتی همسر بچه دار خود را طلاق می دهند، باید در ایام شیرخواری کودکشان به زندگی آنها توسعه دهند و مردانی که تنگ روزی و تنگدست هستند

باید هر قدر می توانند از مالی که خدا به آنها عطا کرده به ایشان انفاق کنند. و خدا هیچ کس را تکلیف مالا یطاق نمی کند و به هر کس به اندازه توانایی او تکلیف می نماید، آنگاه در مقام تسلیت و بشارت به تنگدستان می فرماید: خدای متعال بعد از تنگدستی و سختی، گشایش و رفاه می دهد.

(۸) (و کاین من قریه عتت عن امر ربها و رسله فحاسبناها حسابا شدیداً و عذبنها عذاباً نكراً): (و چه بسیار آبادیهایی که از دستورات پروردگارشان سرپیچی کردند و فرمان پیامبران را نپذیرفتند و در نتیجه ما آنها را به حساب سختی محاسبه نموده و به عذابی عجیب گرفتار کردیم)

(۹) (فذاقت و بال امرها و کان عاقبه امرها خسراً): (پس آنها عاقبت شوم سرپیچی های خود را چشیدند و عاقبت امرشان خسران بود)

(۱۰) (اعد الله لهم عذاباً شدیداً): (و خدای متعال برای آخرت آنها عذابی سخت مهیا نموده است) یعنی چه بسیار اهالی قریه هایی که مردم و اهل آنجا از امر پروردگارشان گردنکشی کرده و از اطاعت پیامبر خود استکبار ورزیدند و در نتیجه ما در محاسبه اعمالشان به سختی مناقشه کردیم و حساب شدیدی از آنها کشیدیم و آنها را به عذابی بی سابقه و انقراض دنیوی مبتلا نمودیم و آنها تبعات شوم اعمالشان را چشیدند و عاقبت سرکشی، خسارت است، در نتیجه آن عذابی را که مسخره می کردند به ایشان رسید و آنها رامستأصل و منقرض نمود و تازه این عذاب دنیوی ایشان بود و البته در آخرت هم خدا عذابی شدید برایشان تدارک دیده است و اینها در دنیا و آخرت معذب و خاسر هستند. - (فاتقوا الله یا اولی

الالباب الذین امنوا قد انزل الله الیکم ذکرا): (پس ای صاحبان خرد که ایمان آورده اید از خدا بترسید، به تحقیق خداوند ذکر را بر شما نازل کرده) یعنی ای عقلاء مؤمنین، حال که عاقبت سرکشی و طغیان، هلاکت دنیا و آخرت است، پس شما از خدا بترسید و ملتزم به اوامر و نواهی او باشید، چون حقیقتا خداوند کتاب قرآن یا رسولی را بر شما فرو فرستاده که برای شما تذکر و موعظه است و شما را به جانب حق و صراط مستقیم هدایت نموده و دیگر عقل شما به هیچ وجه اجازه نمی دهد که از طریق هدایت منحرف شده و خود را دچار هلاکت و خسران سازید.

(۱۱) (رسولاً- یتلوا علیکم آیات الله مبینات لیخرج الذین امنوا و عملوا الصالحات من الظلمات الی النور و من یؤمن بالله و یعمل صالحا یدخله جنات تجری من تحتها الأنهار خالدین فیها ابداء قد احسن الله له رزقا): (رسولی فرستاده تا آیات روشن خدا را برای شما بخواند، تا خدا کسانی را که ایمان آورده و اعمال شایسته بجا آوردند از تاریکیها بسوی نور براند و کسی که به خدا ایمان آورد و عمل صالح کند، خدا او را وارد بهشتهایی می سازد که نهرها در دامنه آن روان است و در آن جاودانه خواهند بود، به تحقیق خداوند رزق او را نیکو کرده) کلمه (رسولاً) عطف بیان و یابدل از کلمه (ذکر) در آیه قبلی است. بنابراین خداوند پیامبر اسلام ص را که وسیله تذکر است و انسانها را به سوی صراط مستقیم هدایت می کند، از ناحیه عالم غیب مبعوث کرده و او را برای رسالت بشر ظاهر نموده و این رسول،

نعمتی از ناحیه خداست که آیات آشکار الهی را برای شما تلاوت می کند تا به این وسیله مؤمنانی را که شایسته کارند از تاریکیهای جهل و ضلالت بسوی روشنایی هدایت براند و آنگاه در مقام بشارت به افراد مؤمنی که اعمال صالح می کنند (چون ایمان بدون عمل صالح محقق نمی شود) می فرماید: خداوند چنین کسانی را وارد در بهشتهایی چنین و چنان می سازد. و آنها تا ابد در آن جاودانه خواهند بود و حقیقتا خداوند چه رزق نیکویی به آنها عطا کرده که آن رزق در دنیا ایمان و عمل صالح است و در آخرت بهشت جاوید.

(۱۲) (الله الذی خلق سبع سموات و من الارض مثلهن یتنزل الامر بینهن لتعلموا ان الله علی کل شیء قدير و ان الله قد احاط بكل شیء علما): (الله خدایی است که هفت آسمان و زمین را مثل آن بیافرید و امر او در بین آنها پیوسته نازل می شود تا بدانید که خدا بر هر چیز تواناست و خدا بر همه چیز احاطه علمی دارد) ظاهرا می فرماید: خدایی که برای شما رسول فرستاده و شما را هدایت کرده، همان معبودیست که هفت آسمان و هفت زمین را آفریده (۹۲)، و یا شاید می خواهد بفرماید: خدایتعالی از زمین چیزی خلق کرده، که مثل آسمانهای هفتگانه است، یعنی همان انسانی که موجودی مرکب از ماده زمینی و روحی ملکوتی و آسمانی است. در ادامه می فرماید: خداوند امر خود در بین این آسمانها و زمین نازل می کند و امر خدا همان کلمه ایجاد اوست که در آن صورت، تنزل امر در بین آسمانها و زمین، شروع کردن به نزول



از مصدر امر به طرف آسمانهاست ، که یکی به سوی دیگری نازل می شود، تا به عالم ارضی برسد(۹۳). به هر جهت می فرماید: این ایجاد و این تدبیر امر، برای آنست که هر متفکری که درمسأله خلقت بیاندیشد، بدون هیچ شک و تردیدی بفهمد و بداند که قدرت خدای تعالی شامل هر چیز و علم او محیط بر همه چیز است ، پس بر خردمندان مؤمن واجب است که از مخالفت امر او بپرهیزند و خداترس باشند. این آیه ظاهرا دلالت می کند که بیش از یک (ارض ) وجود دارد، اگر چه در آیات دیگر همیشه زمین بصورت مفرد در برابر آسمانها بکار رفته است .

### تفسیر نور

«أحصوا» از «إحصاء» به معنای شمارش و اصل آن، «حصی» به معنای سنگریزه است، زیرا در قدیم با ریگ و سنگریزه، حساب را نگه می داشتند. <۲۲۶>

مراد از <<فاحشه میبینه>>، زنا دادن یا آزار اهل خانه است که مجوز اخراج همسر مطلقه از خانه می شود. <۲۲۷>

از زمانی که مرد همسرش را طلاق می دهد، زن باید تا سه بار عادت ماهیانه و پاک شدن از آن صبر کند و سپس اگر خواست شوهر دیگری اختیار کند. به این فاصله زمانی، «عده» می گویند و زن باید خود حساب آن را داشته باشد. در دوره عده، مرد وظیفه دارد نفقه همسر مطلقه

پرداخت کند و نمی تواند او را از بیرون خارج کند. البته در این صورت، زن نیز نمی تواند بدون اجازه مرد از منزل خارج شود.

در دوران عده، مرد حق دارد به همسر خود رجوع کند و زندگی را دوباره از سرگیرند، بدون آنکه نیاز به اجرای عقد مجدد باشد. شاید یکی از فلسفه های قرارداد

عده و این فاصله سه ماهه برای زن، آن هم در خانه شوهر، همین امکان بازگشت باشد تا جدایی به آسانی و شتاب

ده محقق نشود. <<لعلَّ الله يحدث بعد ذلك أمراً>>

اسلام برای جلوگیری از طلاق بی مورد، محدودیت هایی را وضع کرده است. از جمله آن که رجوع به همسر بعد از سه بار طلاق، دیگر حرام ابدی می شود و نمی توانند رجوع کنند، پس از آن تنها با وجود محلل می تواند دوباره او را به عقد خود درآورد. در حدیث می خوانیم که ا

م رضا علیه السلام در مورد دلیل نیاز به محلل فرمودند: تا مردم، طلاق را سبک و ساده نپندارند: «لئلا يوقع الناس الاستخفاف بالطلاق» <۲۲۸>

قرآن می فرماید: <<فامساک بالمعروف>> یا با خوبی همسران را نگاه دارید <<او تسریح باحسان>> یا با نیکی از هم جدا شوید و هیچ کس حق ندارد زن را با بدرفتاری نگاه دارد که در این صورت حاکم اسلامی از زن حمایت می کند.

نگاهی به مسئله طلاق

در اسلام، مبعوض ترین حلال ها، طلاق است. <۲۲۹> پیامبر گرامی اسلام می فرماید: ازدواج کنید و طلاق ندهید که با طلاق، عرش خدا به لرزه در می آید: «تزوجوا ولا تطلقوا فان الطلاق يهتتر منه العرش» <۲۳۰> البته طلاق یک راه حل و گاهی ضرورت است.

در مورد چگونگی طلاق چند نظریه وجود دارد:

الف) طلاق، باید به راحتی قابل انجام و بدون هیچ قیدی باشد که این امر مورد سوء استفاده افراد هوسباز و عیاش قرار می گیرد، و زن را فقط برای هوس های زود گذر خود می خواهند.

ب) طلاق باید به کلی ممنوع باشد که کلیسا طرفدار این نظریه است. در حالی که ممنوعیت طلاق سبب می شود تا مردان و زنانی که با

هم توافق ندارند، تا پایان عمر بسوزند و بسازند و یا مخفیانه همسر دیگری اختیار کنند.

د) طلاق باید به دست زن باشد. در این فرض آمار طلاق بالا می رود، زیرا زنان عاطفی تر و زود رنج ترند و در برخورد با مشکلات زندگی، اقدام به طلاق می کنند و زندگی های بسیاری به اندک رنجی از هم متلاشی می گردد.

ه) طلاق باید به دست مرد باشد، امّا در چارچوب قانون و با نظارت کامل حاکم اسلامی که مسئول جلوگیری از ظلم و برقراری عدالت است. البتّه در مواردی که زن متقاضی طلاق است، حاکم اسلامی به تقاضای او رسیدگی کرده و در صورت لزوم، حکم به طلاق و جدایی می دهد.

در اسلام، طلاق باید تابع شرایط و قوانین خاص باشد و به مسائل اخلاقی پای بند باشد. همان گونه که جنگ با دشمن نیز شرایط دارد و حق ندارید آب آشامیدنی را مسموم و درختان را نابود سازید و یا به کودکان و زنان و سالمندان و اسرا ظلم نمایید.

عوامل و زمینه های اختلاف و جدایی

#### ۱. بد اخلاقی

از مهم ترین عوامل طلاق، بد اخلاقی زن و شوهر نسبت به یکدیگر است. در روایت می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: هر کس بد اخلاق باشد، خانواده اش آزرده خواهند شد. «من ساء خلقه ملّهُ اهله» <۲۳۱>

#### ۲. هوس رانی

اسلام، به زنان و مردان سفارش می کند که از چشم چرانی و نگاه به نامحرم به قصد لذت خودداری کنند و علاوه بر آن به زنان توصیه می کند که خود را از نامحرم پپوشانند و در اجتماع به جلوه گری و دلربایی نپردازند.

امام صادق علیه السلام فرمود: چه بسا نگاهی کوتاه که حسرت و پشیمانی طولانی را به دنبال دارد.

«کم من نظرہ اورثت حسرہً طویلہ» <۲۳۲>

و در حدیث دیگری فرمودند: نسبت به زنان مردم عفاف داشته باشید تا عفت زنان شما فقط شود. «عَفَّوا عن نساء الناس یعفَّ عن نساء کم» <۲۳۳>

در روایات آمده است که در زمان حضرت داود علیه السلام، مردی به زنی معرفی کرد. خداوند به آن زن الهام کرد که به مرد بگوید: هر وقت متعزّض زنی شوی، مردی هم متعزّض زن تو خواهد شد. هنگامی که آن مرد به خانه بازگشت، غریبه ای را نزد همسر خود یافت. او را دستگیر

زد حضرت داود آورد و شکایت کرد. خداوند به حضرت داود وحی کرد که به او بگو: از هر دست بدهی، از همان دست می گیری. <۲۳۴>

۳. بی توجّهی زن و مرد به نیازهای یکدیگر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: در پیشگاه خداوند متعال نشستن مرد نزد همسرش، از اعتکاف در مسجد من محبوب تر است. «جلوس المرء عند عیاله احبُّ الی الله تعالی من الاعتکاف فی مسجدی هذا» <۲۳۵>

امام صادق علیه السلام فرمود: سزاوار نیست که زن رسیدگی به خود نکند و از آراستگی و زیبایی که سبب شیرین شدن زندگی خانوادگی است دست بردارد. «لا ینبغی للمرئ ان تعطل نفسها» <۲۳۶>

حسن بن جهم می گوید: امام کاظم علیه السلام را در حالی که موهای خود را رنگ کرده بود مشاهده کردم. امام علیه السلام که تعجب مرا دیدند فرمودند: آراستگی شوهر بر عفت زنان می افزاید و زنانی عفت را کنار می گذارند که شوهرانشان آراستگی ظاهر را ترک می کنند. «ا

لتهیئه ممّا یزید فی عفه النساء و لقد ترک النساء العفه لترك ازواجهن التهیئه»، سپس فرمودند: همان گونه که شما نمی پسندید همسرانتان را بدون آراستگی ببینید، آنان نیز همین

گونه اند. <۲۳۷>

راه های حل اختلاف پیش از طلاق

۱. دادگاه خانوادگی

اسلام سفارش نموده است که در موارد اختلاف بین زن و شوهر، افراد دلسوزی از هر دو طرف به عنوان حکم انتخاب شوند و مورد اختلاف را بررسی و آن را رفع نمایند.

در این شیوه، اختلافات پیش آمده در همان مراحل اولیه حل می شوند و کار زوجین به طلاق و دادگاه کشیده نخواهد شد.  
>> فان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهلہ و حکماً من اهلها...<< <۲۳۸>

۲. حضور دو شاهد عادل

بر اساس احکام اسلام، برای انجام طلاق بایستی دو شاهد عادل حضور یابند و طلاق را گواهی نمایند که این امر، مانعی بر سر راه طلاق خواهد بود زیرا:

اولاً: کراهت و قبح طلاق در جامعه سبب می شود که افراد معمولاً از این که شاهد و گواه بر طلاق و از هم پاشیدن خانواده ای باشند، خودداری کنند.

ثانیاً: افرادی که به عنوان شاهد و گواه دعوت می شوند، سعی در برقراری آشتی و صلح بین زوجین دارند.

۳. قرار دادن عده

عده در واقع تأخیر از زمان تصمیم تا اقدام است. اسلام به مردان دستور می دهد که همسران مطلقه خود را تا پایان زمان عده در خانه نگاهداری کنند و هزینه های آنان، اعم از خوراک و پوشاک را بر عهده گیرند. طبیعی است که معاشرت و مصاحبت مرد با همسر مطلقه در طی

این مدت سبب می گردد که هیجان آنها فروکش نموده و با فرصت و دقت بیشتری به پیامدهای طلاق بیندیشید و چه بسا در این مدت زوجین زندگی مشترک را دوباره از سر گیرند.

امام باقرعلیه السلام می فرماید: زن طلاق داده شده که در خانه شوهر است، خود را آرایش کند و عطر بزند

و لباس هایی که مرد دوست دارد بپوشد، تا با عقل و درایت بیشتری تصمیم بگیرند و دوباره به همسرش رجوع کند و زندگی را از سر بگیرند. «المطلقه تکتحل و تختضب و ت

و تلبس ما شانت من الثياب، لان الله عزّ و جلّ يقول لعلّ الله يحدث بعد ذلك امرأ لعلها ان تقع فی نفسه فیراجعها» <۲۳۹>

فلسفه عدّه طلاق

شکی نیست که تمام احکام الهی دارای حکمت و مصلحتی است که با انجام و ترک آن عمل می توان به آن رسید یا از مفاسدی جلوگیری کرد، گرچه همه آن را ندانیم. از جمله دستور به عدّه نگه داشتن زن به هنگام طلاق است که با کمی تفکر می توان حکمت هایی برای آن بیان کرد:

۱. حفظ حریم زوجیت. اسلام ازدواج را امری مقدس می داند و برای آن حریم و شعاعی قائل است و نگاهداشتن عدّه سبب حفظ این حریم خواهد بود.

۲. نسب فرزندان. عدّه نگاهداشتن سبب می شود تا از اختلاط نطفه شوهران مختلف جلوگیری شود و نسبت فرزندان به پدر خود که سرچشمه حقوق فراوانی است، حفظ گردد.

۳. مهلتی برای بازگشت دوباره به زندگی.

علاوه بر آنکه رجوع مرد به همسری که طلاق داده، مزایایی بر ازدواج مجدد دارد از جمله:

(الف) زندگی با همسر جدید نیاز به تجربه جدید دارد، ولی زندگی با همسر سابقش، زندگی همراه با تجربه است.

(ب) رفتن به سراغ همسر جدید، هزینه های جدیدی را بر عهده مرد قرار می دهد.

(ج) گاهی بازگشت به زندگی قبلی، موقعیت اجتماعی زن و مرد را در جامعه حفظ می کند و کدورت هایی را که در اثر طلاق بوجود می آید، برطرف می کند.

(د) فرزندان که کانون گرم خانوادگی آن ها در اثر طلاق متلاشی شده

بود، دوباره به آغوش خانواده باز می‌گردند و لطمه‌ی روحی که در اثر طلاق خورده‌اند، جبران می‌شود.

ه) گاهی بازگشت به زندگی، روحیه‌ی گذشت و صبر و ایثار را در زندگی شکوفا می‌کند.

۱- مخاطب قراردادن پیامبر، در ابلاغ دستورات کلی که عموم مردم مخاطب آن هستند، هم نشانه احترام به آن پیامبر است و هم لزوم نظارت آن حضرت بر حسن اجرای حدود الهی. <<یا ایها النبی اذا طلقتم>>

۲- برای بیان اهمیت دستور و ایجاد انگیزه در سایرین، شخص اول را مورد خطاب قرار دهید. <<یا ایها النبی اذا طلقتم>>

۳- عقد ازدواج زمان خاصی ندارد ولی طلاق باید در زمانی باشد که شروع عده ممکن باشد، یعنی زن در عادت ماهانه نباشد و مرد نیز در پاکی پس از عادت، با همسرش آمیزش نکرده باشد. <<فطلقوهنّ لعدّتهنّ>>

۴- طلاق به دست مرد است. <<طلقتم، طلقوهنّ>>

۵- برای حفظ نظام خانواده، قانون طلاق همراه با شرایطی سرعت گیر قرار داده شده است. <<طلقوهنّ لعدّتهنّ>>

۶- زمان بندی در احکام الهی را با دقت مراعات کنیم. <<احصوا العده>>

۷- جدایی و طلاق نباید همراه با گناه باشد. <<طلقتم... اتقوا الله>>

۸- رعایت تقوا در امر طلاق و خصوصاً عده آن، از سوی مرد و زن لازم است. <<احصوا العده و اتقوا الله>>

۹- ربوبیت الهی، مقتضای پروا و تقواست. <<اتقوا الله ربکم>>

۱۰- زن طلاق داده شده تا زمانی که در حال عده است، گویا در منزل خودش ساکن است و حق سکونت او سلب نمی‌شود.

<<لا تخرجوهنّ من بیوتهنّ>>

۱۱- طلاق نباید همراه با اهانت و تحقیر زن باشد. <<لا تخرجوهنّ من بیوتهنّ>>

۱۲- راه‌های منت‌گذاردن و منت‌کشیدن را مسدود کنید. برای

این که شوهر منت نگذارد و زن منت نکشد، خدا می فرماید: خانه خودش است. <<من بیوتهن<<

۱۳- زنان، طلاق را پایان کار نبینند و در خانه بمانند، شاید که مرد منصرف شود و دوباره به آنان رجوع کند. <<لا یخرجن<<

۱۴- خراب کردن پل های پشت سر و بستن راه های آشتی ظلم به خود است. <<لا- تخرجهن... لا- یخرجن... فقد ظلم نفسه<<

۱۵- گنهکار بی حیا که حریم ها را شکسته، حرمت ندارد و مستحق تحقیر است. <<لا تخرجهن... الا ان یأتین بفاحشه مینه<<

۱۶- سوء استفاده از قانون ممنوع. (زن نمی تواند از حق مسکن خود سوء استفاده کند و برای انتقام گرفتن از شوهر، خانه را تبدیل به محیطی برای فحشا و منکر نماید). <<الا ان یأتین بفاحشه مینه<<

۱۷- اخراج زن از منزل، به شرطی است که فحشای او روشن و ثابت شده باشد و سوء ظن کافی نیست. <<الا ان یأتین بفاحشه مینه<<

۱۸- مردان نباید به خاطر تأمین نفقه و مسکن، متنی بر همسران مطلقه خود داشته باشند، زیرا این حکم خداست. <<تلك حدود الله<<

۱۹- زنان نباید به خاطر محدود شدن در خانه نگران شوند زیرا این محدودیت را خداوند حکیم مقرر فرموده است. <<تلك حدود الله<<

۲۰- نادیده گرفتن دستورات خداوند و شکستن حدود الهی، ظلم به خویش است، نه خداوند. <<و من يتعد حدود الله فقد ظلم نفسه<<

۲۱- ما بر اساس اطلاعات و شناخت خود، تصمیم می گیریم و از آینده بی خبریم، با توکل بر خداوند، به آینده امیدوار باشیم. <<لا تدری لعل الله...>>

۲۲- در اسلام یأس ممنوع است و انسان مسلمان باید به آینده خوش بین باشد. <<لعل الله يحدث بعد ذلك امراً>> (هنگام طلاق که طرفین



نگرانند، نیاز به دلداری و تسلی دارند).

۲۳- حوادث تلخ را به فال نیک بگیریم. <<طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ... لَعَلَّ اللّٰهُ يَحْدُثُ بَعْدَ ذَلِكَ امْرَأً>>

۲۴- تقوا و حدود الهی را مراعات کنید، آینده را هم به خدا بسپارید. <<اتقوا الله... تلك حدود الله... لعل الله يحدث بعد ذلك امراً>>

۲۵- همواره لطف الهی را منحصر در وضع موجود نبینید، چه بسا جدایی‌ها که عامل رسیدن به وضع مطلوب تر می‌شود. <<لعل الله يحدث بعد ذلك امراً>>

مراد از رسیدن اجل <<بلغن اجلهن>>، رسیدن به اواخر مدّت عدّه است نه پایان آن، زیرا اگر مدّت عدّه پایان یافت، امساک و نگهداری زن حرام است. <۲۴۰>

در قرآن، سی و هشت مرتبه کلمه معروف به کار رفته که پانزده مرتبه آن مربوط به خانواده و همسر داری است، یعنی شیوه برخورد زن و مرد در زندگی باید شایسته و پسندیده باشد.

گواهی دو شاهد عادل بر طلاق، منافی دارد. از جمله: اگر مردی در ایام عدّه از دنیا برود، همسر مطلقه او نمی‌تواند ادّعایی بر ارث داشته باشد. زن پس از پایان عدّه می‌تواند ازدواج کند و مهم‌تر آن که دو شاهد عادل، به خاطر عدالت و محبوبیتی که دارند، به طور

یعی با موعظه سعی می‌کنند به جای طلاق، طرفین را به آشتی ترغیب کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَنْتِي لِأَعْلَمُ آيَةَ لَوْ أَخَذَ بِهَا النَّاسُ لَكَفْتَهُمْ» من آیه ای را می‌شناسم که اگر مردم به آن عمل کنند، تمام مشکلاتشان حل می‌شود و سپس آیه <<و من يتق الله يجعل له مخرجاً>> را تلاوت فرمودند. <۲۴۱>

در روایات می‌خوانیم: هنگامی که آیه ۳ نازل شد، جمعی از یاران پیامبر، کار و تجارت را رها کردند و گفتند:

خداوند روزی ما را ضمانت کرده است، پس به کار و تلاش نیازی نیست. پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را احضار و توبیخ کرد و فرمود: هر کس کار و تلاش را رها کند

، دعایش مستجاب نمی شود. «أنه من فعل ذلك لا يستجاب له» <۲۴۲>

در قرآن، هم مهر الهی با جمله <<من حیث لا یحتسب>> <۲۴۳> آمده است و هم قهر الهی. <<فاتاهم الله من حیث لم یحتسبوا>> <۲۴۴> یعنی گاهی مهر و قهر الهی غیر منتظره و به شکلی که گمان نمی رود به انسان می رسد.

اثر تقوی فقط در آخرت نیست. امام صادق علیه السلام در مورد جمله <<من حیث لا یحتسب>> فرمود: این گشایش روزی، برای تقوی پیشه گان در دنیا است. <۲۴۵>

۱- زمان بندی احکام دینی، باید به دقت مراعات شود. (هم آغاز زمان عدّه: <<فطلقوهنّ لعدتهنّ>> و هم پایان آن: <<اذا بلغن اجلهن>> ذکر شده است.)

۲- کارها باید از ابتدا دارای برنامه و زمان مشخص باشند. <<اجلهن>>

۳- هم ادامه زندگی باید به نحو پسندیده باشد و هم جدایی و طلاق. <<امسکوهنّ بمعروف او فارقوهنّ بمعروف>>

۴- رفتار شایسته چه در حال صلح و آشتی و چه در حال قهر و جدایی، از حقوق همسر است. <<امسکوهنّ بمعروف...>>

۵- نگاه داری همسر، مقدم بر جدایی است. ابتدا فرمود: <<امسکوهنّ>> و سپس <<فارقوهنّ>>

۶- آیین همسر داری یا طلاق باید مورد پذیرش شرع و پسند عقل باشد. <<بمعروف>>

۷- به دلیل ضعف جسمی و نارسایی، آداب و رسوم اجتماعی و تاریخی، حقوق زنان بیشتر پایمال شده و می شود. لذا بیشترین خطاب های قرآن در مورد مراعات حقوق به مردان است. <<امسکوهنّ بمعروف، فارقوهنّ بمعروف>>

۸- جدایی و طلاق، همراه با کرامت و به دور از هر

گونه تحقیر صورت گیرد. <<فارقوهنّ بمعروف>>

۹- شرط صحت طلاق، حضور دو شاهد عادل است. <<و اشهدوا ذوی عدل منکم>>

۱۰- برای حفظ حقوق طرفین، گرفتن دو شاهد عادل، نشانه محکم کاری و دقت است. <<و اشهدوا ذوی عدل منکم>>

۱۱- کسانی که در محضر آنان طلاق جاری می شود، باید عادل باشند. <<ذوی عدل منکم>> یعنی عدالت سرمایه آنان باشد.

۱۲- افراد عادل نیز به تذکر نیازمندند. <<اشهدوا ذوی عدل منکم و اقیموا الشهاده لله>>

۱۳- حبّ و بغض ها نباید در قضاوت ما تأثیرگذار باشد. <<اقیموا الشهاده لله>> (مشابه این جمله، در آیه ۱۳۵ نساء آمده است که می فرماید: <<کونوا قوامین بالقسط شهداء لله و لو علی انفسکم او الوالدین والاقربین>>)

۱۴- گواهی دو شاهد عادل باید همراه با حفظ حقوق مردم و اخلاص باشد. <<اقیموا الشهاده لله>> (در کلمه <<اقیموا>> برپاداشتن حقوق مردم و در کلمه <<الله>> اخلاص در عمل نهفته است).

۱۵- اقامه حقوق مردم، ارزشی هم وزن اقامه نماز و دین دارد. (در قرآن کلمه <<اقیموا>> درباره نماز، دین، شهادت و وزن مطرح شده است. <<اقیموا الدین>> <<۲۴۶>>، <<اقیموا الصلوه>> <<۲۴۷>>، <<اقیموا الوزن>> <<۲۴۸>> و <<اقیموا الشهاده>> <<۲۴۹>>)

۱۶- موعظه تنها تذکرات اخلاقی نیست، بلکه دستورات فقهی نیز نوعی موعظه است. <<امسکوهنّ... فارقوهنّ... اشهدوا... ذلکم یوعظ به>>

۱۷- پند پذیری، نشانه ایمان واقعی است. <<یوعظ به من کان یؤمن>>

۱۸- به جای پیمودن راه های ناشناخته سیر و سلوک، عمل به احکام الهی بهترین موعظه و راه سازندگی انسان است. <<یوعظ به من کان یؤمن>>

۱۹- حل مشکلات از طریق گناه، رفتن به بیراهه است. تقوی و خدا ترسی موجب خروج انسان از مشکلات و تنگناهای زندگی است. <<و من یتق الله یجعل له مخرجاً>>

۲۰- راه رهایی از

تمام بن بست ها، (که از جمله آن اختلافات زن و شوهر است، تقوی است. <> و من یتق الله يجعل له مخرجاً <>

۲۱- در مدیریت بحران ها و فتنه ها، دو چیز راه نجات است:

الف) تقوی. <> و من یتق الله يجعل له مخرجاً <>

ب) تمسک به قرآن. «اذا التبت علیکم الفتن کقطع اللیل المظلم فلیکم بالقرآن» <۲۵۰>

۲۲- زن و شوهری که به ناچار با طلاق از هم جدا می شوند، اگر تقوا را مراعات کنند، مشمول لطف ویژه خداوند می شوند.

<> یرزقه من حیث لا یحتسب <>

۲۳- کسانی که با گناه زندگی خود را تأمین می کنند، راه دریافت روزی های پیش بینی نشده را به روی خود می بندند.

<> و من یتق الله... یرزقه من حیث لا یحتسب <>

۲۴- اراده خدا در چارچوب محاسبات انسان نیست. <> یرزقه من حیث لا یحتسب <>

۲۵- رعایت امور معنوی، در زندگی مادی اثر گذار است. (امدادهای غیبی، در زندگی انسان نقش مؤثری دارند.) <> من

حیث لا یحتسب <>

۲۶- انسان متقی، خواست خود را در مسیر خواست و اراده خدا قرار می دهد و چون اراده الهی بن بست ندارد، انسان متقی

نیز به بن بست نخواهد رسید. <> و من یتق الله يجعل له مخرجاً <>

۲۷- همیشه رزق زیاد وابسته به کار زیاد نیست. <> و من یتق الله... یرزقه <> (همان گونه که همیشه مقدار و کمیت آن

مهم نیست. امام صادق علیه السلام در تفسیر <> یرزقه من حیث لا یحتسب <> فرمود: خداوند در آنچه به او داده برکت می

دهد. <۲۵۱>

۲۸- تقوی و توکل دو اهرم برای خروج از بن بست است. <> و من یتق الله... و من یتوکل علی الله... <>

۲۹- برای تأمین زندگی امروز، تقوا <> و من یتق الله... یرزقه <> و برای آینده، توکل لازم است. <> و من یتوکل علی

۳۰- تقوی، مقدم بر توکل است. <<و من یتق الله... و من یتوکل علی الله>>

۳۱- بدون لطف خداوند، هیچ عامل دیگری کارآمد و کافی نیست. <<فَهُوَ حَسْبُهُ>>

۳۲- در اراده و خواست تمام افراد و حکومت‌ها، احتمال شکست و ناکارآمدی و بن بست وجود دارد. تنها امری که شکست در آن راه ندارد، خواست و اراده خداوند است. <<إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ>>

۳۳- دلیل توکل ما، قدرت بی نهایت الهی است. <<و من یتوکل ... إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ>>

۳۴- معنای توکل ما و قدرت خداوند آن نیست که انسان به همه خواسته‌های خود می‌رسد، زیرا تمام امور هستی قانونمند است و حساب و کتاب دارد. <<و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شیءٍ قدرًا>>

به دنبال بیان احکام طلاق در آیات پیشین، این آیه می‌فرماید: زنانی که به هر دلیل، اعم از کهولت سن یا بیماری، عادت ماهانه ندارند، باید سه ماه کامل عدّه نگهدارند و زنان باردار باید تا زمان وضع حمل صبر کنند و سپس می‌توانند ازدواج کرده و به همسر دیگری درآ

ند.

در قرآن برای افراد با تقوی چند تعبیر آمده است: <<یَجْعَلُ لَكُمْ نُورًا>> <<۲۵۲>>، <<یَجْعَلُ لَكُمْ فِرْقَانًا>> <<۲۵۳>>، <<یَجْعَلُ لَهُ مَخْرَجًا>> <<۲۵۴>>، <<یَجْعَلُ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا>> <<۲۵۵>> که شاید اشاره به یک سیر طبیعی دارد، زیرا برای انسان با تقوا اول نور پیدا می‌شود و در

یه نور، شناخت حق از باطل و فرقان پیدا می‌کند و وقتی که حق و باطل را شناخت، راه خروج از مشکلات را پیدا می‌کند و در سایه همان نور، از بسیاری از گرفتاری‌ها به آسانی خارج می‌شود.

۱- احکام خداوند بر اساس

شرایط متفاوت انسان ها، تفاوت می کنند. (برای هر یک از زنان حامله و یائسه، حکم خاصی قرار داده شده است.)  
>> یئسن، لم یحضن، اولات الاحمال <<

۲- دین فطری، ملاک های فطری و طبیعی و همه جایی دارد. زمان بندی ها و اندازه گیری های احکام الهی بر محور مسائل طبیعی است. نظیر: طلوع و غروب خورشید، رؤیت ماه، مقدار و جب و ذراع دست. >> ثلاثه اشهر <<

۳- فرزند، حریم و حقوقی دارد و زن باردار نمی تواند به ازدواج دیگری درآید. >> اولات الاحمال اجلهنّ ان یضعن حملهنّ <<

۴- در مسایل خانوادگی و مراعات حقوق همسر به خصوص در شرایط طلاق و جدایی، به تقوای زیاد نیاز است. (از ابتدای این سوره تاکنون چند بار سخن از تقوی به میان آمده است.) >> و من یتق الله <<

۵- بخشی از گره هایی که در زندگی پیدا می شود، به خاطر بی تقوایی است. >> و من یتق الله یجعل له من امره یسراً << (البته بخشی از مشکلات افراد باتقوا به خاطر ابتلا و آزمایش است).

۶- برای افراد باتقوا، تحمیل سختی ها آسان است. چون تقوا ظرفیت انسان را بالا می برد. >> یجعل له من امره یسراً << (>> من امره << یعنی: «از ناحیه کارهای او»)

۱- در مسائل خانوادگی، دستورات الهی را ساده نگیریم. >> ذلک امر الله انزله الیکم <<

۲- تقوی، سبب نجات از قهر الهی است. >> من یتق الله یکفر عنه سیئاته <<

۳- گناهکاران می توانند به وسیله تقوی، گذشته را جبران کنند. >> یکفر عنه سیئاته <<

۴- گناهکاران را بدعاقبت نپندارید، چه بسا گناهانشان پاک شود. >> یکفر عنه سیئاته <<

۵- مقدمه دریافت اجر، پاک شدن از گناه است. >> یکفر عنه سیئاته و یعظم له اجرا <<

۶- تقوی، هم گذشته ها را جبران می کند، >> یکفر عنه سیئاته << هم آینده را تأمین می نماید. >> یعظم

کلمه «أتمروا» از «ایتمار» به معنای پذیرش دستور یا مشورت است که در واقع به معنای توافق و تفاهم بر انجام امری است.

شاید دلیل آن که در ایام عده مسکن زن و مرد یکی است، بستر سازی برای رجوع و فراهم شدن زمینه آشتی باشد. به علاوه که اخراج زن از خانه یا تهیه مسکن جداگانه نوعی توهین و تحقیر در حق زن است و نیز در جدایی تدریجی، پای عقل و عاطفه و فکر و مشورت بیشتر از جدای

دفعی و یکباره به میان می آید و امکان سازش فراهم می شود.

این آیه به مسئله حفظ حقوق و حریم زن، حمل او، تغذیه کودک، شیربها و دایه گرفتن در صورت طلاق اشاره دارد.

در این آیه پنج فرمان آمده است که تمام آنها فرامین عاطفی و عقلی بوده و بستری برای بازگشت به زندگی است:  
>> «اسکنوهنّ، لا تضاروهنّ، فانفقوا علیهنّ، فاتوهنّ اجورهنّ، ائتمروا بینکم بالمعروف» >>

۱- تأمین مسکن زن حتی بعد از طلاق تا مدت ها بر عهده مرد است. >> «اسکنوهنّ» >>

۲- مسکن زن مطلقه باید در همان مکانی باشد که مرد در آن سکونت دارد. (جدایی و طلاق نباید سبب جدایی مسکن شود).  
>> «من حیث سکنتم» >>

۳- مرد، حق ندارد برای صرفه جویی، انتقام و تحقیر، جای نامناسبی را برای سکونت زن انتخاب کند و همسر مطلقه را مجبور به سکونت در آن محل کند. >> «من حیث سکنتم» >>

۴- در انتخاب مسکن، باید به سکینه و آرامش زن توجه شود، نه آنکه فقط سرپناه داشته باشد. >> «اسکنوهنّ من حیث سکنتم» >> (تعبیر به مسکن که از سکینه است به جای بیت، دلالت بر همین معنا دارد).

۵- ملاک در انتخاب مسکن از

نظر کمیّت و کیفیت، مقدار توانایی مرد است، نه میزان توقّع و تقاضای زن. <<من وجدکم >>

۶- مرد حق ندارد به همسری که طلاق داده هیچ ضرری برساند. <<لا تضاروهن >>

۷- مرد حق ندارد برای همسری که طلاق داده هیچ گونه تنگنایی قرار دهد. <<لتضییقوهن >>

۸- تأمین هزینه زنان باردار حتّی در حال طلاق واجب است. <<فانفقوا علیهنّ حتّی یضعن حملهنّ >>

۹- زن مطلقه می تواند در برابر شیر دادن به طفل خود، از شوهر درخواست مزد نماید. <<فاتوهنّ اجورهنّ >>

۱۰- شیر مادر حتّی در صورتی که از شوهر مزد دریافت کند، بهتر از شیر دایه است. <<فان ارضعن لکم فاتوهنّ

اجورهنّ >> ضمناً زنان مطلقه در شیر دادن مختارند. <<فان ارضعن لکم >>

۱۱- مشورت زن و مرد به قدری ارزش دارد که حتّی در شرایط جدایی، اسلام به آن سفارش کرده است. <<وائتمروا

بینکم >>

۱۲- در همه مسایل خانوادگی، ملائک پذیرش عرف و عقل است. <<فامسکوهنّ بمعروف، فارقوهنّ بمعروف، وائتمروا

بینکم بالمعروف >>

۱۳- گرچه مشورت لازم است، گرچه همیشه و همه جا نتیجه نمی دهد. <<و ان تعاسرتم >>

۱۴- اگر زن و مرد به توافق نرسیدند، نباید حقوق طفل معطل بماند. <<فسترضع له اُخری >

۱۵- شیر مادر برای طفل اولویّت دارد و انصراف از آن در صورتی است که انسان در تنگنا قرار گیرد. <<و ان تعاسرتم

فسترضع له اُخری >

۱۶- زن حق ندارد اجرت شیر دادن را به قدری بالا ببرد که مرد در تنگنا قرار گیرد و اگر چنین کند، مرد آزاد است که دایه

بگیرد. <<و ان تعاسرتم فسترضع له اُخری >

۱۷- در تصمیم گیری های خانوادگی باید حقوق نوزاد و کودک حفظ شود:

الف) تا مادامی که کودک در شکم است، پدر هزینه او



را بدهد.

ب) بعد از تولد مادر به او شیر بدهد.

ج) پدر هزینه شیر بها را به مادر بپردازد.

فرمان این آیه که هر کسی به قدر توان خود به همسرش انفاق کند، هم شامل ایام عده می شود، هم شامل ایام شیر دادن همسر طلاق داده شده و هم شامل هر زمان دیگر.

در قرآن، دوازده بار کلمه «عسر» و سی و شش بار کلمه «یسر» آمده است، گویا با هر سختی سه آسانی است. >> سیجعل الله بعد عسر یسراً <<

۱- ملاک در میزان هزینه زندگی، توان مالی مرد است، نه تنگ نظری های مرد و یا خواسته ها یا آرزوهای زن. >> ذوسعه من سعة <<

۲- از ترس آینده، امروز را سخت نگیرید. (هر که دارد خرج کند) >> ذوسعه من سعة <<

۳- حتی در شرایط طلاق، جوانمردی را از دست ندهید. >> ذوسعه من سعة <<

۴- شرط نفقه، دوست داشتن همسر نیست، زن طلاق داده شده نیز تا مدتی واجب النفقه است. >> ذوسعه من سعة <<

۵- انفاق کننده، مال و دارایی خود را از خدا بدانند. >> ممّا اتاه الله <<

۶- هر کس به هر اندازه توان انفاق دارد، انفاق کند. آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید. >> من قدر... فلینفق ممّا اتاه الله <<

۷- فقرا در مقایسه وضع خود با اغنیا، نعمت هایی را که خداوند به آنها داده است از یاد نبرند. >> قدر علیه... اتاه الله <<

۸- تکلیف، به مقدار توان است. >> لا یكلف الله نفساً الاّ ما اتاها << اسلام، دینی واقع گراست و تکلیف فوق طاقت ندارد.

۹- در دست یابی به گشایش، عجله نکنید. >> سیجعل الله <<

۱۰- در شرایط تلخ طلاق و جدایی یا فقر و تنگدستی، امید به آینده را از دست ندهید. >> سیجعل

اللّٰه بعد عسرٍ يُسرًا >>

«قریه» به معنای محل اجتماع مردم برای سکونت است، خواه شهر باشد یا روستا. «عتت» از «عُتُو» به معنای سرپیچی است. «وَبال» به معنای شدت و سنگینی است و مراد عذاب سخت است.

در آیات قبل دستوراتی پیرامون حقوق همسر و فرزند حتی در ایام جدایی مطرح شد، این آیه می فرماید: عمل به دستورات را جدی بگیرید که تخلف از فرمان خدا و رسول کیفری سخت در پی دارد و نمونه های بسیاری از این کیفر را می توان در طول تاریخ مشاهده نمود.

۱- تاریخ و گذشتگان، آئینه ای برای آیندگان است. >> «و کائین من قریه...» >>

۲- سنت خداوند بر کیفر سخت کسانی است که از فرمان خدا و رسول سرپیچی می کنند. >> «و کائین من قریه عتت...» >>

۳- تخلف از فرمان انبیا، تخلف از فرمان خداست. >> «عتت عن امر ربها و رسله» >>

۴- عذاب دنیا، هرچه هم شدید باشد، به اندازه چشیدنی بیش نیست. عذاب مهم در قیامت است. >> «عذابها... فذاقت وبال امرها» >>

۵- سرانجام سرپیچی از فرمان خدا و رسول، خسارت است. >> «عاقبه امرها خسراً» >>

۶- به کامیابی های زودگذر نیندیشیم، پایان کار را در نظر بگیریم. >> «عاقبه امرها خسراً» >>

۱- حساب شدید خداوند، عذاب شدید را به دنبال دارد. >> «حساباً شدیداً... عذاباً شدیداً» >>

۲- آنچه انسان را از حساب و عذاب شدید محافظت می کند، تقوی است.

>> «اعد الله لهم عذاباً شدیداً فاتقوا الله» >>

۳- عقل و ایمان سبب تقوی است. >> «فاتقوا الله یا اولی الالباب الذین آمنوا» >>

۴- عقل و ایمان از یکدیگر جدا نیست. >> «اولی الالباب الذین آمنوا» >>

۵- برای تشویق مردم به انجام تکلیف الهی، از کمالات آن ها نام ببرید. >> «فاتقوا الله یا اولی الالباب الذین آمنوا» >>

۶- تنها خردمندان مؤمن از فرستاده خداوند

استقبال کرده و از تذکرات او بهره مند می شوند. <<یا اولی الالباب الذین آمنوا قد انزل الله الیکم ذکراً>>

۷- هدف از بعثت انبیا و کتاب های آسمانی، تذکر و بیداری مردم است. <<قد انزل الله الیکم ذکراً>>

۸ - عقل از درون و وحی از بیرون، وسیله های نجات بشرنند. <<اولی الالباب... انزل الله الیکم ذکراً>>

هدایت به چند عنصر وابسته است:

الف) هدایت کننده، <<رسولاً>>

ب) هدایت شونده، <<الذین آمنوا و عملوا الصالحات>>

ج) وسیله هدایت، <<آیات بینات>>

د) هدف از هدایت، <<یخرجهم من الظلمات الی النور>>

ه) پاداش پذیرش هدایت، <<یدخله جنّات...>>

کلمه «ذکر» هم برای قرآن به کار رفته است، <<نحن نزلنا الذکر>> <<۲۵۶> و هم برای پیامبر. <<ذکراً رسولاً  
یتلوا...>>، امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: مراد از ذکر در آیه قبل، رسول الله است. <<۲۵۷>

عایشه همسر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در بیان اوصاف پیامبر می گوید: «کان خلقه قرآن» <<۲۵۸> یعنی خلق و  
خوی پیامبر یک پارچه قرآن بود.

۱- انسان می تواند به جایی برسد که وجودش سراپا ذکر خدا باشد. <<ذکراً رسولاً>>

۲- مکتب به تنهایی کافی نیست، وجود رهبر لازم است. <<رسولاً یتلوا>>

۳- برای نجات و خروج مردم از ظلمات به نور، بهترین راه، بیان و رساندن آیات الهی است. <<یتلوا علیکم آیات الله...  
لیخرج الذین آمنوا...>>

۴- دعوت باید روشن و شفاف باشد. <<آیات الله مبینات>> (واژه «مبین» بیش از صد بار در قرآن به کار رفته است  
همچون: <<البلاغ المبین>> <<۲۵۹>، <<قرآن مبین>> <<۲۶۰>، <<سلطاناً مبیناً>> <<۲۶۱>)

۵ - راههای باطل شرک و کفر متعدّد است ولی راه حق، یکی بیشتر نیست. <<الظلمات... النور>> («ظلمات» جمع و «نور»  
مفرد است).

۶- هدف انبیا نجات بشر است. <<رسولاً یتلوا... لیخرج...>>

۷- خارج کردن مردم از ظلمات، در

اصل کار خداوند است، <<اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ>> <۲۶۲> ولی این کار از طریق پیامبران انجام می شود. <<رَسُولاً... لِيُخْرِجَ>>

۸- گرچه هدف انبیا خارج کردن تمام مردم از تاریکی ها به نور است، <<لِيُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ>> <۲۶۳> ولی این هدف تنها در مورد مؤمنین محقق می شود. <<لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا... مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ>>

۹- انسان حتی بعد از ایمان و عمل صالح در ظلماتی به سر می برد که باید از آن خارج شود. <<لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا... مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ>>

۱۰- ایمان و عمل، پیوسته قرین یکدیگرند. <<يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيَعْمَلُ صَالِحاً>>

۱۱- تشویق و تهدید باید متعادل باشد. <<عَذَاباً نَكِرًا... أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا>>

مراد از زمین های هفت گانه، یکی از چند امر است: <۲۶۴>

الف) هفت کره آسمانی که از نظر ساختمان، شبیه زمین هستند.

ب) طبقات هفت گانه زمین که همچون لایه های پیاز رویهم قرار دارند.

ج) اقالیم هفت گانه زمین که دانشمندان جغرافیای قدیم، زمین را به هفت قسمت و قاره تقسیم می کردند.

در این آیه، آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آن ها برای آگاهی انسان به علم و قدرت الهی و معرفت و رشد توحیدی او مطرح شده است. <<لَتَعْلَمُوا...>>

در آیه هفتم سوره هود نیز هدف از خلقت آسمان ها و زمین، آزمایش انسان دانسته شده است. <<وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ... لِيَلْوَكُمَ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا>>

و در آیه ۱۱۹ همان سوره نیز رحمت الهی مبنای آفرینش انسان ذکر شده است. <<إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ>>

و آیه ۵۶ سوره ذاریات، هدف از خلقت انسان را عبادت خدا می داند. <<وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ>>

از مجموع این

آیات می توان چنین نتیجه گرفت که هدف از خلقت هستی و انسان، علم و عمل و عبادت و دریافت رحمت الهی است.

۱- مطمئن باشید که خداوند به وعده های خود وفا می کند، زیرا او چنان قدرتی دارد که هستی را آفریده است. <<یدخله جنات، احسن الله له رزقا، الله الذی خلق>>

۲- هستی دارای نوعی تعادل است. <<سبع سموات و من الارض مثلهن>>

۳- هم آفرینش هستی به دست خداست و هم تدبیر امور آن. <<خلق... یتنزل الامر>>

۴- امر الهی گاهی تشریحی است، <<عتت عن امر ربها>> (۲۶۵) و گاهی تکوینی. <<یتنزل الامر بینهن>>

۵- هستی کلاس درس است. <<خلق... لتعلموا>>

۶- کمال و رشد بشر، محور تمام آفریده هاست. <<لتعلموا>>

۷- علم انسان به نحوه تدبیر نظام آفرینش، مورد توجه اسلام است. <<خلق سبع سموات... یتنزل الامر... لتعلموا...>>

۸- کسی که خالق و آفریننده است، می تواند به آفریده خود احاطه کامل داشته باشد. <<خلق... احاط بكل شیء علماً>>

۹- علم خدا به همه چیز، کامل و دقیق و بدون نقص است. <<احاط بكل شیء علماً>>

«والحمد لله رب العالمین»

### تفسیر انگلیسی

In the first instance the Holy Prophet is addressed individually, as the teacher, leader, guide and vicegerent of Allah. Then the actual directions are addressed to the community collectively

:The Holy Prophet said

"Of all things permitted by law, divorce is the most hateful in the sight of Allah"

While the sanctity of marriage is the essential basis of family life, the incompatibility of individuals and the weaknesses of human nature require certain adjustments and safeguards if that sanctity is not to be made an obsession at the expense of congeniality of human life

Study the general directions and

limitations of divorce in the commentary of Baqarah: ۲۲۷ to ۲۳۷ and ۲۴۱; Nisa: ۳۵ and Ahzab: ۴۹. Iddat, a prescribed period to be observed after the divorce, is a technical term in divorce law, and has been explained in the abovenoted verses. Iddat is in the interest of the wife, the husband, the unborn child (if there is any) and sexual relationship, therefore is essential to maintain a civilised, balanced and orderly human society.

:Aqa Mahdi Puya says

It is commanded to divorce a woman at a time when she is not in the period of menstruation while no cohabitation had taken place.

Abdullah bin Umar made a mistake in divorcing his wife. Bukhari and Muslim narrate that he divorced his wife when she was in menstruation. Knowing this the Holy Prophet asked Abdullah to withdraw his divorce and keep her as a wife till she was free from the monthly course, then wait for her next menstruation and when she became clear again he could divorce her without cohabitation.

The concluding words give the reason for the iddat. It also makes it clear that three pronouncements of divorce in a single space of time is illegal. This portion says that a reconciliation is possible, and is recommended, at any stage, which is not possible if three announcements as above are made.

.For the teachings of the Imams of the Ahl ul Bayt see commentary of Baqarah: ۲۳۱

If desire and commitment "to safeguard against evil with full awareness of divine laws" exists, Allah often provides a solution in the



most unexpected ways: worst enemies reach compromise and reconciliation,  
.seemingly separated hearts are united and apparently irreparable injuries are healed

Perchance Allah may bring about some new situation" in verse ۱ and "Allah will make"  
a way out for him" in verse ۲ verify the Shi-ah point of view that there should be  
intervals in the ۳ pronouncements of talaq, so as to give opportunity to husband and  
.wife for reconciliation

If "WA MAN YATTAQILLAHA YAJ-AL LAHU MAKHRAJA" in verse ۲ and the whole verse  
۳ is recited ۱۰۰ times after praying a ۲ rak-at salat after midnight before daybreak in ۴.  
.consecutive nights, the promise of "a new situation" and "a way out" will be fulfilled

See commentary of Baqarah: ۲۳۱ and Nisa: ۳۵ for the rights of the wife and the  
.husband

It is said that when verse ۳ was revealed some simple-minded companions stopped  
making efforts to earn their livelihood, sat in their homes and recited this verse.  
Dependence upon Allah means not to rely upon people, events and sources for the  
fruits of labour but have full faith in Allah that He alone will return the recompense of  
labour, intelligence, learning and application man puts in his efforts to earn his  
sustenance, proportionate to that which has been invested. Allahs universal plan is  
always good and just. His ordering of the universe observes a due, just and perfect  
.proportion

He who depends on Allah (i) give thanks to Allah when he receives His bounties, (ii)  
never complains, nor turns to others, but bears with patience if

he finds himself in distress and in want of earthly goods, (iii), gives what he is given by Allah to those who are in need and come to him for help

For the waiting period (iddat) prescribed for women who have normal monthly course, or irregular monthly course, or carry life in their wombs refer to fiqh

Allahs commands are not arbitrary. They help us, lead us to our good, temporal and spiritual. If we obey His commands, His wisdom and guidance solve our difficulties, remove the stink of immorality and ungodliness from our hearts and create in us discipline and order

Those who disobey Allahs commands, and transgress the limits prescribed by Him, suffer humiliation and loss in this life and earn eternal punishment in the hereafter. Call to mind the fate of the people of Nuh, Salih, Lut, Shu-ayb and Firawn in the days of Musa, narrated in Araf, Hud, Yunus and other surahs and take warning. Laws relating to our fellow-beings in society, to our families and children in matters such as explained in the verses referred to above and in this surah are as important as any in our spiritual life. Those who take these laws light perish in this world and will suffer sure punishment in the hereafter

(see commentary for verse ۱)

(see commentary for verse ۱)

(see commentary for verse ۱)

(see commentary for verse ۱)

(see commentary for verse ۱)

(see commentary for verse ۱)

(see commentary for verse ۱)

(see commentary for verse ۱)

.Refer to the commentary of Baqarah: ۲۵۷; Ma-idah: ۱۵ and Nur: ۳۵ to ۳۸

Aqa

:Mahdi Puya says

Rasulan, in appositional case, qualifies dīkr. The function stated here is that the signs of Allah are recited by him, therefore Jibrail is not referred to, but anzala is mostly used for the Quran, though in wider sense it can be used for other things as in Hijr: ٢١. The internal evidence suggests that it refers to the Holy Prophet. So dhikr is another .divine title of the Holy Prophet whose life is a perfect example of remembering Allah

(see commentary for verse ١٠)

For sab-a samawat refer to the commentary of Baqarah: ٢٩, Muminun: ١٧ and Saffat:

.٤

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹